

فصل نامه «مشرق موعود» براساس نامه شماره ۳/۱۱/۱۴۳۳ مورخه ۱۳۸۸/۹/۱ کمیسیون نشریات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از شماره نهم تا بیستم و براساس نامه شماره ۳۱/۵۷۸۱ مورخه ۱۳۹۱/۱۲/۵ شورای اعطای مجوزها و امتیازهای علمی حوزه، از شماره بیستم به بعد دارای درجه علمی - پژوهشی است.

هیئت تحریریه براساس حروف الفبا:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر اکبریان، رضا
استاد دانشگاه تربیت مدرس تهران

حجت الاسلام والمسلمین دکتر بهروزی لک، غلامرضا
استاد علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع) قم

حجت الاسلام والمسلمین دکتر پارسنیا، حمید
دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه تهران

حجت الاسلام والمسلمین پورسیدآقای، سیدمسعود
استاد حوزه علمیه قم

حجت الاسلام والمسلمین دکتر جعفری، جواد
استاد حوزه علمیه قم

حجت الاسلام والمسلمین دکتر خسروپناه، عبدالحسین
استاد پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی قم

حجت الاسلام والمسلمین دکتر سهرابی، صادق
عضو هیئت علمی مرکز تخصصی آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) قم

حجت الاسلام والمسلمین دکتر نجارزادگان، فتح الله
استاد دانشگاه تهران (پدیس قم)

حجت الاسلام والمسلمین هادی زاده، محمدتقی
استاد حوزه علمیه قم

مدیرمسئول و سردبیر:

سیدمسعود پورسیدآقای

مدیر داخلی و دبیر تحریریه:

مجتبی خانی

ویراستار:

گروه ویرایش مؤسسه آینده روشن

حروف نگار:

ناصراحمدپور

صفحه آرا:

علی جواد دهقان

طراح جلد:

ابوالفضل بیگدلی نسب

چاپخانه:

بوستان کتاب

همکاران این شماره:

استاد سیدمسعود پورسیدآقای، دکتر

سعید بخشی، دکتر نصرت الله آیتی و

دکتر مصطفی ورمزیار

دفتر نشریه: قم، خیابان شهدا (صفاییه)، کوچه ۲۵، پلاک ۲۷

تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۸۴۰۰۸۰ دوزنگار: ۰۲۵ - ۳۷۷۳۳۳۴۶

صندوق پستی: ۴۷۱ - ۳۷۱۸۵ کدپستی: ۴۵۶۵۱ - ۳۷۱۳۷

مرکز پخش: قم، خیابان شهدا (صفاییه)، کوچه ۲۵، پلاک ۲۷، تلفن: ۳۷۸۴۰۹۰۲

شمارگان: ۱۰۰ قیمت: ۲۹۵۰۰۰ ریال

پست الکترونیک ارسال مقالات: mashreq110@gmail.com - mashreq110@yahoo.com

سایت های دسترسی به مقالات: www.magiran.com - www.noormags.ir

وبسایت نشریه: mashreqmag.sinaweb.net

«این نشریه در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام ISC و پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی SID نمایه می شود»



همه انسان‌های طول تاریخ، نسبت به این پدیده عظیم و شگفت‌آور (ظهور
منجی بشریت)، احساس نیاز معنوی و قلبی کرده‌اند؛ چون تاریخ از اول تا
امروز و از امروز تا لحظه طلوع آن خورشید جهان‌تاب، با ظلم، بدی و پلیدی
آمیخته بوده است.

مقام معظم رهبری (دامت برکاته)

فهرست عناوین

۷.....	نقش جوانان در تحقق انقلاب اسلامی مبتنی بر تیپ‌شناسی جوان در قرآن.....	محمدعلی ریحانی‌نیا
۲۹.....	آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی با رویکرد زمینه‌سازی ظهور.....	مصطفی رضایی
۴۵.....	جامعه‌پذیری مهدوی جوانان در عصر انفجار اطلاعات.....	علی میرزا محمدی، امیرمحمد میرزا محمدی
۶۵.....	تبیین نقش اندیشه مهدویت در جهت دادن به آرمان‌های نسل جوان.....	سیدمسعود پورسیدآقایی، احمد افتخاری اکمل
۸۷.....	رهبری در انقلاب اسلامی و انقلاب روسیه (بررسی مقایسه‌ای).....	علیرضا زمزم
۱۰۷.....	نقش تحول‌خواهی جوانان در تحقق آرمان‌های مهدوی.....	خداامراد سلیمیان
۱۲۵.....	بررسی مسئله انتظار فرج در بستر انقلاب اسلامی با توجه به نظریه مثبت‌اندیشی و امید در روان‌شناسی.....	پویان لاری‌زاده
۱۴۹.....	واکاوی نقش خواص شیعه در تثبیت مفهوم انتظار و ارتقاء امید به جوانان.....	طاهره محقق

فصل نامه «مشرق موعود» از مقالات پژوهشی اساتید محترم حوزه و دانشگاه در موضوع امامت و مهدویت با تمامی رویکردهای تخصصی استقبال می‌کند.

راهنمای تدوین مقالات

الف) شرایط تدوین و ارسال مقالات

۱. مقاله به‌طور همزمان به دیگر مجلات ارسال نشده و یا در جای دیگر منتشر نشده باشد.
۲. مقاله با مباحث امامت و مهدویت، ارتباط مستقیم داشته باشد.
۳. مقاله دارای محتوای پژوهشی (مسئله‌محور و دارای نوآوری) باشد.
۴. نویسنده مقاله دارای درجه دکتری یا سطح چهار حوزوی (حداقل استادیار) باشد، یا از راهنمایی شخصی با این شرایط بهره گیرد.
۵. مقاله باید در ۱۵ تا ۲۵ صفحه A4 با فرمت word حروف چینی شده و فایل و پرینت آن به دفتر نشریه ارسال گردد. (حداکثر ۷۵۰۰ کلمه)
۶. ساختار مقاله باید دربرگیرنده این موارد باشد: عنوان مقاله (منعکس کننده محتوای مقاله و تا حد ممکن موجز)، چکیده (چکیده فارسی و انگلیسی، حداقل یکصد و حداکثر دویست کلمه)، واژگان کلیدی (حدود هفت واژه پس از چکیده)، مقدمه، مباحث تفصیلی، نتیجه‌گیری و پیشنهاد، فهرست منابع (به ترتیب الفبا بر اساس نام خانوادگی نویسنده).

۷. درج نشانی کامل پستی، شماره تماس، پست الکترونیک نویسنده یا نویسندگان، مقطع تحصیلی (دکتری، یا ...)، گرایش تحصیلی (علوم قرآنی، یا ...)، رتبه علمی (استاد، دانشیار و...) و تعیین نویسنده مسئول الزامی است.

ب) روش ارجاع به منابع در متن و پایان مقاله

۱. آدرس دهی مقاله باید به روش APA (درون متنی) باشد و از درج پاورقی یا پی نوشت پرهیز شود. آدرس دهی به کتاب ها و نشریات در متن، پس از پایان مطلب در داخل پرانتز و بدین صورت انجام می پذیرد: نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار کتاب، صفحه. مانند: (نعمانی، ۱۴۰۸: ۲۵۳). روش آدرس دهی به کتاب های چند جلدی نیز بدین شکل است: (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۱۷۴). ممکن است در کتب روایی «باب» و «حدیث» نیز به آن افزوده گردد که به شکل: (...، ب ۴، ح ۹) ذکر می شود. آدرس دهی به نشریات نیز مانند کتاب هاست و ابتدا نام خانوادگی نویسنده، سپس سال انتشار نشریه و بعد شماره صفحه مطلب مورد اشاره نوشته می شود. همچنین، در آدرس دهی به آیات قرآن، تنها نام سوره و شماره آیه بدین شکل می آید: (انبیاء: ۱۰۵)

۲. فهرست منابع در پایان مقاله به ترتیب ذیل می آید:

برای درج مشخصات کتاب: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، سال نشر (داخل پرانتز)، نام کتاب، ترجمه یا تصحیح یا تحقیق: نام و نام خانوادگی مترجم یا مصحح یا محقق، شهر محل انتشار، انتشارات، نوبت چاپ.

برای درج مشخصات نشریات: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، سال نشر (داخل پرانتز)، «نام مقاله»، نام نشریه، شماره، محل نشر، سازمان یا مؤسسه یا ارگان منتشر کننده.

ج) تذکرات

۱. نظریات مندرج در مقالات، الزاما بیان گر دیدگاه های مجله نبوده و مسئولیت آن به عهده نویسنده آن است.

۲. مجله در ویرایش، تلخیص، تقطیع، پذیرش یا رد مقالات آزاد است.

۳. مقالات ارسالی به هیچ وجه پس فرستاده نمی شوند و نویسنده محترم می تواند پیش از ارسال، از مقاله خود کپی تهیه کند.

۴. نقل مطالب مجله با ذکر مأخذ بلامانع است.

۵. از نظریات اندیشه وران، جهت ارتقای کیفی مجله استقبال می شود.

The role of youth in the realization of the Islamic revolution based on the typology of youth in the Qur'an

Dr. Mohammad Ali Rehaninia ¹

Abstract

Revolution means a basic and fundamental change, revolution means a transformation and a deep fundamental transformation from the roots in a society. The present study explains the role of youth in the realization of the Islamic Revolution based on the typology of youth in the Qur'an. In this research, the three personality types of young people in the Quran and its various examples are explained with a descriptive-analytical method, and the role of each personality type in the realization of the Islamic Revolution is expressed. By examining the verses of the Qur'an with a focus on young people, three types of young personality types were deduced from the perspective of the Holy Qur'an; A passionate and emotional young man, a self-contained and pious young man, a transformative and civilization-creating young man. The most important characteristics of young people who play a role in the realization of the Islamic revolution are: a young person who does not get emotional and takes advantage of emotions combined with reason; A youth who does not associate with false people and does not get in the way of creating enemies, a youth who does not show off and show off under the influence of youthful feelings, a youth who does not waste prayer and does not follow lusts, a youth who acts with insight, planning and rationality. A pious and self-preserved young man; Believer, chaste, possessing the spirit of monotheism, patience and sacrifice, forgiveness and forgiveness, young transformative and civilization builder; A young man who is like Ibrahim? He is an idol breaker and anti-corruption, a young man who, like Moses? He is a seeker of justice and a supporter of the oppressed, a young man who has jihad and sincere action, a young man who has the necessary knowledge and physical ability, a revolutionary young believer.

Keywords: Young, revolution, typology, Quran, civilization maker, believer

1. Assistant Professor of Islamic Studies at Farhangian University of Birjand

نقش جوانان در تحقق انقلاب اسلامی مبتنی بر تیپ‌شناسی جوان در قرآن*

محمدعلی ریحانی‌نیا^۱

چکیده

انقلاب به معنای تحول اساسی و بنیادین است، انقلاب یعنی یک تحول و یک دگرگونی عمیق بنیادی از ریشه در یک اجتماع. پژوهش حاضر نقش جوانان در تحقق انقلاب اسلامی را براساس تیپ‌شناسی جوان در قرآن تبیین می‌نماید. در این تحقیق تیپ‌های شخصیتی سه‌گانه جوان در قرآن و مصادیق مختلف آن، با روش توصیفی - تحلیلی تبیین می‌شود و نقش هر تیپ شخصیتی در تحقق انقلاب اسلامی بیان می‌گردد. با بررسی آیات قرآن با محوریت جوان، سه نوع تیپ شخصیتی جوان از منظر قرآن کریم استنباط گردید؛ جوان جوگیر و احساساتی، جوان خودنگهدار و پارسا، جوان تحول‌آفرین و تمدن‌ساز. مهم‌ترین شاخصه‌های جوان نقش‌آفرین در تحقق انقلاب اسلامی عبارتند از: جوانی که جوگیر و احساساتی نشود و از احساسات توأم با عقل بهره‌گیری نماید؛ جوانی که با اهل باطل همنشینی نکند و در مسیر جوآفرینی دشمنان قرار نگیرد، جوانی که تحت تأثیر احساسات جوانی به خودنمایی و تجمل‌پرستی نپردازد، جوانی که نماز را ضایع نکند و از شهوات پیروی ننماید، جوانی که با بصیرت، تدبیر و عقلانیت عمل نماید، جوان پارسا و خودنگهدار؛ مؤمن، پاکدامن، دارای روح توحیدی، صبر و ایثار، عفو و گذشت، جوان تحول‌آفرین و تمدن‌ساز؛ جوانی که مانند ابراهیم علیه السلام بت‌شکن و فسادستیز است، جوانی که چون موسی علیه السلام عدالت‌طلب و حامی مظلومان است، جوانی که دارای اقدام جهادی و خالصانه است، جوانی که از دانش لازم و توانایی جسمی برخوردار است، جوان مؤمن انقلابی.

واژگان کلیدی

جوان، انقلاب، تیپ‌شناسی، قرآن، تمدن‌ساز، مؤمن.

مقدمه

نقش جوانان در تحقق انقلاب اسلامی چیست؟ انقلاب به معنای تحول اساسی و بنیادین

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۲۹

۱. استادیار معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان بیرجند (rehaninia@cfu.ac.ir).

است. «انقلاب یعنی یک تحول و یک دگرگونی عمیق بنیادی از ریشه در یک اجتماع». «اگر بنا شد که یک ساختمانی را که ساخته و پرداخته و تمام شده است، مثلاً فرض کنید یک هتل را بخواهند تبدیل کنند به یک مسجد؛ فرض بفرمائید که یک عمارت بانک را بخواهند تبدیل کنند به یک سالن سخنرانی؛ یک خانه مسکونی را بخواهند تبدیل کنند به یک مرکزی که برای سکونت خانوادگی نیست؛ چه کار باید بکنند؟ بایستی تمام شالوده‌ها و زیربناها و پایه‌ها و بنیان‌ها را عوض کنند. نمی‌شود بگویند که ما یک رنگش می‌زنیم، از صورت خانه بودن خارجش می‌کنیم، می‌کنیمش مسجد؛ نه! چنین چیزی نمی‌شود» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲ش: ۲۷۹-۲۸۰).

پژوهش حاضر نقش جوانان در تحقق انقلاب اسلامی را براساس تیپ‌شناسی جوان در قرآن تبیین می‌نماید. اگر گفته شود مهم‌ترین مخاطب قرآن، جوان است، سخنی گزافه نخواهد بود. از این‌رو ضروری می‌نماید، تیپ‌شناسی جوان از منظر قرآن تبیین گردد و نقش هر تیپ شخصیتی در تحقق انقلاب اسلامی روشن شود. جوانانی که انقلاب اسلامی را به معنای واقعی کلمه تحقق بخشند و انقلاب و تحولی بزرگ در جامعه به وجود آورند که مقصود اسلام عزیز است، می‌توانند زمینه‌ساز ظهور منجی موعود حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف باشند.

در این تحقیق تیپ‌های شخصیتی سه‌گانه جوان در قرآن و مصادیق مختلف آن، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و نرم‌افزاری و با روش توصیفی - تحلیلی تبیین می‌شود و نقش هر تیپ شخصیتی در تحقق انقلاب اسلامی بیان می‌گردد. اگرچه در موضوع انقلاب اسلامی و چگونگی تحقق آن و موضوع جوان در قرآن، برخی تحقیقات انجام گرفته است، لیکن مسئله پژوهش پیش‌رو یعنی بررسی «نقش جوانان در تحقق انقلاب اسلامی مبتنی بر تیپ‌شناسی جوان در قرآن»، فاقد پیشینه خاص است و این پژوهش حداقل دارای دو نوآوری روشی و ساختاری می‌باشد:

یک) تیپ‌شناسی جوان در قرآن چنان‌که در این پژوهش سامان یافته، در تحقیقی دیگر یافت نگردید؛

دو) ارتباط بین نقش جوانان در تحقق انقلاب اسلامی و تیپ‌شناسی جوان در قرآن، تبیین گردیده است.

مفهوم‌شناسی جوان

به هر چیزی که از عمر او چندان نگذشته باشد، جوان گفته می‌شود (دهخدا، ۱۳۷۲ش:

ج ۵، ۶۹۳۰). جوان در مقابل پیر است. واژه «جوانی» اشاره به مرحله‌ای از زندگی انسان دارد که در آن قوای جسمی و روحی بشر در بالاترین درجه قرار دارد و به عبارت دیگر، تمامی استعدادهای درونی و بیرونی انسان در اوج شکوفائی و ثمردهی است.

قرآن کریم با تعبیرات گوناگونی به دوران جوانی انسان اشاره نموده است و در برخی آیات نیز بدون آن که تعبیر خاصی ذکر شود، ماجرایی یک جوان تبیین گردیده است (ر.ک: هاشمی رفسنجانی و همکاران، ۱۳۸۴ ش: ج ۱۰، ۷۲-۷۹). اینک برخی تعبیرات قرآنی که درباره جوان به کار رفته است تبیین می‌گردد:

۱. دوران قوت و قدرت

قرآن کریم دوران جوانی را دوران قوت بین دو ضعف کودکی و پیری می‌داند، خدای تعالی می‌فرماید:

﴿اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَ شَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَ هُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ﴾ (روم: ۵۴)؛

خداست که شما را از ضعف آفرید، آن‌گاه پس از ضعف قوت بخشید، سپس بعد از قوت، ناتوانی و پیری قرار داد. هرچه بخواهد می‌آفریند و اوست که دانا و قدرتمند است.

دوران جوانی، دوران نیرومندی و توانمندی است؛ بازوی آدم قوی است، قوای جنسی آدم قوی است، چشم آدم قوی است، جسم آدم قوی است، هوش و استعداد آدم قوی است. قرآن می‌فرماید: بین دو دوره ضعف، ضعف کودکی و ضعف پیری قرار دارد. اول یک ضعف است، بعد هم یک ضعف است، وسط اینها دوران قوت و قدرت جوانی است. جوان باید این دوران نیرومندی و توانمندی را قدر بداند و از آن در مسیر صحیح استفاده نماید.

۲. بلوغ اشد

در آیات متعددی دوران جوانی انسان در قرآن تحت عنوان «بلوغ اشد» معرفی گردیده است: اشد از ماده شد (بر وزن جد) به معنی گره محکم است، سپس توسعه یافته و به هر گونه استحکام جسمانی و روحانی گفته شده است و منظور از اشد در این جا رسیدن به حد بلوغ است، ولی بلوغ جسمانی در این جا کافی نیست، بلکه باید بلوغ فکری و اقتصادی نیز باشد، به گونه‌ای که یتیم بتواند اموال خود را حفظ و نگهداری کند و انتخاب این تعبیر برای همین منظور است که البته باید از طریق آزمایش قطعی مشخص گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش:

ج ۱۲، ۱۱۰).

بلوغ آشد به طور کلی دلالت بر مرحله‌ای از حیات انسان می‌کند که در آن قوای جسمانی و عقلانی به نهایت رشد و استقامت و قوت خود می‌رسد و طبیعتاً منظور دوران جوانی است.

۳. فتی

واژه «فتیه» و دیگر مشتقات آن از دیگر واژگانی است که در قرآن درباره جوان به کار رفته است:

واژه فتی در لغت به معنای طراوت و جوانی است (ر.ک: فراهیدی، بی‌تا: ج ۸، ۱۳۷؛ ابن فارس، بی‌تا: ج ۴، ۴۷۳؛ راغب اصفهانی، بی‌تا: ۶۲۵). مصطفوی در بیان تفاوت فتی با شاب می‌نویسد:

فتی، مرد قوی مدبر عاقل است و شاب اعم از آن است (مصطفوی، بی‌تا: ج ۹، ۲۸).

کلمه فتیه جمع سماعی فتی است و فتی به معنای جوان است و این کلمه خالی از شائبه مدح نیست و منظور از آن، جوان خوب می‌باشد (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ج ۱۳، ۲۴۷).
طبرسی در تفسیر فتیه می‌نویسد:

اصحاب کهف جوانانی بودند که به پروردگار خود ایمان آوردند و ما بر بصیرت آنها افزودیم و به لطف خود در راه ایمان، آنها را استوارتر کردیم. خداوند آنها را جوان نامیده است؛ زیرا جوانی، دوره شکوفا شدن ایمان است. برخی گفته‌اند: جوانی دوره بذل و بخشش و ترک آزار و اذیت و شکایت است. برخی گفته‌اند: منظور، ترک محرمات و داشتن خصال نیکوست (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ج ۶، ۷۰۰).

در روایتی آمده است:

امام صادق علیه السلام از مردی پرسیدند: «فتی» به نظر شما کیست؟ آن شخص جواب داد: جوان. امام صادق علیه السلام فرمودند: خیر، مراد از «فتی» مؤمن است. مگر نمی‌دانی اصحاب کهف مردان کاملی بودند، پس خداوند آنان را به خاطر ایمان و تقوای شان، جوان نامید (عیاشی، ۱۳۸۰ق: ج ۲، ۳۲۳).

بنابراین از دید قرآن جوان به قدرت بازو و سن و سال نیست؛ بلکه به قدرت ایمان می‌باشد. اصحاب کهف جوان نبودند و لیکن قرآن آنها را جوان نامید، برای این که جوان با قدرت ایمان است که توانایی تغییر و انقلاب را دارد و می‌تواند راه و روش خود را عوض کند. قرآن تعبیر به «فتیه» کرد تا برساند که آنان جوانان عادی بودند نه پیغمبر، رسول و ولی خاص (قمی،

۱۳۷۷ش: ۷). خلاصه آن که قرآن جوان را با جوانمردی‌اش می‌شناسد و جوانمرد کسی است که دارای نیروی ایمان و تقوا باشد «یکی از برجسته‌ترین آثار جوانی، شادابی و نشاط است. از نظر اسلام، باورهای صحیح و کردارهای نیک، رمز تداوم نشاط و شادابی جوانی است» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۹ش: ۱۶).

۴. غلام

واژه «غلام» از ریشه «غلم یغلم غلما» به معنای غلبه و تهییج شهوت است و به دوران بر صورت موی و سبیل در آوردن، گفته می‌شود (ر.ک: فراهیدی، بی‌تا: ج ۴، ۴۲۲؛ ابن فارس، بی‌تا: ج ۴، ۳۸۷؛ راغب اصفهانی، بی‌تا: ۶۱۳).

از تعبیرات مختلفی که در لغت عرب آمده می‌توان استفاده کرد که «غلام» حد فاصل میان «طفل» (کودک) و «شاب» (جوان) است که در زبان فارسی از آن تعبیر به «نوجوان» می‌کنیم (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش: ج ۱۹، ۱۱۰).

حاصل آن که جوانی بهترین دوران زندگی و بهار عمر انسان و دوران قوت و قدرت انسان است و از این فرصت بی‌نظیر و نیرومندی و توانمندی باید در جهت صحیح استفاده گردد.

جوان از دیدگاه دین و روان‌شناسی

دوره جوانی یکی از دوره‌های حساس زندگی انسان است که دارای ویژگی‌های خاص خود است. جوان در این دوره دستخوش تحولات گسترده‌ای می‌شود که اگر با آگاهی با آنها روبرو نشود، به ناکامی‌های جبران‌ناپذیری دچار می‌گردد.

الف) برخی ویژگی‌های دوره جوانی

۱. ترس‌ها: جوان گرچه به ظاهر فردی متهور و بی‌باک و قدرتمند است ولی در عین حال، گاهی دچار ترس‌های متعددی است که زندگی او را تاریک می‌کند؛

۲. تنش‌های روانی شدید: جوان بسیاری از مواقع خواسته‌های خود را به صورت منطقی بیان نمی‌کند و با خشم و پرخاشگری می‌خواهد مسائلش را حل کند؛

۳. امید و آرزو: دوران جوانی دوران آرزو و امید و دوران شور و نشاط است؛

۴. عشق و هیجان: جوانی دوران عشق و هیجان و احساسات شدید و آتشین است؛

۵. آرمان‌گرایی: جوان فردی آرمان‌گرا و بلندنظر است (ر.ک: فراهانی، ۱۳۸۸ش: ۱۳۵-۱۵۴).

ب) آسیب شناسی دوره جوانی

به همان اندازه که جوانان از لطافت و صفا برخوردارند، به همان اندازه و بلکه بیشتر در معرض مبتلا شدن به آسیب های گوناگونند. مهم ترین عوامل و زمینه های آسیب پذیری جوانان عبارتند از: فقر ایمانی، ناپختگی، کاهش آستانه تحمل، خیال بافی، نگرانی از معیشت، نداشتن اعتدال (ر.ک: سبحانی نیا، ۱۳۹۹: ۱۹۱-۱۹۸).

ج) آموزه های تربیتی دوران جوانی

از آیات و احادیث استفاده می شود که در مورد تربیت جوان لازم است به نکات زیر توجه شود:

۱. تربیت اعتقادی براساس مطالعات تخصصی؛
۲. به قرائت قرآن جوانان توجه شود؛
۳. به امور معنوی جوانان توجه شود (اما زیاده روی نشود)؛
۴. به ازدواج آنها توجه شود؛
۵. صفات نیکو مثل سخاوت در جوانان تقویت شود؛
۶. آداب اجتماعی (مثل احترام به کهنسالان) در آنان نهادینه شود؛
۷. بعد از رشد جسمی و روحی جوان، مسئولیت ها به آنان واگذار شود (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۴: ج ۳، ۳۷۸).

تیپ شناسی جوان در قرآن و چگونگی تحقق انقلاب اسلامی

از آیات فراوانی که با تعبیرات یاد شده یا بدون آن، به جوان و دوران جوانی اشاره نموده است، سه نوع تیپ شخصیتی جوان در قرآن استنباط می گردد. پژوهش پیش رو به تبیین آن و نقش هر تیپ شخصیتی در چگونگی تحقق انقلاب اسلامی می پردازد.

یک) جوان جوگیر و احساساتی

در وجود انسان، دو عنصر مهم و محوری وجود دارند که عبارت اند از: عقل و احساسات. عقل، بر منطق و استدلال متکی است و درباره مسائل مختلف، با محاسبه و سنجش صحیح، قضاوت می نماید؛ اما احساس، با منطق و استدلال سر و کار ندارد؛ بلکه هدف آن، ایجاد هیجان و جنبش برای رسیدن به نتیجه مطلوب است. با فرا رسیدن سن بلوغ، تمایل جنسی و سایر خواهش های عاطفی جوان رشد کرده؛ اما از سوی دیگر، عقل جوان به مرحله پختگی

نرسیده است. از این رو، قدرت مقابله با احساسات را ندارد. این موضوع، موجب می‌شود که جوانان در معرض آسیب قرار داشته باشند. بنابراین، جوان باید با بهره‌گیری از احساسات توأم با عقل، مسیر زندگی را طی کند و از اطاعت بی‌چون و چرای احساسات بپرهیزد (ایزدهی، ۱۳۹۴ ش: ۳۸۰). فرصت جوانی برای هر جوانی، بهار شکوفایی استعدادهای انسانی نیست؛ بلکه بهره‌گیری از این فرصت، نیاز به مقدماتی دارد که باید توسط جوانان، فراهم گردد (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۹ ش: ۲۱). از جمله این مقدمات را می‌توان احساساتی تصمیم‌نگرفتن، احساساتی عمل نکردن، جوگیر نشدن، در امور لهو و لعب و باطل فرو رفتن، عدم پیروی از هواهای نفسانی و عدم همنشینی با اهل باطل دانست.

تیپ شخصیتی جوان جوگیر و احساساتی در قرآن کریم از آیات ذیل استنباط می‌گردد:

- «و کنا نخوض مع الخائضین» (مدثر: ۴۵)؛

و با باطل‌گرایان در باطل فرو می‌رفتیم.

اگرچه در این آیه نامی از جوان نیامده است، اما عمومیت دارد و اطلاق آیه، جوان و غیرجوان را شامل می‌شود، لیکن جوانان به دلیل ویژگی احساساتی بودن، بیشتر در معرض خطر احساساتی تصمیم‌گرفتن و جوگیر شدن قرار دارند که نتیجه آن فرو رفتن در باطل و هضم شدن در جو آلوده جامعه است. در آیات قبل علت جهنمی شدن مجرمان پرسش شده که چهار پاسخ ذکر شده؛ سومین پاسخ این است که: با باطل‌گرایان در باطل فرو می‌رفتیم. پسر نوح مصداق قرآنی جوان جوگیر است که از پدرش پیروی نکرد و از اهل باطل تبعیت نموده و هلاک گردید. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

و کشتی، آنان را در میان امواجی کوه‌آسا، می‌برد؛ و نوح پسرش را که در کناری بود ندا کرد: ای پسرک من، با ما سوار شو و با کافران مباش * گفت: به زودی به کوهی پناه می‌برم که مرا از طغیان آب حفظ می‌کند. گفت: امروز در برابر فرمان خدا هیچ نگاه دارنده‌ای نیست، مگر کسی که خدا بر او رحم کند. و موج میان آن دو حایل شد و او از غرق شدگان گردید (هود: ۴۲-۴۳).

در فتنه‌های مختلف از جمله فتنه «زن، زندگی، آزادی» در پائیز ۱۴۰۱ برخی از جوانان تحت تأثیر فضای مجازی و جوسازی و جوآفرینی دشمنان، جوگیر و احساساتی شدند و آسیب‌ها و فجایع جبران‌ناپذیری را برای کشور و مردم عزیزمان به وجود آوردند. چنین حرکاتی مانع تحقق انقلاب اسلامی و اهداف مقدس آن می‌باشد. بر این اساس جوانانی که به دنبال تحقق انقلاب اسلامی و اهداف و آرمان‌های بلند آن هستند، نباید در مسائل گوناگون سیاسی و اجتماعی،

جوگیر شوند و احساساتی عمل نمایند، بلکه می‌بایست با بصیرت و اطاعت از ولی، تدبیر و عقلانیت رفتار نمایند.

- «اعلموا أنما الحياة الدنيا لعب ولهو وزينة و تفاخر بينكم و تكاثر في الأموال و الأولاد...» (حدید: ۲۰)؛

بدانید که زندگی دنیا جز بازی و سرگرمی و زینت و فخر فروشی نسبت به یکدیگر و فزون خواهی در اموال و اولاد نیست.

این آیه ترسیم‌گویی از وضع زندگی دنیا و مراحل مختلف و انگیزه‌های حاکم بر هر مرحله را ارائه داده است. نخست «دوران کودکی» است که زندگی در هاله‌ای از غفلت و بی‌خبری و لعب و بازی فرو می‌رود. سپس مرحله «نوجوانی» فرا می‌رسد و سرگرمی جای بازی را می‌گیرد و در این مرحله انسان به دنبال مسائلی است که او را به خود سرگرم سازد و از مسائل جدی دور دارد. مرحله سوم مرحله «جوانی» و شور و عشق و تجمل‌پرستی است. از این مرحله که بگذرد مرحله چهارم فرا می‌رسد و احساسات «کسب مقام و فخر» در انسان زنده می‌شود. و سرانجام به مرحله پنجم می‌رسد و در این مرحله به فکر افزایش مال و نفرات و جمع ثروت می‌افتد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش: ج ۲۳، ۳۵۲).

از این رو جوانی که تحت تأثیر احساسات جوانی به خودنمایی و تجمل‌پرستی بپردازد، نمی‌تواند در تحقق انقلاب اسلامی و زمینه‌سازی برای تحقق انقلاب عدالت‌گستر جهانی مهدوی، نقش ایفا نماید.

- «فخلف من بعدهم خلف أضاعوا الصلاة و اتبعوا الشهوات فسوف يلقون غيا» (مریم: ۵۹)؛

آن‌گاه پس از آنان نسلی به جای‌شان آمدند که نماز را تباه ساختند و از هوس‌ها پیروی کردند؛ پس به زودی با شر و نکبتی [بزرگ] رو به رو خواهند شد.

این آیه از گروهی که از مکتب انسان‌ساز انبیاء جدا شدند و پیروانی ناخلف از آب در آمدند سخن می‌گوید و قسمتی از اعمال زشت آنها را بر می‌شمرد. «خلف» (بر وزن برف) به معنی فرزندان ناصالح و به اصطلاح «ناخلف» است در حالی که «خلف» (بر وزن صدف) به معنی فرزند صالح است. چرا از میان تمام عبادات، روی نماز در این جا انگشت‌گذاری شده؟ شاید دلیل آن این باشد که نماز چنان‌که می‌دانیم سدی است در میان انسان و گناهان، هنگامی که این سد شکسته شد، غوطه‌ور شدن در شهوات، نتیجه قطعی آنست و به تعبیر دیگر همان‌گونه که پیامبران، ارتقاء مقام خود را از یاد خدا شروع کردند و به هنگامی که آیات خدا بر آنها خوانده

می‌شد به خاک می‌افتادند و گریه می‌کردند، این پیروان ناخلف سقوط و انحراف‌شان از فراموش کردن یاد خدا شروع شد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش: ج ۱۳، ۱۰۲).

اقامه نماز که بالاترین ذکر خداست، جامعه را به سوی معنویت سوق می‌دهد، اما جامعه‌ای که نماز را ضایع کند به سوی شهوات روی می‌آورد و از معنویات دور می‌شود. جوانی نیز که تحت تأثیر قوت و قدرت و احساسات جوانی، نماز را ضایع نماید و به شهوات روی آورد، از معنویات دور خواهد ماند و نمی‌تواند در تحقق انقلاب اسلامی ایفای نقش نماید.

دو) جوان خودنگهدار و پارسا

دومین تیپ شخصیتی جوانان که از آیات قرآن استنباط می‌گردد، جوان خود نگهدار و پارسا است که به برخی از آیات قرآن در این زمینه اشاره می‌شود:

- «أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا * إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا» (کهف: ۹-۱۰)؛

آیا پنداشتی که اصحاب کهف و رقیم از نشانه‌های شگفت‌انگیز [قدرت] ما بودند؟ * آن‌گاه که آن جوانان در آن غار جای گرفتند و گفتند: پروردگارا، از نزد خود رحمتی به ما ارزانی دار و برای ما در کارمان [وسیله] هدایتی فراهم ساز.

- «نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى» (کهف: ۱۳)؛
ما داستان‌شان را به درستی برای تو بازگو می‌کنیم: آنان جوانمردانی بودند که به پروردگارشان ایمان آوردند و ما بر هدایت‌شان افزودیم.

در این آیات سرگذشت اصحاب کهف بیان شده که جوانمردانی مؤمن و باهوش، در جامعه‌ای فاسد و شرک‌آلود بودند و پادشاهی به نام دقیانوس داشتند. آنها به خاطر حفظ پاکی و روح توحیدی خویش علیه طاغوت زمان قیام کردند و از شهر خارج شدند و به غاری پناه بردند و مدت زیادی در خواب ماندند و سپس بیدار شدند و یکی از نشانه‌های (اعجاز‌آمیز) الهی برای جهانیان به نمایش گذاشته شد (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷ ش: ج ۱۲، ۱۹۳).

اصحاب کهف جوانانی مؤمن و پارسا بودند که در جو آلوده جامعه هضم نشدند و خود را از آن حفظ نموده و از خدای تعالی طلب هدایت و رشد نمودند، آنان نمونه پارسایی می‌باشند و جوانان باید با الگوگیری از این تیپ شخصیتی، راه پاکی، تقوا و پارسایی را بیمایند و در تحقق انقلاب اسلامی کوشا باشند؛ چرا که فرایند تحقق انقلاب اسلامی، از مسیر ایمان، تقوا و پارسایی می‌گذرد.

- ﴿وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ * وَرَاودَتْهُ الْتَى هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَغَلَقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْت لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنُ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يَفْلَحُ الظَّالِمُونَ * وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنَّ رَأَىٰ بَرهَانَ رَبِّهِ كَذَلِكَ لَنَصْرَفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ﴾ (یوسف: ۲۲-۲۴)؛

و هنگامی که یوسف به رشد فکری خود رسید، به او حکمت و علم دادیم، و نیکوکاران را این گونه پاداش می دهیم * و آن زن که یوسف در خانه اش بود، بارها خواست از او کام بگیرد و [روزی] درها را محکم بست و [در حالی که خود را آماده کرده بود، به یوسف] گفت: بیا، بشتاب! یوسف گفت: پناه بر خدا، حقیقت این است که پروردگار من جایگاه مرا نیکو داشته است [و من فرمان او را مخالفت نمی کنم]، قطعاً ستمکاران ظفرمند نمی شوند * و همانا آن زن آهنگ او کرد، و او نیز اگر برهان پروردگارش را ندیده بود آهنگ وی می کرد. این چنین [برهان خود را به او نمایانندیم] تا بدی و زشتکاری را از او بگردانیم؛ زیرا او از بندگان خالص ما بود.

یوسف با آن چهره زیبا و ملکوتیش، نه تنها عزیز مصر را مجذوب خود کرد، بلکه قلب همسر عزیز را نیز به سرعت در تسخیر خود در آورد و عشق او پنجه در اعماق جان او افکند و با گذشت زمان، این عشق، روز به روز داغ تر و سوزان تر شد، اما یوسف پاک و پرهیزکار جز به خدا نمی اندیشید و قلبش تنها در گرو «عشق خدا» بود... هنگامی که یوسف همه جریان ها را به سوی لغزش و گناه مشاهده کرد و هیچ راهی از نظر ظاهر برای او باقی نمانده بود، در پاسخ زلیخا به این جمله قناعت کرد و گفت: «پناه می برم به خدا» (قال معاذ الله) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش: ج ۹، ۳۶۶).

حضرت یوسف علیه السلام یکی دیگر از چهره های تیپ شخصیتی جوان خود نگهدار و پارسا در قرآن است که در آیات یاد شده با تعبیر «بلوغ اشد» به دوران جوانی وی و ماجرای پارسایی و پاکدامنی ایشان در برابر تمایلات نامشروع زلیخا اشاره گردیده است. جوانان نیز باید یوسف گونه در جهت حفظ گوهر تقوا و پارسایی خود و جامعه کوشا بوده و تحقق بخش انقلاب اسلامی به معنای واقعی آن باشند.

منطق پارسایی حضرت یوسف علیه السلام را، در این کلام ایشان می توان یافت که خطاب به برادرانش می فرماید:

﴿... إِنَّهُ مِنْ يَتَّقُ وَيَصْبِرُ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ﴾ (یوسف: ۹۰)؛
بی شک هر که تقوا و صبر پیشه کند، [از اجر خدا برخوردار می شود؛ زیرا] خدا اجر نیکوکاران را ضایع نمی کند.

یکی دیگر از جنبه‌های الگویی حضرت یوسف علیه السلام برای جوانان، مسئله عفو و گذشت ایشان از برادرانش است. قرآن وقتی می‌خواهد در میان اقشار جامعه گروه و صنفی را معرفی کند که اهل گذشت هستند یعنی اگر کسی به آنها ظلم کرد و حق را تضییع کرد، چون حق شخصی است به سادگی از آن عبور می‌کنند و آن را به عنوان یک عقده در ذهن‌شان شکل نمی‌دهند، قرآن باز تأکید دارد، جوانان از این ویژگی بسیار برجسته و مثبت برخوردار هستند. گاهی از اوقات حق جوانان تضییع می‌شود و مورد ظلم و نابرابری قرار می‌گیرند، ولی آن جایی که مسئله شخصی وجود دارد به آسانی از آن عبور می‌کنند. قرآن کریم در همین خصوص از زبان حضرت یوسف علیه السلام می‌فرماید:

﴿قال لا تثريب عليكم اليوم يغفر الله لكم و هو أرحم الراحمين﴾ (یوسف: ۹۲)؛
گفت: اکنون ملامتی بر شما نیست، خدا شما را می‌بخشد و او مهربان‌ترین مهربانان است.

وقتی برادران یوسف در مقابل حضرت یوسف علیه السلام قرار می‌گیرند و اعتراف به اشتباه و خطا می‌کنند، همان لحظه یوسف همه آنها را می‌بخشد و این بخشش و عفو که بسیار در جامعه ضعیف است باز در قشر جوان وجود دارد و قرآن روی آن تأکید می‌کند (قادری، ۱۳۹۷: ۲).

- ﴿فبشرناه بغلام حليم* فلما بلغ معه السعي قال يا بني إني أرى في المنام أني أذبحك فانظر ما ذا ترى قال يا أبت افعل ما تؤمر ستجدني إن شاء الله من الصابرين﴾ (صافات: ۱۰۲-۱۰۱)؛

پس او را به پسری بردبار مژده دادیم * پس هنگامی که با او به حد تلاش رسید، گفت: ای پسرک من، من در خواب می‌بینم که تو را ذبح می‌کنم، بنگر که چه رأی می‌دهی؟ گفت: ای پدر، آنچه را که بدان فرمان یافته‌ای انجام ده که به خواست خدا مرا از صابران خواهی یافت.

حضرت اسماعیل علیه السلام از دیگر چهره‌های خودنگهدار و پارساست که در برابر فرمان الهی به ذبح ایشان صبر نموده و به پدرش گفت:
پدر جان آنچه را بدان فرمان یافته‌ای انجام ده، ان شاء الله مرا از صابران خواهی یافت.

جوانانی که اطاعت از ولی را تا این مرتبه دارا باشند که حاضر شوند از جان خویش ایثار نمایند، می‌توانند تحقق‌آفرین انقلاب اسلامی و آرمان‌های مقدس آن باشند. نمونه‌های چنین جوانانی در دفاع مقدس، دفاع از حرم و سایر میادین انقلاب اسلامی فراوان به چشم می‌خورد.

- ﴿فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا...﴾ (قصص: ۲۵)؛

پس یکی از آن دو زن در حالی که با شرم و حیا راه می‌رفت، نزد او آمد و گفت: پدرم تو را می‌خواند تا در برابر این که [دام‌ها را] برای ما آب دادی به تو مزد دهد.

آیه یاد شده به ماجرای دختران شعیب اشاره دارد و آنان را الگوی شرم و حیا معرفی می‌نماید. در آیات قبل بیان شده که حضرت موسی علیه السلام دختران شعیب را در حالی مشاهده کرد که از اختلاط با نامحرم خودداری می‌نمایند و گوسفندان خود را نگه داشتند تا مردان بیگانه گوسفندان خویش را سیراب نمایند و خارج شوند سپس نوبت آنان شود، لذا حضرت موسی علیه السلام با مشاهده آن صحنه گوسفندان آنان را گرفت و بدون مزد سیراب نمود. آیه مورد بحث گفتگوی عقیقانه یکی از دختران شعیب با حضرت موسی علیه السلام را بیان می‌کند که ایشان را برای دریافت اجر به منزل دعوت نمود. «دختر شعیب از طرف پدرش مأمور شده بود موسی را به خانه و نزد پدر دعوت کند، اما چنان با حیا و عفت بود که حیای او در راه رفتنش هویدا بود؛ یعنی تلاش می‌کرد که کاملاً با حیا راه برود و این درسی برای دختران جوان است. راه رفتن انسان نشان‌دهنده شخصیت اوست؛ چرا که راه رفتن اقسامی دارد: گاهی انسان با تکبر، گاهی با وقار و فروتنی، گاهی تحریک‌آمیز و عشوه‌گرانه و گاهی با عفت و حیا راه می‌رود. هر کدام از این حرکات پیامدها و پیام‌های خاص خود را دارد» (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷ ش: ج ۱۵، ۲۸۳). دختران شعیب در خانه پیامبری الهی تربیت یافته بودند و از این رو قرآن سخنان و رفتار آنان را به تصویر کشید تا سرمشق دیگران شوند. در زندگی این دختران چند نکته جالب وجود دارد:

- الف) آنان بیرون از خانه کار می‌کردند و به پدرشان در دامداری کمک می‌نمودند.
- ب) کار بیرون از خانه را با عفت همراه کرده بودند و طوری عمل می‌کردند که با مردان بیگانه مخلوط نشوند و کارکردن آنها عوارضی به دنبال نداشته باشد.
- ج) در برابر پرسش موسی، زیرکانه و کوتاه جواب دادند؛ از طرفی اشاره کردند که برای سیراب کردن گوسفندان آمده‌ایم و از سویی بیان کردند که نمی‌خواهیم با مردان بیگانه مخلوط شویم و عفت خود را به موسی گوشزد کردند و از سویی دیگر علت کارکردن خود را یاری پدر اعلام کردند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷ ش: ج ۱۵، ۲۸۱-۲۸۲).

در ادامه ماجرای یاد شده یکی از دختران شعیب گفت: ای پدر! او را استخدام کن؛ زیرا بهترین کسی که می‌توانی استخدام کنی، شخص توانا و امین است. امام رضا علیه السلام فرمود:

حضرت شعیب از دخترش پرسید: چگونه امانت‌داری این جوان را فهمیدی که او را امین می‌خوانی؟ گفت: وقتی دعوت شما را به او ابلاغ کردم، به من گفت: از پشت سر من، مرا راهنمایی کن (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۱۳، ۴۴).

تا مبدا به قامت من چشم بدوزد (قرائتی، ۱۳۸۸ش: ج ۷، ۳۹-۴۰). از این رو در این ماجرا عفت و خود نگهداری حضرت موسی (ع) به عنوان یک جوان نیز شایسته الگوگیری است.

- «و مریم ابنت عمران التي أحصنت فرجها فنفخنا فيه من روحنا...» (تحریم: ۱۲)؛ و نیز مریم دختر عمران را [مثل آورده است]، همان کسی که دامن خود را پاک نگاه داشت و ما از روح خود در آن دیدیم.

حضرت مریم (ع) نیز از دیگر چهره‌های عفیف و خودنگهدار است که قرآن ایشان را به عنوان الگوی ایمانی معرفی می‌نماید.

قرآن رعایت عفاف و حیا را از سوی جوانان در آیه‌ای دیگر چنین مطالبه نموده و می‌فرماید:

«و لیستعفف الذین لا یجدون نکاحا حتی یغنیم الله من فضله...» (نور: ۳۳)؛ و کسانی که [وسیله] ازدواجی نمی‌یابند، باید پارسایی پیشه کنند تا خدا آنان را به فضل خود توانگر سازد.

در این آیه به جوانان و افراد بدون همسر سفارش شده که اگر مجبور شدند مدتی را بدون همسر بگذرانند، پاک‌دامنی پیشه کنند و این دوران بحرانی و آزمایش الهی را با پاکی پشت سر بگذارند و خود را آلوده نسازند و معذور نپندارند.

علامه طباطبایی می‌گوید:

مراد از نیافتن نکاح قدرت نداشتن بر مهریه و نفقه است و معنای آیه این است که کسانی که قدرت بر ازدواج ندارند از زنا احتراز بجویند تا خداوند ایشان را از فضل خود بی‌نیاز کند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ج ۱۵، ۱۱۳).

امروزه یکی از مشکلات و آسیب‌های کشورمان، مسئله عفاف و حجاب است و به یکی از چالش‌های فرهنگی و اجتماعی تبدیل شده و دشمنان هم درصدد دو قطبی‌سازی در جامعه در این موضوع هستند. در حالی که مسئله عفاف و حجاب جزء فرهنگ دینی ماست و آیه یاده شده جوانان و کسانی را که زمینه ازدواج آنان فراهم نگردیده است، با صراحت به حفظ عفاف و پاکدامنی فرا می‌خواند. آیات لزوم حفظ حجاب و پوشش اسلامی نیز صریح و گویاست (ر.ک: احزاب: ۵۹؛ نور: ۳۰-۳۱). از این رو جوانان باید با حفظ عفاف و حجاب، زمینه تحقق انقلاب

اسلامی را فراهم سازند و در مسیر جوسازی، جوآفرینی و دوقطبی سازی دشمنان قرار نگیرند.

سه) جوان تحول آفرین و تمدن ساز

سومین تیپ شخصیتی جوان که از آیات قرآن استنباط می گردد، جوان تحول آفرین و تمدن ساز است. چنین جوانی علاوه بر این که رفتارش جوگیرانه و احساساتی نیست و خودنگهدار و پارساست، شور و نشاط و روحیه تحول آفرینی و تمدن سازی نیز دارد. به برخی آیات قرآن در این زمینه اشاره می شود:

- ﴿قَالُوا مِنْ فَعَلْ هَذَا بَالِهْتَنَا إِنَّه لَمِنَ الظَّالِمِينَ * قَالُوا سَمِعْنَا فَتًى يَذْكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ إِبْرَاهِيمُ﴾ (انبیاء: ۵۹-۶۰)؛

[چون باز گشتند، گفتند: چه کسی با معبودان ما چنین کرده است؟ قطعاً او از ستمکاران است* گفتند: از جوانی که به او ابراهیم می گویند شنیدیم که از آنها [به بدی] یاد می کرد.

آزاد گذاردن انسان در بت پرستی و خرافه پرستی نه تکریم، بلکه تحقیر اوست. احترام به عقیده جاهلان بت پرست خدمت به ایشان نیست، بلکه وانهادن آنان در منجلاب جهل است. بسیاری از پادشاهان برای حفظ محبوبیت و منافع خویش مردم را در عقاید باطل خویش رها می گذاردند. کوروش در فتح بابل تمام بت خانه ها را محترم شمرد و مردم را در بت پرستی و حیوان پرستی آزاد گذارد. پادشاه انگلستان هنگام دیدار از هندوستان بت های آنان را بیش از حد احترام نمود؛ در حالی که ابراهیم علیه السلام با بت پرستی مبارزه نمود (ر.ک: مطهری، ۱۳۸۴ ش: ج ۲۴، ۱۲۲-۱۲۳).

علامه طباطبایی در تفسیر آیه یاد شده می نویسد:

استفهامی که مردم کردند به داعی تأسف و در عین حال تحقیق از مرتکب جرم است. و مراد از ذکر - به طوری که از مقام استفاده می شود - ذکر به بدی است و معنای آیه این است که: ما شنیدیم جوانی هست که به خدایان بد می گوید و نامش ابراهیم است، اگر کسی این کار را کرده باشد قطعاً او کرده، چون جز او کسی چنین جرأتی به خود نمی دهد (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق: ج ۱۴، ۳۰۰).

از این رو جامعه به جوانانی بت شکن چون ابراهیم خلیل علیه السلام نیازمند است تا با تحول آفرینی، تمدن ساز گردند و طرحی نو دراندازند و پیشران موتور حرکت جامعه شوند. چنین جوانانی می توانند نقشی اساسی و حیاتی در تحقق انقلاب اسلامی ایفا نمایند.

- ﴿وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَىٰ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ * وَدَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَىٰ حِينٍ غَفْلَةٍ مِنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ هَٰذَا مِنْ شِيعَتِهِ وَهَٰذَا مِنْ عَدُوِّهِ فَاسْتَغَاثَهُ الَّذِي مِنْ شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ فَوَكَزَهُ مُوسَىٰ فَقَضَىٰ عَلَيْهِ قَالَ هَٰذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ عَدُوٌّ مُضِلٌّ مُبِينٌ﴾ (قصص: ۱۴-۱۵)؛

و چون به رشد فکری خود و به حد اعتدال رسید، به او حکمت و دانش دادیم و نیکوکاران را این‌گونه سزا می‌دهیم * و [موسی] وارد شهر شد در حالی که مردم آن بی‌خبر [و در استراحت] بودند. پس دو مرد را در آن جا یافت که با هم می‌جنگیدند؛ این یک از پیروانش و آن یک از دشمنانش بود. آن‌کس که از پیروانش بود، بر ضد آن‌کس که از دشمنانش بود از وی کمک خواست. موسی با مشت به او زد و کارش را ساخت. گفت: این از کارهای شیطان است. راستی که او دشمنی گمراه‌کننده و آشکار است.

آیات یاد شده حضرت موسی (علیه السلام) را جوانی عدالت طلب و حامی مظلوم معرفی می‌نماید. ضمیر در «وکزه» و «علیه» به آن مرد قبطی و دشمن بر می‌گردد و کلمه «وکز» - به طوری که راغب و دیگران گفته‌اند - به معنای طعن و دفع و زدن با تمامی کف دست می‌باشد. و کلمه «قضاء» به معنای حکم است و اگر با حرف «علی» متعدی شود و گفته شود «قضى علیه» کنایه از این است که با مردنش از کارش فارغ شد و معنای جمله این است که: موسی (ع) آن دشمن را با تمام کف دست و مشت زد و یا دفع کرد و او هم مرد. از همین تعبیر استفاده می‌شود که: قتل مزبور عمدی نبوده؛ زیرا اگر عمدی بود به جای «وکزه» می‌فرمود: «فقتله» (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ج ۱۶، ۱۷-۱۸).

علت ورود حضرت موسی (علیه السلام) در ماجرای یاد شده را می‌توان در دو آیه بعد یافت که از زبان موسی (علیه السلام) چنین بیان شده است: ﴿قَالَ رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيرًا لِلْمَجْرَمِينَ﴾ (قصص: ۱۷) موسی گفت: به شکرانه این نعمت که مرا مشمول عفو خود قرار دادی و در چنگال دشمنان گرفتار نساختی و به شکرانه تمام نعمت‌هایی که از آغاز تاکنون به من مرحمت کردی من هرگز پشتیبانی از مجرمان نخواهم کرد و یار ستمکاران نخواهم بود، بلکه همیشه به یاری مظلومان و رنج‌دیدگان خواهم شتافت. یکی از زشت‌ترین گناهان یاری ستمکاران و ظالمان و مجرمان است و سبب می‌شود که انسان در سرنوشت شوم آنها شریک باشد. اصولاً ظالمان و ستمگران و افرادی همچون فرعون در هر جامعه‌ای افراد خاصی هستند و اگر توده جمعیت با آنها همکاری نکنند فرعون‌ها فرعون نمی‌شوند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش: ج ۱۶، ۴۵).

از این رو جوانانی می‌توانند تحول‌آفرین و تمدن‌ساز باشند که مانند حضرت موسی علیه السلام زیر بار ظلم فرعونیان نروند و با ظلم و فساد مبارزه نمایند و با ظالمان و مفسدان سر سازش نداشته باشند.

یکی دیگر از جنبه‌های الگویی حضرت موسی علیه السلام، روحیه جهادی و سختکوشی ایشان است. قرآن وقتی می‌خواهد روحیه تلاشگری و سختکوشی را معرفی کند و طبقه‌ای از جامعه را معرفی کند که هرچه تلاش می‌کنند خسته نمی‌شوند و هرچه فعالیت می‌کنند در این فعالیت خستگی ناپذیر هستند، موسی بن عمران را به عنوان یک جوان سختکوش و تلاشگر معرفی می‌کند و می‌فرماید:

﴿و لما ورد ماء مدین وجد علیه أمة من الناس یسقون و وجد من دونهم امرأتین تذودان قال ما خطبکما قالتا لا نسقی حتی یصدر الرعاء و أبونا شیخ کبیر * فسقی لهما ثم تولى إلى الظل فقال رب إني لما أنزلت إلی من خیر فقیر﴾ (قصص: ۲۳-۲۴)؛

و چون به آب مدین رسید، گروهی از مردم را بر آن یافت که [دام‌های خود را] آب می‌دادند و پشت سرشان دو زن را یافت [که دام‌های شان را از حرکت] باز می‌داشتند. [موسی] گفت: کار شما دو تن چیست؟ گفتند: ما [به دام‌های خود] آب نمی‌دهیم تا این چوپانان [دام‌های شان را] برگردانند و پدر ما پیرمردی کهنسال است [و این کار از او ساخته نیست] * پس [موسی دام‌های آن دو را] برایشان آب داد، سپس به سایه برگشت و گفت: پروردگارا، من به هر خیری که به سویم فرو فرستی نیازمندم.

موسی جوانی طرفدار مظلومان و نیکوکار بود و به اطراف خود توجه می‌کرد و وقتی دید دو دختر با عفت در کنار آب ایستاده‌اند و چوپانان راه را باز نمی‌کنند که آنان از آبشخور به راحتی استفاده کنند، به سراغ آنان رفت و از کار آنان پرسید و جالب آن است که هر دو دختر را مخاطب ساخت و با یکی از آنان سخن نگفت تا مورد اتهام قرار گیرد؛ سپس به آنان کمک کرد تا دام‌های خود را سیراب کنند. موسی با آن که در آن شرایط کاملاً نیازمند بود، هیچ مزدی در برابر کار خود از دختران شعیب نخواست، ولی چنان که در آیات بعدی می‌خوانیم، خدا پاداش این نیکوکاری او را داد و غذا و خانواده‌ای پاکدامن و معلمی هم چون شعیب نصیب او کرد (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷ش: ج ۱۵، ۲۸۰-۲۸۱).

اقدام جهادی و خالصانه، یکی دیگر از شاخصه‌های جوانان تحول‌آفرین و تمدن‌ساز است. در آیات یاد شده عمل جهادی، خالصانه و جوانمردانه موسی علیه السلام و نتیجه آن به تصویر کشیده شده تا الگویی موفق برای جوانان تحول‌آفرین و تمدن‌ساز باشد و تحقق انقلاب اسلامی با

نقش آفرینی چنین جوانانی ممکن خواهد بود.

- «ألم تر إلى الملا من بني إسرائيل من بعد موسى إذ قالوا لنبي لهم ابعث لنا ملكا نقاتل في سبيل الله...» * وقال لهم نبيهم إن الله قد بعث لكم طالوت ملكا قالوا أنى يكون له الملك علينا ونحن أحق بالملك منه ولم يؤت سعة من المال قال إن الله اصطفاه عليكم وزاده بسطة في العلم والجسم والله يؤتي ملكه من يشاء والله واسع عليم؛ فهزمهم بإذن الله و قتل داود جالوت وآتاه الله الملك والحكمة وعلمه مما يشاء ولولا دفع الله الناس بعضهم ببعض لفسدت الأرض ولكن الله ذو فضل على العالمين» (بقره: ۲۴۶-۲۴۷-۲۵۱)؛

آیا به آن اشراف بنی اسرائیل که پس از موسی بودند نظر نیفکنده‌ای؟ آن گاه که به پیامبری از خودشان گفتند: فرمانروایی برای ما بگمار تا در راه خدا پیکار کنیم* و پیامبرشان به آنان گفت: همانا خدا طالوت را به عنوان فرمانروا برای شما برانگیخته است. گفتند: چگونه او فرمانروای ما باشد با این که ما برای فرمانروایی از او سزاوارتریم و به او مال گسترده‌ای هم داده نشده است. پیامبرشان گفت: خدا او را بر شما برگزیده و در دانش و نیروی جسمی به وی فزونی داده است و خدا فرمانروایی خود را به هر که بخواهد می‌دهد و خدا گشایش‌مند و داناست* پس آنان را به اذن خدا شکست دادند و داود جالوت را کشت و خدا فرمانروایی و حکمت به او داد و از آنچه می‌خواست به وی آموخت. و اگر خدا [شر] بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نمی‌کرد، زمین تباه می‌شد، ولی خدا دارای بخششی [بزرگ] بر جهانیان است.

آیات یاد شده به داستان طالوت و داوود اشاره دارد که دو جوان بودند و در مقام فرماندهی جنگ قرار می‌گیرند و سپاه مخالف را این دو جوان به شکست و می‌دارند. قرآن وقتی می‌خواهد مدیریت اجتماعی را مطرح کند که اگر این مدیریت در دست بعضی اشخاص قرار بگیرد، نمی‌تواند حقی را حاکم کنند و ظلمی را از جامعه بردارند، این مسئله را متوجه جوان می‌داند و می‌گوید این کار را جوان بهتر از گروه‌های دیگر انجام می‌دهد.

طالوت جوانی از یک قبیله گمنام بنی اسرائیل و از نظر مالی یک کشاورز ساده بود. بنی اسرائیل به انتخاب او اعتراض کردند که ما از او سزاوارتریم؛ زیرا دارای دو شرط لازم برای زمامداری؛ نسب عالی و ثروت فراوان هستیم. ولی قرآن پاسخ دندان‌شکنی را که آن پیامبر به گمراهان بنی اسرائیل داد چنین بازگو می‌کند، گفت:

خداوند او را بر شما برگزیده و علم و (قدرت) جسم او را وسعت بخشیده است (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش: ۲، ۲۳۷).

بنابراین جوانانی مانند طالبوت که هم از آگاهی‌های لازم و هم از توانایی جسمی برخوردار باشند، می‌توانند تاریخ‌ساز و تمدن‌ساز شوند و نقشی اساسی در تحقق انقلاب اسلامی ایفا نمایند.

جوان مؤمن انقلابی

ما در کشورمان در این ۴۳ سال هر جایی که پیشرفتی داشته‌ایم، حرکت موفق‌تری داشته‌ایم و دست‌بازی داشته‌ایم، آن جایی بوده است که افراد انقلابی با روحیه، با مجاهدت فعال شده‌اند، وارد میدان شده‌اند، کار کرده‌اند، پیش رفته‌ایم. ما در زمینه پیشرفت علمی، در زمینه پیشرفت‌های صنعتی، پیشرفت‌های فنی، پیشرفت‌های سیاسی، بخش‌های گوناگون، آن جایی که افراد مؤمن، آگاه، وارد، انقلابی، وارد میدان بودند، توانسته‌ایم پیشرفت کنیم؛ [اما] هر جا کار زمین مانده، انسان نگاه که می‌کند، می‌بیند پای فرصت‌طلبی‌ها در میان است، پای فساد، اشرافی‌گری و نگاه‌های غیر انقلابی، حرکت‌های غیر انقلابی [در میان است]؛ اینهاست که موجب می‌شود که کارها روی زمین بماند و پیشرفت نکند. بنابراین پایبندی به اصول انقلاب، مسلماً یکی از مهم‌ترین وسایل و ابزارهای پیشرفت کشور و پیشرفت ملت است (بیانات در ارتباط تصویری با مردم قم، ۱۴۰۰/۱۰/۱۹: <https://khl.ink/f/49361>).

اولاً تحول لازم است و نیاز امروز ما است؛ ثانیاً تحول ممکن است؛ ثالثاً راه ایجاد تحول عبارت است از تشکیل یک دولت معتقد به تحول و معتقد به عنصر تحول‌آفرین، یعنی عنصر جوان نخبه مؤمن انقلابی؛ یعنی شرطش این است که مؤمن باشد و انقلابی باشد؛ والا اگر جوان بود با همان خصوصیات جرأت و توانایی و ابتکار، لکن ایمان در او وجود نداشت، فایده‌ای ندارد؛ آن جوان با همان نیرو، راه غلط را خیلی سریع‌تر و تندتر از پیرها و سالخورده‌ها خواهد رفت؛ اگر با ایمان نباشد فایده‌ای ندارد؛ اگر انقلابی نباشد، کشور را به سمت یک حرکت تحولی درست هدایت نخواهد کرد؛ پس بایستی، هم جوان باشد، هم مؤمن باشد، هم انقلابی باشد؛ یعنی این عناصر بایستی در مجموعه دولت جمع باشد. پس بنابراین، هم تحول لازم است، هم تحول ممکن است، هم شرطش حضور یک دولتی است که معتقد به جوان‌ها باشد و جوان‌ها را به کار بگیرد و این کار انجام خواهد گرفت (بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان تشکل‌های دانشجویی، ۱۴۰۰/۰۲/۲۱: <https://khl.ink/f/47834>).

نتیجه‌گیری

با بررسی آیات قرآن با محوریت جوان، سه نوع تیپ شخصیتی جوان از منظر قرآن کریم

استنباط گردید؛ جوان جوگیر و احساساتی، جوان خودنگهدار و پارسا، جوان تحول‌آفرین و تمدن‌ساز. سپس برخی از مهم‌ترین مصادیق این سه نوع تیپ شخصیتی در قرآن معرفی گردید.

اما شاخصه‌های جوانان نقش‌آفرین در تحقق انقلاب اسلامی:

- جوانی که جوگیر و احساساتی نباشد و در جو آلوده جامعه هضم نشود و از احساسات توأم با عقل بهره‌گیری نماید؛

- جوانی که با اهل باطل همنشینی نکند و در مسیر جوآفرینی دشمنان قرار نگیرد؛

- جوانی که تحت تأثیر احساسات جوانی به خودنمایی و تجمل پرستی نپردازد؛

- جوانی که اقامه‌کننده واقعی نماز در جامعه باشد و ذکر الهی را ضایع نکند و از

شهوات پیروی ننماید؛

- جوانی که بابصیرت، تدبیر و عقلانیت عمل نماید؛

- جوان پارسا و خود نگهدار که خود را از جو آلوده جامعه حفظ نماید؛ حفظ ایمان و پاکی و

روح توحیدی، پاکدامنی، عفو و گذشت، صبر و ایثار، حفظ عفاف، حیا و حجاب.

- جوان تحول‌آفرین و تمدن‌ساز که شور و نشاط و روحیه تحول‌آفرینی دارد و جو آلوده

جامعه را تغییر دهد؛

- جوانی که مانند ابراهیم علیه السلام بت شکن و فسادستیز است؛

- جوانی که چون موسی علیه السلام عدالت طلب و حامی مظلومان است؛

- جوانی که دارای اقدام جهادی، خالصانه و جوانمردانه است؛

- جوانی که از دانش لازم و توانایی جسمی برخوردار است؛

- جوان مؤمن انقلابی: چنان که در بیانات مقام معظم رهبری کلیدواژه «جوان مؤمن

انقلابی» بازتابی ویژه یافته است، در یک کلام تحقق انقلاب اسلامی و علاج مشکلات کشور به

دست توانای «جوان مؤمن انقلابی» است.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن فارس، احمد (بی‌تا)، *معجم مقاییس اللغة*، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، اول.
۲. ایزدهی، سجاد (۱۳۹۴ش)، «ویژگی‌های جوانان از دیدگاه نهج البلاغه»، ره توشه ماه مبارک رمضان، قم: معاونت فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی.

۳. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۲ش)، *طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن*، قم: مؤسسه ایمان جهادی، اول.
۴. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۲ش)، *لغت‌نامه*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (بی‌تا)، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت: دارالقلم، اول.
۶. رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۷ش)، *تفسیر قرآن مهر*، قم: انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
۷. رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۹۴ش)، *قرآن و تربیت*، قم: انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، اول.
۸. سبحانی‌نیا، محمد (۱۳۹۹ش)، «*منشور جوانی از دیدگاه امام علی (ع) با رویکرد نامه ۳۱ نهج‌البلاغه*»، ره‌توشه ماه مبارک رمضان، قم: معاونت فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی.
۹. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۰ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، دوم.
۱۰. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: انتشارات ناصر خسرو، سوم.
۱۱. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)، *تفسیر العیاشی*، تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه، اول.
۱۲. فراهانی، علی‌احمد (۱۳۸۸ش)، «*جوانی از نگاه دین و روان‌شناسی*»، نشریه معرفت، شماره ۱۴۷.
۱۳. فراهیدی، خلیل بن احمد (بی‌تا)، *کتاب العین*، قم: نشر هجرت، دوم.
۱۴. قادری، سید محمد تقی (۱۳۹۷ش)، «*سیره پیامبر اکرم (ص) جوان باوری است*»، سایت بلاغ، قم: معاونت فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۵. قرائتی، محسن (۱۳۸۸ش)، *تفسیر نور*، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، اول.
۱۶. قمی، روح‌الله (۱۳۷۷ش)، «*جوانان قرآنی*»، نشریه بشارت، شماره ۷.
۱۷. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، دوم.
۱۸. محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۹ش)، *حکمت‌نامه جوان*، قم: دارالحدیث، هشتم.
۱۹. مصطفوی، حسن (بی‌تا)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، بیروت: دارالکتب العلمیه، سوم.
۲۰. مطهری، مرتضی (۱۳۸۴ش)، *مجموعه آثار*، تهران: انتشارات صدرا، هفتم.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱ش)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، دهم.
۲۲. هاشمی رفسنجانی، علی‌اکبر و همکاران (۱۳۸۴ش)، *فرهنگ قرآن*، قم: مؤسسه بوستان کتاب،

اول.

۲۳. دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله العظمی خامنه‌ای: www.farsi.khamenei.ir

Pathology of the Islamic Revolution with the approach of establishing the context for emergence

Dr. Mustafa Rezaei ¹

Abstract

In the current era, the Islamic revolution, by reviving the phenomenon of religiosity and presenting a new and efficient interpretation of the Islamic religion, plays an essential role in creating the necessary preparations for the formation of Medina, but it is natural that if from the main path, the ideals And it will distance itself from its ultimate goal, which is the preparation of the utopia of the emergence, it will not be able to have an evolutionary movement and direct the hearts of people to the era of emergence and its gifts. After four decades have passed since the formation of the revolution, we are witnessing the formation of circles in the heart of the revolution that if these phenomena are not properly diagnosed in line with the role of the revolution's prelude to its emergence, the revolution will find a reactionary movement. And in a natural way, the public favor of the society and the world society will decrease towards the government of Imam Asr. Based on this necessity, the pathology of the Islamic revolution will be examined with the approach of the role of the revolution's foundation in the formation of the Medina of Zahor (necessity). The research method in this work is descriptive-analytical based on library information and written documents (method). The Islamic Republic will be able to play the role of facilitating the process of emergence in a comprehensive way when it recognizes its internal injuries and seeks to fix them. Currently, there are challenges such as lack of sufficient reinforcement, negation of movement and excitement from the revolution, lack of social justice in a comprehensive sense, and... serious damages of the revolution, which have affected the type of society's tendency towards Mahdism(findings).

Keywords: Islamic Revolution, Pathology, Emergence Utopia, Prelude Revolution

1. A graduate of the fourth level of the seminary of Qom(eshragh.reza1394@gmail.com)



ISSN:2423-7663



فصلنامه علمی - پژوهشی مهدویت
سال هجدهم / شماره هفاد و دوم / تابستان ۱۴۰۳

آسیب شناسی انقلاب اسلامی با رویکرد زمینه سازی ظهور*

مصطفی رضایی^۱

چکیده

در عصر کنونی، انقلاب اسلامی با احیاء پدیده دین گرایی و ارائه قرائتی جدید و کارآمد از دین اسلام، نقش اساسی ای در ایجاد مقدمات لازم برای تشکیل مدینه ظهور ایفاء می کند اما طبیعی است که اگر از مسیر اصلی، آرمان ها و هدف غایی خود که همان تدارک آرمان شهر ظهور است، فاصله بگیرد، نخواهد توانست حرکتی تکاملی داشته باشد و قلوب انسان ها را به دوران ظهور و ارمغان های آن معطوف سازد. پس از گذشت چهار دهه از شکل گیری انقلاب، شاهد شکل گیری حلقه هایی در بطن انقلاب هستیم که اگر این پدیده ها در راستای نقش مقدمه ساز انقلاب برای ظهور به درستی آسیب شناسی نشود، انقلاب حرکتی ارتجاعی پیدا خواهد کرد و به صورت طبیعی اقبال عمومی جامعه و جامعه جهان به دولت امام عصر کاهش پیدا خواهد کرد. براساس این ضرورت آسیب شناسی انقلاب اسلامی با رویکرد نقش بستر ساز انقلاب در مسیر شکل گیری مدینه ظهور مورد بررسی قرار خواهد گرفت (ضرورت). روش تحقیق در این اثر توصیفی - تحلیلی و بر پایه اطلاعات کتابخانه ای و اسناد نوشتاری است (روش). جمهوری اسلامی زمانی قادر خواهد بود که نقش تسهیل گری را برای جریان ظهور به نحوی جامع ایفا نماید که آسیب های درونی خود را بشناسد و به دنبال رفع آنها باشد. در حال حاضر چالش هایی چون عدم نیروسازی کافی، نفی حرکت و جوشش از انقلاب، فقدان عدالت اجتماعی به معنای جامع و... آسیب های جدی انقلاب است که سبب تأثیر بر نوع گرایش جامعه بر مهدویت شده است (یافته ها).

واژگان کلیدی

انقلاب اسلامی، آسیب شناسی، آرمان شهر ظهور، انقلاب مقدمه ساز.

مقدمه

حکومت جهانی حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در عالم ماده و نه در خلأ زمان و مکان تحقق پیدا خواهد کرد. بر همین اساس شکل گیری این پدیده نیازمند حرکت تدریجی مقدمات لازم از قوه به فعلیت است. این حرکت در دوره فعلی توسط انقلاب اسلامی در بالاترین سطح اجتماعی -

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۳۰

۱. دانش آموخته سطح چهار حوزه علمیه قم (eshragh.reza1394@gmail.com).

تاریخی خود در جریان است اما طبیعی است که اگر انقلاب با چالش‌ها و آسیب‌های کلان روبه‌رو باشد، این هدف‌گذاری یا محقق نخواهد شد یا این که مسیر آن، دچار روند فرسایشی می‌گردد. به همین سبب لازم است آسیب‌شناسی از انقلاب یکی از برنامه‌های مستمر انقلاب باشد؛ «انقلاب اسلامی ایران، با تمام دستاوردها و عظمتی که دارد، آسیب‌های جدی‌ای را نیز در پیش روی خود دارد که بی‌توجهی به این آسیب‌ها می‌تواند تمام آن دستاوردها را بر باد دهد» (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۲ش: ۱۵۸). این آسیب‌شناسی نیز باید در راستای غایت انقلاب که همان ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه له بوده صورت گیرد تا کارکردهای انقلاب به بالاترین سطح ممکن خود برسد. از جمله آثاری که در این زمینه به چاپ رسیده است، عبارتند از: ۱. آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی اثر محمدرضا عیوضی که در سال ۱۳۸۵ توسط پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی منتشر شده است؛ ۲. آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی از نگاه امام خمینی رحمه الله اثر حسین شیدائیان که در سال ۱۳۸۱ توسط نشر یاقوت به چاپ رسیده است؛ ۳. آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی اثر قاسم شبان‌نیا که در سال ۱۳۹۰ توسط سمت منتشر شده است؛ ۴. آسیب‌شناسی ارکان انقلاب اسلامی اثر عبدالله حاجی‌صادقی که در سال ۱۳۸۳ توسط زمزم هدایت به چاپ رسیده است؛ ۵. آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی در عرصه سیاسی و اقتصادی اثر مهرعلی لطفی که در سال ۱۳۸۷ توسط فصل‌نامه رهیافت انقلاب اسلامی به چاپ رسیده است. اما وجه تمایز این اثر نسبت به آثار برشمرده شده در این بوده که در این اثر آسیب‌های مرتبط با غایت انقلاب اسلامی که نقش مقدمه‌ساز آن برای ظهور بوده مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در راستای دستیابی به این هدف بدین سؤال پاسخ داده خواهد شد که انقلاب اسلامی با رویکرد نقش مقدمه‌ساز ظهور با چه آسیب‌هایی مواجه است؟

مفاهیم و ادبیات نظری تحقیق

انقلاب اسلامی در سیر تطوری خود، دچار چالش‌هایی شده که سبب ایجاد خلل به کارکردهای مقدمه‌سازی آن شده است. لذا آسیب‌های موجود، اگر مورد بازبینی و اصلاح قرار نگیرد، روح حاکم بر روند مقدمه‌ساز انقلاب را با چالش‌های عدیده مواجه خواهد ساخت. بر این اساس، مراد از آسیب‌شناسی، «شناسایی آن دسته از عوامل مهم و مؤثری است که به وجود آمدن یا تداوم حیات آنها می‌تواند فرآیند تحقق هر نظام و سیستمی را متوقف یا به صورت محسوس کند نماید» (بنیانیان، ۱۳۷۵ش: ۲۴).

مقدمه‌سازی در لغت، به معنای «به وجود آوردن مقدمات انجام دادن امری است» (انوری،

۱۳۸۱ش: ج ۵، ۳۸۷). از این روی، نقش مقدمه‌ساز انقلاب اسلامی، زمانی معنا پیدا خواهد کرد که انقلاب بتواند مقدماتی محسوس از شکل‌گیری بایسته‌های ظهور را فراهم سازد کما این که از حیث عرفی، مقدمه‌سازی به ایجاد شاخ و برگ‌های خرد اطلاق نمی‌گردد. امروزه در کشورهای مختلف، نهادهایی به عنوان رصدکنندگان آسیب‌ها و چالش‌های جامعه وجود دارد اما ضرورت وجود چنین مراکز در کشور ما چندان ملموس نیست و همین امر سبب شده، هدف‌گذاری مقدمه‌ساز بودن ظهور، در خصوص انقلاب اسلامی در نگاه مردم فراموش یا تقلیل یابد.

چالش نظریه‌پردازی در نرم‌افزار انقلاب

انقلاب اسلامی به دنبال ارائه گفتمان جدیدی از پیشرفت است که متکی به معنویت باشد و در روح خود از حرکت تاریخی انبیاء الهی تأسی نموده است. قبل از شکل‌گیری این انقلاب، جبهه سرمایه‌داری غرب این باور را در جهان به عنوان قاعده‌ای تثبیت می‌نمود که سعادت بشری انسان تنها از تک‌راهه‌ای می‌گذرد که آنها برای انسان‌ها در نظر گرفته‌اند.

حرکت انقلابی ما هرچند به ذات بزرگ و برای تمدن غرب و نظریه‌پردازان غربی اعجاب‌آور و خارج از محاسبات بود، اما در درون با خلأهایی روبه‌رو بود. تلقی ما این بود که با نفس دستگاه مرجعیت و عمل به رساله‌های علمیه می‌توان راه انقلاب را به سمت ظهور تسهیل نمود اما رفته‌رفته زوایای پنهانی از مسئله آشکار شد. غرب با نهضتی فلسفی به این تمدن مادی رسیده بود و برنامه‌ای مدون برای سطوح مختلف حیات انسان و زمام‌داری خود در دنیای مادی داشت و ما پس از سال‌ها به این نتیجه رسیدیم که انقلاب برخواسته از دین باید دارای مبانی، فلسفه و دانش بنیانی نوین دینی باشد، تحقق معیشت سعادت‌مندانه برای انسان در ذیل دین، نیاز به الزامات گسترده‌ای دارد.

انقلاب اسلامی، نظامات گوناگون فردی و اجتماعی غرب را با چالش مواجه ساخت و اوج این درگیری در زمانی خواهد بود که انقلاب با استمرار و تعمیق حرکت خود، در عرصه نظریه-پردازی و تئوری‌سازی نیز با این تمدن وارد درگیری و در نهایت مدل‌سازی شود. این درگیری برای ارائه ناکارآمدی مدنیت غربی، اتفاقی ضروری و لازم در مسیر تسهیل‌گری جریان ظهور بود؛ چراکه زیست غربی در روح خود با مدنیت ظهور دارای تضاد ذاتی است.

با شکل‌گیری انقلاب اسلامی، جامعه ما به سمت چنین دیدگاهی رفت که انقلاب باید بتواند چالش‌ها و مشکلات موجود در کشور را برآورده کند. به عبارتی دیگر نگاه جامعه هنگامه

انقلاب، نگاهی جامع به انقلاب بود؛ چراکه بدین باور بودند که انقلاب اسلامی ریشه در حقیقت دین دارد و دین از توان پاسخگویی به جمله نیازهای فردی و اجتماعی جامعه برخوردار است و می‌تواند بدون تکیه بر ایدئولوژی و مدل‌های غیردینی، حرکتی رو به جلو داشته باشد.

ایده تحقق تمدن نوین دینی، هرچند در سال‌های اخیر بیشتر نمود پیدا کرده اما ارتکاز نهان جامعه ما نسبت به کارایی و ظرفیت‌های دین و انقلاب اسلامی، در همین راستا بوده؛ چراکه تمدن اسلامی، تمدنی دینی است که همه مؤلفه‌های آن بر محور اسلام قرار دارد. بدین ترتیب، تمدن اسلامی از همه ویژگی‌های تمدن الهی در چهارچوب آموزه‌های قرآنی و متکی بر سنت پیامبر اکرم برخوردار است. تمدن اسلامی فضایی است که انسان در آن فضا به لحاظ معنوی و مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی برسد که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است اما دستیابی بدین هدف نیازمند تولید نرم‌افزار تمدنی در راستای اهداف انقلاب است. امروزه بخش قابل توجهی از نظام آموزشی ما تحت تأثیر مدل‌های فکری و آموزه‌های فلسفی غرب قرار دارد و برای تغییر این وضعیت و خروج از وضعیت منفعلانه در برابر تمدن رقیب، نیازمند به تولید نظام‌های نظریه‌ساز درونی با محوریت دین خواهد بود؛ چراکه تمدن مورد نظر انقلاب هم در مبدأ و هم معاد و هم در سیر حرکتی خود در ابعاد خرد و کلان، منطبق بر دین است؛ «تمدن اسلامی، تمدنی است که همه مؤلفه‌های آن بر محور دین اسلام می‌گردد. با توجه به همین پسوند پرمایه، دارای آغاز و انتها است» (جان احمدی، ۱۳۹۸ش: ۵۱).

تحقق این توقع نیازمند به برداشته شدن قدم‌های اساسی در عرصه نظریه‌پردازی دینی است. اگر اعتقاد به کارایی و نقش سراسری دین در تأمین نیازهای تثوریک و نظریه‌پردازی در سطح حکومتی داریم، لازم است مدل‌های استخراجی و تنقیح شده به جامعه ارائه شود. کم-کاری در این زمینه در طول چند دهه پس از انقلاب سبب شده، ذهن جامعه از بازده بودن دین در عرصه‌های کلان حکومتی منصرف شود و کارکردهای انقلاب را در حد شعار تلقی نمایند؛ «مسلمانان در سده اخیر پس از پیدایش انواع حکومت‌ها در دنیای مدرن با این سؤال روبرو بوده‌اند که برای تشکیل حکومت اسلامی در دنیای مدرن باید چه الگویی اتخاذ کنند؟ آیا حکومت دینی از درون توانایی تأمین خود را دارد؟ برخی تصور عدم کارایی احکام فقهی تشیع در عرصه‌های گوناگون سیاسی در دوران کنونی را دارند در حالی که این نظریه ناشی از عدم احاطه شناختی از ظرفیت فقهی شیعه و نصوص در دسترس فقهاست» (عابدی نژاد، ۱۳۹۵ش: ۳۹).

انقلاب اسلامی به عنوان حکومتی دینی که داعیه تدارک شرایط ظهور را داشته و در واقع نیز از این ظرفیت برخوردار است، اگر نتواند در عرصه نظریه‌پردازی و استخراج مدل‌های دینی در نظامات مختلف جامعه، به درستی عمل کند، نگاه جامعه به کارآیی دین از بین خواهد رفت؛ چراکه خواه یا ناخواه در انظار عموم جامعه هر نوع ضعف انقلاب در پیاده‌سازی آرمان‌هایش، به فقدان کارآمدی دین تفسیر خواهد شد و به تبع، تلاش آنها در زمینه مقدمه‌سازی ظهور و همراهی‌شان با انقلاب در این مسیر تحت تأثیر قرار خواهد گرفت.

مهندسی نیازهای حکومت دینی که در چارچوب شریعت به طور کامل قابل پاسخگویی است، باید از مجرای صحیح خود پیش برده شود و در این مسیر، حوزه‌های علمیه رسالت نظریه‌پردازی و استخراج را به دوش دارند و در مسیر تأمین نیازهای تئوریک نظام اسلامی، هر نوع عقب‌ماندگی حوزه و نظام در این راستا، تأثیر مستقیم بر نگاه جامعه نسبت به هدف انقلاب (ظهور) خواهد داشت و به تبع، کیفیت انتظار امام عصر عجل الله تعالی فرجه الیه را در نگاه آنان تحت تأثیر قرار خواهد داد؛ چراکه قرائت جمعی جامعه ما از انقلاب اسلامی، حکومتی با خصائصی از دولت ظهور است و افول کارکردی انقلاب در عرصه نظریه‌پردازی، موجب تغییر نگاه امیدمند آنان به عصر ظهور خواهد شد؛ «فقدان ایدئولوژی یا طرح و برنامه در هر انقلابی به دنبال خود آسیب‌های متعدد دیگر را برای آن انقلاب در پی خواهد داشت» (مطهری، ۱۳۹۰: ۱۰۲). بنابراین انقلاب اسلامی در راستای رسالت تمدن‌سازی و مقدمه‌ساز بودن خود، هرچند بخشی محدود از مسیر نظریه‌پردازی خود را پیموده است، اما مسیری طولانی در عرصه تبویب و نظریه‌پردازی خواهد داشت که گرایش به التقاط، روشنفکری و تجدد تحت سایه غرب‌زدگی، از موانع حرکت انقلاب در این عرصه به شمار می‌آید.

ضعف انقلاب در گفتمان‌سازی غایت خود

طرح جامع امام در مرحله اول مبتنی بر جمع نمودن نظام پادشاهی بود و در مرحله بعد تشکیل حکومتی دینی که توان رویارویی با تمدن غربی در حد کلان داشته باشد. ایشان به دنبال پایان دادن به نقطه تعیین‌کنندگی غرب در دنیا بودند و به درستی ظرفیت‌های جهانی دین را شناخته بودند و اعتقاد داشتند حرکتی زائیده از دین می‌تواند در برابر غرب در همه سطوح به تقابل بپردازد و نقطه التجاء و امید جبهه توحیدی در عالم باشد.

دو مرحله مدنظر ایشان محقق شد و حتی انقلاب اسلامی از مرزهای جغرافیایی خود عبور نمود و به صدور محصول پرداخت اما رسالت تئوریزه‌سازی این انقلاب جهت شکل‌گیری گام

سوم که مقدمه اصلی قبل از ظهور است، بر دوش رهبر معظم انقلاب قرار گرفته تا با نظارت و تعالیم ایشان، انقلاب به مرحله تمدن سازی و نظام سازی برسد. بر همین اساس از منظر ایشان، مسیر طی شده تنها گامی از نظام‌واره شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی است که این امر در بیانیه گام دوم کاملاً محسوس است؛ «راه طی شده فقط قطعه‌ای از مسیر افتخارآمیز به سوی آرمان-های بلند نظام جمهوری اسلامی است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

انقلاب اسلامی با غایت‌مندی فراهم آوردن مقدمات ظهور، قرائتی جدیدی از فرآیند انتظار ارائه نمود و نشان داد که مهدویت، امری سیال، رونده و در حال حرکت است و سلب نمودن نگاه فرآیندی از انتظار، جامعه را به انتظاری خاموش مبتلا خواهد کرد که انتظاری فلج‌کننده است و سبب انحطاط و سقوط جامعه خواهد شد. در فرآیند حرکتی و صیوروتی انقلاب، جامعه به وضع موجود اعتراض می‌کند تا در نتیجه تغییر و تحولات آن به وضع مطلوب برسد و ایده‌آل مطلوب، حالتی غایی است که ظهور آن حضرت در عالم پدیدار خواهد شد. انتظار حقیقی تابع جمع شدن خصائصی ضروری در وجود انسان است تا شاکله وجودی او در مسیر انتظاری پویا قرار گیرد و ظرفیت‌های وسیع خداوندی او را به فعلیت برساند. در این نوع انتظار، انسان در مسیری همسو با اهداف تاریخی انبیاء الهی گام خواهد برداشت.

انقلاب اسلامی با تکیه بر این قرائت از انتظار، ظرفیت بازگرداندن انسان گمشده از خود را در عصر تحکم مدرنیسم غربی داراست و از این قابلیت برخوردار است که نیازهای ذاتی انسان و اقتضائات ادواری او را شناسایی نموده و براساس آن، به پیشگیری و مصونیت‌بخشی، رشد و ارتقای فرهنگی فرد و جامعه بپردازد. در حقیقت این تمدن ظرفیت خود را جامعیت دین با تعریفی حداکثری اخذ نموده؛ به همین سبب کارکرد او به شأنی دون شأن دیگر در زندگی بشریت خلاصه نمی‌شود. اما با این همه، در گفتمان سازی این غایت تاریخی خود دچار ضعف اساسی است. هنوز بدنه قابل توجهی از جامعه ما، انقلاب اسلامی را در مسیر ایجاد رفاه و گذر از نظام طاغوتی معنا می‌کنند و برای انقلاب در موازنه‌های جهانی، نهایتاً سهمی به مقیاس کنش‌گری منطقه‌ای تعریف می‌نمایند در حالی که انقلاب به عنوان محور تمدن نوین اسلامی به دنبال ایجاد موازنه جهانی با رئوس قدرت و در تقابل با نظام باطل و تمدن مادی‌گرای حاکم بر دنیاست تا استراتژی قدرت را از دست نظام لیبرال گرفته و گفتمان جهانی‌سازی دین را بنیان نهد. در این میان، سهم رسانه و هنر دینی ما در تبیین این هدف، سهمی ناچیز است و سبب شده بخشی از جامعه ما با تکانه‌های اقتصادی یا آشوب‌های فرصت طلبانه در سردرگمی فرو رود و نسبت به آینده خود دچار تزلزل شود و با معضلات اقتصادی از آینده ناامید شود؛

«باید سعی کنید تا زمینه را برای آن چنان دورانی آماده کنید... دورانی که در آن، اندیشه و عقول بشر، از همیشه فعال‌تر و خلاق‌تر و آفریننده‌تر است... قبل از دوران مهدی موعود، آسایش و راحت‌طلبی و عافیت نیست» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰). بنابراین تبیین قرائت حداکثری از غایت انقلاب و رصد صحیح از موازنه و درگیری امروز آن با جبهه باطل، سبب خواهد شد سهم همراهی جامعه در مسیر سختی‌های انقلاب به طور فزاینده‌ای ارتقا پیدا کند.

دوگانه ظاهر و باطن در گستره‌ای از مسئولین

حجم گسترده اقبال مردمی به انقلاب اسلامی در زمانی شکل گرفت که جامعه از رشد افسارگسیخته فساد و اشرافیت دولت پهلوی رنج می‌برد. گفتمان امام راحل این ذهنیت اجتماعی را ایجاد کرد که دولت طراز ظهور، دولتی فسادستیز است و میلی به خوی اشرافی‌گری ندارد. در چنین دولتی، مسئولین در جایگاه خدمتگذار خواهند بود و مسئولیت و زعامت پلی برای ارتقاء مادی و مالی آنها نخواهد بود.

در محکومات انقلاب اسلامی، یکی از ابعاد ضرورت نظارت بر هر حکومتی، ارتباط پیوسته بین مشروعیت و نظارت است؛ چراکه حکومت بدون نظارت به فساد کشیده شده و به دنبال آن، مشروعیت خود را از دست می‌دهد؛ نظارت مردم بر حکومت، یکی از اصول اساسی مردم-سالاری است و نظارت مردم بر حکومت، تنها در صورتی ممکن است که حکومت، قدرت خود و مشروعیت آن را ناشی از اراده و رأی مردم بداند. این نظارت و رصد پیوسته حاکی از حقیقت تلخ فقدان باورمندی بدنه‌ای از مسئولین به آرمان‌های انقلاب است. دعوت به نظام ارزشی انقلاب و پایبند نبودن بدان در عرصه عملی، دوگانه‌ای است که سبب شکاف بین مسئولین و عموم جامعه خواهد شد. این ناهمگونی در ادبیات نظری و عملی، نه تنها مقبولیت بلکه کارآمدی انقلاب را تحت تأثیر قرار خواهد داد و دستگاه محاسباتی و شناختی عموم جامعه را نسبت به کیفیت حکومت و زعامت در عصر ظهور تحت تأثیر قرار خواهد داد.

منشأ این آسیب از منظری به خلأهای معرفتی برخی مسئولین باز می‌گردد که انقلاب و غایت آن را به درستی درک نکردند و برای بقا در قدرت، نیازمند به تظاهر به انقلابی بودن هستند در حالی که انقلابی بودن منوط به شناخت ماهیت انقلاب اسلامی، وضعیت کنونی و گفتمانی است که انقلاب در مسیر آن در حال حرکت است.

تحقق و استمرار انقلاب تابع جهادمندی و باور به مؤلفه‌های حیات مؤمنانه در زمامداران

حکومت دینی و پس از آن، اقشار جامعه است، با این حال، اگر مسئولین در بطن زندگی و تفکراتشان به این اصول معتقد نباشند، مسیر جامعه نیز به سمت امام عصر و تشکیل حکومتی متأثر از آرمان‌های حکومت آن امام نخواهد بود؛ «اگر معنویت را فراموش کنیم، انقلاب خودمان را از یک عامل پیش‌برنده محروم کرده‌ایم» (مطهری، ۱۳۹۲ ش: ۱۷۵).

روحیه اشرافی‌گری سبب ایجاد شکاف و عدم همراهی مردم در عرصه‌های گوناگون انقلاب خواهد شد. زمانی که دغدغه مسئولی در جمهوری اسلامی معطوف به مادیت و انگیزه‌های غیرالهی باشد، اشرافیت او را از وظائفش بازخواهد داشت، در این زمان گرسنگی مردم، شکاف طبقاتی، مشکلات فرهنگی و... برای او موضوعیت پیدا نخواهد کرد و او قادر نخواهد بود در منظومه رسالتی خود نسبت به تمهید مقدمات ظهور قدم بردارد.

انقلاب اسلامی برای همخوانی و تناسب هرچه بیشتر با هدف کلان خود، نیازمند مبارزه پیوسته و حقیقی با مؤلفه‌های فساد و اشرافی‌گری در میان سطوح مدیریتی و مسئولیتی خود است. سهم‌خواهی‌های جناحی، نفوذ احزاب، ایجاد حلقه‌های نفوذ شبکه‌ای بین مسئولین و بستگان‌شان، دور زدن قانون و زد و بند با رؤس ثروت و قدرت و... پدیده‌هایی نیستند که با هدف‌گذاری انقلاب و حرکت در راستای عصر ظهور همخوانی داشته باشد.

کمبود نیروسازی انقلابی در بسترهای مختلف نظام

هر مکتب و گفتمان فکری برای پیشبرد اهداف و آرمان‌های خود نیازمند به نیروسازی در طراز غایت خود است. انقلاب اسلامی در شرایطی شکل گرفت که به خاطر علل مختلف، نیروسازی کافی برای سطوح کلان و خرد انقلاب صورت نگرفته بود. همین امر سبب شد تا برخی از موافقین حکومت سابق با تفکرات لیبرالیسمی و با گرایش به غرب، تصدی امور متعددی را بر عهده بگیرند. این فرآیند چند دهه به طول انجامید و کشور در دوره‌های مختلف انتخاباتی در کشاکش تفکرات متضاد، ناهمگونی و احیانا معاند با اهداف نظام قرار داشت. طبیعی است در چنین حالتی غایت‌مندی ظهور، به عنوان یک هدف‌گذاری صرف باقی خواهد ماند و اقدامات عملیاتی در این زمینه صورت نمی‌گیرد.

در چنین حالتی عرصه برنامه‌ریزی و اجرایی کشور، در مسیری همسو با گفتمان غرب حرکت خواهد کرد و جبهه فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و سائر نظامات حکومتی، در بستر مقدمه‌ساز ظهور جهت‌گیری نخواهند داشت. یکی از آفت‌هایی که در اوایل انقلاب تجربه شد و اکنون نیز بر اثر تساهل و تسامح فرهنگی برخی متولیان فرهنگی کشور کم و بیش احیاء شده است، سنگر

گرفتن نویسندگان معاند و وابسته در جبهه فرهنگی علیه انقلاب اسلامی است. ریشه این پدیده از جهتی به فقدان نیروسازی انقلاب در ابعاد گوناگون است.

زمانی که انقلاب از درون با فقدان پرورش عناصر همسو و همبسته با خود مواجه باشد، طبیعی است دشمن در این حالت برای دستیابی به اهداف خود تلاش خواهد کرد و به تدریج با پروژه نفوذ، نیروهای نفوذی خود را وارد امور خواهد کرد تا تصدی‌های مسئولیتی را اشغال نمایند. از همین روی رخنه و نفوذ افراد فرصت طلب درون یک نهضت را از آفت‌های بزرگ آن محسوب می‌شود.

آنچه حرکت کشور ما را در دستیابی به محصولات تمدن مهدویت با تأخیر و کندی روبه‌رو ساخته، مشکل در نیروسازی در مقیاس این تمدن و تسلط مدیران لیبرال و متکی بر تمدن غربی بر حوزه‌های مختلفی کشور است. مسئولی که تحقق پیشرفت را در گرو قرابت هرچه بیشتر به این تمدن مادی می‌بیند و پیوسته به دنبال تحقیر دستاوردهای داخلی است، چگونه می‌تواند تسهیل‌کننده مسیر تمدن نوین باشد؟! او در پروژه نظام مدرنیسم می‌اندیشد، تصمیم می‌گیرد، دستور می‌دهد و اجرا می‌کند.

انقلاب اسلامی برای استمرار مسیر و اهداف خود، نیازمند به نیروسازی در طراز ماهیت خود است تا مسئولین غرب‌گرا از حوزه مدیریتی کشور دور شوند و نیروهایی که از آفت غرب‌زدگی رها شده باشند و با اعتماد به ظرفیت‌های دینی و ملی داخلی بدون نظر به دستان دشمن، چشم‌انداز انقلاب را نقطه به نقطه پیش ببرند؛ «بعد از انقلاب، برخی غفلت‌ها و اشتباهات رخ داد و نیروسازی برای آینده انقلاب برنامه دقیق و صحیح صورت نگرفت. اگر هوشیارانه‌تر عمل کرده بودیم، امروز نظام ما برای این‌که کسی را برای پستی تعیین کند، این قدر در تنگنا نبود!» (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۷/۱۰/۳)

اگر مشکل نیروسازی در عرصه‌های گوناگون انقلاب برطرف نشود، حجم وسیعی از مسئولیت‌ها در دست افرادی باقی خواهد ماند که یا فاقد تخصص لازم بوده یا همسویی فکری و عملی با اهداف انقلاب را ندارند و با تفاوت اقتضائات مدیریتی کشور بعد از هر انتخابات، با تغییر پوستین، اهداف و منافع خود را دنبال می‌کنند. یکی از علل عقب‌ماندگی انقلاب از طرح‌واری نظام‌سازی و تمدن‌سازی که رهبر انقلاب بارها متذکر شدند، در همین نقطه باید جستجو شود؛ چراکه بهترین تئوری‌ها بدون وجود نیروی کارآمد و متعهد به آرمان مقدمه‌سازی ظهور پیش نخواهد رفت.

چالش عدالت اجتماعی در دامنه‌ای فراگیر

در بینش متعالی اسلام، حکومت هرگز به خودی خود شأن و منزلتی ندارد مگر آن‌که در پی تأمین ارزش‌های الهی و اجتماعی برای نوع بشر باشد. در این تفکر فقط احیا و اجرای حق، به مفهوم واقعی خود و سرکوب کردن باطل، جایگاه واقعی حکومت را مشخص می‌سازد. در همین راستا، امام راحل رحمه‌الله «بسط عدالت اجتماعی را شرط اصلی دستیابی به صلح، امنیت، رفاه، استقلال و مساوات معرفی کرده است» (موسوی خمینی، ۱۳۸۶ ش: ج ۶، ۷۷). در گفتمان امام، عدالت تنها برخورداری در رفاه مالی نیست بلکه گستره وسیعی دارد که ابعاد درونی، بیرونی، فرد و اجتماعی و حتی حکومتی انقلاب را شامل خواهد شد؛ بر همین اساس از نگاه ایشان، بسط این عدالت سبب دستیابی به عناصر گوناگونی چون امنیت، صلح، استقلال و... خواهد شد.

انسان در درون خود همواره گرایش به عدل دارد و این خصیصه فطری، یکی از مؤلفه‌های مهم در دوران ظهور محسوب می‌شود؛ چراکه قبل از آن، سیلی فراگیر از ظلم و تبعیض در دنیا شکل گرفته است و یکی از دلائل اضطراب بشر به مکتب ظهور که از مقدمات شکل‌گیری مدینه ظهور محسوب می‌شود، وجود ظلم سرشار در این دنیاست که کسی غیر از ولی خداوند توان اضمحلال آن به نحوی سراسری را نخواهد داشت. تلاش امیدمند در راستای تحقق انتظار فعال، سبب مداومت حرکت‌های ایمانی و انقلابی در مسیر تحقق عدالت و نزدیک شدن به دوران ظهور کلمه جامع عدالت در عصر ظهور خواهد شد و از سرخوردگی سیاسی و ایستایی در این زمینه منع خواهد نمود.

امام در تحلیل آسیب‌شناسی اجتماعی و سیاسی جامعه و نظام اسلامی، بی‌توجهی به عدالت اجتماعی را زنگ خطر و هشدار برای دست‌اندرکاران حکومتی و متمکنان جامعه می‌داند؛ چراکه فقدان عدالت اجتماعی به منزله ایجاد هرج و مرج و تشویش‌های خرد و کلان در نظامات مختلف فردی و اجتماعی خواهد بود و از اولین نتایج مترتب بر آن، سلب اعتماد عمومی از حکومتی است که به عنوان زمینه‌ساز ظهور، داعیه حرکت در مسیر آرمان-های امام عصر عجل‌الله تعالی را دارد؛ «اگر... مردم مأیوس بشوند از جمهوری اسلامی و مأیوس بشوند از این‌که اسلام هم برای آنها بتواند در اینجا کاری انجام بدهد، اگر در این محیط یک انفجار حاصل بشود، دیگر نه من و نه شما و نه هیچ کس، نه روحانیت و نه اسلام نمی‌تواند جلوییش را بگیرد» (همان: ج ۱۰، ۳۳۴).

بر این اساس، غفلت از عدالت اجتماعی، زنگ خطری برای اهداف انقلاب اسلامی خواهد

بود که نقش جمهوری اسلامی نسبت به مدینه ظهور را با مخاطرات جدی روبه رو خواهد ساخت. در این مسیر، تعویض نمودن افراد فاسد از مناصبی و انتصاب آنها در نقاط دیگر نه تنها علاج درد موجود نیست بلکه موجب ایجاد مشکلات سیاسی، اجتماعی و نارضایتی بیش از پیش جامعه خواهد شد. از این روی تحقق عدالت اجتماعی نیازمند به انقلابی درونی و پوست اندازی کلان است و با تغییرات قشری محقق نخواهد شد؛ «آن اصلی که می‌تواند تعادل اجتماع را حفظ کند و همه را راضی نگه دارد و به پیکر اجتماع سلامت و به روح آن آرامش بدهد، عدالت است» (مطهری، ۱۳۸۷ ش: ج ۱۶، ۴۳۷).

حکومت دینی برای دستیابی به پیشرفت همه جانبه و هم سطح نیازمند بازسازی تعریف و مدل های ایجاد کننده عدالت اجتماعی در بستر خود است. انقلاب اسلامی با استفاده از مدل های مفهومی و ادبیات در چارچوب ظهور توانست اعتماد و اقبال عمومی جامعه را به سمت خود بکشد اما تداوم همراهی جامعه در بسترهای مقدمه ساز ظهور نیازمند تحقق عینی و عملیاتی شعارهای انقلاب خواهد بود. در این مسیر، اگر مدل های عدالت طلبی در چارچوب آرمان ها و ارزش های حاکم بر جامعه ظهور و تمدن نوین اسلامی نباشد، نظام به سمت پیشرفت مادی و ساحت های حاکم بر تمدن غربی پیش خواهد رفت. لذا انقلاب اسلامی برای تداوم حرکتی در مسیر مقدمه سازی ظهور نیازمند ارائه مدل هایی جامع از پیشرفت، توسعه و عدالت اجتماعی براساس معیارهایی متناسب با غایت خود (ظهور) است تا هم به عدالتی جامع برسد و هم در الگوهای رایج در تمدن رقیب (غرب) هضم نشود؛ «این انقلاب به شرطی در آینده محفوظ خواهد ماند و به شرطی تداوم پیدا خواهد کرد که قطعاً و حتماً مسیر عدالت خواهی را برای همیشه ادامه بدهد» (مطهری، ۱۳۹۲ ش: ۶۰).

انقلاب اسلامی برای حفظ هویت خود نیازمند به حرکتی تدریجی در مسیر تحقق عدالت اجتماعی و احیاء حقوق عامه است. تحقق فرآیندهای اصلاح اجتماعی نیز نیازمند به تحفظ بر غایت خواهد بود. امری که در چند دهه پس از انقلاب مورد فراموشی قرار گرفت و مفهوم عدالت اجتماعی تحت تأثیر تعالیم وارداتی غربی، از عدالت به معنای جامع در طراز دولت ظهور دور شد. بنابراین، رصد پیوسته غایت انقلاب در مسیر تکاملی و غیرآنی تحقق عدالت اجتماعی دینی، جهت حفظ مشروعیت و مقبولیت نظام و افزوده شدن قدرت و نفوذ فکری و قلبی انقلاب امری ضروری خواهد بود.

نفی حرکت و جوشش از ماهیت انقلاب اسلامی

پس از انقلاب این ذهنیت در بدنه گسترده‌ای از جامعه شایع گشت که غایت انقلاب اسلامی نفی نظام استعماری و کنار گذاشتن رژیم شاهنشاهی بوده و ما اکنون به هدف خود دست پیدا کرده‌ایم در حالی که این نگاه، اندیشه حرکت و جوشش پیوسته را از انقلاب سلب خواهد کرد و موجب رکود، خنثی بودن و ایستایی در بدنه جامعه و مسئولین می‌گردد. تأثیرات این نگاه عدم نگاه راهبردی نسبت به آینده طولانی مدت انقلاب و مسیر پر فراز و نشیبی است که تا پایان تاریخ در راستای ایجاد مدینه ظهور در انتظار جامعه خواهد بود. طبیعی است پس از نهادینه شدن این نگاه در جامعه، رفاه طلبی و عافیت خواهی در ساختارهای مختلف نظام رسوخ پیدا خواهد کرد و آرمان خواهی جای خودش را به پدیده تساهل و وابستگی به تمدن رقیب می‌دهد. اگر زندگی تجملی و روحیه تکاثرتطلبی در میان عناصر انقلابی به عنوان فرهنگی نهادینه شود، نیروهای انقلابی روحیه خود را از دست خواهند داد و داعیه دفاع از انقلاب و ارزش‌های آن تضعیف می‌شود. در این صورت است که دولت اسلامی در دستیابی به اهداف و آرمان‌های خود که همان شکل‌گیری مقدمات لازم برای مدینه ظهور بوده، با مشکل مواجه خواهد شد و قادر نیست افق‌های آینده مهدوی و ایجاد تمدن نوین اسلامی را به عنوان فرهنگ به افکار، امیال و اعمال جامعه تزریق نماید؛ «مجاهدت و مبارزه مسلمین باید همواره در حال تحرك و پیشرفت باشد و هیچ‌گاه نباید کار را تمام شده تلقی کرد» (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۷ش: ۱۵۴).

در راستای مبارزه با این سستی که بعد از شکل‌گیری انقلاب‌ها همواره نمود دارد، گام نخست آن است که از دشمن و فرآیند حرکتی او غفلت نشود و حالت تهاجمی، جهادی و خصیصه دشمن‌شناسی در بدنه جامعه حفظ شود و به حداقل حرکت در راستای ظهور، اکتفاء نشود. امیرالمؤمنین (علیه السلام) پس از انتقاد از اهل مصر که در برابر دشمن متجاوز گرفتار غفلت گردیده‌اند به آنها سفارش می‌کند به سوی جهاد با دشمنان کوچ کنند، آنگاه به عنوان یک اصل کلی می‌فرماید:

إن اخا الحرب الارق و من نام لم ینم عنه (نهج البلاغه، نامه ۶۲)؛

همانا برادر جنگ، بیداری و هوشیاری است و هر آن کس که به خواب رود دشمن او نخواهد خوابید.

انقلاب اسلامی در دوره جنگ تحمیلی، به سبب تکیه بر روحیه جهادگرایی و پرهیز از خوی اشرافیت و عافیت‌طلبی توانست به توان بازدارندگی و درون‌سازی قابل توجهی در برابر ائتلاف

جهانی علیه خود برسد، اما در چند دهه پس از جنگ، این فرآیند تکرار نشد؛ چراکه رسوخ روحیه رفاه‌گرایی، مسئولین را از اقداماتی در تراز انقلاب دور ساخت و به دنبال آن، کشور در سطوح گوناگون نتوانست به بومی‌سازی و ایجاد حلقه‌های نظام‌ساز دست پیدا کند. تداوم این پدیده، سبب حذف شدن انقلاب از نقش‌آفرینی فعال در تحولات منطقه‌ای و جهانی خواهد شد و به تبع آن، انقلاب با هضم شدن در روزمرگی به تدریج از آرمان مقدمه‌سازی ظهور که مقرون با روحیه جهادگرایی است، فاصله خواهد گرفت. جامعه‌ای که سطح نیاز آن به انقلاب دینی دستیابی به رفاه هرچه بیشتر باشد، در مقتضیات جهان مادی هضم می‌گردد و با قرار گرفتن در رقابت‌های دنیوی، در تراز امت مطالبه‌کننده امام نخواهد بود.

نتیجه‌گیری

جمهوری اسلامی در مسیر دستیابی به هدف‌گذاری کلان تاریخی خود در بسترسازی ظهور، در حال حاضر با دو چالش اساسی مواجه است. اولین چالش عدم گفتمان‌سازی غایت انقلاب در میان آحاد جامعه است؛ ریل‌گذاری حادثه ظهور، هدف اصلی انقلاب اسلامی بود اما مردم جامعه ما چندان با این غایت آشنایی ندارند و به همین سبب اهداف انقلاب را به مسائل رفاهی و معیشتی تأویل می‌برند. در وهله دوم، آسیب‌های متعددی پس از شکل‌گیری انقلاب به تدریج در جامعه ما به ظهور و بروز رسید همانند چالش نظریه‌پردازی دینی، کمبود نیروسازی کارآمد و... که بقاء این باعث ایجاد خلل‌های جدی به جایگاه مقدمه‌ساز انقلاب اسلامی برای حادثه ظهور خواهد بود. لذا ضروری است با تصحیح و تعمیق نگاه مسئولین و پس از آن بدنه جامعه نسبت به جایگاه ظهور در گفتمان انقلاب، نقش تمهیدی انقلاب در محور همه برنامه‌ریزی‌های نظام قرار گیرد و در کنار آن، آسیب‌های شکل گرفته که مخل به شأن مقدمه‌ساز انقلاب است توسط پژوهشکده‌های داخلی رصد و به تدریج برطرف گردد.

منابع

قرآن کریم
نهج البلاغه

۱. انوری، حسن (۱۳۸۱ش)، *فرهنگ بزرگ سخن*، تهران: انتشارات سخن.
۲. بنیانیان، حسن (۱۳۷۵ش)، *مدلی بر آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی*، تهران: نی.
۳. جان‌احمدی، فاطمه (۱۳۹۸ش)، *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، تهران: معارف.

۴. عابدی نژاد، امین رضا (۱۳۹۵ش)، ماهیت و الزامات فقه پیشرفت، قم: مؤسسه امام خمینی رحمته الله علیه.
۵. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۷ش)، انقلاب اسلامی؛ جهشی در تحولات سیاسی تاریخ، قم، مؤسسه امام خمینی رحمته الله علیه.
۶. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۲ش)، انقلاب اسلامی و ریشه های آن، قم: مؤسسه امام خمینی رحمته الله علیه.
۷. مطهری، مرتضی (۱۳۸۷ش)، مجموعه آثار، تهران: صدرا.
۸. مطهری، مرتضی (۱۳۹۰ش)، بررسی اجمالی نهضت های اسلامی در صدساله اخیر، تهران: صدرا.
۹. مطهری، مرتضی (۱۳۹۲ش)، پیرامون انقلاب اسلامی، تهران: صدرا.
۱۰. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۸۶ش)، صحیفه، تهران: مرکز حفظ و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
۱۱. آیت الله محمدتقی مصباح یزدی در دیدار با جمعی از مسئولان عقیدتی سیاسی حفاظت سپاه، ۱۳۹۷/۱۰/۳.
۱۲. بیانات آیت الله خامنه ای در دیدار مردم قم، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰؛
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id.۷۷۳۳>
۱۳. بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲؛
<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>

Mahdavi's socialization of youth in the age of information explosion

Dr. Ali Mirza Mohammadi ¹

Amir Mohammad Mirza Mohammadi ²

Abstract

Mahdavi socialization of the youth is the key to the sustainability and dynamism of the holy Islamic system. In the Islamic Republic of Iran, four decades after the revolution, the issue of youth and how to find their identity has become a fundamental issue. One of the fundamental issues of the Islamic society of Iran is to preserve and spread the values based on the teachings of Mahdavi, to institutionalize them and to make them current in the course of youth development. This research tries to introduce the factors affecting the socialization of Mahdavi youth in the current conditions of Iranian society. The results of the present research show that according to the conditions of Iran, especially the development of social networks and virtual space, the important factors of Mahdavi's socialization and the formation of Mahdavi's personality are the family, peer group, religious institutions and the media, and if these agents are in line with the education and internalization of social norms and Mahdavi culture do not function properly, Mahdavi socialization will be disturbed. Mahdavi culture is formed in interaction with each other at the levels of political system, process and policy making. Two important dimensions of Mahdavi culture are the belief dimension and the background dimension, which should be tried to give importance to both dimensions in the socialization of Mahdavi youth.

Keywords: Socialization, Mahdavi's socialization, youth, media

1. PhD in Sociology and Mahdavi activist(holder of the Mahdiyavaran statue and top Mahdavit researcher at the 13th International Conference of Mahdavid Doctrine)(Responsible Author)
2. Sports science student of Shahid Madani University of Tabriz



ISSN:2423-7663



فصلنامه علمی - پژوهشی مهدویت
سال هجدهم / شماره هفاد و دوم / تابستان ۱۴۰۳

جامعه‌پذیری مهدوی جوانان در عصر انفجار اطلاعات*

علی میرزا محمدی^۱

امیرمحمد میرزا محمدی^۲

چکیده

جامعه‌پذیری مهدوی جوانان، رمز ماندگاری، و پویایی نظام مقدس اسلامی است. در جمهوری اسلامی ایران باگذشت چهار دهه از انقلاب، مسئله جوانان و چگونگی هویت‌یابی آنان تبدیل به یک موضوع اساسی شده است. یکی از مسائل اساسی جامعه اسلامی ایران، حفظ و اشاعه ارزش‌های مبتنی بر آموزه‌های مهدوی، نهادینه ساختن آنها و جاری ساختن آن در جریان رشد جوانان است. این پژوهش تلاش دارد عوامل موثر بر جامعه‌پذیری مهدوی جوانان را در شرایط کنونی جامعه ایران معرفی نماید. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد با توجه به شرایط ایران به ویژه توسعه شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی، عوامل مهم جامعه‌پذیری مهدوی و شکل‌گیری شخصیت مهدوی، خانواده، گروه همسالان، نهادهای مذهبی و رسانه‌ها هستند و چنانچه این کارگزاران در راستای آموزش و درونی کردن هنجارهای اجتماعی و فرهنگ مهدوی عملکرد مناسبی نداشته باشند، جامعه‌پذیری مهدوی دچار اختلال می‌شود. فرهنگ مهدوی، در سطوح نظام سیاسی، فرآیند و سیاست‌گذاری، در تعامل با یکدیگر شکل می‌گیرد. دو بعد مهم فرهنگ مهدویت بعد اعتقادی و بعد زمینه‌سازی است که باید تلاش شود در جامعه‌پذیری مهدوی جوانان به هر دو بعد اهمیت داده شود.

واژگان کلیدی

جامعه‌پذیری، جامعه‌پذیری مهدوی، جوانان، رسانه.

مقدمه

اجتماع‌های انسانی بستر آمد و شد اعضاست؛ در گذر زمان همواره اعضای می‌روند و اعضای جدید جایگزین می‌شوند. در عین حال در این اجتماع‌ها زمینه ناهم‌نوایی همواره به اندازه هم‌نوایی فراهم است. پس جامعه برای آن که انتظام خود را حفظ کند و به حیات خود

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۰۲

۱. دکترای جامعه‌شناسی و فعال مهدوی (دارنده تندیس مهدی‌یاوران و پژوهشگر برتر مهدویت در سیزدهمین کنفرانس

بین‌المللی دکترین مهدویت) (نویسنده مسئول).

۲. دانشجوی علوم ورزشی دانشگاه شهید مدنی تبریز.

ادامه دهد، ناگزیر است پیوسته اعضا را با خود همساز و برای زندگی گروهی آماده سازد. بخش عمده‌ای از این مهم در قالب یادگیری الگوهای رفتار جمعی و هنجارها و ایجاد تعهد درونی در افراد نسبت به آنها تحقق می‌یابد (روشه، ۱۳۶۷ش: ۶۰، ۲۵؛ علاقه‌بند، ۱۳۶۶ش: ۱۳۶-۱۳۷) و این صرفاً در بستر جامعه‌پذیری تصویر می‌شود. اهمیت این فرایند تا آن جاست که بقای جامعه انسانی را نتیجه اعمال آن می‌دانند (کوئن، ۱۳۷۲ش: ۱۰۳-۱۰۴).

اهمیت جامعه‌پذیری به حدی است که به عقیده پیتر برگر (۱۹۶۷)^۱ جهان معاصر در سیطره گروه‌های قدرتمندی است که برای تصاحب مکانیسم‌های فرآیند جامعه‌پذیری با همدیگر رقابت می‌کنند (فروتن، ۱۳۹۲ش: ۷۴). هم عقیده با پلوس (۲۰۰۷)^۲ جوامع و گروه‌ها با بهره‌گیری از استراتژی جامعه‌پذیری ویژگی‌های خود را به تازه واردین منتقل می‌کنند و بدین طریق جامعه اطمینان خاطر حاصل می‌کند که رفتار این تازه واردان انسجام اجتماعی و وحدت گروهی را به مخاطره نخواهد انداخت.

جامعه‌پذیری مهدوی، بخشی از جامعه‌پذیری دینی و مذهبی است که در طی آن آموزه‌ها و فرهنگ مهدوی به نسل جدید منتقل می‌شود. انتقال فرهنگ مهدوی هم راهی است که در آن اندیشه‌ها و باورهای مهدوی به نسل دیگر می‌رسد و حیات اجتماعی مذهبی با رنگ و لعاب امید به آینده تداوم می‌یابد. جامعه‌پذیری مهدوی همچون مفهوم کلی و عام جامعه‌پذیری يك فرآیند مستمر آموزش و یادگیری است؛ با این تفاوت که این یادگیری معطوف به يك فضای مقدس مهدوی است. نوجوانان و جوانان به تدریج در جامعه‌پذیری مهدوی بینش جدیدی را فرا می‌گیرند که آنان را قادر می‌سازد تا مفاهیم ویژه‌ای همچون امامت، عدالت، ظلم‌ستیزی و انتظار را درک نمایند، آنان یاد می‌گیرند که چگونه خود و جامعه را برای درک امام غائب از نظر و حاضر در عصر و زمان آماده کنند. بر این اساس، جامعه‌پذیری مهدوی را فرآیند آموزش و یادگیری می‌توان تلقی نمود که از طریق آن افراد می‌آموزند جهان را به به مثابه يك جهان سرشار از معانی و دلالت‌های انتظار ظهور یک منجی و آمادگی و استعداد درک ظهور ایشان بنگرند.

به مصداق تمثیل «علم در خردسالی چون نقش در سنگ است» همگان بر این نکته متفق‌القول اند که بخش بزرگی از شکل‌گیری نگرش‌ها و منش مذهبی و به تبع آن نگرش‌ها و

1. Berger, P. L.

2. Pluss

منش‌های مهدوی فرد ریشه در تأثیرات محیطی نخستین سال‌های زندگی او دارد. این ایستارها در سنین بالاتر پرداخته می‌شوند. اما در سراسر زندگی فرد به عنوان بخشی از شخصیت او باقی می‌مانند.

نیمرخ شخصیت مذهبی - مهدوی در هر لحظه از حیات فرد، دستخوش تغییراتی است که حاصل ترکیب ایستارها و احساسات بنیادین او با رویدادها، شخصیت‌ها و موضوعات روزمره می‌باشد. در این واقعیت متحول، بنیادهای ثابتی که در دوران اولیه زندگی فرد به صورت هویت‌ها و باورهای کلی و ارزش‌های ثابت اجتماعی در او ریشه دوانده‌اند همانند قالب‌هایی است که تأثیرات روزمره محیط را شکل می‌دهد.

نگاهی به تحولات اجتماعی و سیاسی سال‌های اخیر کشور، به ویژه ناآرامی‌های سیاسی - اجتماعی اخیر کشور نشان می‌دهد جامعه ایران با اختلال در جامعه‌پذیری دینی مواجه شده است. این ادعا از آن جا قابل پیگیری است که پایگاه اصلی و فعال این ناآرامی‌ها را عمدتاً زنان، جوانان، نوجوانان، دانشجویان و دانش‌آموزان تشکیل می‌داد. وجه مشترک جوانان معترض آن است که بیش از دیگر گروه‌های اجتماعی خود را قربانی شرایط نامطلوب موجود می‌بینند و امید خود به آینده را از دست داده‌اند. با نگاهی آسیب‌شناسانه به تضعیف اخلاق در سطح جامعه و در ارزیابی‌های عمومی می‌توان به اختلال در فرایند جامعه‌پذیری دینی نیز اشاره نمود. دین عنصر معنا بخشی به وجود انسان و جهان محسوب می‌شود. هم عقیده با پیتر برگر، انسان‌ها به جهت ناقص بودن ساختار غریزی‌شان، در طی قرون تلاش کرده‌اند تا از طریق دین، وجود خود و جهان را معنادار سازند (علم، ۱۳۸۶ش: ۶۷). ضمن آن که، دین یکی از بنیادی‌ترین عناصر فرآیند جامعه‌پذیری نیز تلقی می‌شود. مهدویت عنصر حیات‌بخش دین اسلام است که به فعالیت‌های اجتماعی و جهانی مسلمانان رنگ و لعاب نگاه امیدبخش به آینده را می‌بخشد.

در گذشته، نسل‌ها هر ۲۰ سال یکبار تغییر می‌کرد، اما اکنون تغییر نسل‌ها ۵ ساله شده است. از ویژگی‌های امروز نسل جوان، کم‌طاقتی و پرسرعتی است. اگر فاصله بین نسلی سبب شکاف شود و جامعه نتواند آموزه‌های مدنظر دینی و مهدوی خود را به نسل جدید منتقل کند تقابل فرهنگی ایجاد می‌شود. کنترل این تقابل فرهنگی، نیازمند تقویت بنیان‌های جامعه‌پذیری دینی - مهدوی در جامعه است.

نسل جوان از یکسو متأثر از کتاب‌های درسی و رسانه‌های گروهی رسمی است که کم و بیش سعی در ارایه فرهنگ مذهبی - مهدوی دارند و از سوی دیگر بعضاً در معرض القای فرهنگ

غیر رسمی گروه‌هایی قرار دارد که به دلیل منافع خود و باورمندی به معانی متضاد با فرهنگ مهدوی، فرهنگ معنایی دیگری را ترویج می‌کنند.

نباید انتظار داشته باشیم که در غیاب وحدت عمل نیروهای مختلف اجتماعی کشور، جامعه‌پذیری مذهبی - مهدوی، حرکتی یکپارچه و جهت دار در گسترش فرهنگ مهدوی به نتیجه رسیده باشد. بدین سان ارائه چهارچوبی نظری برای تحلیل فرآیند جامعه‌پذیری مهدوی جوانان در بستر عصر انفجار اطلاعات، مستلزم شناخت عناصر جامعه‌پذیری مهدوی، عوامل و نهادهای موثر است و این مقاله در راستای این هدف به نگارش درآمده است.

تعریف مفاهیم پایه و اساسی

دین: برای درک مفهوم و اهمیت جامعه‌پذیری مهدوی ابتدا باید مفهوم دین را بازشناسی کرد. از نظر لغوی دین واژه‌ای عربی و در معنای پاداش و جزا به کار رفته است (قرشی بنایی، ۱۳۷۱ش: ۳۸۰). در فارسی پهلوی دین به معنای کیش آمده است (معین، ۱۳۹۲). از نظر اصطلاحی، دین متشکل از مجموعه‌ای اعتقادات، اعمال و احساسات فردی و جمعی است که حول مفهوم حقیقت غایی سامان یافته است. این حقیقت را می‌توان برحسب تفاوت ادیان با یکدیگر واحد یا متکثر، متشخص یا نامتشخص، الوهی یا غیر الوهی و نظائر آن تلقی کرد. بر این اساس تمام پدیده‌های فرهنگی که دین می‌نامیم در قالب این تعریف می‌گنجد (پیشگر، ۱۳۸۷ش: ۸۹). دین از منظر فردی، شبکه‌ای از اعتقادات پیچیده به نیروهای ماوراء طبیعی است و از منظر لحاظ اجتماعی نیز شبکه‌ای از سازمان‌های اجتماعی است که براساس آن اعتقادات مختلف شامل مفاهیم و احکام و شعائر مخصوص فراهم آمده‌اند (اگ، برن و نیم، کف، ۱۳۵۲ش: ۳۶۲).

جامعه‌پذیری: جامعه‌پذیری^۱ یا اجتماعی شدن، به معنای همسازی و همنوایی فرد با ارزش‌ها، هنجارها و نگرش‌های گروهی و اجتماعی، تعریف شده است (علاقه بند، ۱۳۶۶ش: ۱۰۶). براساس تعریفی دیگر جامعه‌پذیری «فرایندی است روانی - اجتماعی که بر پایه آن، شخصیت اساسی فرد، تحت تأثیر محیط مخصوصاً نهادهای تربیتی، دینی و خانوادگی شکل می‌یابد (بیرو، ۱۳۶۶ش: ۳۶۳). به بیانی تفصیلی‌تر در جامعه‌پذیری:

۱. زمینه انتقال فرهنگ جامعه از یک نسل به نسل بعد فراهم می‌شود و بدین شکل بقای جامعه و استمرار آن تضمین می‌گردد؛

1. Socialization

۲. با توسعه توانایی‌های شناختی (درک کردن، به خاطر سپردن، استدلال کردن، محاسبه کردن، باور داشتن و...) و استعدادهای عاطفی (عشق، تنفر، همدردی، اعتماد، حسد) شخصیت فرد شکل می‌گیرد و کمال می‌یابد؛
۳. رسوم و عادات و نیز آرزوهای افراد شکل می‌یابند؛
۴. فرد با شیوه‌های پذیرفته شده زندگی اجتماعی‌اشناایی و سازگاری می‌یابد و می‌آموزد که نیازهای خویش را با شیوه‌های قابل قبول جامعه برآورد؛
۵. ارزش‌ها و باورهای اساسی جامعه را در ذهن و تمرکز آنها را درونی می‌کند؛
۶. مهارت‌هایی را که برای زندگی در جامعه ضروری است، کسب می‌کند؛
۷. با دیگران به گونه‌ای موثر ارتباط برقرار می‌کند و نقش‌های اجتماعی، نگرش‌ها، انتظارات و گرایش‌های وابسته به آن و همچنین هنجارها، ارزش‌ها، زبان‌ها، عقاید و الگوهای فکر و عمل را فرا می‌گیرد (روشه، ۱۳۶۷ش: ۵۶-۵۸ و ۱۴۷-۱۵۱؛ علاقه‌بند، ۱۳۶۶ش: ۱۰۶-۱۱۰).

جامعه‌پذیری مهدوی: جامعه‌پذیری مهدوی، بخشی از جامعه‌پذیری دینی و مذهبی است که در طی آن آموزه‌ها و فرهنگ مهدوی به نسل جدید منتقل می‌شود. جامعه‌پذیری مهدوی فرآیندی پویا، مستمر و شکل‌دهنده تغییرات اجتماعی است که بر نگرش‌ها و ارزش‌ها تأثیر می‌گذارد و زیربنای عمل بر مبنای آموزه‌های مهدوی است.

رسانه‌های همگانی: رسانه‌های همگانی (media mass) عبارت از آن وسیله ارتباطی است که مورد توجه جماعت کثیری قرار دارد (کازنو، ۱۳۷۳ش: ۲۱). در نظریه‌های سیبرنتیک رسانه‌ها را در پنج قسمت رسانه فرستنده، محتوای پیام، گیرنده، وسیله ارتباطی و نتایج پیام دریافت شده مطالعه می‌کنند (همان: ۱۲).

تامپسون نظریه پرداز رسانه بین سه نوع تعامل که به واسطه رسانه‌های ارتباطی ایجاد می‌شود تمایز قایل می‌شود: تعامل رو در رو، تعامل رسانه‌ای و تعامل شبه رسانه‌ای (تامپسون، ۱۳۸۰). با ظهور رسانه‌های جدید به ویژه پیام رسان‌های شبکه‌های اجتماعی، رقبای سختی در مسیر جامعه‌پذیری رسمی خلق شده است.

جوان: هرچند توافق کلی درباره مفهوم جوان نیست، اما از دیدگاه جامعه‌شناسی، «جوانی» دوره‌ای در زندگی هر فرد است که با بلوغ جسمی در حدود ۱۳ سالگی شروع می‌شود. جوانی، مفهومی زیست‌شناختی است، اما دوره‌ای اجتماعی و فرهنگی نیز هست. دوره‌ای که فرد شرایط لازم برای کنش مستقل در تمام عرصه‌های زندگی را کسب می‌کند و صاحب هویت

اجتماعی و شخصی می‌شود (شفرز، ۱۳۸۶ ش: ۲۳-۲۴). برای افراد گروه سنی ۱۸-۲۸ سال، مفهوم «فرا بلوغ» یا «فرا بالغ» متداول شده است. ج.ر. گیلیس^۱ در کتاب *تاریخ جوانان*، این دوره از زندگی جوانان را «دوره بلوغ بدون پایه اقتصادی» می‌نامد (شفرز، ۱۳۸۶ ش: ۲۵). اهمیت مطالعه گروه سنی جوانان از آن جا ناشی می‌شود که نتایج تثبیت جامعه‌پذیری مذهبی - مهدوی به عنوان بخشی از جامعه‌پذیری پایه‌ای دوران کودکی در این دوران قابل ردیابی است. فرآیند جامعه‌پذیری مذهبی - مهدوی فرد، حاصل تأثیر مجموعه‌ای از متغیرهای متنوع و پیچیده است که در طول حیات انسان، ایستارهای دینی - مهدوی او را تشکیل می‌دهند.

سطوح جامعه‌پذیری مهدوی

جامعه‌پذیری مهدوی در دو سطح کلان و خرد قابل تحقق است:

جامعه‌پذیری مهدوی در سطح کلان (اجتماعی): عبارتست از انتقال فرهنگ مهدوی از نسلی به نسل دیگر که در آن معیارها، استانداردها و ارزش‌های مهدوی از طریق فراگرد جامعه‌پذیری و به صورت الگوهای فکری - عقیدتی و رفتاری به منظور تداوم آن به نسل جدید منتقل می‌شود.

جامعه‌پذیری مهدوی در سطح خرد (فردی): مراد از آن فراگردی است که براساس آن شخص، مجموعه دیدگاه‌ها و نقطه نظرهای مهدوی را کسب می‌کند.

کارکردهای جامعه‌پذیری مهدوی

برخی از مهم‌ترین کارکردهای جامعه‌پذیری مهدوی در سطح فردی و در سطح اجتماعی را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:

سطح فردی: مهم‌ترین کار ویژه این فرایند را می‌توان پرورش افراد برای تبدیل شدن به شهروندان مهدوی در نظر گرفت. از خلال این فرایند، ارزش‌های رایج مهدوی به فرد القا می‌شود.

سطح اجتماعی: در این سطح جامعه‌پذیری مهدوی مؤثر را می‌توان به مثابه ابزار بسیج شهروندان مهدوی برای تأمین هدف‌ها و ارزش‌های مهدوی حکومت اسلامی و آمادگی ظهور به کار برد که در غیر این صورت تأمین این اهداف دشوار خواهد بود.

1. J.R.Gillis

عوامل یا کانال‌های جامعه‌پذیری مهدوی

الف) عوامل یا کانال‌های اولیه^۱ جامعه‌پذیری مهدوی: عواملی هستند که تحت عنوان جامعه‌پذیری نخستین نیز شناخته می‌شوند. در این دسته عوامل، جامعه‌پذیری مهدوی میان افراد و گروهی که با او در تماس بسیار نزدیک و صمیمی هستند به وقوع می‌پیوندند؛ مانند گروه خانواده، دوستان و همسالان.

ب) عوامل یا کانال‌های ثانویه^۲: جامعه‌پذیری مهدوی که به دنبال کانال‌های اولیه می‌آیند و نقش دوگانه‌ای را ایفا می‌نمایند. این کانال‌ها شامل تحصیلات و اشکال نوین آن، تعلقات مذهبی و رسانه‌ها هستند. معمولاً این حالت جامعه‌پذیری، در وضعیت‌های رسمی روی می‌دهد و هیچ یک از وضعیت‌ها شخصی نیست. عواملی چون رسانه‌های گروهی و به ویژه مدرسه از این دسته هستند.

عوامل زیر در فرایند جامعه‌پذیری مهدوی ایفای نقش می‌کنند: ۱. خانواده؛ ۲. نظام آموزشی؛ ۳. گروه‌های همسالان و دوستان؛ ۴. محیط یا گروه‌های کار؛ ۵. گروه‌های مذهبی؛ ۶. رسانه‌های گروهی؛ ۷. احزاب و جنبش‌های سیاسی و اجتماعی.

راه‌های جامعه‌پذیری مهدوی

شیوه‌های مختلفی برای دریافت پیام‌های مهدوی و درونی شدن آن در شخصیت فرد یا جامعه‌پذیری مهدوی وجود دارد. به طور کلی، می‌توان گفت که جامعه‌پذیری مهدوی از سه طریق عمده تقلید، آموزش، و تجربیات مهدوی صورت می‌گیرد.

الف) تقلید: تقلید یکی از مهم‌ترین و سابقه دارترین نوع جامعه‌پذیری مستقیم است، جوان، پیر، کودک و نوجوان و با هوش و کم‌هوش در یادگیری متکی به تقلید هستند. یادگیری از طریق تقلید شامل جنبه‌های گوناگون ارزش‌های مهدوی، رفتارهای مهدوی، مهارت‌ها، انتظارات و توقعات مهدوی و خلاصه نگرش‌های مهدوی می‌شود.

این شیوه می‌تواند به صورت آگاهانه یا ناخودآگاه توسط هر فرد در هر سن به کار رود و با برداشت از الگوهای رفتاری و ارزشی دیگران به شخصیت مهدوی فرد شکل بدهد. کودکان بخش مهمی از عقاید، ارزش‌ها و خصوصیات رفتاری مذهبی و مهدوی خود را از والدین خود اخذ می‌کنند.

1. primary channels

2. secendry channels

ب) آموزش: آموزش مهدوی بر کوششی برنامه‌ریزی شده و مستقیم دلالت دارد که هدف آن انتقال گرایش‌ها و نگرش‌های مهدوی از جانب عده‌ای به عده دیگر است. آموزش مهدوی معمولاً به وسیله نهادهای خانواده، مدرسه، سازمان‌ها و موسسات دولتی و بسیاری از گروه‌ها و نهادهای مذهبی انجام می‌پذیرد. امام خمینی رحمته‌الله علیه در وصیت‌نامه سیاسی - الهی خود بیش از هر موضوعی برای تعلیم و تربیت تأکید می‌کنند (شش مرتبه در شش فراز مجزا) (امام خمینی، ۱۳۶۸).

تفحص در محتوا و روش و ابزارهای آموزش مهدوی و مذهبی به ویژه در نظام‌های جدید و نتایجی که برای نسل جوان به بار آورده‌اند، نزدیک‌ترین راه شناخت فرآیند جامعه‌پذیری مهدوی است. کتب درسی یکی از مهم‌ترین ابزارهای آموزشی در جامعه‌پذیری مهدوی جوانان است.

ج) تجربیات مهدوی: تجربیات مهدوی فرد و قرار گرفتن در معرض بر خورد با شخصیت‌ها، نهادها و وقایع و آیین‌های مذهبی شکل دیگری از جامعه‌پذیری مستقیم مهدوی است. مسلماً با افزایش سن نقش تجربه مذهبی فزونی می‌گیرد. مشارکت کودک در آئین‌های مهدوی، روحیه مشارکت جویی او و بالنتیجه اعتماد به نفس و صلاحیت او را تقویت می‌کند و می‌تواند مشوق او در فعالیت‌های مهدوی آینده باشد.

عاملان و نهادهای جامعه‌پذیری مهدوی

جامعه‌پذیری مهدوی از طریق کارگزاران متفاوتی صورت می‌گیرد. برخی از آنها مانند درس هدیه‌های آسمان در مدرسه مستقیماً برای این مقصود به وجود آمده‌اند و برخی دیگر همچون گروه همسالان می‌توانند به شکل غیرمستقیم بر فرآیند جامعه‌پذیری مهدوی تأثیر گذارند. مهم‌ترین عاملان و نهادهای جامعه‌پذیری مهدوی عبارتند از:

خانواده

خانواده اولین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی است که در جامعه‌پذیری و تربیت اجتماعی فرزندان نقش اساسی ایفا می‌کند. در باب اهمیت و ضرورت خانواده متفکران و اندیشمندان مباحث و موضوعات گوناگونی را مطرح نموده و هر کدام از زوایای خاص به آن نگریسته‌اند. خانواده در کنار سایر کارگزاران فرایند اجتماعی شدن مانند گروه همسالان، آموزش و پرورش و نیز وسایل ارتباط جمعی مسئول تربیت و آماده‌سازی اعضا جهت ورود و پذیرش نقش‌های اجتماعی است.

تأثیر مستقیم و غیرمستقیم خانواده به عنوان نخستین ساختار جامعه‌پذیری کودک، عمیق و دیرپاست. مهم‌ترین اثر، شکل‌گیری شخصیت مهدوی در سطح کلان و ایستارهای فرد نسبت به مسئله انتظار و امید به ظهور و تصریح و تعمیق ارزش‌های آنهاست.

مدرسه

به اعتقاد برخی متفکران، تعلیم و تربیت یکی از ابزارهای مهم کمک به بشریت برای برون رفت از بحران‌های اجتماعی جامعه معاصر است که برخی آن را فضای خالی تربیتی یا بحران در تعلیم و تربیت عصر حاضر تعریف کرده‌اند (برزنیکا، ۱۳۷۱ش: ۱۳۶-۱۵۶). هیچ عاملی چون تحصیلات در شکل‌گیری ایستارهای فرد موثر نیست. مدرسه هم به عنوان الگویی از جامعه که در آن گروه‌بندی‌ها، مقررات و رابطه اقتداری ویژه وجود دارد، تمرینی از زندگی اجتماعی است و هم مهم‌ترین ابزار انتقال اطلاعات از طریق کتاب‌های درسی و فعالیت‌های غیردرسی (صبحگاه، اردو، فعالیت‌های پرورشی و...) محسوب می‌شود. نقش مدرسه هم به عنوان بازوی اصلی یک انقلاب در تربیت نسل جدید و هم به عنوان مهم‌ترین مکان برای شکل‌گیری گروه همسان در غیاب بسیاری دیگر از تشکلهای ممکن نوجوانان، به دلیل کمبود امکانات و محدودیت فضای جامعه مدنی در ایران، و هم به عنوان مجموعه‌ای که امکان مطالعه آن بیشتر است توجه ویژه‌ای را در فرآیند جامعه‌پذیری مهدوی جوانان می‌طلبد.

گروه همسالان

شکل‌گیری ایستارهای مذهبی و مهدوی در گروه‌های همسان مکمل عملکرد خانواده، مدرسه، رسانه‌ها و نهادهای مذهبی است. گروه همسان شامل کودکان همبازی، حلقه‌های دوستی، همشاگردی‌های کلاس و سایر گروه‌های کوچکی که با دو ویژگی شباهت در موقعیت و احساس علاقه و عاطفه قوی بین یکدیگر، نقش مهمی در جامعه‌پذیری مذهبی - مهدوی دارند. افراد از آن رو از همسالان خود تاثیر می‌پذیرند که آنان را دوست دارند، برای آنها و رابطه خودشان با آنها احترام و ارزش قائلند و بنابراین مایلند که شبیه یکدیگر گردند، چون متفاوت بودن می‌تواند در تداوم رابطه‌ها دشواری ایجاد کند. گروه همسانان از طریق برانگیختن یا وارد کردن اعضای خود به متابعت از ایستارها یا رفتارهای پذیرفته شده گروه، آنها را جامعه‌پذیر می‌سازد.

در چنین فراگردی، گروه‌های همسان نقش عمده‌ای در ترویج رفتارها و ارزش‌های یاد شده داشته‌اند. در ایران تشکیل پایگاه‌های مقاومت بسیج و انجمن‌های اسلامی در مساجد و

مدارس با کمک به تشکیل گروه همسالان، نقش تقویت کننده در فرایند جامعه پذیری مذهبی - مهدوی داشته اند.

رسانه های جمعی

تأثیر رسانه ها به ویژه با ظهور فضای مجازی در دوران پساکرونایی اهمیت ویژه ای یافته است. رسانه های جمعی در جهانی شدن ارزش ها و ایستارهای مهدوی نقش مهمی را بازی می کند. رسانه ها علاوه بر ارائه اطلاعات مشخص و فوری، ارزش های بنیادین هر جامعه را به شکل مستقیم یا غیرمستقیم انتقال می دهند. همراه شدن پیام ها با ویژگی های احساسی و صحنه های تأثیرگذار در رسانه ها قدرت نفوذ و پایداری آنها را دو چندان می کند.

سؤال مهمی که پیش می آید این است که چگونه می توان براساس آموزه های مهدویت، فرهنگ رسانه ای انسان ساز و جاذب مخاطب بر ساخت نمود و از آن در جامعه پذیری مهدوی جوانان بهره گرفت. برای پاسخگویی به این سؤال با الهام از تامپسون نظریه پرداز رسانه بهتر است بین سه نوع تعامل که به واسطه رسانه های ارتباطی ایجاد می شود تمایز قائل شده و شیوه های بر ساخت فرهنگ مهدویت و شیوه های مهدویت ستیزی غرب را جست و جو کنیم (میرزا محمدی و موسوی گیلانی، ۱۳۸۹ ش: ۵-۲۶).

الف) بر ساخت فرهنگ مهدویت با تعامل رو در رو: این نوع تعامل در بافت هم حضوری به وقوع می پیوندد. بر ساخت فرهنگ مهدویت به این شیوه ویژگی گفت و شنودی (دیالوژیک) دارد به این جهت لازم است مبلغان این فرهنگ با روان شناسی و جامعه شناسی ارتباطات و انسان شناسی فرهنگی آشنایی داشته باشند. مهم ترین وجه این نوع بر ساخت در عرصه کلان و جهانی برقراری ارتباط میان فرهنگی از طریق زبان و ارتباط غیرکلامی، یا آنچه ادوارد تی. هال (۱۹۵۹) زبان خاموش می نامد (فرارو، ۱۳۷۹ ش: ۷۷).

داشتن مهارت در زبان دوم، مبلغان فرهنگ مهدویت را در عرصه جهانی قادر می سازد که انگاره های برقراری ارتباط را در بافت فرهنگی مناسب شان درک کنند و همچنین روابط نزدیک فراگیری با خارجیان برقرار سازند. ۹۵ درصد از جهان به کمتر از ۱۰۰ زبان صحبت می کنند.

بر ساخت فرهنگ مهدویت با این زبان ها به برنامه ریزی گسترده ای نیاز دارد. بعد دیگر بر ساخت فرهنگ مهدویت، در نظر گرفتن ارتباط غیرکلامی است. حالات چهره، حرکات و اشارات دست، رابطه چشمی از جمله آنهاست. در بر ساخت فرهنگ مهدویت باید از این بعد کمال بهره را برد.

غرب از تعامل رو در رو برای مبارزه با فرهنگ مهدویت بهره می‌گیرد که نمونه آن کنفرانس تل آویو بود. این کنفرانس که ظاهراً با هدف تحلیل انقلاب‌های شیعی به خصوص انقلاب اسلامی ایران تشکیل گردید، در پایان به این نتیجه رسید که انتظار سبز شیعیان را باید سیاه کرد. پس از این کنفرانس ساختن فیلم و بازی‌های رایان‌های در خصوص مسئله مهدویت به شکل چشم‌گیری گسترش یافت. به یقین یکی از اهداف آنها ناامید ساختن آنها جوانان است.

ب) برساخت فرهنگ مهدویت با تعامل رسانه‌ای: در تعامل رسانه‌ای می‌توان فرهنگ مهدویت را در اشکال تعاملی همچون نامه‌نویسی، گفت‌وگوی تلفنی، با استفاده از یک رسانه فنی (کاغذ، سیم برق، امواج الکترومغناطیسی و...) به افرادی که در دوردست از نظر مکان، زمان یا هر دو قرار دارند منتقل نمود. شکل مدرن تعامل رسانه‌ای ایمیل و چت کردن است. این دو شیوه به سبب پتانسیل‌های قوی که در خود دارند می‌توانند به شکل گسترده مورد استفاده قرار گیرند. در اتاق چت فضایی برای دعوت از افراد وجود دارد که می‌توان از آن بهره برد و به شیوه‌های ماهرانه زمینه‌آشنایی افراد را با فرهنگ مهدویت فراهم کرد. اهمیت جامعه‌پذیری مهدوی جوانان در عصر فضای مجازی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

ج) برساخت فرهنگ مهدویت با تعامل شبه رسانه‌ای: در تعامل شبه رسانه‌ای، فرهنگ مهدویت توسط روابط اجتماعی احراز شده به واسطه رسانه‌های توده‌ای (کتاب، روزنامه، تلویزیون، رادیو، سایت، وبلاگ و...) منتقل می‌شود. شبه تعامل رسانه‌ای مانند تعامل رسانه‌ای در طول مکان و زمان گسترده است. در شبه تعامل رسانه‌ای فرهنگ مهدویت برای گستره نامعینی از گیرندگان بالقوه ساخته می‌شود. شبه تعامل در نهاد خود ویژگی تک‌گویی دارد بدین جهت که جریان ارتباط یک طرفه است. در شبه تعامل رسانه‌ای ابزار سینما از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا تصویر و سینما، احساس و ادراک را به صورت توأمان درگیر می‌کند. وانگهی، تصویر یک زبان بین‌المللی است که حتی بدون دانستن زبان و کلام دیگری می‌توان، پیام را به همه کس و در هر شرایطی منتقل ساخت. غرب در سال‌های اخیر در مبارزه علیه مهدویت از شبه تعامل رسانه‌ای در قالب‌هایی مانند تبلیغ جنگ آرماگدون و فیلم «نوسترادموس» و ارائه بازی کامپیوتری مشهور به «جهنم خلیج فارس» بهره می‌گیرد (میرزاحمدی و رضوی گیلانی، ۱۳۸۹: ۱۲).

د) عناصر جامعه‌پذیری رسانه‌ای مهدویت: مهدویت برای رسانه‌ای شدن ضرورت دارد که عناصری را فراهم نماید تا پیام‌های خود را جهانی کنند (میرزاحمدی و رضوی گیلانی، ۱۳۸۹: ۲۰). مهم‌ترین این عناصر عبارتند از:

مهدویت و جغرافیای زبان: ۹۵ درصد از جهان به کمتر از ۱۰۰ زبان صحبت می‌کنند. برای رسانه‌ای کردن آموزه‌های مهدویت زبان عامل کلیدی است. مدعیان دروغین مهدویت و فرقه‌هایی که آموزه‌های مهدویت را به نفع خویش تفسیر می‌کنند از این پتانسیل کمال استفاده را می‌برند. برای مثال بهائیان به زبان‌های زنده دنیا سایت‌ها و برنامه‌های ماهواره‌ای پخش می‌کنند. فرقه ضاله احمدیه به زبان‌های عربی، انگلیسی، اندونزیایی، اردو، فرانسه و حتی آلمانی کتاب و مجله دارد (خاکسار، ۱۳۸۹ش: ۱۲۸).

مهدویت و ابزارها و نهادهای رسانه‌ای: برای انتقال پیام‌ها نیاز به ابزار رسانه‌ای وجود دارد. ابزارهای رسانه‌ای شامل شبکه‌ها و نهادهای ماهواره‌ای، انتشارات و غیره می‌شود. حمایت مالی، فنی، سخت‌افزاری و نرم‌افزاری از سازماندهی و راه‌اندازی و مدیریت این ابزارها ضروری است. سارقان آموزه‌های مهدویت (فرقه‌هایی مانند بهائیت و احمدیه) شبکه‌های ماهواره‌ای در لندن تأسیس کرده‌اند.

مهدویت و مخاطب‌گزینی رسانه‌ای: مخاطب‌شناسی و مخاطب‌گزینی عامل مهمی در راهبردهای رسانه‌ای مهدویت است. بدون شناخت مخاطب ارائه تصویری از راهبردها عملی نیست. دریافت پیام رسانه‌ای، پدیده‌ای انفعالی نیست، بلکه انجام فعل یا فعالیت است. دریافت وابسته به مکان جغرافیایی و دستاوردی مهارتی و پدیده‌ای هرمنوتیک است (تامپسون، ۱۳۸۳ش: ۵۰-۵۳).

محصولات رسانه‌ای: محصولات رسانه‌ای طیف گسترده‌ای را از کتاب، سی‌دی، وبلاگ، فیلم، عکس و... شامل می‌شود.

نهادهای مذهبی - مهدوی

نهاد مذهب از طرق گوناگون به جامعه‌پذیر ساختن فرد کمک می‌کند و مجرای مهمی در انتقال ارزش‌ها، هنجارها و اطلاعات است. مذهب از اصلی‌ترین حاملان ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی جامعه است. میزان حضور افراد در مناسک و مکان‌های مذهبی و نوع رابطه افراد و متولیان مذهب در نقاط مختلف به شدت متفاوت است ولی در همه جا وجود هویتی دینی و سازمان‌های مذهبی در جامعه‌پذیری مذهبی - مهدوی افراد قابل مشاهده است. این جمله در کشور ما شهرت دارد که «کودکان همراه با شیر مادر اشک‌هایی را که در عزای امام حسین علیه السلام جاری می‌شود می‌نوشند و جانشان با پیام عاشورا عجین می‌شود» (سپهر، ۱۳۸۹ش: ۶۶).

کودکان ما هر روز با دعای فرج، و ذکر صلوات که با دعای ظهور امام عصر علیه السلام ختم

می‌شود بر مبنای اندیشه مبارزه‌جوی شیعی در نهادهای مذهبی چون حسینیه‌ها و روضه‌خوانی‌ها و عزاداری‌ها، اندیشه مهدوی را در خود درونی می‌سازند.

با توجه به این‌که نوجوانان امروز در جامعه و آموزش و پرورش اسلامی رشد و پرورش یافته‌اند، انتظار آن است که از باورهای مذهبی راسخ‌تر و استوارتری برخوردار باشند و نسبت به انجام رفتارهای مذهبی تقید و پایبندی بیشتری داشته باشند؛ اما بررسی‌های انجام شده در سال‌های اخیر خلاف انتظار فوق را نشان داده است و نتیجه آن که نماز هنوز جایگاه شایسته خود را حتی در نظام جمهوری اسلامی به دست نیاورده است. براساس مطالعات انجام شده (موسوی و همکاران، ۱۳۹۰؛ رفیع‌پور، ۱۳۸۱) در کشور در دهه‌های اخیر و به خصوص در میان نسل نوجوان، این گرایش‌ها و تمایلات مذهبی کاهش یافته است. از طرفی گرایش روزافزون جوانان به سمت تقلید از فرهنگ‌های غربی و به خصوص تقلید از آن قسمت از فرهنگ غربی که حتی جامعه غرب را نیز با مشکلاتی مواجه کرده است، باعث فاصله گرفتن این گروه از دین و ارزش‌های دینی شده است (مرادی و سبزه‌ای، ۱۳۹۵؛ ش: ۱۶۹).

برخی پژوهش‌ها در دهه‌های گذشته نیز نشان می‌دهد فارغ از طبقه و گروه اجتماعی، ارزش‌های مذهبی در نوجوانان در مرتبه آخر اهمیت پس از ارزش‌های زیباشناختی، علمی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی قرار دارد و همین خود در مجموع افول ارزش‌های مذهبی را در نسل جوان نشان می‌دهد (تیموری، ۱۳۷۸؛ ش: ۶۱). وقتی پایه‌های دینداری در یک جامعه تضعیف شود آموزه‌های مهدوی نیز موضوعیت خود را از دست خواهد داد.

از دلایل کاهش نقش نهادهای مذهبی در جامعه‌پذیری مهدوی افراد، کاهش نفوذ کلام روحانیت است. البته در گروه‌های اجتماعی خاص که رابطه سازمانی با مساجد از طریق گروه‌های مقاومت و فعالیت‌های مذهبی برقرار گردیده است نقش نهادهای مذهبی در جامعه‌پذیری مهدوی آنان قابل انکار نیست.

فرهنگ مهدوی

فرآیند جامعه‌پذیری مهدوی در نهایت منجر به ترسیم چهارچوب فرهنگ مهدوی جامعه می‌شود. وقوع انقلاب اسلامی مسلماً تغییر فرهنگ جامعه را هدف خود قرار داد که مهم‌ترین آن غنای فرهنگ مهدوی و ساختارمندی آن بوده است. در ترسیم نقشه فرهنگ مهدوی، لازم است در سه سطح نظام سیاسی، فرآیند و سیاست‌گذاری نقش افراد در ترویج آموزه‌ها و اهداف مهدوی تشریح شود.

در سطح نظام سیاسی، دیدگاه شهروندان و رهبران در مورد ارزش‌های مهدوی و سازمان‌های بنیادین نظام سیاسی مورد توجه است. در این سطح مشخص می‌شود که در ارتباط با تحقق ارزش‌های مهدوی کدام نظام سیاسی اسلامی کارایی بیشتری دارد. در سطح فرآیند مطرح می‌شود که از نظام سیاسی اسلامی چه انتظاراتی برای تحقق ارزش‌های مهدوی وجود دارد.

در سطح سیاست‌گذاری نیز مشخص می‌شود که انتظارات رهبران و شهروندان از حکومت و در نهایت اهداف مهدوی و چگونگی دستیابی به آنها چیست. تا زمانی که جغرافیای اشاعه فرهنگ مهدویت و جغرافیای مخاطب و توانمندی‌ها، پتانسیل‌ها و محدودیت‌های آن شناسایی نشود راهبردهای رسانه‌ای کارایی لازم را نخواهند داشت. یکی از گام‌های بنیادی در این عرصه تهیه نقشه‌های فرهنگی مهدویت است. دو بعد مهم فرهنگ مهدویت عبارتند از:

بعد اعتقادی: اعتقاد به ظهور منجی، اعتقاد به قریب‌الوقوع بودن ظهور؛

بعد زمینه‌سازی: میزان تمایل به آماده‌سازی ظهور.

سه راهبردهای رسانه‌ای براساس نقشه فرهنگی مهدویت و براساس پتانسیل‌های آن، راهبرد موجی، گلوله برفی و ادغامی است. در راهبرد موجی، رسانه‌ها شکل یک موج را پیدا می‌کنند و مبدأ رسانه‌ای سعی دارد تا به یکباره مقصد و مقاصد رسانه‌ای خود را تحت پوشش قرار دهد. این راهبرد با تأسیس شبکه ماهواره‌ای مهدویت می‌تواند بعد جهانی پیدا کند. پیشنهاد این جانب برای نام این شبکه جهانی شبکه ماهواره‌ای منجی است. در راهبرد گلوله برفی، رسانه‌ها شکل يك گلوله برف را دارند که در ابتدا معدودی مقصد را تحت پوشش خود قرار می‌دهند، ولی وقتی در همین چند مقصد رسانه‌ای جای پای خویش را محکم نمودند، برخی از مقاصد رسانه‌ای تبدیل به مبدأ رسانه‌ای جدیدی می‌شوند که پیام‌های مقصد اولیه را بازتاب می‌دهند.

در مقایسه می‌توان گفت که راهبرد موجی را برای همه کشورها می‌توان به کار گرفت، ولی راهبرد گلوله برفی را در برخی کشورها می‌توان به کار گرفت. اما نتایج عملی راهبرد گلوله برفی بهتر و کاربردی‌تر است و هزینه رسانه‌ای آن نیز کمتر و ریسک آن کمتر است. مخاطبان بیشتری را جذب می‌کند؛ زیرا اصحاب رسانه‌ای آن بومی هستند. امکان ترکیب ایندو راهبرد نیز وجود دارد. همایش‌های بین‌المللی مهدویت در حقیقت این دو راهبرد (موجی و گلوله برفی) را ترکیب می‌کند. مهمانان خارجی همایش مهدویت اگر به جا از آنها استفاده شود مانند

شمع‌های فروزان طرف دیگر راهبردهای ارائه شده در این همایش‌ها پل زدن بین مهدویت نظری و کاربردی با توجه به شرایط زمانی و مکانی و انسانی است. جامعه‌پذیری مهدوی زمانی بارورتر می‌شود که فرهنگ مهدوی پویاتر شود. این پویایی با ذائقه جوانان سازگارتر است؛ چراکه پاسخگوی نیازها و مطالباتی است که تحت شرایط اجتماعی و فرهنگی متغیر جامعه در حال تغییر و تحول است.

نتیجه‌گیری

جامعه‌پذیری مهدوی جوانان، رمز ماندگاری، و پویایی نظام مقدس اسلامی است. در جمهوری اسلامی ایران باگذشت چهار دهه از انقلاب، مسئله جوانان و چگونگی هویت‌یابی آنان تبدیل به یک موضوع اساسی شده است. در جامعه در حال گذار ایران، یکی از مسائل اساسی حفظ و اشاعه ارزش‌های مبتنی بر آموزه‌های مهدوی، نهادینه ساختن آنها و جاری ساختن آن در جریان رشد جوانان است.

نتایج پژوهش مویدی است بر این‌که با توسعه شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی از میان کارگزاران متعدد جامعه‌پذیری مهدوی، خانواده، مدرسه، گروه همسالان، نهادهای دینی و رسانه‌ها بیشتر حائز اهمیت هستند که آثار خود را به شکلی مداوم و مستمر و موثر بر افراد وارد می‌آورند. چنانچه این کارگزاران در راستای آموزش و درونی کردن هنجارهای اجتماعی و فرهنگ مهدوی عملکرد مناسبی نداشته باشند، جامعه‌پذیری مهدوی دچار اختلال می‌شود.

شیوه‌های مختلفی برای دریافت پیام‌های مهدوی و درونی شدن آن در شخصیت فرد یا جامعه‌پذیری مهدوی وجود دارد. فرایند جامعه‌پذیری مهدوی از سه طریق عمده تقلید، آموزش و تجربیات مهدوی صورت می‌گیرد که لازم است از همه آنها در زمان‌ها و مکان‌های مناسب استفاده شود. این فرایند در نهایت منجر به ترسیم چهارچوب فرهنگ مهدوی جامعه می‌شود. وقوع انقلاب اسلامی مسلماً تغییر فرهنگ جامعه را هدف خود قرار داد که مهم‌ترین آن غنای فرهنگ مهدوی و ساختارمندی آن بوده است. فرهنگ مهدوی، در سطوح نظام سیاسی، فرایند و سیاست‌گذاری، در تعامل با یکدیگر شکل می‌گیرد. دو بعد مهم فرهنگ مهدویت بعد اعتقادی و بعد زمینه‌سازی است که باید تلاش شود در جامعه‌پذیری مهدوی جوانان به هر دو بعد اهمیت داده شود. براساس آنچه بررسی شد در پایان موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

الف) توجه به نقش تربیت خانوادگی و آئین دوست‌یابی در جامعه‌پذیری مهدوی: معاشرت با

دوستان نقشی مهم در جامعه‌پذیری مهدوی جوانان دارد. اصلاح شیوه‌های تربیت خانوادگی در حیطه آموزش خانواده قرار دارد که این کار توسط مدارس، رسانه‌ها به ویژه صداوسیما و مراکز مشاوره خانواده قابل تحقق است.

ب) ترغیب جوانان به فعالیت‌های مهدوی در نظام آموزشی: لازم است نظام آموزشی مدرسه با ترغیب آنها به فعالیت مهدوی به کنترل فرایند جامعه‌پذیری دینی کمک نماید.

ج) توجه به اهمیت رسانه‌های مهدوی: تأسیس شبکه ماهواره‌های مهدویت با نام «منجی» که ۲۴ ساعته به زبان‌های زنده جهان برنامه پخش کند می‌تواند در جامعه‌پذیری رسانه‌ای مهدویت نقش کلیدی داشته باشد.

منابع

۱. اگ، برن؛ نیم، کف (۱۳۵۲ش)، *زمینه‌های جامعه‌شناسی*، ترجمه و اقتباس: امیرحسین آریانپور، تهران: انتشارات دهخدا.
۲. برزنیکا، ولفگانگ (۱۳۷۱ش)، *نقش تعلیم و تربیت در جهان امروز*، ترجمه: مهر آفاق بایوردی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۳. بیرو، آلن (۱۳۶۶ش)، *فرهنگ علوم اجتماعی (انگلیسی - فرانسه - فارسی)*، ترجمه: باقر ساروخانی، تهران: کیهان.
۴. پیشگر، زری (۱۳۸۷ش)، «مفهوم‌شناسی دین»، *فصل‌نامه خط اول*، سال دوم، شماره ۶.
۵. تامپسون، جان. پ (۱۳۸۰ش)، *رسانه‌ها و مدرنیته*، ترجمه: مسعود اوحدی، تهران: سروش.
۶. تیموری، کاوه (۱۳۷۸ش)، «بررسی نظام ارزشی نوجوانان شهر تهران و عوامل موثر بر آن»، *فصل‌نامه فرهنگ عمومی*، شماره ۱۸ و ۱۹.
۷. خاکسار، سلمان (۱۳۸۹ش)، *پژوهش‌نامه علوم راهبردی*، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی، سال اول، شماره ۱.
۸. رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۱ش)، *کندوکاوها و پنداشته‌ها*، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار.
۹. روشه، گی (۱۳۶۷ش)، *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی عمومی*، کنش اجتماعی، ترجمه: هما زنجانی‌زاده، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
۱۰. سپهر، مسعود (۱۳۷۶ش)، *بررسی مصادیق بارز عوامل و علل بروز و راه‌های مبارزه با خرافات و موهومات مجدد و تحجر فکری، مقدس‌آبی و ظاهرگرایی*، شورای فرهنگ عمومی کشور، گزارش

طرح تحقیقاتی.

۱۱. سپهر، مسعود (۱۳۸۹ش)، «یک چهارچوب نظری برای جامعه‌پذیری سیاسی نوجوانان ایران. تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری»، *دانشنامه حقوق و سیاست*، سال ششم، شماره ۱۳.
۱۲. شفرز، برنهارد (۱۳۸۶ش)، *مبانی جامعه‌شناسی جوانان*، ترجمه: کرامت‌الله راسخ، تهران: نشر نی.
۱۳. علاقه‌بند، علی (۱۳۶۶ش)، *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*، تهران: نشر روان.
۱۴. فرارو، گری. پی (۱۳۷۹ش)، *انسان‌شناسی فرهنگی*، ترجمه: غلام‌علی شاملو، تهران: انتشارات سمت.
۱۵. فروتن، یعقوب (۱۳۹۲ش)، «استراتژی جامعه‌پذیری دینی در ایران»، *مطالعات ملی*، شماره ۱۴.
۱۶. قرشی بنایی، علی اکبر (۱۳۷۱ش)، *قاموس قرآن*، بی‌جا: دارالکتب اسلامی، ششم.
۱۷. کوئن، بروس (۱۳۷۲ش)، *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: توتیا.
۱۸. کازنو، ژان (۱۳۷۳ش)، *جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی*، ترجمه: باقر ساروخانی و منوچهر محسّتی، تهران: مؤسسه اطلاعات.
۱۹. مرادی، گلمراد؛ سبزه‌ای، محمدتقی (۱۳۹۵ش)، «شناخت عوامل مرتبط با کم توجهی به باورها و ارزش‌های دینی در بین دانش‌آموزان دبیرستانی استان کرمانشاه»، *دین و ارتباطات*، شماره ۲۳ (پیاپی ۴۹).
۲۰. معین، محمد (۱۳۹۲ش)، *فرهنگ لغت*، تهران: امیرکبیر.
۲۱. موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۶۸ش)، *صحیفه انقلاب*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات ارشاد اسلامی.
۲۲. موسوی، سیده زهرا؛ موسوی، سیدرفیع؛ حیدری، حسین (۱۳۹۰ش)، «بررسی میزان پایبندی به مناسک و رفتارهای دینی و عوامل موثر بر آن (مورد مطالعه: دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهرستان زنجان)»، *جامعه‌شناسی مطالعات جوانان*.
۲۳. میرزاحمدی، علی؛ موسوی گیلانی، سیدرضی (۱۳۸۹ش)، «راهبردهای رسانه‌ای مهدویت در بستر جغرافیای فرهنگی - سیاسی»، *فصل‌نامه مشرق موعود*، شماره ۴.

24. Berger, P. L. (1967).The sacred canopy, Garden city, New York: Doubleday.
25. Pluss, C. (2007); Analysing non-doctorinal socialization:, British Journal of Sociology, Vol58, Issue 2, PP 253-275.

Explaining the role of Mahdavi thought in giving the ideals of the young generation

Dr. Seyyed Masoud Pour Seyyed Aghaei ¹

Ahmed Eftekhari Akmal ²

Abstract

Idealism is one of the most prominent characteristics of young people. The existence of various obstacles and the lack of sufficient conditions in the current era have caused; Young people do not have enough familiarity with the criteria of real ideals. Therefore, today's youth should be familiar with the criteria for identifying real ideals and play a role in realizing them. In this article, which is written with a descriptive-analytical method, we intend to explain the role of the doctrine of Mahdism in guiding the true ideals of the young generation. Young is idealistic; But his idealism should adjust the speed of reaching the heights of happiness in a proper way and in the right direction. The idea of Mahdavi has the highest capacity to guide the idealism of the young generation. A capacity that can sow the seeds of the highest ideals in the hearts of young people and grow this seed at the most suitable time and with the best methods, and introduce its unique and abundant fruits to others. If the ideals are painted in the Mahdavit workshop, they will be effective in all areas of a young person's life; In the field of insights, the knowledge of a young person will face a unique leap. As in the field of motivation, they will provide the necessary motivations for efforts and efforts to the youth. It is only this thought that can guide all the actions of a young man and ensure his happiness in this world and the hereafter in every way. Desirable idealization, desirable orientation, correct shaping, speeding up, creating hope, motivating and creating behavior are among the cases in which this teaching can play a role.

Keywords: Idealism, young generation, orientation, desired ideal, role-playing

1. Professor of Qom Seminary

2. The fourth level of Mahdavit specialized center of Qom seminary(Responsible Author)



ISSN:2423-7663



فصلنامه علمی - پژوهشی مهدویت
سال هجدهم / شماره هفاد و دوم / تابستان ۱۴۰۳

تبیین نقش اندیشه مهدویت در جهت دادن به آرمان‌های نسل جوان*

سیدمسعود پورسیدآقایی^۱

احمد افتخاری اکمل^۲

چکیده

آرمان‌خواهی یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های جوانان شمرده می‌شود. وجود موانع مختلف و فراهم نبودن شرایط کافی در عصر کنونی سبب شده است؛ جوانان با معیارهای آرمان‌های واقعی، آشنایی کافی نداشته باشند. از این رو جوان امروزی باید با معیار تشخیص آرمان‌های واقعی آشنا بوده و برای تحقق آنها، نقش‌آفرینی کند. در این نوشتار که با روش توصیفی - تحلیلی نگاشته شده است، بر آنیم که نقش آموزه مهدویت را در جهت‌دهی آرمان‌های واقعی نسل جوان تبیین نمائیم. جوان آرمان‌خواه است؛ اما آرمان‌خواهی او باید با شکلی مناسب و جهتی درست، سرعت رسیدن جوان به قله‌های سعادت را تنظیم نماید. اندیشه مهدویت از بالاترین ظرفیت‌ها برای جهت دادن به آرمان‌خواهی نسل جوان برخوردار است. ظرفیتی که می‌تواند بذر بالاترین آرمان‌ها را در دل جوانان بیفشاند و این بذر را در مناسب‌ترین زمان ممکن و با بهترین شیوه‌ها رشد داده، ثمرهای بی‌نظیر و فراوان آن را به دیگران معرفی نماید. آرمان‌ها اگر در کارگاه مهدویت رنگ‌آمیزی شوند، در تمامی عرصه‌های زندگی یک جوان اثرگذار خواهند بود؛ در عرصه بینش‌ها، معرفت یک جوان را با جهشی بی‌نظیر مواجه خواهد کرد. چنان‌که در عرصه انگیزشی، انگیزه‌های لازم برای تلاش و تکاپو را به جوانان ارزانی خواهند کرد. تنها این اندیشه است که می‌تواند، تمامی اعمال یک جوان را در مسیر هدایت قرار داده و از هر جهت سعادت دنیا و آخرت او را تأمین و تضمین نماید. آرمان‌سازی مطلوب، جهت‌دهی مطلوب، شکل‌دهی صحیح، سرعت‌بخشی، امیدآفرینی، انگیزه‌سازی و رفتارآفرینی از جمله مواردی هستند که این آموزه به خوبی می‌تواند در آنها نقش‌آفرین باشد.

واژگان کلیدی

آرمان‌خواهی، نسل جوان، جهت‌دهی، آرمان مطلوب، نقش‌آفرینی.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۲

۱. استاد حوزه علمیه قم.

۲. سطح چهار مهدویت مرکز تخصصی موعود حوزه علمیه قم.

بشر از همان روز نخست آرمان‌هایی را برای زندگی خود ترسیم می‌کرده و برای دستیابی به آن آرمان‌ها از تمامی امکانات و ابزارهای موجود در اطراف خویش بهره می‌گرفته است. جوانان به دلیل خصوصیات ویژه جسمی و روحی، بیش از دیگران نیازمند مواجهه صحیح و عقلانی با آرمان‌خواهی هستند. این عزیزان از یک سو با طوفان غرایز و شهوات مواجهند و از سوی دیگر رشد جسمانی و عقلانی، آنها را در معرض بزرگ‌ترین انتخاب عمر قرار داده است. این عزیزان ناگزیر باید آرمانی را برای خود انتخاب نمایند. آرمانی که می‌تواند تمامی ابعاد زندگی آنها را تحت تأثیر خود قرار دهد. آرمانی که می‌تواند آینده آنها را تأمین و تضمین نموده و انگیزه کافی برای حرکت و تلاش را به آنان ارزانی نماید. جوان با توجه به اختیارش می‌تواند آرمانی اشتباه انتخاب نماید؛ آرمانی که یأس و ناامیدی را در رگ‌های وجودش بدمد و انگیزه حرکت را در اعضا و جوارحش بخشکاند. از سوی دیگر آرمان‌خواهی موتور متحرک جامعه و فرد است و می‌تواند روح بی‌تفاوتی را در قلب یک جامعه، بخشکاند. به عبارت دیگر حیات جامعه در سایه آرمان‌های آن جامعه شکل می‌گیرد و نبود آرمان مطلوب و اثرگذار، برای مرگ و گمراهی آن جامعه کافی است.

نسل جوان آرمان‌خواه است ولی وجود این ویژگی در نهاد بشر برای سعادت و یا شقاوت وی کافی نیست. اگر بشریت با معیار آرمان‌های مطلوب آشنایی کافی داشته باشد و بتواند این نیروی عظیم را در وجود خویش به نحوی مطلوب مدیریت نماید؛ درپچه‌های هدایت و سعادت به رویش باز شده و می‌تواند با انگیزه‌ای مطلوب و کافی پله‌های سعادت و کمال را در مناسب‌ترین زمان طی نماید.

در زمینه عنوان این مقاله پژوهشی صورت پذیرفته است اما؛ در خصوص آرمان‌شهر مهدوی کتاب محمد سلمان و همچنین کتاب‌ها و مقالات متعددی نگاشته شده است.

اندیشه مهدویت تمامی معیارها برای یک آرمان مطلوب را در خود جا داده است. این اندیشه متعالی ظرفیت‌های فراوانی در خصوص نقش‌آفرینی در حوزه‌های مختلف دارد؛ آرمان‌سازی مطلوب، جهت‌دهی مطلوب، شکل‌دهی صحیح، سرعت‌بخشی، امیدآفرینی، انگیزه‌سازی و رفتارآفرینی از جمله مواردی هستند که این آموزه به خوبی می‌تواند در آنها نقش‌آفرین باشد.

مقایسه آرمان‌های یک جوان منتظر با یک جوان غرب‌گرا می‌تواند آرمان‌های اندیشه مهدویت و همچنین آرمان‌های فرهنگ غرب را برای نسل جوان به خوبی ترسیم نماید.

آرمان‌های یک فرهنگ است که می‌تواند شاخص‌های اصلی آن فرهنگ و ثمرات آن را به خوبی تبیین نماید. آرمان‌ها قله‌های مطلوب و آرزوهای دست‌یافتنی در ذیل یک فرهنگ را برای همگان ترسیم می‌نمایند. و این جوان انتخابگر است که می‌تواند از راه دیدن قله‌ها و آرمان‌ها و با شناخت معیار آرمان‌های مطلوب، و همچنین با شناخت بالاترین آرمان قابل دسترسی، به آرمان‌خواهی خود جهتی مطلوب بخشیده، مدیریت علمی و عملی این خصوصیت ارزشمند را در سایه اندیشه مرفعی مهدویت به دست گیرد.

مفهوم‌شناسی

تعریف جوانی

دستیابی به تعریف یگانه برای جوان و جوانی و به ویژه بیان دقیق دوره سنی آن در منابع اسلامی و روان‌شناسی و تربیتی، بسیار دشوار است و جمع کردن میان آنها دشوارتر. با این حال، دوره‌های تربیت را این‌گونه دسته‌بندی کرده‌اند: نوزادی، کودکی، نوجوانی و جوانی. در این میان محدوده سنی جوانی ۱۶ تا ۲۰ سال است. البته برخی ۲۰ تا ۳۰ سال و گروهی نیز ۱۵ تا ۲۰ سال را دوره جوانی دانسته‌اند. با این حال قطع‌نامه عمومی سازمان ملل متحد، واژه جوان را برای سن ۱۸ تا ۲۴ سال برگزیده است. با درنظر گرفتن آنچه از تفسیر آیات و روایات مربوط به جوانی و نظریه‌های روان‌شناسی به دست می‌آید، جوان را می‌توان این‌گونه تعریف کرد:

جوانی، مرحله‌ای بی‌بدیل از عمر انسان است که پس از پایان دوره نوجوانی؛ یعنی از ۱۶ سالگی آغاز می‌شود و پیش از دوره بزرگسالی در حدود ۲۴ سالگی، پایان می‌یابد. مراد ما از جوانی در این نوشتار بین ۱۶ تا ۲۹ سال است، یعنی همان تعریفی که سازمان ملل جوانان و از جوانی ارائه کرده است. شرایط و ویژگی‌های خاص دوره جوانی، آن را از دیگر دوره‌ها جدا می‌سازد (ر.ک: غفوری، شریعتی: ۱۳۸۷: ش: ۱۴).

مفهوم آرمان در لغت و اصطلاح

تعریف آرمان‌خواهی

نخست باید مراد از آرمان‌خواهی را بیان نمائیم. برای آرمان‌خواهی چه در لغت و چه در اصطلاح تعریف‌های متعددی ذکر شده است:

آرمان در لغت عبارت است از تصوّراتی که برای ساختن جنبه‌های گوناگون زندگی مطلوب در ذهن انسان هاست؛ آنچه باید باشد و به آن می‌اندیشیم، کمال مطلوب، ایده آل (انوری، ۱۳۸۱: ش: ۸۳).

از میان تعریف‌های اصطلاحی آرمان به دو تعریف اشاره می‌نماییم:

مفهوم آرمان‌ها عبارت است از مجموع ارزش‌هایی (با جهات اخلاقی اندیشه‌ای، اجتماعی، زیباشناختی) که در یک جامعه در برابر سوداها و هیجان‌ها و نادانی‌ها و یا منافع مادی قرار می‌گیرند (بیرو، ۱۳۸۰، ش: ۱۶۶).

آرمان‌خواهی بی‌اعتبار دانستن و در نتیجه کم‌توجهی به ساختارهای فکری و گفتمان حاکم در سطح کشور، منطقه و جهان است که به علت داشتن گفتمان و جهان‌بینی مغایر با «شرایط موجود» نظیر پیروی از احساس انجام یک رسالت و جهاد برای تحقق آن حاصل می‌شود (غفوری، شریعتی: ۱۳۸۷، ش: ۱۴).

هیچ کدام از این دو تعریف نمی‌توانند مراد ما از آرمان‌خواهی نسل جوان را تبیین نمایند چرا که در تعریف اول آرمان‌ها غیر از امور مادی تلقی شده‌اند در صورتی که می‌توان برای نسل جوان آرمان‌هایی مادی نیز در نظر گرفت. و در تعریف دوم نیز کم‌توجهی به ساختار حاکم بر یک کشور آرمان‌خواهی دانسته شده است در حالی که ممکن است ساختار فکری و گفتمان حاکم بر یک کشور درست باشند و از جهاتی نیازمند ارتقاء باشند بنابراین، بی‌توجهی به گفتمان رایج در سطح کشور نمی‌تواند تعریفی جامع از آرمان‌خواهی جوانان ارائه دهد. با توجه به نکته‌های ذکر شده لازم است به تبیین مراد خویش از آرمان‌خواهی در این مقاله بپردازیم:

آرمان‌خواهی یعنی ترسیم برترین‌ها و قله‌ها در مسیر حیات واقعی و تلاش برای یافتن بهترین راه‌حل‌ها برای رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی به نحوی که بالاتر از آن برای انسان - با توجه به استعدادهایش - ممکن نباشد. و این بالاترین‌ها همان نگاه به واقعیت‌هاست به عبارت دیگر آرمان‌خواهی یعنی واقعیت‌های مثبت را بشناسید و از آنها به بهترین صورت، استفاده نمائید هم‌چنان که آرمان‌خواهی بعد دیگری نیز دارد یعنی؛ باید واقعیت‌های سلبی و منفی را شناخت و با آنها مقابله کرد. این مطلب به خوبی از فرمایش مقام معظم رهبری در این زمینه استفاده می‌شود:

اولین فریضه دانشجویی عبارت است از آرمان‌خواهی. یک عده‌ای تبلیغ می‌کنند و وانمود می‌کنند که آرمان‌خواهی مخالف واقع‌گرایی است؛ نه آقا، آرمان‌خواهی مخالف محافظه‌کاری است، نه مخالف واقع‌گرایی. محافظه‌کاری یعنی شما تسلیم هر واقعیتی - هرچه تلخ، هرچه بد - باشید و هیچ حرکتی از خودتان نشان ندهید؛ این محافظه‌کاری است. معنای آرمان‌گرایی این است که نگاه کنید به واقعیت‌ها و آنها را

درست بشناسید؛ از واقعیت‌های مثبت استفاده کنید، با واقعیت‌های سلبی و منفی مقابله کنید و مبارزه کنید. این معنای آرمان‌گرایی است (خامنه‌ای، بی‌تا: ج ۳۷، ۲۶۰).

مفهوم اصطلاحی اندیشه مهدویت

از نظر برخی پژوهشگران معاصر «اندیشه مهدویت در اصطلاح اسلامی یعنی؛ خوش فرجامی بشریت در پایان تاریخ در پرتو ظهور امام مهدی علیه السلام» (الهی‌نژاد، ۱۳۹۵: ش: ۳۱). برخی دیگر از پژوهشگران در تعریف مهدویت چنین نگاشته‌اند:

مهدویت عبارت است از همه علوم و معارفی که به امام دوازدهم حضرت مهدی موعود علیه السلام و ظهور ایشان به عنوان نجات بخش آینده بشریت مربوط می‌شود با این تعریف گستره مباحث مهدویت نیز روشن شده و شامل همه موضوعاتی می‌شود که با شخص و شخصیت امام مهدی علیه السلام مرتبط است و مباحث امامت، مسائل دوران غیبت و ظهور و نجات بخشی ایشان، و تمامی مباحث مهدوی مرتبط با حوزه اخلاق، تربیت، فرهنگ، اقتصاد و سیاست را دربر می‌گیرد (جعفری، ملایی: ۱۴۰۰: ش: ۲۸).

این دو تعریف نمی‌توانند مراد ما از اندیشه مهدویت را در این مقاله تبیین نمایند. چرا که در تعریف نخست «خوش فرجامی بشر» بیانگر اندیشه مهدویت نیست و در تعریف دوم هم تمامی علوم و دانش‌های مرتبط با امام زمان مهدویت دانسته شده که این امر گویای اندیشه مهدویت نیست، بلکه؛ علوم و دانش‌های مرتبط با آن را بررسی می‌کند مگر این که بگوئیم تعریف دوم به قدری عام و فراگیر است که اندیشه مهدویت را هم دربر می‌گیرد. به هر حال از آن جا که عنوان مقاله ما اندیشه مهدویت است لازم است به تبیین مراد خود از اندیشه مهدویت بپردازیم:

مهدویت؛ تنها اندیشه‌ای است که عمیق‌ترین بینش توحیدی را برای انسان تبیین نموده و بر پایه آن بینش، اهداف متعالی انسان را با توجه به استعدادها و ظرفیت‌های جسمی و روحی او به بهترین شکل ممکن ترسیم می‌نماید. این اندیشه برای رسیدن انسان به اهداف و آرزوهای مشروعش، رهبری معصوم را که واجد تمامی کمالات انسانی است، به وی معرفی نموده و برای تمامی مشکلات و گرفتاری‌های اخلاقی، اقتصادی، اجتماعی فرهنگی و معنوی، برترین راهکارها را ارائه می‌نماید.

ویژگی‌های نسل جوان

آرمان‌گرایی و سنت‌گرایی از مهم‌ترین ویژگی‌های نسل جوان شمرده شده‌اند. جوان

براساس گرایش‌های فطری خود به دنبال ایده‌آل و مطلوب می‌گردد. اما نکته‌ی اساسی در این جاست که بایستی آرمان مطلوب دینی برای جوان ترسیم شود و او نسبت به آن شناخت و معرفت یابد. در غیر این صورت به دنبال آرمان‌های کاذب خواهد رفت و عمر خویش را تباه خواهد نمود. بنابراین اگر آرمان جامعه‌ی مهدوی به جوان خوب معرفی شود به دلیل تناسب و علاقه‌ای که به آرمان‌گرایی دارد به سرعت جذب آن می‌شود. به این ترتیب انتظار کشیدن برای آن جامعه‌ی ایده‌آل و آرمان متعالی دینی برایش مطلوب و دلربا می‌گردد. علاقه جوان به آرمان‌گرایی شاید بی‌ارتباط با میل وی به آینده و آینده‌گرایی وی نباشد.

«هدف انسان را به فعالیت‌های متنوع و امی دارد و محرک انسان در جریان زندگی است. هدف زندگی و فعالیت‌های مربوط به آن را معنی دار می‌سازد و همین امر در ایجاد آرامش و سکون خاطر مؤثر است. فردی که در زندگی هدف معینی ندارد دلیل تلاش و کوشش خود را نمی‌داند. آینده روشنی ندارد و از این لحاظ در حال تزلزل و ناامنی بسر می‌برد زندگی برای چنین فردی بی‌معنی بی‌معنی و فاقد ارزش است چنین فردی دائماً در حال افسردگی و یأس عمر خویش را سپری می‌سازد» (شریعت‌مداری، ۱۳۸۲، ش: ۲۶۰).

از دیگر ویژگی‌های جوانی «سنت‌گریزی» است. جوان می‌کوشد از آنچه گذشتگان در قالب سنت ارائه می‌دهند، گذر نماید. جوانی دورانی است که جوان در آن به وضعیت‌های موجود اعتراض می‌کند و به دنبال جایگزین‌های بهتر و برتر می‌گردد. به خاطر وجود همین خصلت دوران جوانی است که مدگرایی‌ها در دوران جوانی شکل می‌گیرد. زیرا جوان به دنبال نو شدن و تجربه‌های جدید و تازه است اگر در پاسخ اعتراض جوان به وضعیت‌های موجود و سنت‌های گذشته، اندیشه مهدویت به خوبی ترسیم گردد، می‌تواند حوزه‌های فکری، گرایشی و رفتاری جوانان را با تحولی شگرف مواجه سازد. بدین ترتیب آرمان مهدویت، انتظار جوان برای جایگزینی سنت‌های گذشته را تأمین می‌نماید.

آرمان‌های جوان معاصر

برای آشنا شدن بیشتر با آرمان‌های جوان معاصر به مقایسه آرمان‌های یک جوان منتظر با جوان غربی می‌پردازیم و یادآوری می‌کنیم که ممکن است جوان غربی در مشرق زمین ساکن باشد و جوان منتظر در دل فرهنگ غربی با فرهنگ انتظار مأنوس باشد:

آرمان‌های یک جوان منتظر بسیار متفاوت از آرمان‌های یک جوان غربی است. آرمان‌های این دو با هم در بسیاری موارد تقابل دارند. از حیث روابط اجتماعی می‌توان این نوع تقابل را در نوع مهمان‌داری یک جوان منتظر با یک جوان غربی

مشاهده کرد. در مهمان‌داری غربی هرکس غذایی را با خود می‌آورد. و به اشتراک می‌گذارد و هرکس غذایی نیاورد باید پول پرداخت نماید. شخص غربی حاضر نیست برای دیگران بدون عوض، خدمتی بکند. در حالی که تربیت یافته مهدویت رسمش مهمان شدن نیست بلکه؛ رسمش برپا کردن مهمانی است؛ یعنی ایشار و از خود گذشتگی و انسانیت در آرمان مهدویت موج می‌زند در حالی که منطق غرب، منطق لذت‌گرایی بی حد و حصر است؛ آنها می‌گویند انسان تا می‌تواند باید از زندگی‌اش لذت ببرد. در این نگاه انسان‌ها مجموعه‌ای رو به نابودی اند که باید از فرصت حیات بیشترین لذت را ببرند و البته با خودخواهی مانع آسایش دیگران نشوند. اما مهدی‌باوران مرگ را پایان زندگی نمی‌دانند؛ آنها باید آرمانی داشته باشند که علاوه بر دنیا، زندگی پس از مرگ‌شان را نیز تأمین نماید. منطق لذت‌جویی در غرب آرمان‌هایی همچون دیسکو و کازینو را برای جوانان پیشنهاد می‌دهد. اما در جامعه آرمانی مهدوی منطق دین‌مداری و عقلانیت حاکم بر منطق لذت‌های مادی است. حتی گاهی ترک لذت، خود راه به سرخوشی و شادمانی می‌برد. انسان منتظر هنگامی که گناه را ترک می‌کند خود را محبوب خدا و امام عصر می‌یابد و به شادی و شغفی بی‌نظیر در این عرصه دست می‌یازد. شادی در قاموس منتظران غیر از شادی‌های کاذب حاصل از گناه و معصیت است که به فرموده امام علی علیه السلام گناه دارای شادی زودگذری است که به دنبال آن غم فراگیر وجود انسان را سرشار می‌نماید. و این امر برخلاف کارهای شایسته و ثواب است که بعد از سختی‌گذرا نشاطی مستمر و فراگیر وجود انسان را سرشار می‌نماید.^۱ و این‌گونه است که شادی و نشاط در زندگی منتظر موج می‌زند. منتظری که سختی‌های رسیدن به قله را به جان خریده است. وی با خیالی آسوده بر بلندای قله معرفت و شناخت، ایشار و فداکاری، گذشت و مهمان‌نوازی، نشست و سرشار از شور و نشاط و آرامش است. این در حالی است که انسان غربگرا با آرمان‌های ویرانگرش بعد از شادی‌های کاذب و زودگذر باید با قرص شماره پنج دیازپام خودش را با هزار درد سر، و با زحمت فراوان به دست خواب بسپارد. از این رو وی رنگ و روی آرامش روان را در خواب هم نظاره‌گر نخواهد بود. آرمان غربگراها با خوی راحت‌طلبی و رفاه و آرزوهای دراز و بی‌پایان، امری است سطحی و گذرا، بدون عقلانیت و شناخت، که بر پایه لرزان بی‌بند و باری و لذت‌جویی و کام‌جویی‌های غیرشرعی بنا گردیده است. از آن‌جا که این آرمان با فطرت سازگار

۱. «قال شتان ما بین عملین عمل تذهب لذته و تبقي تبعته و عمل تذهب مؤننه و ببقی أجرة» (نهج البلاغة (صبحی صالح)، حکمت ۴۹۰).

نیست، نقشی مخرب در ساحت روح و روان جوان بر جای می‌گذارد. این نوع از آرمان‌ها ریشه تمام افسردگی‌ها و ناخوشی‌های روحی و روانی است (کافی، مرادی ده‌سرخی، ۱۳۹۸).

شاخصه‌های آرمان‌خواهی مطلوب

اندیشه مهدویت و انتظار فرج از ظرفیت‌های ویژه‌ای برخوردار است. تبیین درست این اندیشه می‌تواند حوزه بینشی جوانان را تحت تأثیر خود قرار داده و بهترین و والاترین آرمان‌ها را برای نسل جوان ترسیم نماید. بدون شناخت آرمان‌های والا، امکان انتخاب از اساس فراهم نیست. بنابراین گام نخست در حوزه بینشی این است که برترین و والاترین آرمان‌ها را به جوانان معرفی نمائیم. اگر حوزه علمیه و خادمان فرهنگی جامعه در این مسئولیت خطیر کوتاهی نمایند دیگران به معرفی آرمان‌های ویرانگر پرداخته و پائین‌ترین و پست‌ترین آرمان‌ها را به عنوان آرمان‌های ایده‌آل به جوانان عزیز معرفی نمایند. در این‌جا لازم است تا شاخصه‌های اصلی آرمان مطلوب را بیان و ثابت نمائیم که اندیشه مهدویت، تنها مکتبی است که این شاخصه‌ها در آن؛ از هر جهت در اوج قرار دارند.

الف) هدف متعالی

یک آرمان در صورتی مطلوب است که بهترین و کامل‌ترین هدف را برای انسان ترسیم نماید. به گونه‌ای که بالاتر از آن هدف برای انسان قابل تصور نباشد. اهداف ضعیف و ناقص نمی‌توانند آرمانی مطلوب را در برابر دیدگان جوان قرار دهند. اگر جوان نسبت به اهداف یک آموزه شناخت حاصل نماید، براحتمی می‌تواند با آن آموزه ارتباط برقرار نموده، و از آن اهداف در راستای رسیدن خود و جامعه به سعادت بهره بگیرد. اهداف را باید با اهداف دیگر مکتب‌ها مقایسه کرد. این مقایسه قدرت عقلانی را در جوانان افزایش داده و فرصت بیشتری برای انتخاب صحیح در اختیار آنان قرار می‌دهد. البته مسلم است که انتخاب درست هدف به تنهایی کافی نیست اما چاره‌ای هم جز انتخاب درست اهداف نداریم؛ قام معظم رهبری در این خصوص چنین می‌فرماید:

وقتی شما هدف درستی را انتخاب می‌کنید و در راه آن هدف به تلاش می‌پردازید، خدای متعال در این‌جا وعده نصرت داده است؛ برو برگرد هم ندارد. يك وقت هست شما هدف و آرمان را غلط انتخاب کرده‌اید؛ يك وقت هست هدف و آرمان را درست انتخاب کرده‌اید، اما تحرکی ندارید و تلاش و مجاهدتی نمی‌کنید؛ این‌جا انتظار کمک الهی بی‌مورد است. مسلمانان اهداف و آرمان‌های‌شان اهداف و آرمان‌های خوبی

بود؛ اما قرن‌ها به خاطر این که تحرکی در آنها وجود نداشت، توسری خوردند. الان هم هر جایی که می‌بینید مسلمانان دچار تحقیر و تذلیل می‌شوند، به خاطر همین عدم تحرك و عدم مجاهدت است، والا آن جایی که هدف درست باشد، مجاهدت هم باشد، نصرت الهی هم قطعاً هست. البته نصرت الهی به معنای این نیست که آزمایش‌های دشوار و سخت نیست؛ چرا: ﴿و لنبلونکم بشیء من الخوف و الجوع و نقص من الأموال و الأنفس و الثمرات﴾ (بقره: ۱۵۵)؛ اینها هست و همه اینها در سر راه مبارزه وجود دارد؛ اما ﴿و بشر الصابرين﴾ (بقره: ۱۵۵). صبر یعنی ایستادگی؛ تداوم راه؛ این مورد بشارت الهی است؛ یعنی پیروزی نصیب خواهد شد (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۸ش: ۱۲۷).

هدف‌ها را می‌توان با مقایسه استعدادها و قدر انسان و با توجه به نیازهای او نقد زد (عین صاد، ۱۳۹۳ش: ج ۱، ۳۳). مکتب انسان‌ساز مهدوی تنها حقیقتی است که از استعدادهای حقیقی انسان آگاهی داشته و از مقام و منزلت انسان و نیازهای او باخبر است بر این اساس هیچ مکتبی توان نقد این مکتب را نخواهد داشت.

اگر در انتخاب اهداف تحلیل درستی نداشته باشیم نمی‌توانیم معیارها را به کار گیریم. به این معنی که بدون تحلیل درست یا در تشخیص معیارها به اشتباه می‌افتیم و یا در تطبیق معیارها با آرمان‌های مورد نظر راه خطا را در پیش می‌گیریم. بنابراین یک راه بسیار مهم در استفاده درست از معیارها، تحلیل صحیح از انسان، نیازها، شناخت‌ها و استعدادهای اوست؛ استاد علی صفایی در این زمینه چنین می‌فرماید:

هدف‌های بزرگ از عشق‌ها و هوس‌ها گرفته تا شهرت‌ها و زبان‌های مردم تا جلوه‌های پررنگ و آب دنیا همه کوچک‌تر از ما هستند، اینها برای ما بوده‌اند و ما برای آنها شده‌ایم با تحلیل‌ها انسان به ارزش خود پی می‌برد و به نیازهای عظیم خویش آشنا می‌شود و به هدف‌های بالاتری دست می‌یابد (عین صاد، ۱۳۹۳ش: ج ۱، ۴۸).

بنابراین آرمان مطلوب باید بتواند «اهدافی را اعم از هدف اصلی و نهایی و هدف‌های واسطه برای جامعه آرمانی تعیین کند که دارای مراتب باشند تا سهل‌الحصول‌تر بودن پاره‌ای از مراتب آنها شور و خواست و اراده را در مردم برانگیزد و آنان را به مبارزات اجتماعی و تغییر اوضاع و احوال موجود، مایل و راغب گرداند و از این گذشته عدم وصول به کمال مطلوب به این معنی نباشد که هیچ کاری انجام نشده است و هیچ پیشرفتی حاصل نیامده است» (مصباح یزدی، ۱۳۷۲ش: ۴۱۳).

آموزه مهدویت این قابلیت را دارد که بالاترین هدف‌ها را برای جوانان ترسیم نمایند. امامان معصوم علیهم‌السلام با عباراتی مثل «طوبی لشیعتنا» جوانان را تشویق و ترغیب به ثبات قدم در دوران غیبت می‌نمایند و تاج «اولئک منا» را برای آنان تزئین می‌نمایند و نامه اعمال شیعیان را با مهر رضایت خویش آراسته کرده و با لفظ جلاله الله سوگند یاد کرده‌اند که آنان که هدف‌شان همسو با آرمان‌های مهدویت است در قیامت به همراهی با درجات اهل بیت مفتخر خواهند گشت.^۱ بنابراین امام معصوم در این نوع از آموزه‌ها بالاترین مقامات ممکن برای انسان را به بهترین شیوه ترسیم نموده‌اند. البته ترسیم هدف متعالی در آموزه‌های مهدوی اختصاص به آخرت نداشته و برترین اهداف دنیوی را نیز در قالب ترسیم جامعه آرمانی به تصویر کشیده‌اند. برای نمونه می‌توان به امنیت فراگیر در تمامی عرصه‌ها، رفاه کامل اقتصادی، عدالت فراگیر و خانواده توحیدی سرشار از آرامش و نشاط در بستر عبودیت اشاره نمود (آیه ۵۵ سوره نور، و روایاتی که جهان پساظهور را سرشار از عدالت و قسط معرفی کرده‌اند به خوبی از عهده این ترسیم برآمده‌اند).

ب) قابلیت اجرایی

آرمان مطلوب در صورتی می‌تواند مورد توجه نسل جوان قرار گیرد که قابلیت اجرایی در سطح فرد و جامعه را داشته باشد. «آرمان مطلوب باید کاملاً واقع‌بینانه باشد و حقایق زیست‌شناختی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی را به هیچ روی از نظر دور ندارد و به دست فراموشی نسپارد» (مصباح یزدی، ۱۳۷۲ ش: ۴۱۲). برخی از انسان‌ها هدف‌هایی بسیار متعالی، برای سعادت خود یا جامعه انتخاب می‌نمایند. در حالی که به قابلیت اجرایی آن نمی‌اندیشند. بر این اساس لازم است اهداف و آرمان‌ها، از حیث قابلیت اجرایی مورد ارزیابی قرار گیرند و برنامه‌های اجرایی آن آرمان‌ها با دقت بررسی شوند. به همین دلیل لازم است در کنار اهداف متعالی، قابلیت اجرایی اهداف و آرمان مورد نظر نمره مطلوب را کسب کرده باشد. آرمان مطلوب باید همراه با ارائه طریق باشد یعنی فقط جامعه آرمانی را تصویر نکند بلکه راه و روش رسیدن به آن را نیز نشان بدهد (همان). البته باید توجه داشت که لازم نیست؛ میزان این قابلیت در حد اعلی باشد. چه بسا آرمانی مهم و سرنوشت‌ساز بتواند از جهتی دیگر جامعه را تا

۱. حدثنا أحمد بن زیاد ... عن یونس بن عبدالرحمن قال: دخلت علی موسی بن جعفر... ثم قال طوبی لشیعتنا المتمسکین بحبلنا فی غیبة قائمنا الثابتین علی موالاتنا و البراءة من أعدائنا أولئک منا و نحن منهم قد رضوا بنا أئمة و رضینا بهم شیعة فطوبی لهم ثم طوبی لهم و هم و الله معنا فی درجاتنا یوم القیامة (ابن بابویه، ۱۳۹۵ ق: ج ۲، ۳۵۹).

حد قابل قبولی به سعادت نزدیک نماید. در این صورت عدم دستیابی صددرصدی به آرمان مورد نظر، مضر نیست؛ بلکه وجود چنین آرمانی برای پویایی و حرکت جامعه به سمت سعادت، مطلوب خواهد بود.

آنچه در امر قابلیت اجرایی سرنوشت‌ساز بوده و می‌تواند اثرگذار باشد؛ «نگاه و توقعات آرمانی است. این را به شما عرض بکنم، بعضی از آرمان‌های جوانان، اگر در چرخ و پر تحلیل و بررسی قرار بگیرد، چیزی از آن باقی نمی‌ماند؛ لیکن چون نگاه و توقع، نگاه آرمانی است، این مطلوب است. ممکن است دسترسی به یک آرمان میسر هم نباشد، اما رها کردن آن آرمان هم، جایز نباشد. لذا نگاه آرمانی شما و توقعاتی که ناشی از این نگاه هست، این برای ما مطلوب است؛ این را می‌خواهیم و باید باشد» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۸ ش: ج ۲۸، ۲۷).

از یک سو مهدویت آرمانی ارزشمند و وعده خداوند متعال است و همه می‌دانیم که خداوند خلف وعده نمی‌کند. و از سوی دیگر خداوند این آرمان و دستیابی به آن را به عنوان یک تکلیف لازم‌الاجرا بر عهده بشریت نهاده است و خداوند تکلیفی را بیش از طاقت انسان بر عهده‌اش نمی‌نهد. نتیجه این که؛ در سایه اعتماد به وحی و عدم مخالفت با عقل است که این آرمان قابلیت اجرایی می‌یابد. بر این اساس نه تنها دستیابی به جامعه ایده‌آل از نظر عقلی و نقلی ممکن بوده و امری محال تلقی نمی‌گردد؛ بلکه با توجه به وعده و تکلیف خداوند، به صورت صددرصد در جامعه جهانی اجرا خواهد شد.

ج) آزادی بخش و آگاهی ساز

انسان در جستجوی شناخت و آزادی است. از این رو هر امری آگاهی‌سازي بیشتری داشته و قدرت آزادی‌بخشی فراوان‌تری داشته باشد، می‌تواند به عنوان معیاری برای تشخیص آرمان حقیقی قرار گیرد. البته باید شاخص‌ها طوری ارائه شوند که آزادی واقعی و شناخت واقعی را از غیرواقعی آنها تفکیک نمایند. اگر این معیار به خوبی تبیین نشود هر کسی تعریف خود از آزادی و شناخت را واقعی قلمداد خواهد نمود. بر این اساس لازم است معیار «شناخت مطابق با واقع» به روشنی در اختیار جوانان قرار گیرد تا بتوانند در سایه آن به راحتی آرمان‌های حقیقی را شناسایی نمایند. چنان‌که لازم است جوانان با معیار آزادی حقیقی آشنا بوده و از طریق آن به بالاترین آزادی دسترسی نمایند. «معیار برای شناخت گاهی علم حضوری است که در آن خود واقعیت بدون واسطه مفاهیم به صورت مستقیم درک می‌شود و گاهی علم بدیهی است که معیار آن هم به صورت غیرمستقیم به علم حضوری بازگشت می‌نماید. در علم حصولی هم

معیارهایی عقلانی برای واقعیات وجود دارد که باید با روشی علمی به آنها دست یافت. در مورد آزادی هم معیار آزادی معنوی و سعادت همیشگی است نه آزادی از هر قید و بند که به هرج و مرج منتهی می‌شود» (مصباح، ۱۴۰۰ ش: ۳۰-۳۶).

بشر در دوران غیبت علیرغم پیشرفت شگرف علم و تکنولوژی؛ به شدت اسیر شهوات است. و این نوع اسارت از چشم بشر امروزی دور مانده است «عبد الشهوة أسیر لا ینفک أسره؛ بنده شهوات اسارتش پایانی ندارد» (آمدی، ۱۳۶۶ ش: ۳۰۵) بر این اساس انسان‌ها اسیر شهوات هستند و از آن‌جا که فرموده‌اند هر که راهی غیر از راه امام طی کند هلاک می‌شود «السلام علیک یا سبیل الله الذی من سلك غیره هلك» (شهید اول، ۱۴۱۰ ق: ۲۰۴) راه نجات از شهوات منحصر در نزد اهل بیت و در زمان ما نزد حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه است و بزرگ‌ترین و زیان‌بارترین شهوت، شهوت خودپسندی و مخالفت با ولایت امام است. بنابراین تنها راه نجات منحصر در ولایت‌پذیری و دوری از شهوت خودبزرگ‌بینی است. از این‌جا می‌توانیم آرمانی بزرگ را برای بشریت ترسیم نمائیم. آرمانی که تنها در سایه معرفت امام زمان به انواع اسارت‌ها و راه‌هایی از آنها شکل می‌گیرد. امام زمان، شیطان‌ها را می‌شناسد و بهترین تاکتیک مبارزه با آنها را در اختیار دارد و از جانب خداوند مؤظف است این تاکتیک‌ها و معرفت‌ها را در اختیار بشر بگذارد. بنابراین تنها راه‌هایی از بند شهوات تمسک به حبل ولایت امام عصر عجل الله تعالی فرجه است. و بدون این ولایت‌پذیری راهی برای نجات از زندان نفسانیات وجود ندارد. باید به دستور خداوند متعال گردن نهیم تا از اسارت نفس‌رهایی یابیم چرا که انسان یا باید بنده خدا باشد و یا بنده شیطان و اطاعت از امام عصر عجل الله تعالی فرجه تنها راه‌هایی از شیطان است. آری مدال حریت تنها زینده تارک شهوات است «من ترك الشهوات کان حراً» (کراجکی، ۱۴۱۰ ق: ۱، ج: ۳۴۹).

د) نظم و انسجام

نظم و انسجام گاهی درونی است و گاهی بیرونی، برای دستیابی به شاخص مناسب برای آرمان‌ها، لازم است مجموعه آرمان‌ها را از لحاظ هماهنگی و انسجام درونی و بیرونی مورد تحلیل و بررسی قرار دهیم. مجموعه آرمان‌ها در راستای اهداف بلندمدت انسان، باید هماهنگی کامل داشته باشند. نمی‌شود انسان به مجموعه‌ای از آرمان‌ها پایبند باشد ولی آن آرمان‌ها با هم هماهنگ نباشند، به طوری که یکی از آنها انسان را به مقصود نزدیک کند و دیگری راه انسان را برای رسیدن به مقصود دور نماید. بر این اساس کسی که می‌خواهد آرمان‌هایش را به درستی انتخاب نماید لازم است هماهنگی مجموعه آرمان‌ها را با یکدیگر

ارزیابی نماید. به عبارت دیگر آرمان‌ها باید با یکدیگر، هم‌افزایی داشته باشند و انسان را در رسیدن به آرمان نهایی‌اش یاری نمایند. انسان یک آرمان نهایی دارد که برای دستیابی به آن آرمان نهایی، باید آرمان‌های متوسط و نزدیک‌تری را هم برای خویش ترسیم نماید. انسان برای دستیابی به معیار درست لازم است از هماهنگی آرمان‌های نزدیک و متوسط خویش با آرمان نهایی اطلاع دقیقی داشته باشد چرا که عدم هماهنگی در این امر مهم موجب گمراهی و سردرگمی انسان خواهد شد. استاد صفایی در این زمینه می‌فرماید:

هماهنگی یک مکتب و فکر دلیل پختگی و سازمان یافتگی آن است (عین صاد، ۱۳۹۳ش: ج ۱، ۲۰).

این هماهنگی و انسجام بدون داشتن نقشه جامعه آرمانی، امکان‌پذیر نیست. با توجه به نگاه به مجموعه نقشه است که می‌توان به هماهنگی و یا عدم هماهنگی آن حکم نمود. بدیهی است که؛ هماهنگی کامل تنها در سایه شناخت صحیح و واقعی از ابعاد گوناگون شخصیت انسان میسر است و این امر تنها در سایه حکمت وحی و امامت معنی می‌یابد. بنابراین آرمان مطلوب آرمانی است که از هماهنگی اجزای درونی و بیرونی برخوردار باشد.

هـ) وسعت و عمق

یکی دیگر از شاخصه‌های آرمان مطلوب، سطحی نبودن آن آرمان است. یک آرمان در صورتی می‌تواند مورد توجه جوانان قرار گیرد که از وسعت و عمق کافی برخوردار باشد. یک آرمان باید بتواند تمامی استعدادهای انسان را شکوفا نماید و برای این شکوفایی از روش‌های علمی و دقیق بهره بگیرد، تا بتواند استدلال‌هایی قوی و عمیق برای خود ارائه نماید. اگر آرمان‌های انسان سطحی باشند، نمی‌توانند در انسان انگیزه کافی ایجاد نمایند. یک آرمان سطحی حتی نمی‌تواند حرکت و پویایی را برای انسان به ارمغان آورد. استاد صفایی می‌فرماید: کسی که خواسته‌اش دم دست است حتی از پاهایش استفاده نمی‌برد ولی اگر خواسته‌هایش دورتر شد بل می‌رود و راه می‌افتد و همین طور مرکب‌ها را استخدام می‌نماید و همین طور مرکب می‌سازد و حتی سفینه‌ها را به ماه می‌فرستد. توجه به ارزش‌ها و عظمت‌ها به انسان همت می‌دهد و همت‌ها او را به جریان می‌اندازد و استعدادهای مدفون او را بیرون می‌ریزد (عین صاد، ۱۳۹۳ش: ج ۱، ۴۸).

عمیق بودن یک آرمان تنها از طریق وحی الهی فهمیده می‌شود. چرا که تنها، سازنده بشر است که از تمامی ابعاد و زوایای وجودی مصنوعش باخبر است. بنابراین تنها خداوند و یا

خلیفه اوست که می‌تواند آرمان‌های وسیع و عمیق را در اختیار بشریت قرار دهند... اگر قوانین و اصول تربیتی از خدای سرچشمه بگیرد نفوذ آن بر دل‌ها و افکار تا آن‌جا عمیق است که برای اجرای آنها افراد را برای هر نوع فداکاری و از خود گذشتگی آماده می‌سازد» (هاشمی‌نژاد، ۱۳۴۷ش: ۲۲۳).

و) انسان‌سازی

یکی از شاخصه‌های آرمان مطلوب انسان ساز بودن آن آرمان است. چه بسا آرمان‌هایی بتوانند قدرت و ثروت را برای انسان به ارمغان بیاورند ولی موجب دوری انسان از مقام انسانیت شوند در چنین صورتی نمی‌توان چنین آرمان‌هایی را مطلوب دانست. مقام معظم رهبری در این خصوص چنین می‌فرماید:

یکی از این آرمان‌ها مسئله علم است؛ دومی عدالت خواهی است و آرمان سوم، آزاداندیشی و آزادی خواهی است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۸ش: ج ۲۵، ۲۹؛ ج ۳۴، ۴۳).

جامعه بدون آرمان، بدون مکتب، بدون ایمان، ممکن است به ثروت برسد، به قدرت برسد، اما آن وقتی هم که به ثروت و قدرت برسد، تازه می‌شود یک حیوان سیر و قدرتمند - و ارزش انسان گرسنه از حیوان سیر بیشتر است - اسلام این را نمی‌خواهد. اسلام طرفدار انسانی است که هم برخوردار باشد، هم قدرتمند باشد، و هم شاکر و بنده خدا باشد؛ جبهه عبودیت بر خاک بساید. انسان بودن، قدرتمند بودن و بنده خدا و عبد خدا بودن؛ این آن چیزی است که اسلام می‌خواهد؛ انسان بسازد، الگوی انسان‌سازی است. «وقتی انسان و جامعه تابع یک آرمان مشخص و معین شد و خوب و بد و زشت و زیبا و درست و نادرست با معیارهای معینی سنجیده شد، خواه ناخواه یک نظم اخلاقی به وجود خواهد آمد و تکلیف همه چیز روشن خواهد شد و در پرتو این نظام اخلاقی، انسان تبدیل می‌گردد به یک موجود پارسا و همین پارسایی است که مشکل‌گشای همه چیز است» (مطهری، ۱۳۷۸ش: ج ۱، ۴۳۹).

نقش اندیشه مهدویت در آرمان‌خواهی نسل جوان

۱. آرمان‌سازی در حوزه‌های مختلف

الف) حوزه بینش‌ها

جوان با توجه به حس کنجکاوی‌اش در جستجوی مکتبی است که بتواند شناخت بیشتری را به او بدهد. مکتب مهدویت می‌تواند بهترین شناخت‌ها را در خصوص آفریدگار، انسان،

جهان هستی، رابطه انسان با خدا، رابطه او با انسان‌های دیگر، موجودات دیگر و جهان دیگر ارائه دهد. یکی از بینش‌هایی که مکتب مهدویت به ما می‌دهد این است که قرار نیست با پایبندی به این آرمان از آرمان‌های پائین‌تر چشم‌پوشی نمائیم. «البته ما که چنان آرمان‌هایی داریم از آرمان‌های پائین‌تر چشم نمی‌پوشیم که حتی بدان‌ها هم شکل می‌دهیم. به لذت، ثروت و قدرت، شهرت، ریاست و به عدالت و آزادی و رفاه و به آگاهی و تکامل استعدادها به این همه جلوه بیشتر و عمق زیادتری خواهیم داد» (عین صاد، ۱۳۸۸ش: ج ۲، ۱۸). این مکتب کامل‌ترین رهبر، کامل‌ترین دولت را تحت عنوان دولت کریمه، کامل‌ترین یاران و در یک کلام کامل‌ترین بینش‌ها را در تمامی عرصه‌های مختلف ارائه می‌دهد. بر این اساس شناخت دقیق آموزه مهدویت موجب تحول منطق آرمان‌خواهی نسل جوان خواهد شد. جوان می‌تواند در سایه این آموزه به حیاتی برتر در حوزه شناخت‌شناسی دسترسی پیدا نماید. البته این امر به تنهایی برای جهت دادن به آرمان‌های یک جوان کافی نیست.

ب) حوزه گرایش‌ها

مهدویت ظرفیت‌های بی‌نظیری دارد. این آموزه به خوبی می‌تواند حوزه گرایش‌های یک جوان را با تحولاتی بنیادین روبرو سازد. جوان براساس فطرت خویش به دنبال جذابیت، زیبایی‌خواهی، آرامش، نشاط، احساس رضایت‌مندی، ثبات قدم، بهداشت روانی، امید و شادی است. هر مکتبی بتواند این عناصر را به صورتی روش‌مند و در حد عالی تأمین نماید، جوانان را به سوی خود سوق داده است. شیخ صدوق در کتاب *کمال‌الدین* به خوبی این ظرفیت را در ضمن روایتی گران‌مایه از امام کاظم علیه السلام نقل می‌نماید:

یونس بن عبدالرحمن می‌گوید بر امام موسی بن جعفر وارد شدم و به ایشان عرض کردم آیا قائم بر حق شما هستید؟ فرمودند بله من قائم بر حق هستم ولی آن قائمی که جهان را از لوٹ وجود دشمنان خداوند پاک می‌کند و آن را پر از عدل و داد می‌نماید پنجمین فرد از نوادگان من است شخصی که غیبتی طولانی خواهد داشت غیبتی که اقوامی در آن از دین خدا بر می‌گردند و اقوامی دیگر در آن ثابت قدم می‌مانند خوشا به حال شیعیان ماکه در آن غیبت به ریسمان ما اهل بیت چنگ می‌زنند و در آن غیبت طولانی بر ولایت ما ثابت قدم می‌مانند و از دشمنان ما بی‌زاری می‌جویند چنین شیعیانی از ما هستند و ما نیز از آنها هستیم آنها به امامت ما رضایت دادند و ما از آنها راضی هستیم خوشا به حال آنها، خوشا به حال آنها در روز قیامت با ما و هم درجه با ما هستند (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۳۶۱، ح ۳۴).

ج، حوزه رفتارها

مکتب مهدویت می‌تواند در حوزه رفتارهای یک جوان نقش آفرینی کند. این آموزه می‌تواند سبک زندگی یک جوان را از یک رفتار جاهلانه به رفتاری عاشقانه تبدیل نماید. بدون مهدویت رفتارهای یک جوان رنگی از معرفت حقیقی ندارد. براساس روایت شیخ صدوق، شیعیان منتظر در زمان غیبت امام زمان علیه السلام و شیعیان مطیع در زمان ظهور از اولیای الهی محسوب می‌شوند.^۱ بنابراین روایت اندیشه مهدویت قادر است روح انتظار را در کالبد خشکیده جوان آخرالزمانی بدمد. و سبکی نو و ملکوتی را برای زندگی در اختیار جوان، بگذارد. و این چنین است که حیاتی جدید در سایه معرفت امام شکل می‌گیرد.^۲ و این حیات نوین مرگی نوین را به جوانان نوید می‌دهد؛ چرا که انسان هرگونه زندگی کند همان‌گونه می‌میرد و هرگونه مرد، همان‌گونه مبعوث می‌شود. اگر جاهلانه زندگی کند جاهلانه می‌میرد و اگر در سایه امام زندگی کند و زندگی‌اش را با سبک زندگی امام هماهنگ نماید، همچون امام خویش با دریایی از حیات و معرفت دنیا را مشتاقانه برای لقای حق ترک خواهد کرد.^۳

۲. تصحیح آرمان‌های اشتباه

اندیشه مهدویت از آن جا که در بوستان عصمت شکل گرفته و هیچ عیب و نقصی ندارد قادر است آرمان‌های اشتباه یک جوان به بهترین شیوه ممکن تصحیح نماید. جوانی که در بوستان مهدویت نفس می‌کشد شامه‌ای پیدا می‌کند که با آن می‌تواند آرمان‌های تباهگر را شناسایی نماید. مهدویت از سویی آرمان‌های صحیح برای یک جوان را به خوبی ترسیم می‌نماید و از سویی دیگر انگیزه کافی و لازم را برای این تصحیح در دل جوان ایجاد می‌نماید. البته نه اندیشه مهدویت و نه هیچ اندیشه‌ای نمی‌تواند اختیار را از انسان سلب نماید. چه بسا جوانی آرمان‌های واقعی را از طریق مهدویت به خوبی شناسایی کند. و از سوی این آموزه، انگیزه‌هایی قوی در او ایجاد شود. ولی به خاطر اختیار و راحت طلبی، رفتن به سوی قله را رها کرده و به

۱. «حدثنا المظفر بن جعفر بن المظفر العلوي السمرقندي رضي الله عنه قال حدثنا محمد بن جعفر بن مسعود و حيدر بن محمد بن نعيم السمرقندي جميعا عن محمد [بن] مسعود العياشي قال حدثني علي بن محمد بن شجاع عن محمد بن عيسى عن يونس بن عبد الرحمن عن علي بن أبي حمزة عن أبي بصير قال قال الصادق جعفر بن محمد في قول الله عز وجل يوم يأتي بعض آيات ربك لا ينفع نفسا إيمانها لم تكن آمنت من قبل أو كسبت في إيمانها خيرا يعني خروج القائم المنتظر منا ثم قال يا أبا بصير طوبى لشيعتنا قائمنا المنتظرين لظهوره في غيبته و المطيعين له في ظهوره أولئك أولياء الله الذين لا خوف عليهم ولا هم يحزنون» (ابن بابويه، ۱۳۹۵ق: ۳۳۳).

۲. «من مات ولا يعرف إمامه، مات ميتة جاهلية» (كليني، ۱۴۲۹ق: ج ۳، ۵۸).

۳. «كما تعيشون تموتون و كما تموتون تبعثون و كما تبعثون تحشرون» (ابی جمهور، ۱۴۰۵ق: ج ۴، ۷۲).

لذت‌های زود گذر دل بسپارد. بنابراین وظیفه مهدویت فراهم نمودن شرایط برای جهت دادن صحیح به آرمان‌هاست.

۳. حفظ و تثبیت آرمان‌های واقعی

اندیشه مهدویت علاوه بر آرمان‌سازی و تصحیح آرمان‌های اشتباه، از ظرفیت فراوانی برای حفظ و تثبیت آرمان‌های حقیقی برخوردار است. یکی از مشکلات در عرصه‌های گوناگون آرمان‌خواهی فراموشی و از دست دادن آرمان‌های حقیقی از سوی نسل جوان است. گاهی مشاهده می‌شود که برخی از دشمنان آرمان‌های کاذب را در قالبی جذاب به جوانان ارائه می‌کنند و آنها را نسبت به آرمان‌های حقیقی مردود می‌نمایند. در مقابل افرادی که از آشنایی کامل با اندیشه مهدویت برخوردار بوده و در عمل پایبند به این اندیشه بوده‌اند، قرار دارند. آرمان‌های حقیقی برای پیروان این اندیشه به گونه‌ای ترسیم می‌شود که آنها به هیچ وجه حاضر نیستند دست از آرمان‌شان بردارند. این عاشقان حاضرند جان و تمام هستی خود را در راه آرمان واقعی فدا کنند. دقت در وقایع تاریخی نشان می‌دهد؛ تنها کسانی توانسته‌اند از آرمان‌های‌شان محافظت نمایند که در درس ولایت و امامت نمره عملی مناسبی گرفته‌اند و در مقابل کسانی که در این درس رفوزه شده‌اند، آرمان‌های‌شان را رها کرده و نتوانسته‌اند تا پایان از آرمان‌های‌شان محافظت نمایند. برای نمونه به چند مورد تاریخی اشاره می‌نمایم: عمار بن یاسر از سابقین در ایمان و عقیده است که به خوبی توانسته است از آرمان‌های عقیدتی خود پاسداری و محافظت نماید وی به دلیل ولایت‌مداری‌اش حتی لحظه‌ای از حق روی بر نرفته است. حافظ جمال الدین اُبی الحجاج یوسف المزی می‌گوید عمار در شمار نخستین ایمان آوردندگان به اسلام در مکه بود وی به همراه خانواده‌اش عذاب‌های فراوانی را از سوی مشرکان مکه به جان خرید و در تمامی جبهه‌ها در کنار رسول خدا ﷺ جانفشانی می‌کرد (یوسف المزی، ۱۴۲۱ق: ۴۳۳). البته در طول تاریخ امثال عمار یاسر کم نبوده‌اند. و همین یاران ولایت‌مدار بوده‌اند که ولایت اهل بیت را نشر و گسترش داده‌اند. افرادی مانند ابوذر، حجر بن عدی، ابوحمزه ثمالی، زراره، ابن عمیر، عثمان بن سعید، قیس بن سعد و... که با تمسک به حبل ولایت از آرمان اصلی و حقیقی خویش با شیوه‌های گوناگون حفاظت نمودند. در مقابل هم افرادی بودند که در ابتدا آرمان ولایت‌مداری را در سر می‌پروراندند؛ ولی با جدایی از ولایت، والاترین آرمان‌شان را به دست شیطان سپردند و خسران دنیا و آخرت را برای خویش برگزیدند. طلحه، زبیر و زهری نمونه‌های بارز این خسران بی نهایت هستند (ر.ک:

احمدی میانجی، ۱۳۸۴ش: ج ۱، ۷۵). براساس این سنت تاریخی، تنها مکتب مهدویت و ولایت است که می‌تواند در عصر غیبت از آرمان‌های واقعی انسان محافظت نماید. این امر به انسان می‌آموزد که شناخت و انتخاب آرمان واقعی کافی نیست؛ بلکه آرمان خواه واقعی، لازم است تا پای جان، ولایت‌مدار باقی بماند.

۴. رشد و ارتقاء آرمان‌های واقعی

دستیابی به آرمان‌های واقعی به نوبه خود بسیار ارزشمند است. اما انسان نباید به ارزش‌های دسترس خود قانع باشد، بلکه لازم است همواره برای رشد و ارتقای دستاوردهای خود تلاش کند. اندیشه مهدویت از ظرفیت‌های فراوانی برخوردار است. به این معنی که این اندیشه علاوه بر این که به خوبی می‌تواند آرمان‌های واقعی را در اختیار بشر قرار دهد؛ قادر است برترین نقش‌ها را در راستای رشد و ارتقای آرمان‌های واقعی ایفا نماید. رسیدن به ایمان حقیقی و حسن اسلام در گروی ولایت‌پذیری از حجت بالغه خدا در هر عصر است، بنابراین هر که در زمان ما می‌خواهد با ایمانی کامل و اسلامی نیکو به ملاقات خدا نائل شود، راهی به جز تمسک علمی و عملی به حضرت حجت، همان صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ندارد. امام معصوم علیه السلام در این خصوص چنین می‌فرماید:

و من أحب أن يلقى الله وقد كمل إيمانه و حسن إسلامه فليتول الحجة صاحب الزمان المنتظر (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۳۶، ۲۹۶).

این روایت به ما می‌گوید تا ولایت حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف را نپذیری به قله ایمان و اسلام دسترسی پیدا نمی‌کنی به عبارت دیگر؛ مهم‌ترین آرمان تو که ایمان و اسلام است بدون ولایت امام عصر علیه السلام رشد و ارتقا پیدا نخواهد کرد.

نتیجه‌گیری

آرمانها به دو دسته حقیقی و کاذب تقسیم می‌شوند. جوان برای انتخاب درست در عرصه آرمان‌ها نیازمند شناخت معیارهای آرمان‌خواهی مطلوب است چرا که بدون معیاری دقیق راه دستیابی به آرمان‌های حقیقی بسته است. اندیشه مهدویت توانایی جهت دادن، شکل دادن و ارائه معیارهای دقیق را به طور کامل داراست. اما این امر نیازمند تبیین صحیح و دقیق از نقش اندیشه مترقی مهدویت در سه حوزه؛ بینشی، گرایشی و رفتاری است. این اندیشه می‌تواند در تصحیح آرمان‌های کاذب، محافظت از آرمان‌های واقعی و رشد و ارتقای آرمان‌های صحیح به خوبی ایفای نقش نماید. البته باید دانست که صرف تبیین نقش اندیشه مهدویت

در آرمان‌خواهی برای نیل به اهداف در این زمینه کافی نیست چرا که عوامل دیگری نیز در این خصوص دخیل هستند. عواملی مثل راحت‌طلبی، حب به دنیا و لذائذ زودگذر می‌توانند در رسیدن به اهداف متعالی در این بحث راهزن باشند. بنابراین عاشقان و منتظران حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه لازم است عزم خود را برای دستیابی به برترین آرمان‌ها در حوزه مهدویت جزم نموده و موانع موجود را از پیش رو بردارند و به هیچ وجه در این زمینه به کم قانع نباشند و همواره در جهت رشد و ارتقای آرمان‌های واقعی و جهت دادن به آنها کوشا باشند.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین (۱۴۰۵ق)، *عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة*، تصحیح: مجتبی عراقی، قم: دار سیدالشهداء للنشر.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، *کمال الدین و تمام النعمة*، مصحح: علی اکبر غفاری، تهران: اسلامیه.
۳. احمدی میانجی، علی (۱۳۸۴ش)، *مکاتیب الأئمة علیهم السلام*، تحقیق: مجتبی فرجی، قم: دارالحديث، اول.
۴. امیرخانی، رضا (۱۳۹۸ش)، «بررسی تفاوت و تقابل آرمان‌خواهی در دو جامعه ایران و آمریکا در رمان‌های بیوتن و قیدار»، *نشریه ادبیات پایدار*، سال یازدهم، شماره بیست و یکم.
۵. آمدی تمیمی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶ش)، *تصنیف غررالحکم و درر الکلم*، تصحیح: مصطفی درایتی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۶. بیرو، آلن (۱۳۸۰ش)، *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه: باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان، چهارم.
۷. جعفری، محمدصابر؛ ملایی، حسن (۱۴۰۰ش)، *درسنامه مهدویت راهبر، تهران: دفتر معارف وابسته به نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، اول.*
۸. حسینی خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۸ش)، *سیاست از منظر آیت‌الله العظمی خامنه‌ای*، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.

۹. سلمان، محمد (۱۳۹۶ش)، *آرمان شهر مهدوی در اندیشه اسلامی*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اول.
۱۰. شریعتمداری، علی (۱۳۸۲ش)، *روان‌شناسی تربیتی*، تهران: امیرکبیر، شانزدهم.
۱۱. صفایی حائری، علی «عین صاد» (۱۳۸۸ش)، *نقد مکتب‌ها - آرمان‌ها: آزادی*، قم: انتشارات لیلة القدر، سوم.
۱۲. صفایی حائری، علی «عین صاد» (۱۳۹۳ش)، *نقد مکتب‌ها*، قم: انتشارات لیلة القدر.
۱۳. کراجکی، محمد بن علی (۱۴۱۰ق)، *کنز الفوائد*، قم: دارالذخائر.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ق)، *الکافی*، قم: دارالحديث.
۱۵. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۶. مصباح یزدی، مجتبی (۱۴۰۰ش)، *بنیادی‌ترین اندیشه‌ها - گزیده‌ای از مبانی اندیشه اسلامی*، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه، هفتم.
۱۷. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۷۲ش)، *جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن*، قم: سازمان تبلیغات اسلامی، دوم.
۱۸. مطهری، مرتضی (۱۳۷۸ش)، *یادداشت‌های شهید مطهری*، تهران: انتشارات صدرا، اول.
۱۹. مکی «شهید اول»، محمد بن (۱۴۱۰ق)، *المزار فی کیفیت زیارات النبی والأئمه علیهم السلام*، مصحح: موحد ابطحی اصفهانی، قم: مدرسه امام مهدی علیه السلام.
۲۰. هاشمی نژاد، سید عبد‌الکریم (۱۳۴۷ش)، *مشکلات مذهبی روز*، تهران: انتشارات فراهانی، اول.
۲۱. الهی نژاد، حسین (۱۳۹۵ش)، *مهدویت پژوهی؛ مسئله‌شناسی، معرفت‌شناسی و مبانی‌شناسی*، قم: بوستان کتاب، اول.
۲۲. یوسف المزی، جمال‌الدین أبی الحجاج (۱۴۲۱ق)، *تهذیب الکمال فی أسماء الرجال*، مصححین: سهیل زکار، شیخ احمد علی عبید، حسن احمد آغا، بیروت: دارالفکر.

Leadership in the Islamic Revolution and the Russian Revolution (a comparative study)

Dr. Alireza Zamzam ¹

Abstract

Revolution is a complex and profound transformation in which power changes through non-peaceful means. In every revolution, there are three main pillars that play their role through synergy. These three pillars are ideology, leadership and people. One of the important issues of every revolution is the role and scope of its leadership. In this article, the author tries to investigate the role and especially the scope of leadership in the Islamic Revolution of Iran and the February Revolution of 1917 in Russia by using the analytical-comparative method. While in the Iranian Islamic Revolution, the leadership of Imam Khomeini? He was inclusive and inclusive of various intellectual manifestations, mobilizer and manager. In the February Revolution of 1917 in Russia, this breadth and comprehensiveness of leadership did not exist in all three stages of movement, revolution and system building, and leadership in this revolution was limited to the stage after the victory of the revolution. became The method of research is comparative - assessment. In this way, in addition to the similarities and commonalities, the author tries to investigate the differences and differences regarding the revolution and leadership in the two countries of Iran and Russia. The finding of the research is that while in the Islamic Revolution of Iran, Imam Khomeini as the leader of the revolution was fully responsible for all three manifestations of intellectual leadership, mobilizing and policy making of the Islamic Revolution, in the February Revolution of 1917 in Russia, in addition to the plurality of leaders, he combined the manifestations of leadership. did not exist.

Keywords: Islamic revolution, Iran, Imam Khomeini, leadership, Russian revolution

1. Assistant Professor of Shahid Bahonar University, Kerman

رهبری در انقلاب اسلامی و انقلاب روسیه (بررسی مقایسه‌ای)*

علیرضا زمزم^۱

چکیده

انقلاب تحولی پیچیده و عمیق است که در آن قدرت از طریق غیرمسلامت‌آمیز تغییر می‌کند. در هر انقلاب سه رکن اصلی وجود دارد که از طریق هم‌افزایی نقش خود را ایفا می‌کنند. این سه رکن عبارتند از ایدئولوژی، رهبری و مردم. یکی از مسائل مهم هر انقلاب، نقش و گستره رهبری آن است. نویسنده در این مقاله با استفاده از روش سنجشی - مقایسه‌ای درصدد بررسی نقش و به ویژه گستره رهبری در انقلاب اسلامی ایران و انقلاب فوریه ۱۹۱۷ روسیه است. در حالی که در انقلاب اسلامی ایران رهبری امام خمینی علیه السلام فراگیر و دربرگیرنده جلوه‌های مختلف فکری، بسیج‌گر و مدیر بود، در انقلاب فوریه ۱۹۱۷ روسیه، این گستردگی و فراگیری رهبری در هر سه مرحله نهضت، انقلاب و نظام‌سازی وجود نداشت و رهبری در این انقلاب به مرحله بعد از پیروزی انقلاب محدود می‌شد. روش پژوهش مقایسه‌ای - سنجشی است. در این روش نویسنده افزون بر همگونی‌ها و اشتراکات، درصدد بررسی ناهمگونی‌ها و افتراقات در خصوص انقلاب و رهبری در دو کشور ایران و روسیه است. یافته پژوهش عبارت از این است که در انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی به عنوان رهبر انقلاب هر سه جلوه رهبری فکری، بسیج‌گر و سیاست‌گذاری انقلاب اسلامی را به صورت تام عهده‌دار بود، در انقلاب فوریه ۱۹۱۷ روسیه افزون بر تعدد رهبران، تجمیع جلوه‌های رهبری وجود نداشت.

واژگان کلیدی

انقلاب اسلامی، ایران، امام خمینی علیه السلام، رهبری، انقلاب روسیه.

مقدمه

انقلاب تحولی پیچیده و سریع برای اهدافی معین است. در این تحول همزمان با ناتوانی رژیم مستقر در به کارگیری از قوه زور و سرکوب، بر قدرت مخالفان برای قبضه قدرت، افزوده می‌شود. درحالی که قدرت سیاسی درصدد حفظ وضع موجود است، هدف قدرت اجتماعی تغییر وضع موجود و ایجاد ساخت جدید قدرت است. این تحول فشرده و عمیق، افزون بر دارا بودن ایدئولوژی و بسیج توده‌ای، نیازمند رهبری و سازماندهی است. ضرورت رهبری (فردی یا

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۲

۱. استادیار دانشگاه شهید باهنر کرمان، ایران.

گروهی) در انقلاب‌ها، معطوف به فعال‌سازی نارضایتی‌ها در چارچوب ایدئولوژی است. مهارت در به چالش کشیدن جهان‌بینی موجود و ارائه جهان‌بینی جدید، شرط این فعال‌سازی است. در مقایسه دو انقلاب ایران و روسیه موضوعات مختلفی از قبیل وضعیت قدرت قبل و بعد از انقلاب از جهت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی، بین‌المللی و... رامی‌توان مدنظر قرار داد. از نظر نویسنده یکی از مسائل مهم هر انقلاب نقش و گستره رهبری در سطوح مختلف و مراحل پیشینی و پسینی انقلاب است، لذا در این مقاله درصدد بررسی مقایسه‌ای گستره رهبری در انقلاب اسلامی و انقلاب روسیه هستم. سوال اصلی معطوف به تفاوت رهبران دو انقلاب از حیث دامنه رهبری و تجمع جلوه‌های آن است. در حالی که در انقلاب اسلامی ایران، رهبری امام خمینی رحمه‌الله‌تعالیه فراگیر و در برگیرنده هر سه مرحله نهضت، انقلاب و نظام‌سازی و نیز تام بود و همین فراگیری رهبری از علل اصلی پیروزی انقلاب اسلامی شد، در انقلاب فوریه روسیه این فراگیری در رهبری و تام بودن آن وجود نداشت.

از نظر پیشینه یک کتاب تحت عنوان *انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلاب فرانسه و روسیه* اثر منوچهر محمدی نوشته شده است که در آن به مباحثی کلی درخصوص وضعیت قبل و بعد از انقلاب در سه کشور ایران، روسیه و فرانسه پرداخته است. اثر دیگر پایان‌نامه مطالعه تطبیقی تئوری انقلاب تروتسکی و انقلاب ایران مقطع کارشناسی ارشد توسط نویسنده است که معطوف به تئوری‌ها و نظریه‌های انقلاب است. حلقه مفقوده آثار یاد شده مؤلفه رهبری به ویژه جلوه‌های مختلف آن در دو انقلاب ایران و روسیه است که این مقاله درصدد بررسی آن است.

بحث

۱. رهبری و انقلاب

در مورد رهبری و انقلاب به دو مطلب نقش رهبران در انقلاب‌ها و تقسیم‌بندی رهبران انقلاب‌ها اشاره می‌شود.

الف) نقش رهبران در انقلاب‌ها

نقش رهبران در انقلاب‌ها از مسائل مهم هر تحول انقلابی است. این نقش در هر دو جنبه رهبری فردی و گروهی حائز اهمیت است. اهمیت این نقش در حدی است که در نبود آن، امکان شکل‌گیری جنگ داخلی بسیار زیاد است. نقش رهبری خاص منازعه انقلابی نیست. نویسنده‌ای اهمیت رهبری و ارتباط آن با عوامل دیگر قدرت را در زمان جنگ مطرح می‌کند (مقتدر، ۱۳۷۰: ۹۸). نویسنده‌ای دیگر قدرت ملی دولت‌ها را متأثر از موقعیت رهبران

آنها می‌داند و معتقد است:

رهبری از جنبه‌های مختلف می‌تواند در اتخاذ تصمیمات و سیاست‌ها در داخل و خارج مورد توجه قرار گیرد... نحوه تجهیز و به کارگیری منابع مادی و معنوی، بهره‌گیری از ایدئولوژی برای ایجاد و تقویت همبستگی و یکپارچگی اجتماعی و... همه و همه بستگی به عامل رهبری دارد (قوام، ۱۳۷۲ ش: ۸۴).

از نظر بشیریه «مهم‌ترین وظیفه رهبری ایجاد یگانگی و سازماندهی است» (بشیریه، ۱۳۸۴ ش: ۸۸).

از نظر وی «بسیج انقلابی نیازمند رهبری است. رهبران اهداف جنبش را روشن می‌کنند، درباره شیوه برخورد با حکومت تصمیم می‌گیرند، وضع موجود را براساس ایدئولوژی بسیج تحلیل می‌کنند...» (همان).

نقش رهبران در انقلاب‌ها گسترده و وسیع است و شامل مواردی از قبیل:

فعال‌سازی نارضایتی از وضع موجود، برانگیختن روحیه انقلابی، بیان و گسترش اندیشه و ایدئولوژی جدید، تنظیم و برنامه‌ریزی راهبردهای حرکت انقلابی، بسیج کردن و به صحنه آوردن توده‌ها، ترسیم و برقراری نظام سیاسی جدید و نیز تلاش برای رسیدن به اهداف و شعارهای انقلابی پس از پیروزی می‌شود (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶ ش: ۲۶؛ ملکوتیان، ۱۳۸۷ ش: ۳۰-۳۱).

در *نهج‌البلاغه*، نقش و جایگاه رهبر، به ستون و قطب (نهج‌البلاغه، خ ۳، ۹) و بند تسبیح (نهج‌البلاغه، خ ۱۴۶، ۱۴۱-۱۴۲) تشبیه شده است. حاکم بسان قطب و محور است که جامعه حول او معنا می‌یابد و کار ویژه رهبری جهت دادن و انسجام بخشیدن به جامعه مثل جهت دادن بند تسبیح به دانه‌هاست.

ب) تقسیم‌بندی رهبران انقلاب‌ها

با توجه به مراحل قبل و بعد از وقوع انقلاب، رهبران این پدیده به سه جلوه متفاوت تقسیم می‌شوند: رهبران فکری یا ایدئولوژی پرداز، رهبران بسیج‌گر یا کاریزمایی، رهبران سیاست‌گذار و مدیر (بشیریه، ۱۳۸۴ ش: ۹۲). این سه جلوه با عنوان سه نقش ایدئولوژیک انقلاب، فرمانده انقلاب، و معمار انقلاب نیز مطرح شده‌اند (محمدی، ۱۳۷۰ ش: ۱۴۹-۱۵۰؛ ۱۳۷۳ ش: ۴۵).

رهبر نخست در واقع استراتژیست انقلاب است که سال‌ها قبل از وقوع آن ظهور می‌کند و طرح و استراتژی انقلاب را ارائه می‌دهد. کار ویژه اصلی این رهبر به چالش کشیدن ارزش‌های حاکم بر رژیم مستقر و ارائه جهان‌بینی جدید و نظام سیاسی جدید است که در قالب دو مرحله

انجام می‌گیرد. یعنی نفی وضع موجود و اثبات نظم جدید. رهبر دوم زمانی به صحنه می‌آید که طرح رهبر نخست مورد پذیرش مردم قرار گیرد. این رهبر باید مهارت در تشویق و رهبری مردم برای حضور در این مرحله را داشته باشد تا بتواند از این رهگذر رژیم مستقر را تغییر دهد. با سقوط رژیم مستقر، رهبر در قامت مدیر و معمار ظاهر می‌شود. با توجه به پراکندگی و تعدد مراکز تصمیم‌گیری در این مرحله، تلاش برای روتین کردن انقلاب ضروری است. این مهم از طریق نظام مند و قانونمند کردن انقلاب انجام می‌گیرد. هر کدام از مراحل سه‌گانه می‌تواند رهبر خاص خود را به صورت فردی، گروهی یا ساختاری داشته باشد و ممکن است یک فرد تمامی مراحل سه‌گانه را رهبری کند.

۲. رهبری در انقلاب روسیه

مارکسیسم انقلاب را در مرحله‌ای از تاریخ اجتناب‌ناپذیر می‌داند. چون از نظر آنان تاریخ همواره در حال پیشرفت و مراحل آن متمایز از هم است. از نظر مارکسیست‌ها «انقلاب کلا یک تحلیل اقتصادی و بر پایه دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی مارکس است» (محمدی، ۱۳۷۳: ۲۲).

الف) رهبری فکری و ایدئولوژی‌پرداز

انقلاب فوریه ۱۹۱۷ روسیه مثل انقلاب فرانسه، در دوران شکل‌گیری و قبل از سقوط رژیم رومانوف‌ها از رهبری فکری شاخصی برخوردار نبوده است. به زبان دیگر هیچ جریان سیاسی سقوط نظام سیاسی رومانوف‌ها را رهبری نکرده است. رهبران سیاسی مخالف در این مقطع تاریخی خارج از روسیه در تبعید یا زندانی بودند (جان فورن، ۱۳۸۶: ۶۶). «سقوط رژیم تزاری در فوریه ۱۹۱۷ ناشی از حرکت و قیامی بود که توسط سربازان پادگان و کارگران کارخانجات پتروگراد انجام شد. این قیام از رهبری خاصی برخوردار نبود بلشویک‌ها هنوز مخفی بودند. حرکت فوریه از این جهت که برای نظام جایگزین طرح و نقشه نداشت، شباهت آن با شورش بیشتر است. لذا محققین انقلاب روسیه، سقوط رومانوف‌ها را در نتیجه یکی از خود جوش‌ترین انقلاب‌ها می‌دانند و هیچ گروهی حتی بلشویک‌ها، ادعای رهبری انقلاب فوریه را ندارند.

بنابراین در انقلاب فوریه ۱۹۱۷ رهبر شاخص و با طرح و برنامه مشخص وجود نداشت یعنی تحولی با حرکت خود جوش سربازان و کارگران شکل گرفت. گرچه تروتسکی که خود یکی از رهبران تحولات روسیه است، معتقد است:

این کارگران و سربازان تحت تعلیم لنین بوده‌اند (تروتسکی، ۱۳۶۰ش: ج ۱، ۱۵۳).

وی در جای دیگر در پاسخ به این سؤال که چه کسی انقلاب را هدایت کرد، کارگران یا دهقانان می‌نویسد:

این انقلاب را هیچ کس رهبری نکرده است (همان: ۱۴۳).

ب) رهبری بسیج‌گر در انقلاب روسیه

بعد از سقوط رژیم رومانوف‌ها، رقابت جناح‌های سیاسی در کسب قدرت شروع شد. در این دوره، رهبران جناح‌های مخالف رومانوف‌ها عبارتند از:

حزب سوسیال دموکرات روسیه، سوسیالیست‌های انقلابی و کادتها. رهبری جناح اکثریت یعنی بلشویک‌ها بر عهده افرادی مثل لنین، تروتسکی، استالین، کامنف و... و رهبری جناح اقلیت یعنی منشویک‌ها بر عهده کرنسکی و میلیوکف بود.

کارویژه و نقش رهبران بلشویک در این مرحله این بود که با بهره‌گیری از موقعیت هرج و مرج بعد از سقوط رومانوف‌ها، با سازماندهی و با استفاده از خلأ قدرت، دولت موقت و شوراها را کنار زده و با یک حرکت انقلابی قدرت را قبضه کنند. انقلاب روسیه بیش از آن که رهبری شاخص و ایدئولوژی بسیج‌گر داشته باشد، منشأ آن ضعف درونی نظام رومانوف‌ها بود که به تعبیر تروتسکی «رژیم رومانوف‌ها مثل میوه گندیده‌ای بود که با چند تکان فرو افتاده است» (تروتسکی، ۱۳۶۰ش: ج ۱، ۸۳).

البته بعضی نویسندگان در انقلاب فوریه ۱۹۱۷ روسیه، نقش کمیته پیشرو در دوما و نقش برخی افراد، احزاب و گروه‌های سیاسی را در رهبری جریان انقلابی مطرح می‌کنند (ملکوتیان، ۱۳۸۷ش: ۳۰).

ج) رهبری پس از انقلاب روسیه

در انقلاب روسیه برخلاف ایران در مرحله نظام‌سازی رهبری دیکتاتوری شکل می‌گیرد. لذا نویسنده‌ای ضمن اشاره به جمله «انقلاب در شیوه، دیکتاتورمآبانه ولی در نتیجه، آزادی بخش است» از فردریک انگلس، معتقد است:

واقعیت تاریخی انقلاب‌ها نشان داده است که انقلاب از حیث نتیجه هم حداقل در کوتاه‌مدت موجد دیکتاتوری است (بشیریه، ۱۳۷۴ش: ۱۴۹).

از نظر وی در همه انقلاب‌ها پس از تحکیم قدرت حکومت به تمرکز اداری می‌انجامد و دولت‌های انقلابی با گسترش کنترل و تمرکز سیاسی و توسعه نیروهای سرکوب برای جلوگیری

از منازعه اجتماعی و مهار نیروهای گریز از مرکز سلطه خود را کامل می‌کنند. این وضعیت را در خصوص دوران پس از انقلاب‌ها، جان فورن تحت عنوان: استقرار حکومت اقتدارگرا و دوران ترمیدور یا فرو خفتن جوشش انقلابی تحت سلطه دیکتاتوری مطرح می‌کند (جان فورن، ۱۳۸۶ ش: ۸۷).

وی ضمن اشاره به ترورهای افسارگسیخته روبسپیری در انقلاب فرانسه می‌نویسد: چنین وضعیتی‌هایی در تاریخ فعالیت‌های استالینی و مائوئی، برای ریشه‌کن کردن دشمنان خود از جامعه، به حدی علنی است ... که نیاز به ارائه سند و مدرک ندارد (همان: ۸۸).

انقلاب روسیه از جنس دیکتاتوری‌های انقلابی چپ‌گراست که تقریباً همه مؤسسات جامعه مدنی روسیه تزاری را در هم شکست. یک دوره حاکمیت رادیکالیسم چپ‌گرا در روسیه از زمان تصرف قدرت توسط بلشویک‌ها در اکتبر ۱۹۱۷ تا مرگ لنین در سال ۱۹۲۴ است. در این دوره گرچه به دلایلی مثل وجود شرایط بحرانی انقلابی و حضور شوراها سرکوب کامل مسیر نبود، ولی با گذشت زمان به تدریج فعالیت آزاد شوراها و احزاب و آزادی بیان و مطبوعات نادیده گرفته شده و محدودیت‌ها حتی به انحلال مجلسی منجر شد که در آن اکثریت از آن بلشویک‌ها نبود (بشیریه، ۱۳۷۴ ش: ۱۵۷). در تحولات روسیه نقش شوراها به عنوان نماینده توده‌های انقلابی حائز اهمیت است. در دوره‌ای اکثریت شوراها با منشویک‌ها و سوسیالیست‌های انقلابی بود و در تحولات اکتبر ۱۹۱۷ بلشویک‌ها از طریق همین شوراها قدرت را قبضه کردند. منازعات بر سر رهبری قدرت بعد از مرگ لنین تشدید می‌شود که به مرور زمینه شکل‌گیری دیکتاتوری فردی استالین از سال ۱۹۲۹ همزمان با جشن پنجاه سالگی وی فراهم می‌گردد. استالین را خشن‌ترین دیکتاتور روسیه از زمان پتر کبیر می‌دانند:

بی‌رحمی و خشونت در پروسه اجتماعی کردن کشاورزی، ایجاد اردوگاه‌های کار اجباری متمرکز، محاکمات نمایشی بزرگ و کشتار بی‌حساب و کتاب تحمیل سیاست خشک یکنواخت بر مطبوعات، هنر و ادبیات، تاریخ و علوم و سرکوب هر انتقادی ثمره یک ربع قرن دیکتاتوری بی‌رحمانه او بر روسیه شوروی است. بنابراین رهبری در انقلاب روسیه در مرحله بعد از پیروزی در قالب حکومت حزبی و دیکتاتوری متجلی شد. استالین با سرکوب شوراها، احزاب و گروه‌های سیاسی، ایدئولوژی دولتی بلشویکی را توسعه داد به گونه‌ای که از سال ۱۹۲۲ گرایش به تمرکز قدرت در دبیرخانه کمیته مرکزی حزب زیر نظر استالین افزایش چشمگیری یافت و می‌توانست بلشویم را به صورت ایدئولوژی دولتی مقتدر درآورد که اتحادیه‌ها، شوراها و حزب را از این طریق

تحت سیطره خود قرار دهد. در دوره رهبری خروشچف نیز تحکیم قدرت حزبی مطرح بود. با روی کار آمدن گورباچف در سال ۱۹۸۵ در کنار سلطه توتالیتار، نکثرگرایی نیز مطرح شد (بشیریه، ۱۳۷۴ ش: ۱۷۶).

در مجموع می‌توان گفت، انقلاب فوریه ۱۹۱۷ روسیه، در مرحله نهضت‌سازی و انقلاب رهبر ایدئولوژی پرداز و بسیج‌گر نداشته است. رهبرانی مثل لنین، تروتسکی و استالین در مرحله نظام‌سازی ظهور کردند و توانستند قدرت را که در واقع زائیده ساختار اجتماعی بود از دولت موقت به خاطر ساختار غیرمنسجم و بدون برنامه در اکتبر ۱۹۱۷ در قالب حزب بلشویک قبضه کنند.

۳. رهبری در انقلاب اسلامی ایران

از منظر هستی‌شناسی، انقلاب اسلامی پدیده‌ای مربوط به جهان بینی توحیدی است. در این جهان بینی محور و مدار عالم خداست و انسان بخشی از این هستی است. طبق این جهان بینی تمام نظامات و ساختارهای آن، هماهنگ با قانون حاکم بر این هستی‌شناسی تعریف می‌شود و تجلی حاکمیت تشریعی الهی، افزون بر تبعیت از قوانین الهی، دربرگیرنده زندگی سیاسی و نیز ساختار اجرا کننده این قوانین می‌شود. براساس این تلقی از هستی، «حاکمان نیز باید مؤید به تاییدات الهی بوده و منشا حاکمیت آنان حاکمیت خداوند باشد. بر این اساس، انسان‌ها مکلف به اطاعت از کسانی هستند که خداوند امر به تبعیت از آنها کرده و تجلی حاکمیت الهی هستند...» (عظیمی شوشتری و دیگران، ۱۳۹۷ ش: ۴۲).

از نظر امام خمینی رحمته‌الله علیه، انقلاب اسلامی مشیت الهی بود و با اتکال به خدا و تاییدات غیبی الهی پیروز گردید (موسوی خمینی، ۱۳۷۳ ش: ۱۶۷).

الف) ویژگی‌های شخصیتی و رهبری امام خمینی رحمته‌الله علیه

آیت‌الله خامنه‌ای معتقد است:

انقلاب اسلامی با همه‌ی انقلاب‌های دیگر متفاوت است، نه یک انقلاب صرفاً معنوی و فرهنگی است، نه یک انقلاب صرفاً اقتصادی است، نه یک انقلاب صرفاً سیاسی است، یک انقلاب همه‌جانبه است... (بیانات، ۱۳۸۷/۳/۱۴).

وی معتقد است:

امام بزرگوار ما با تکیه بر تعالیم اسلام ناب محمدی، و با اعتماد به ایمان دینی مردم، و با شجاعت و اخلاص و توکل کم‌نظیر خود، راه مبارزه را در میان سختی‌ها و مصائب

طاقت فرسا گشود... (پیام ۲۱ بهمن ۱۳۷۷، به مناسبت بیستمین سالگرد انقلاب اسلامی ایران).

وی با اشاره به بهره‌گیری امام خمینی رحمته‌الله علیه از همه وسایل الهی و ملکوتی در انقلاب اسلامی، می‌گوید:

با پیروزی این انقلاب عظیم، عصر جدیدی در مناسبات عالم پدید آمده است. این عصر را باید عصر امام خمینی نامید... (پیام ۱۳۶۹/۳/۱۰، نخستین سالگرد رحلت امام خمینی رحمته‌الله علیه).

شهید باهنر که خود از پیش‌تازان انقلاب اسلامی بود، با اشاره به پیوند بین مکتب، رهبر وامت و اشاره به نقش امام خمینی رحمته‌الله علیه در انقلاب اسلامی می‌نویسد:

... این رهبری... تجسم رهبری الهی و اسلامی است (باهنر، ۱۳۷۸: ۵۳).

شهید مطهری نیز که از پیشگامان انقلاب است، معتقد است:

... این رهبر جز منطق اسلامی هیچ منطق دیگری را به کار نبرده، پس همین خودش نشان می‌دهد که نهضت ما واقعا یک نهضت اسلامی بود... (مطهری، ۱۳۸۷: ۸۹).

از نظر وی:

اسلام یک دین انقلابی است و خصوصیتش این است که به مردم خودش حس پرخاشگری و حس مبارزه و حس طرد و نفی وضع نامطلوب را می‌دهد... (همان: ۹۰).

وی سه ماه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی می‌گوید:

... ما هیچ نهضتی از نهضت‌های صد ساله اخیر و قبلش را ... نمی‌شناسیم که بتوانیم نهضت موجود و هدف‌هایش را با آن مقایسه کنیم. تنها نهضتی که شاید بشود این نهضت را با آن مقایسه کرد... نهضت صدر اسلام است... (همان: ۲۶).

از نظر شهید مطهری:

علت این که امام خمینی رحمته‌الله علیه رهبر بلامعارض و بلامنازع این نهضت شد این است که علاوه بر این که واقعا شرایط و مزایای یک رهبر در فرد ایشان جمع بود، ایشان در مسیر فکری و روحی و نیازهای مردم ایران قرار داشت (همان: ۸۶).

یکی از نویسندگان ضمن اشاره به ویژگی‌های منحصر به فرد انقلاب اسلامی ایران و امام خمینی رحمته‌الله علیه و نقش مذهب به عنوان بنیان و اساس جنبش انقلابی، می‌نویسد:

... جنبش انقلابی ایران دارای بنیادهای مذهبی بود و توسط روحانیون رهبری می‌-

شد... (احتشامی، ۱۳۷۸ ش: ۲۰۲).

امام خمینی رحمته الله علیه عامل متحدکننده نیروهای متفاوت فکری در انقلاب اسلامی بود. این نقش باعث گردید بعضی نظریه‌پردازان از قبیل تدا اسکاچ پل نظریات خود در مورد انقلاب را تعدیل کنند (به نقل از هادیان در فراتی، ۱۳۷۷ ش: ۱۷۷). از نظر اسکاچ پل:

... اسلام شیعه اولین منبع برای تجهیز و چارچوب بنیادی انقلاب می‌باشد و آن را می‌توان یکی از چند شکل و صورتی دانست که انقلاب ایران را از فرم نرمال انقلاب‌های زمان ما خارج ساخته است و رهبری عالی این انقلاب به عهده آیت‌الله خمینی بود... (به نقل از عنایت در فراتی، ۱۳۷۶ ش: ۱۶۱-۱۶۲).

نویسنده‌ای دیگر با اشاره به جهت‌گیری گفتمان‌ها و نیروهای اجتماعی مختلف سیاسی مذهبی از قبیل: اسلام مبارزه‌جویانه امام خمینی رحمته الله علیه، اسلام رادیکال شریعتی، اسلام لیبرال بازرگان، ملی‌گرایی دموکراتیک جبهه ملی، مارکسیسم متعارف حزب توده، مارکسیسم رادیکال فدائیان و سوسیالیسم اجتماعی مجاهدین در هنگامه وقوع انقلاب اسلامی و وجه اشتراک همه آنها در دو عنصر پایان اقتدار شاهنشاهی و بازنگری در روابط ایران و آمریکا می‌نویسد:

[امام] خمینی تجسم بارز این دو خواست بود و حمایت همه بخش‌های جنبش را جلب کرد و یا این که همه آنها به رهبری نمادین ایشان احترام گذاشتند... (جان فورن، ۱۳۸۶ ش: ۲۷۷).

میشل فوکو فیلسوف فرانسوی که در زمان انقلاب اسلامی در شهرهای تهران و قم شاهد تحولات بوده است در اثر خود تحت عنوان ایرانی‌ها چه رویایی در سر دارند، باقرائتی پسامدرنیسم درخصوص انقلاب اسلامی می‌نویسد:

... شخصیت آیت‌الله خمینی پهلوی به افسانه می‌زند. هیچ رئیس دولتی و هیچ رهبر سیاسی‌ای حتی به پشتیبانی همه رسانه‌های کشورش نمی‌تواند ادعا کند که مردمش با او پیوند چنین شخصی و چنین نیرومند دارند (فوکو، ۱۳۷۷ ش: ۶۴).

روش امام خمینی رحمته الله علیه، اصلاح حاکمان از طریق پند و اندرز بود. به عبارت دیگر قائل به قاعده تدرج بود یعنی تا جایی که نصحیت و ارشاد تأثیر می‌گذاشت، از روش انقلاب استفاده نمی‌کرد. وی اصل را بر هدایت و اصلاح گذاشته بود:

ایدئولوژی تهاجمی یعنی سرنگونی رژیم پهلوی و تلاش برای برقراری ارزش‌ها و مبانی جدید از طریق ایجاد حکومت اسلامی را مدنظر داشتند، لیکن ایدئولوژی تدافعی را راه اولیه می‌دانستند (دهشیری، ۱۳۷۹ ش: ۴۸).

از نظر این نویسنده حرکتی را که امام خمینی رحمته الله علیه پایه گذاری کرد سه ویژگی داشت: ... اولاً سازمان یافته، ثانياً زیربنایی و ثالثاً دربرگیرنده حداکثر نیروهای اجتماعی بود (همان: ۲۵).

وی رهبری سیاسی و مذهبی را با هم ممزوج کرد و همین تلفیق، انقلاب اسلامی را از سایر انقلاب ها متمایز می کرد. امام خمینی رحمته الله علیه با دارا بودن شرایط و صفات خاص به عنوان رهبر بلامنازع انقلاب اسلامی شناخته شد و با تصریح قانون اساسی مصوب سال ۱۳۵۸، عالی ترین مقام رسمی کشور شد (اصل ۱۱۳). افزون بر این «تجربه نیز عملاً این واقعیت را به شکل رویه ای اثبات نموده است» (ایزدی، ۱۳۷۱ ش: ۱۱۳).

ب) جلوه های رهبری امام خمینی رحمته الله علیه

رهبری امام خمینی رحمته الله علیه در انقلاب اسلامی از جنبه های مختلف در مقایسه با رهبران سایر انقلاب ها و نهضت تفاوت ماهوی دارد. افزون بر تفاوت از منظر دینی و مذهبی با رهبران سایر تحولات داخلی و خارجی، تمایز اصلی و شاخص وی با سایر رهبران از جمله انقلاب روسیه، در گستره و فراگیری رهبری اوست. وی هر سه جلوه رهبری نهضت ساز، انقلابی و مدیر را دارا بود و به عبارتی به عنوان «ایدئولوژ، بسیج گر و مدیر و معمار» (فوزی، ۱۳۸۴ ش: ۵۷) نقش ایفا کرد.

ج) رهبری فکری و ایدئولوژی پرداز

رهبری فکری امام خمینی رحمته الله علیه از دهه ۱۳۲۰ با نگارش کتاب کشف اسرار و ارائه بیانیه سیاسی مبنی بر قیام برای خدا و نیز طرح مباحث فکری و فرهنگی در کلاس های درس شروع شد. در این دوره تاکتیک امام خمینی رحمته الله علیه آگاهی بخشی و روشنگری بود. از یک سو درصدد نفی جهان بینی و نظام حاکم بر آن دوره در ایران بود و از سوی دیگر درصدد اثبات نگرش جدید و نظم سیاسی مطلوب بود. در این دوره بخشی از زندگی سیاسی امام خمینی رحمته الله علیه در خارج از ایران در تبعید بود «فعالیت اصلی وی در این دوره، تبیین اندیشه سیاسی و کادرسازی بود...» (زمزم، ۱۳۹۷ ش: ۵۲).

د) رهبری بسیج گر

امام خمینی رحمته الله علیه در قامت رهبر انقلاب، بدون حضور فیزیکی و از راه دور با بهره گیری از امکانات، ظرفیت ها و نهادهای مدنی دینی از قبیل مساجد و حسینیه ها و شکل دهی «بسیج جمعی» راهپیمائی ها و تجمعات میلیونی را جهت دهی کرد. این جهت دهی با حضور وی در ایران در بهمن ۱۳۵۷، با سرعت بیشتر و هم افزایی افزون تر، منجر به پیروزی انقلاب اسلامی

گردید.

هـ رهبری مدیر و سیاست‌گذار

با سقوط رژیم شاهنشاهی، وی عهده‌دار رهبری مدیر و سیاست‌گذار شد که مهم‌ترین کار ویژه او در این مرحله، روتین کردن وضعیت انقلابی بود. در این دوره دغدغه اصلی امام خمینی رحمته الله علیه نظام مند کردن و قانون‌مند کردن امور بود. در این راستا امام خمینی رحمته الله علیه در حکم انتصاب رئیس دولت موقت، وظایفی از قبیل فراهم کردن زمینه رجوع به فراندوم تعیین نظام سیاسی، تشکیل مجلس مؤسسان قانون اساسی، اداره کشور و... خواستار شد (موسوی خمینی، ۱۳۸۹ ش: ج ۶، ۵۴-۶۱). برگزاری همه‌پرسی جمهوری اسلامی در فروردین ۱۳۵۸ و برگزاری انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی در مرداد و همه‌پرسی قانون اساسی در آذر همان سال در راستای نظام‌مند و قانون‌مند کردن انقلاب اسلامی باهدایت و رهبری امام خمینی رحمته الله علیه بود که در ادامه مقاله به بررسی آنها می‌پردازم.

۴. نقش رهبری در تحولات پس از انقلاب اسلامی

پیروزی انقلاب اسلامی ایران، یکی از عوامل زمینه‌ساز انتظار است و هر قدمی برای ثبات و استواری آن، گامی در مسیر ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف است. از این منظر حفظ و حراست از انقلاب اسلامی برای رهبران آن حائز اهمیت بود. امام خمینی رحمته الله علیه نسبت به مرحله بعد از پیروزی انقلاب دغدغه مند بود، چرا که حفظ انقلاب و تداوم آن، به مراتب از پیروزی آن دشوارتر است. در دوره ده ساله پس از پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۵۸-۱۳۶۸) نقش تأثیرگذار امام خمینی رحمته الله علیه در رهبری و هدایت تحولات در مسیر حرکت استمراری و تکاملی انقلاب اسلامی جای انکار نیست. در این قسمت از مقاله به چند مورد از آن تحولات اشاره می‌شود:

تشکیل شورای انقلاب اسلامی

این شورا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی تشکیل شد. هدف از تأسیس این شورا حل و فصل اعتصابات و فعالیت‌های اجرایی و تقنینی در بحبوحه پیروزی انقلاب اسلامی بود. دستور تشکیل این شورا را امام خمینی رحمته الله علیه (مركب از شخصیت‌های سیاسی - مذهبی) صادر کرد (فوزی، ۱۳۸۴ ش: ۱۵۷).

انتصاب رئیس دولت موقت

برای انتقال قدرت از رژیم شاهنشاهی به نیروهای انقلابی مثل بقیه انقلاب‌ها نیاز به تشکیل دولت موقت و پل قرار گرفتن میانه‌روها بود. امام خمینی رحمته الله علیه به پیشنهاد شورای

انقلاب اسلامی، مهندس مهدی بازرگان را برای این مسئولیت منصوب کرد. در حکم امام خمینی رحمته الله علیه خطاب به بازرگان، مأموریت‌هایی مثل تشکیل دولت، فراهم نمودن زمینه رجوع به رفراندوم تعیین نظام سیاسی، تشکیل مجلس مؤسسان قانون اساسی، برگزاری انتخابات مجلس شورای ملی برعهده وی گذاشته شده بود (موسوی خمینی، ۱۳۶۹ ش: ج ۶، ۵۴-۶۱).

تئوریزه کردن و تأسیس نظام سیاسی

امام خمینی رحمته الله علیه از نیمه دوم سال ۱۳۵۷ نظام سیاسی جایگزین رژیم شاهنشاهی را «جمهوری اسلامی» اعلام و در مصاحبه با خبرگزاری‌های مختلف در پاریس و نیز در جلسات آن را تعریف و تئوریزه کرد. وی می‌گوید:

... ما خواستار جمهوری اسلامی هستیم، جمهوری، فرم و شکل حکومت را تشکیل می‌دهد و اسلامی، یعنی محتوای آن فرم، قوانین الهی است (موسوی خمینی، ۱۳۸۹ ش: ج ۵، ۳۹۸).

یا:

جمهوری اسلامی به این معنی است که قانون کشور را قوانین اسلامی تشکیل می‌دهد، ولی فرم حکومت اسلامی جمهوری است. به این معنی که متکی بر آرای عمومی است (همان: ۲۴۰).

جمهوری اسلامی فصل جدیدی از ساخت قدرت و تجربه جدیدی از دولت مدرن در ایران است. امام خمینی رحمته الله علیه در همه‌پرسی سال ۱۳۵۸، از جمهوری اسلامی به عنوان نظام سیاسی مورد نظر حمایت کرد و از مردم خواست به این ساختار رأی بدهند. در رفراندوم مورد نظر بیش از ۹۸ درصد شرکت‌کنندگان به جمهوری اسلامی رأی موافق دادند.

قانونمند کردن انقلاب

منظور این است که بعد از تأسیس نظام سیاسی جمهوری اسلامی، این نظام نیازمند قانون اساسی به عنوان قانون عالی و سایر قوانین دارد. امام خمینی رحمته الله علیه این مهم را یکی از مأموریت‌های دولت موقت تعیین کرده بود. یعنی تأسیس مجلس مؤسسان قانون اساسی. در این راستا با هدایت و رهبری امام خمینی رحمته الله علیه انتخابات مجلس بررسی قانون اساسی مشهور به خبرگان قانون اساسی در ۱۲ مرداد ۱۳۵۸ برگزار گردید و این مجلس در ۲۸ مرداد با پیام امام خمینی رحمته الله علیه کار خود را در زمینه تهیه، تدوین و تصویب قانون اساسی شروع کرد. مجلس خبرگان ابتدا متنی را تهیه و طی چهار مرحله آن را در قالب قانون اساسی مصوب کرد. متن

قانون اساسی در تاریخ ۲۴ آبان ۱۳۵۸ در قالب ۱۲ فصل و ۱۷۵ اصل به تصویب مجلس خبرگان قانون اساسی رسید و در تاریخ‌های یازده و دوازده آذر همین سال از طریق همه‌پرسی به رأی مردم گذاشته شد.

مقابله با جریان‌ها و گروه‌های تجزیه‌طلب

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، گروه‌های تجزیه‌طلب در بعضی استان‌ها از جمله کردستان فعال بودند که امام خمینی رحمه‌الله علیه برای مقابله با این جریان‌ها دستورات و رهنمودهایی به مسئولان مربوطه ارائه می‌دهند.

تأسیس نهادهای انقلابی

با توجه به چشم‌انداز انقلاب اسلامی در ایجاد تمدن نوین اسلامی و زمینه‌سازی برای ظهور حضرت ولی عصر عجل‌الله تعالی امام خمینی رحمه‌الله علیه در مهندسی نظام سیاسی پس از انقلاب، تمامی سازوکارها از جمله تأسیس نهادهای جهادی و انقلابی را مدنظر داشتند. به تعبیر آیت‌الله خامنه‌ای:

... امام در ساخت و مهندسی نظام جمهوری اسلامی، همه عناصر و اجزائی را که می‌توانست این نظام را استوار و ماندگار کند، مورد ملاحظه قرار داد و با مهارت تمام این عناصر اصلی را در درون این بنای شامخ و استوار کار گذاشت... (بیانات در مرقد مطهر امام خمینی، ۱۳۸۰/۳/۱۴).

تأثیر تأسیس نهادهای انقلابی مثل سپاه پاسداران، بسیج، جهاد سازندگی، کمیته‌های انقلاب، کمیته امداد و... در بقاء و استمرار انقلاب اسلامی بر کسی پوشیده نیست.

فرماندهی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران رسماً از ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ شروع و تا ۲۷ تیر ۱۳۶۷ ادامه داشت. فرماندهی و رهبری این دفاع بر عهده امام خمینی رحمه‌الله علیه بود و هدایت و رهبری او به عنوان ولی فقیه و فرمانده کل قوا برای تمامی فرماندهان جنگ جنبه عقیدتی و ایمانی داشت و همین مسئله دلیل اصلی پیروزی رزمندگان ایرانی بر دشمن در این جنگ نابرابر بود.

حل و فصل ماجرای گروگان‌های آمریکایی

در جریان تصرف سفارت آمریکا در ایران توسط دانشجویان ایرانی، در آبان ۱۳۵۸، تعدادی از افراد مستقر در سفارت به گروگان دانشجویان درآمدند. درخصوص نحوه آزادی و محاکمه آنها دیدگاه‌های متفاوتی مطرح بود که امام خمینی رحمه‌الله علیه طی دستوری مجلس شورای اسلامی

را مأمور بررسی و تصمیم‌گیری در مورد این مسئله کردند.

پذیرش قطعنامه ۵۹۸

پیروزی‌های رزمندگان ایران در سال‌های ۶۴ تا ۶۵ در عملیات‌های مختلف، رژیم بعث صدام و حامیان او را به فکر پایان دادن جنگ از طریق غیرنظامی انداخت. برای این منظور متوسل به شورای امنیت سازمان ملل متحد شدند. گرچه این سازمان قبلاً در خصوص جنگ عراق علیه ایران قطعنامه‌هایی صادر کرده بود ولی در این قطعنامه تا حدودی مجبور شدند بعضی خواسته‌های ایران از جمله معرفی متجاوز و پرداخت خسارات را بگنجانند. قطعنامه ۵۹۸ در تیر ۱۳۶۶ به وسیله شورای امنیت سازمان ملل صادر گردید. جمهوری اسلامی ایران با یک سال تأخیر در تیر ۱۳۶۷ قطعنامه را پذیرفت. امام خمینی رحمته‌الله علیه با صدور پیامی در تاریخ ۲۹ تیر ۱۳۶۷، علل پذیرش این قطعنامه را مطرح کرده است (موسوی خمینی، ۱۳۸۹: ج ۲۱، ۹۴-۹۲).

برکناری آیت‌الله منتظری

آیت‌الله حسینعلی منتظری به رغم نظر امام خمینی رحمته‌الله علیه در جلسه فوق‌العاده مجلس خبرگان رهبری در آبان ۱۳۶۴، به عنوان قائم مقام رهبری انتخاب گردید. این انتخاب در قانون اساسی پیش‌بینی نشده بود. وی در فروردین ۱۳۶۸ به دلایلی از این سمت کنار گذاشته شد.

دستور بازنگری قانون اساسی

قانون اساسی جمهوری اسلامی در سال ۱۳۵۸ در قالب ۱۲ فصل و ۱۷۵ اصل تهیه، تدوین و تصویب شد. بعد از گذشت حدود ده سال و با درخواست بعضی نهادها امام خمینی رحمته‌الله علیه با اصلاح و بازنگری در آن موافقت کردند. وی در تاریخ ۱۳۶۸/۲/۴ طی حکمی خطاب به رئیس‌جمهور وقت (آیت‌الله خامنه‌ای)، با تعیین گروهی از مسئولان و مشخص کردن هشت محور، دستور بازنگری را دادند. شورای تعیین شده در محدوده زمانی مشخص مصوباتی درخصوص بازنگری در قانون اساسی ارائه داد که در همه‌پرسی مرداد ۱۳۶۸ به رأی مردم گذاشته شد. اصلاحات انجام شده در قانون اساسی شامل افزودن دو فصل و دو اصل به قانون اساسی بود که از نظر محتوایی قانون اساسی اصلاح شده سال ۱۳۶۸ تفاوت زیادی با قانون مصوب ۱۳۵۸ دارد.

موارد یاد شده بعضی از تصمیمات و کنش‌های امام خمینی رحمته‌الله علیه در مرحله بعد از پیروزی



انقلاب اسلامی، برای پایداری و ماندگاری آن بود. به جز چند مورد که مربوطه به دوران وضعیت انقلابی و شرایط خاص آن دوره بود، بقیه کنش‌ها و اقدامات امام خمینی رحمه الله به رغم دارا بودن شخصیت کاریزماتیک دینی و مذهبی در حل چالش‌ها، در چارچوب قانون اساسی مصوب بود. طبق اصل ۱۱۳ قانون اساسی، رهبر عالی‌ترین مقام رسمی کشور محسوب می‌شود، لذا تصمیم‌گیری در امور سخت و دشوار از عهده او برمی‌آید.

افزون بر این، در حالی که در روسیه بعد از انقلاب، دست به دست شدن قدرت در قالب رقابت‌های حزبی و روش‌های اقتدارگرایانه بود، در جمهوری اسلامی ایران بعد از رحلت امام خمینی رحمه الله در خرداد ۱۳۶۸، قدرت به آرامی و براساس معیارهای مکتبی و دینی و شرایط مندرج در قانون اساسی به آیت‌الله خامنه‌ای منتقل شد و وی همان مسیری را که امام خمینی رحمه الله برای رسیدن به تمدن اسلامی و زمینه‌سازی ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تعیین کرده بود، با قدرت ادامه می‌دهد. از نظر وی انقلاب یک امر مستمر، یک حقیقت ماندگار و حقیقت دائمی برای رسیدن به حیات طیبه (بیانات ۱۳۶۸/۴/۱۱) و هدف نهایی نظام جمهوری اسلامی و آرمان جمهوری اسلامی، ایجاد تمدن اسلامی است (بیانات ۱۳۹۲/۶/۱۴). وی با اشاره به تأثیر انقلاب اسلامی در جهان (۱۳۹۳/۹/۶) و ضمن توجه به لزوم ابتدای نظامات جهانی بر حاکمیت تشریعی الهی، تحقق نوع حاکمیت را وعده خدا می‌داند (بیانات، ۱۳۸۵/۱/۲۵) و معتقد است «انقلاب اسلامی وظیفه خود می‌داند تا نه تنها در نظامات غیرالهی و ظالمانه موجود در عالم هضم نشود» (بیانات ۱۳۸۱/۳/۱۴) بلکه آنها را برهم بزند و در مسیری گام بردارد که منتهی به این حاکمیت شود.

نتیجه‌گیری

از بررسی اجمالی انقلاب اسلامی ایران و انقلاب ۱۹۱۷ روسیه نتایج ذیل قابل توجه است: به رغم تفاوت‌های دو انقلاب ایران و روسیه از منظر هستی‌شناسی و ایدئولوژی، این دو انقلاب از حیث ماهیت انقلابی همگونی‌هایی با هم دارند. اولاً هر دو انقلاب اجتماعی‌اند نه سیاسی. در انقلاب سیاسی حداکثر نوع نظام سیاسی تغییر می‌کند در حالی که در انقلاب اجتماعی این تغییر وسیع‌تر و شامل تغییر حکومت، تغییر در ساختارهای فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاست خارجی و نیز طبقه حاکم می‌شود. ثانياً در هر دو انقلاب میانه‌روها پل انتقال قدرت از رژیم قبلی به انقلابیون شدند. ثالثاً قبل از هر دو انقلاب رژیم استبدادی مستقر بود. در ایران سلسله پهلوی و در روسیه رومانوف‌ها.

دو انقلاب از منظر متغیر رهبری ناهمگونی‌هایی دارند: ۱. در حالی که در انقلاب اسلامی رهبران از نظر جایگاه طبقاتی جز طبقات محروم و مستضعف جامعه بودند، در انقلاب روسیه، رهبران از طبقات متوسط و بالای جامعه به حساب می‌آمدند؛ ۲. پیشگامی در انقلاب اسلامی عمدتاً با روحانیون بود. در حالی که در روسیه جلوداران روشنفکران و تحصیل کرده‌ها بودند؛ ۳. در انقلاب اسلامی ایران رهبری امام خمینی رحمته‌الله علیه تام بود یعنی رقیب نداشت، در حالی که در انقلاب روسیه، رهبرانی مثل لنین، استالین، تروتسکی و... در سقوط رومانوف‌ها نقش متفاوت داشتند؛ ۴. در دوران ده ساله بعد از انقلاب فوریه روسیه، رهبری حزبی در قالب دیکتاتوری ظهور کرد، در حالی که در انقلاب اسلامی با گذشت حدود نیم قرن هم‌چنان قانون‌مداری و حضور مردم در صحنه‌های مختلف حفظ شده است؛ ۵. مهم‌ترین تفاوت رهبری در انقلاب اسلامی با انقلاب روسیه، در گستره رهبری، رهبر یا رهبران است. در انقلاب اسلامی رهبری امام خمینی رحمته‌الله علیه فراگیر و شامل هر سه مرحله نهضت، انقلاب و نظام سیاسی بود. به عبارتی هر سه جلوه رهبری فکری، بسیج‌گر و مدیر را دارا بود. در انقلاب روسیه، ظهور و شهرت رهبران بیشتر در مرحله بعد از پیروزی بوده است و در مرحله نهضت‌سازی و ارائه مبانی و استراتژی انقلاب، رهبر شاخصی مطرح نبوده است.

منابع

نهج‌البلاغه

۱. احتشامی، انوشیروان (۱۳۷۸ ش)، *سیاست خارجی در دوران سازندگی، اقتصاد، دفاع، امنیت*، ترجمه: ابراهیم متقی و زهره پوستین‌چی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲. ایزدی، بیژن (۱۳۷۱ ش)، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، با همکاری: حسین صالحه، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۳. باهنر، محمدجواد (۱۳۷۸ ش)، *مباحثی پیرامون فرهنگ انقلاب اسلامی*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چهارم.
۴. بشیریه، حسین (۱۳۸۴ ش)، *انقلاب و بسیج سیاسی*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۵. تروتسکی، لئو (۱۳۶۰ ش)، *تاریخ انقلاب روسیه*، ترجمه: سعید باستانی، تهران: نشر فانوسا.
۶. جان فورن (۱۳۸۶ ش)، *نظریه‌پردازی انقلاب‌ها*، ترجمه: فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی، سوم.
۷. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۶ ش)، *انقلاب اسلامی ایران*، قم: نشر معارف، ویراست چهارم.

۸. حاجی انزهایی، محمدرضا (۱۳۹۶ش)، *صورت و سیرت انقلاب اسلامی در بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای*، تهران: انقلاب اسلامی، دوم.
۹. دهشیری، محمدرضا (۱۳۷۹ش)، *درآمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی (ره)*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی
۱۰. زمزم، علیرضا (۱۳۷۹ش)، *مطالعه تطبیقی تئوری انقلاب تروتسکی و انقلاب اسلامی*، پایان نامه ارشد دانشگاه اصفهان.
۱۱. زمزم، علیرضا (۱۳۹۷ش)، *درآمدی بر اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)*، قم: معارف معنوی.
۱۲. عظیمی شوشتری، عباسعلی و دیگران (۱۳۹۷ش)، *نگرشی توبه انقلاب اسلامی*، قم: زمزم هدایت.
۱۳. فراتی، عبدالوهاب (۱۳۷۶ش)، *مجموعه مقالات درآمدی بر ریشه‌های انقلاب اسلامی*، قم: معاونت امور اساتید معارف.
۱۴. فراتی، عبدالوهاب (۱۳۷۷ش)، *مجموعه مقالات رهیافت‌های نظری بر انقلاب اسلامی*، قم: معاونت امور اساتید معارف.
۱۵. فوزی، یحیی (۱۳۸۴ش)، *تحولات سیاسی - اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران*، تهران: نشر عروج.
۱۶. فوکو، میشل (۱۳۷۷ش)، *ایرانی‌ها چه رویایی در سر دارند؟*، ترجمه: حسین معصومی همدانی، تهران: هرمس.
۱۷. قوام، عبدالعلی (۱۳۷۳ش)، *اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل*، تهران: سمت، ویرایش سوم.
۱۸. محمدی، م (۱۳۷۰ش)، *انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلاب فرانسه و روسیه*، تهران: نویسنده.
۱۹. محمدی، منوچهر (۱۳۷۳ش)، *تحلیلی بر انقلاب اسلامی*، تهران: امیرکبیر، پنجم.
۲۰. مطهری، مرتضی (۱۳۸۷ش)، *آینده انقلاب اسلامی*، تهران: صدرا، بیست و هشتم.
۲۱. مقتدر، هوشنگ (۱۳۷۰ش)، *سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی*، تهران: مفهرس.
۲۲. ملکوتیان، مصطفی (۱۳۸۷ش)، *بازخوانی، علل وقوع انقلاب اسلامی در سپهر نظریه پردازی‌ها*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۳. موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۳ش)، *آئین انقلاب اسلامی*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر

آثار امام خمینی رحمۃ اللہ علیہ.

۲۴. موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۹ ش)، صحیفه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام

خمینی رحمۃ اللہ علیہ.

۲۵. مؤسسه فرهنگی قدر ولایت (۱۳۸۱ ش)، ویژگی‌های انقلاب اسلامی در آئینه مقام معظم رهبری،

تهران: قدر ولایت، دوم.

۲۶. هلودی، موسی (۱۳۹۷ ش)، روشنائی آینده، آینده پژوهی انقلاب اسلامی در بیان حضرت آیت الله

العظمی خامنه‌ای، تهران: انقلاب اسلامی، دوم.

۲۷. تارنمای رسمی دفتر رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه‌ای مدظله العالی:

www.Khamenei.ir

The role of young people in realizing Mahdavi ideals

Dr. Khodamrad Salimian ¹

Abstract

Young people have always played a fundamental, key and outstanding role in the reform movements of divine prophets. This role is due to the depth and scope of the global uprising of the promised Mahdi? It has been emphasized in various fields. With the special characteristics of youth, they will be very effective in realizing that divine ideal. From seeking change to benefiting from all one's ability to advance one's goals, and from being a leader to benefiting from all one's knowledge capacities, and from preserving Islamic ethics to adhering to human values, all these roles contribute to the organization and promotion of the uprising of Imam Mahdi? and the realization of Mahdavi ideals, they help a lot. Undoubtedly, among the aforementioned roles, one of these characteristics of the youth has a major impact on the victory of Imam Mahdi's uprising. It is characterized by their desire for change in various fields of value. Youth transformation means creating a transformation in the belief, thought and behavior of the youth. This transformation can happen individually or socially. In the uprising of Imam Mahdi (a.s.), the reformation of the youth - as a large part of his companions - is of special importance on both levels.

Keywords: Reformation, youth, Mahdavi ideals, Mahdavitism, waiting

1. Associate Professor of Qom Islamic Science and Culture Research Institute



ISSN:2423-7663



فصلنامه علمی - پژوهشی مهدویت
سال هجدهم / شماره هفاد و دوم / تابستان ۱۴۰۳

نقش تحول خواهی جوانان در تحقق آرمان های مهدوی *

خدا مراد سلیمیان^۱

چکیده

جوانان همواره در حرکت های اصلاحی پیامبران الهی نقشی بنیادین، کلیدی و برجسته داشته اند. این نقش به جهت عمق و گستره قیام جهانی مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه له در عرصه های گوناگونی مورد تأکید قرار گرفته است. اینان با ویژگی های خاص جوانی در تحقق آن آرمان الهی بسیار مؤثر خواهند بود. از تحول خواهی تا بهره مندی از همه توان خویش برای پیشبرد اهداف، و از هدایتگری تا بهره از همه ظرفیت های دانشی خود، و از حفظ اخلاق اسلامی تا پای بندی به ارزش های انسانی، همه و همه این نقش ها به سازماندهی و پیشبرد قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه له و تحقق آرمان های مهدوی، کمک شایانی می کنند. بی گمان در میان نقش های پیش گفته یکی از این ویژگی های جوانان که تأثیری اساسی در پیروزی قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه له دارد ویژگی تحول خواهی آنان در عرصه های ارزشی گوناگون است. تحول خواهی جوانان به معنای ایجاد دگرگونی در باور، اندیشه و رفتار جوانان است. این تحول می تواند به صورت فردی و یا اجتماعی رخ دهد. در قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه له، تحول خواهی جوانان - به عنوان بخش پرشماری از یاران آن حضرت - در هر دو سطح اهمیت ویژه ای دارد.

واژگان کلیدی

تحول خواهی، جوانان، آرمان های مهدوی، مهدویت، انتظار.

مقدمه

انسان رهگذری ست که از خداوند آغاز کرده و به خداوند باز می گردد (بقره: ۱۵۶). اما در این عبور که دگرگونی از حالتی، به بهتر از آن است، می بایست تا قله های فرازمند کمال راه سپارد. و از آن جا که راهی نرفته می پیماید به حکم عقل می بایست این دگرگونی ها بر پایه آموزه های وحیانی صورت پذیرد (نساء: ۶۹).

از آن جا که سرعت سیر در فراهم آوردن این دگرگونی ها در جوان و جوانی بیشتر از هر کس و هر زمان دیگر است، این دوران از هر زمان دیگر ارزشمندتر و ارجمندتر است. دین اسلام به مانند دیگر ادیان توحیدی با توجه به این ویژگی، همواره تأکید هدایتگری

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۷

۱. دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم، ایران (kh.salimian@isca.ac.ir).

خود را بر جوانی و جوانان نهاده است و آنان را به حرکت در مسیر سعادت فراخوانده است.^۱ قیام جهانی مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان پایان بخش حرکت پیامبران الهی با توجه به ظرفیت های جوانی و جوانان بیشترین سهم را برای حضور آنان اختصاص داده است.^۲ او که به خواست خداوند در زمانی مقرر ظهور خواهد کرد تا عدالت را در جهان حاکم کند (یملا الارض عدلا)، از وجود یاران جوان، مخلص و مجاهدی که مسلح به سلاح ایمان و یقینند، و گوش به فرمان مقتدای خویش دارند، به عنوان یکی از عوامل مهم پیروزی آن حضرت پس از ظهور، ایشان را در برچیدن ظلم و فساد یاری خواهند نمود.^۳ و البته این جوانان به طور عمده کسانی هستند که با گذر از دوران تاریک و سرشار از ظلم و بیداد پیشاظهار خود را به سلامت به محضر آن امام همام خواهند رساند. در این پژوهش تلاش خواهد شد تا با نشان دادن گستره های تحول خواهی جوانان در رسیدن به سعادت، نقش این تحول خواهی را در تحقق آرمان مهدوی که همانا تشکیل جامعه شایستگان است در نگاه قرار دهد. اما پیش از هر سخن اشارتی بر جوان و جوانی و نیز تحول و تحول خواهی، مناسب می نماید:

جوان و جوانی

در زبان فارسی واژه «جوان» یا «برنا»، به معنای هر چیزی است که از عمر آن زمان چندی نگذشته باشد (دهخدا، لغت نامه، واژه جوان) و در لغت عرب آن گاه که جوان قصد می شود بیشتر از واژه های: «فتی»، «شاب» و «غلام» استفاده می شود.

۱. امام صادق علیه السلام در این باره فرمود: عليك بالأحداث فإنهم أسرع إلى كل خير؛ جوانان را دریاب، زیرا که آنان سریع تر به کارهای خیر روی می آورند (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۸، ۹۳).

و یا این که امیرمؤمنان علیه السلام در وصیتی به فرزندش امام حسن علیه السلام فرمود: إنما قلب الحدث كالأرض الخالية ما ألقى فيها من شيء قبلته فبادرتك بالأدب قبل أن يقسو قلبك و يشتغل لبك؛ دل جوان، مانند زمین کشت نشده است. آنچه در آن افکنده شود، می پذیرد. از این رو، پیش از آن که دلت سخت گردد و خردت سرگرم شود، به تربیت تو همت گماشتم (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۹۰).

۲. حضرت علی علیه السلام در این باره فرمود: ان اصحاب القائم شباب لا كهول فيهم الا كالكلح في العين، او كالملح في الزاد، واقل الزاد الملح؛ همانا یاران قائم علیه السلام همگی جوانند و پیر میان شان نیست؛ مگر به اندازه سرمه در چشم یا به قدر نمک در توشه راه و کمترین چیز در توشه راه، نمک است (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۳۱۵، ح ۱۰).

۳. امام صادق علیه السلام فرمود: بینا شباب الشيعة على ظهور سطوحهم نیام إذ توافوا إلى صاحبهم فی ليلة واحدة علی غیر میعاد فیصبحون بمكة. : هنگامی که جوانان، شبانگاه بر پشت بام ها در خواب اند، به ناگاه، بدون وعده قبلی، در يك شب، گرد صاحب خود جمع می شوند و صبح هنگام در مکه خواهند بود (همان: ۳۱۶).

واژه «فتی» هم به معنای «جوان» و «هم جوان مرد» به کار می‌رود و ۱۰ بار در قرآن به کار رفته که در ۵ مورد به معنای غلام و برده است که يك بار به صورت مفرد «فتی» (یوسف: ۳۰)، يك بار به صورت تثنیه «فتیان» (یوسف: ۳۶) و سه بار به شکل جمع «فتیان» و «فتیات» (یوسف: ۶۲؛ نساء: ۲۵؛ نور: ۳۳) به کار رفته است.

اگرچه محدوده سنی دقیق و روشنی برای جوانی در دست نیست اما در فرهنگ‌ها و دیدگاه‌های گوناگون نظراتی ذکر شده است به گونه‌ای که امروزه در کشورهای مختلف محدوده سنی متفاوتی را دوران جوانی می‌دانند؛ و اعلام رسمی آن از سوی مراکز بین‌المللی مشکلی از این اختلاف نظرها برطرف نمی‌کند چرا که جوانی در فرهنگ‌ها به گونه‌های متفاوتی تعریف شده است.

جایگاه جوان در فرهنگ اسلامی

در يك نگاه گذرا در آیات قرآن به مواردی بر می‌خوریم که از جوان و جوانی به بزرگی و نیکی یاد شده است. برخی از این موارد بدین قرار است:

۱. ابراهیم علیه السلام، شخصیتی نامور، در دوران جوانی؛
«قالوا سمعنا فتی يذكرهم يقال له إبراهيم» (انبیاء: ۶۰).
۲. مأموریت ابراهیم علیه السلام برای ذبح اسماعیل علیه السلام، در دوران جوانی وی؛
«فبشرناه بغلام حليم فلما بلغ معه السعي قال يا بني اني اری في المنام اني اذبحك فانظر ما ذا ترى قال يا ابت افعل ما تؤمر ستجدني ان شاء الله من الصابرين» (صافات: ۱۰۱-۱۰۲).
۳. اصحاب كهف، جوانمردانی مؤمن به خداوند و بهره‌مند از هدایت افزون الهی؛
«نحن نقص عليك نبأهم بالحق انهم فتية ءامنوا ببرهم و زدناهم هدى» (كهف: ۱۳).
۴. صالح علیه السلام، جوانی خوش نام و مورد امید قومش؛
«فلما جاوزا قال لفته ءاتنا غداءنا لقد لقينا من سفرنا هذا نصبا» (هود: ۶۲).
۵. حضور جوانان، در کارگزاران حکومت یوسف علیه السلام؛
«و قال لفتيانه اجعلوا بضاعتهم في رحالهم لعلهم يعرفونها» (یوسف: ۶۲).
۶. رشد و شکوفایی خارق‌العاده مریم علیه السلام در عنفوان جوانی؛
«قال يا مریم ائی لك هذا قالت هو من عند الله» (آل عمران: ۳۷).
۷. موسی علیه السلام، جوانی نیرومند و قوی و رسیدن موسی علیه السلام به مقام حکم و علم الهی،
دردوران جوانی؛

«و لما بلغ أشده و استوی ءاتیناه حکما و علما و کذالك نجزی المحسنین» (قصص: ۱۴-۱۵ و ۲۸).

۸. ازدواج موسی علیه السلام با دختر شعیب علیه السلام، در دوران جوانی؛
«قال إني أريد أن أنکحک إحدى ابنتی هتین علی أن تأجرنی ثمنی حجج فإن أتممت عشرا فمن عندک و ما أريد أن أشق علیک ستجدنی إن شاء الله من الصلحین» (قصص: ۲۷).
 ۹. دعوت جوانان همبند به توحید، با برانگیختن عقل و اندیشه آنان، از سوی یوسف علیه السلام؛
«و دخل معه السجن فتيان» (یوسف: ۳۶ و ۳۹).
 ۱۰. عفت و پاکدامنی یوسف علیه السلام، در عنفوان جوانی؛
«و راودته التی هو فی بیتها عن نفسه و غلقت الأبواب و قالت هیت لك قال معاذ الله إنه ربی أحسن مثوای إنه لا یفلح الظالمون» (یوسف: ۲۳-۲۴، ۳۰ و ۳۲).
 ۱۱. بهره‌مندی یوسف علیه السلام از علم و حکمت، و رسیدن به مقام نبوت، در دوران جوانی؛
«و لما بلغ أشده ءاتیناه حکما و علما و کذالك نجزی المحسنین» (یوسف: ۲۲).
 ۱۲. آغاز دوران جوانی یوسف علیه السلام، در بارگاه عزیز مصر؛
«و کذالك مکننا لیوسف فی الأرض و لنعلمه من تأویل الأحادیث» (یوسف: ۲۱-۲۳).
 ۱۳. همراهی و ملازمت یوشع بن نون علیه السلام با موسی علیه السلام، در سن جوانی؛
«و إذ قال موسی لفتته لا أبرح حتی أبلغ مجمع البحرين أو أمضى حقبا» (کهف: ۶۰ و ۶۲).
- انبوه آیات یادشده و افزون‌تر از آن، همه و همه نشانگر اهتمام آموزه‌های وحیانی و پیامبران الهی بر جوان و جوانی و ویژگی‌های این دوران به‌ویژه تحول‌خواهی برای رسیدن به کمال و سعادت است.

تحول و تحول‌خواهی

تحول به معنای دگرگونی است «أصل الحول تغیر الشیء و انفصاله عن غیره، و باعتبار التغیر» (مفردات راغب؛ ص ۲۶۶).

از آن‌جایی که تحول و تحول‌خواهی، یکی از بایسته‌ترین نیازهای جامعه بشری است. آموزه‌های وحیانی همواره انسان‌ها را به دگرگونی از وضع موجود به وضع بهتر، جهت رسیدن به رشد و کمال، فراخوانده است.

سخنان فراوانی درباره این بایستگی گفته شده است. یکی از این سخنان به تناسب زندگی امروزی از مقام معظم رهبری درباره ضرورت تحول در جوامع بشری است که می‌گوید:

تحول در جوامع انسانی و برای بشر، سنت لایتغیر الهی است. هیچ کس نمی‌تواند در مقابل تحول بشری بایستد؛ امکان ندارد. دیر یا زود، یکی پس از دیگری، تحولات بشری اتفاق می‌افتند. این راز ماندگاری و راز تعالی بشر است. اصلاً خدا بشر را این طور قرار داده است که ایستایی در طبیعت انسان نیست. شاید یکی از فرق‌های انسان با بقیه اشیا هم همین باشد. البته در بقیه اشیا هم یک نوع تغییرات، تحولات و تبدیل انواع را می‌گویند، که من حالا به آن مسائل کار ندارم؛ نه درست واردیم و نه می‌توانیم قضاوت کنیم؛ نه به بحث ما ارتباطی دارد؛ اما در بشریت تحول حتمی است. با تحول نیابستی مقابله کرد؛ تحول را نباید انکار کرد. و باید به سوی تحول - به همان معنایی که عرض خواهیم کرد - به شکل درست حرکت کرد (بیانات در دیدار با دانشگاهیان سمنان، ۱۳۸۵/۰۸/۱۸).

البته باید توجه داشت که این تحول‌خواهی براساس اندیشه متعالی، فکر و اندیشه صورت پذیرد. مقام معظم رهبری در سال ۱۳۹۹ و در سخنرانی سالگرد رحلت حضرت امام علیه السلام نیز به موضوع پشتوانه فکری و علمی برای تحول‌خواهی اشاره کرده و می‌فرمایند:

تحول صحیح احتیاج دارد به پشتوانه فکری؛ یعنی هر حرکت بی‌پشتوانه فکری را نمی‌شود تحول دانست. بعضی از حرکت‌های سبک و سطحی را نمی‌شود به حساب تحول گذاشت؛ تحول پشتوانه فکری [می‌خواهد]. فرض کنید یکی از مسائلی که امروز باید حتماً تحول در آن به وجود بیاید، مسئله عدالت است. در زمینه عدالت باید تحول ایجاد کنیم و این باید متکی باشد به یک مبنای فکری که اندیشه متقن و شکل‌یافته ما در زمینه عدالت چیست؛ آن وقت براساس آن برویم سراغ تحول... (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=52355>).

تحول پیدا کردن بدون نقشه راه و سندی که اهداف و مسیر را مشخص کند، ممکن نیست. اما این تحول‌خواهی جوانان در گستره‌هایی قابل بررسی است:

عرصه‌های تحول‌خواهی جوانان

پیش از اشاره به عرصه‌های تحول‌خواهی جوانان لازم است تأکید شود که در آموزه‌های دینی خودشناسی، بنیادی‌ترین زمینه برای خداشناسی و خداپرستی به شمار آمده است. و از آن به عنوان برترین «أفضل المعرفة معرفة الإنسان نفسه» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق: ۱۸۹) و پرفایده‌ترین معرفت‌ها یاد شده است. امام علی علیه السلام فرمود:

معرفة النفس أنفع المعارف (همان: ۷۱۲).

جوانی که در دوران پرفراز و فرود جوانی به خودشناسی برسد به خوبی از کرامت و شرافت خویش پاسداری خواهد کرد و گوهر ارزشمند وجود خود را به کالای بی ارزش و یا کم ارزش دنیایی از دست نخواهد داد.

در مرحله خودشناسی است که جوان به ابعاد و مراتب تکامل و تنزل نفس آگاهی پیدا می کند، امتیازها و آسیب ها، امکانات و توانمندی ها، قابلیت ها و مقدرات وجود خود را می شناسد.

و در پس این آگاهی ها عوامل رشد و انحطاط، تکامل و تنزل نفس و روش فراهم آوردن عوامل رشد و اعتلای روحی و اخلاقی خود را به روشنی می یابد. و در به دست آوردن برتری های اخلاقی و فراهم آوردن سعادت و کمال انسانی خود تلاش می کند و این همان تحول خواهی اوست.

البته این خودشناسی هم در جنبه های جسمانی و توانمندی های ظاهری و هم در بعد روحی و معنوی مورد توجه است. چه فراوانند جوانانی که با کشف خویشتن و انتخاب راه درست به موفقیت های بزرگی دست یافتند و نیز چه بسیارند جوانانی که در راه خودشناسی کوتاهی کرده هرگز استعدادها و توانمندی های خود را به گونه ای شایسته کشف نکردند از این رو جوانی خویش را در سرگردانی سپری کردند.

و جوان پس از خودشناسی در عرصه های بنیادین برای ایجاد تحول به سوی کمال گام هایی را برمی دارد. که برخی از برجسته ترین آنها از این قرارند:

۱. یکتاپرستی

آن گاه که جوان نخستین گام ها را در مسیر تحول خواهی می نهد، آوای خوش فطرت او را به جست و جوی آگاهانه آفریدگار می خواند. و در پس این کنکاش است که بارقه های الهی قلب او به نور یگانه پرستی روشن می سازد. و از این جاست که او در پی تقویت این بینش ارزشمند گام های استوارتری را برمی دارد.

بسی روشن است که پیروی از آموزه های سفیران خداوند و جانشینان آنها، چراغی فروزان فراراه او خواهد بود، تا این استواری را با استقامت تمام استمرار بخشد.

آموزه هایی که در جهت روشن ساختن فلسفه زندگی و شناخت هدف های بنیادین آن و نیز پدید آوردن نشاط و امیدواری به آینده ای بهتر برای تداوم زندگی راهنمایی های ارجمندی را در دسترس نهاده است.

در این گام‌های نخستین است که جوان در پس اندیشه در مبدأ آفرینش زیرساخت‌های شناخت هدف آفرینش را نیز در نهاد خود شکل می‌دهد. تا در پرتو این دو باور، زندگی را بر شیوه‌ای سالم سامان بخشد.

بی‌گمان در این مرحله حساس عقل و فطرت سالم با یاری خواهی از آموزه‌های دینی - آیات قرآن و سخنان معصومان علیهم‌السلام - راه را بر رهروان هرچه روشن‌تر تا کمال مطلوب آماده می‌سازد. در روایاتی که در وصف یاران مهدی موعود عجل‌الله تعالی فرجه الشریف آمده است آنها را در اوج معرفت الهی معرفی کرده است.

امام علی علیه‌السلام، از این ویژگی یاران امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف این‌گونه سخن می‌گوید:
مردان مؤمنی که خدا را آن‌گونه که باید، شناخته‌اند.

طبیعی است ایمانی این چنین که درباره یاران آن حضرت گفته شده، به آسانی حاصل نمی‌شود. بلکه نیازمند تلاش و مجاهده فراوان با امیال و هواهای نفسانی و شیطانی است. این ایمان نتیجه يك عمر زندگی توأم با اخلاص و پاکدامنی است و برای رسیدن به آن باید، نه فقط به واجبات عمل نمود، بلکه از محرمات دوری جست و از فواید و برکات اعمال مستحبی نیز بهره گرفت و تقوا را در تمام شئون فردی و اجتماعی زندگی، مدنظر قرار داد. از آن جایی که عالی‌ترین آرمان در قیام جهانی مهدی عجل‌الله تعالی فرجه الشریف گسترش یکتاپرستی در همه زمین است این ویژگی نقشی اساسی در رسیدن به آن آرمان را دارد.
در حدیثی نورانی امام صادق علیه‌السلام در این باره فرمود:

إذا قام القائم علیه‌السلام لا یبقی ارض الا نودی فیها بشهادة ان لا اله الا الله وان محمدا رسول الله (عیاشی، ۱۳۸۰ق: ج ۱، ۱۸۳، ح ۸۱)؛
در آن هنگام که قائم قیام کند، هیچ سرزمینی باقی نخواهد ماند، مگر این که شهادت به یکتاپرستی و نبوت در آن ندا داده خواهد شد.

پیر واضح است که رسیدن به آن آرمان بلند تلاشی طاقت‌فرسا و مجاهدتی بی‌وقفه می‌طلبد و این مهم با جوانی تناسب دارد.

۲. دین‌شناسی و دینداری

جوان هنگام گذر در مرحله یادشده برای ایجاد تحول به حالی بهتر، خود را نیازمند آگاهی‌های هرچه بیشتر درباره دین می‌بیند. از این رو در پی شناخت مبانی اعتقادی در بینش اسلامی گام می‌نهد. او در این مسیر همواره به دنبال کشف اسرار آفرینش است و جهت پاسخ به

نیازهای فطری و درونی خود به دنبال اثبات هدفمند بودن نظام آفرینش و زندگی خویش است.

رفته رفته در این دوره جوان حوزه دین‌شناسی را به دینداری هرچه نزدیک و نزدیک‌تر می‌کند تا جایی که دینداری او به طور کامل منطبق بر دین‌شناسی می‌گردد و این دو نه فقط در عرصه فکر و اندیشه که عرصه رفتار را نیز به طور کامل زیر نفوذ خود قرار می‌دهد به گونه‌ای که رفتارهای دینی او بر پایه فهمی آگاهانه از دین صورت می‌گیرد.

روشن است که کمال این مرحله بدان است که پس از تعمیق باورهای بنیادین در برابر هرگونه شبهه و القای انحرافی پاسخ‌های در خور و روشنی در نهاد خود شکل داده باشد.

روحیه توکل و ایجاد باورهای قلبی به حکمت پدیده‌های آفرینش با مطالعه در معارف اسلام و منابع معتبر از دیگر راه‌های گذر سالم از این مرحله به شمار می‌آید.

البته در عرصه دین‌شناسی و دینداری یکی از بحث‌های مهمی که بر آن تأکید شده است آگاهانه بودن دینداری و پرستش خداوند است به گونه‌ای که آموزه‌های دینی بیش از آن که به انجام واجباتی دینی سفارش کنند به آگاهانه انجام دادن آن سفارش کرده‌اند.

از آن جا که بندگی خداوند در دوران جوانی از برجستگی به سزایی برخوردار است، آگاهانه بودن آن نیز مهم می‌نماید. به بیان دیگر کیفیت رفتارهای عبادی بیش از کمیت آن مورد توجه است؛ از این رو انجام عبادات کمتر با آگاهی بهتر است از عبادت‌های فراوان بدون شناخت و معرفت.

در این مرحله آشنایی جوان با فلسفه احکام و دین و شناخت روش‌های تحکیم عمل صالح و اصلاح شیوه زندگی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. و در این جاست که افزون بر مراقبت‌های درونی جوان نیازمند آگاهی‌بخشی‌های بیرونی از طرف افراد شایسته است.

رسیدن به دین‌شناسی و دینداری راستین می‌تواند در فراهم نمودن زمینه‌ها برای تحقق یکی از برجسته‌ترین آرمان‌های قیام جهانی مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف که همانا ایجاد زمینه معرفت دینی و دینداری برای همه مردمان در عصر ظهور است، کمک شایانی کند.

امیرمؤمنان علی علیه السلام درباره اهتمام به دین‌شناسی در عصر ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف در بیانی نورانی فرمود:

كَأَنِّي أَنْظِرُ إِلَى شِيعَتِنَا بِمَسْجِدِ الْكُوفَةِ قَدْ ضَرَبُوا الْفَسَاطِيطَ يَعْلَمُونَ النَّاسَ الْقُرْآنَ كَمَا أَنْزَلَ (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۳۱۷، ح ۳)؛

گویا می‌بینم شیعیان ما در مسجد کوفه خیمه‌ها زده‌اند و قرآن را همان گونه که نازل

شده به مردم می‌آموزند.

قلب جوان چون زمین آماده کشت است. و قرآن باران معارف بلند آسمانی. چون این باران بر این زمین بارید بخشی از ثمرات آن گل‌های خوشبویی است که عطر آن همه زندگی را معطر می‌سازد.

از روایات ارزشمندی رابطه جوان و انس او با قرآن به نیکی تمام بیان شده است.^۱ در پاره‌ای از آیان بهره‌مندی از آیات نورانی آن نیازمند تفسیر و تبیین است. و یگانه مرجع اطمینان بخش کسانی هستند که دانش آنها از سرچشمه زلال اندیشه‌های وحیانی سیراب شده است که پیشوایان معصوم (علیهم‌السلام) سرآمد این گروه‌اند. پس جوان در بهره‌مندی از آیات قرآن ناگزیر است از سخنان امامان معصوم (علیهم‌السلام) نهایت بهره را ببرد.

جوان آن‌گاه که جان خویش را با زلال آبشار و جاری قرآن می‌شوید با رشته‌های نادیدنی به پروردگار هستی پیوند می‌خورد و زنگی خویش را از هر پلیدی پاکیزه می‌کند. و امروزه جوانانی که نگران بیهودگی و زیان در زندگی هستند شایسته است تا هرچه بیشتر با کلام الهی انس یابند و از این زلال بی‌پایان سرشار شوند. بسی جای تأسف است که ابزار و عواملی چند دست به هم داده روز به روز بر فاصله و شکاف بین جوان و سخنان خدای مهربان می‌افزاید.

آنچه در این جا باید یادآور شد اینکه بخشی از یاران، همان شیعیان واقعی آن حضرتند که در دوران غیبت به شایستگی به وظایف خود عمل کرده‌اند. در این باره ابوبصیر از امام صادق (علیه‌السلام) روایت می‌کند: امام در تفسیر این قول خدای تعالی «یوم یأتی بعض آیات ربك لا ینفع نفساً إیمانها لم تکن آمنت من قبل أو کسبت فی إیمانها خیراً» (انعام: ۱۵۸)؛ «روزی که پاره‌ای از نشانه‌های پروردگارت [پدید] آید، کسی که قبلاً ایمان نیاورده یا خیری در ایمان آوردن خود به دست نیاورده است، ایمان آوردنش سود نمی‌بخشد». فرمود:

یعنی خروج القائم المنتظر منا. یا ابابصیر طوبی لشیعة قائما المنتظرین لظهوره فی

۱. امام صادق (علیه‌السلام) در حدیثی بسیار زیبا و گویا درباره اهمیت انس جوان با قرآن و تلاوت قرآن او چنین می‌فرماید: من قرأ القرآن و هو شاب مؤمن اختلط القرآن بدمه و لحمه و جعله الله مع السفرة الكرام البررة و كان القرآن حجیجا عنه یوم القيامة؛ هرکس در جوانی قرآن بخواند و مؤمن هم باشد، قرآن با گوشت و خونسش بیامیزد و خداوند او را با فرشتگانی که نماینده و سفیر حق هستند و فرشتگان نویسندگان اعمال، همدم و قرین سازد و در روز قیامت قرآن برای او حائل و مانع از آتش جهنم خواهد بود و در حق وی دعا کند (ابن بابویه، ۱۴۰۶ق: ج ۱، ۱۰۰).

غیبت و المطیعین له فی ظهوره أولئك أولیاء الله الذین لا خوف علیهم ولا هم یحزنون (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۳۵۷)؛

یعنی خروج قائم منتظر ما، [سپس فرمود:] ای ابا بصیر! خوشا به حال شیعیان قائم ما، کسانی که در غیبتش منتظر ظهور او هستند و در حال ظهورش نیز فرمانبردار اویند. آنان اولیای خدا هستند که نه خوفی بر آنهاست و نه اندوهگین می شوند.

۳. رستاخیز باوری

رستاخیز باوری یک اعتقاد به ادامه وجود پس از مرگ است، که در دین ها و فلسفه ها مورد بحث و بررسی قرار می گیرد. این باور به افراد کمک می کند تا با مرگ به عنوان یک پایان نهایی مواجه نشوند و امید به یک زندگی بعدی داشته باشند.

در عرصه ایمان و معرفت بینش انسان ها به رستاخیز و پاسخگویی به رفتارها در برابر دادگاه خداوند نقش مهمی در تنظیم رفتارهای انسان در دوران زندگی دارد. باور به این که زمانی انسان در برابر خداوند به هر آنچه انجام داده و باور داشته می بایست پاسخ دهد انسان را بر آن می دارد تا در کارهایی که انجام می دهد بیاندیشد.

در این مرحله سطح بینش جوان به معاد و حساب، ثواب و عقاب در جهان دیگر، شکل گرفته و رشد می یابد. خداوند در آیات فراوانی بر لزوم آمادگی انسان ها برای پاسخگویی به رفتارهای شان تأکید ورزیده است.

افزون بر آیات قرآن دیگر آموزه های دینی نیز انسان ها را به فرجام نگرایی هنگام رفتارهای خود سفارش کرده است و ایشان را به حساب کشی از خود پیش از قیامت توصیه نموده است. امروزه - با توجه به زمینه های فراوان گناه - بزرگان اخلاق یاد معاد و پاسخگویی در برابر اقتدار و عظمت الهی را عاملی بسیار مهم در سلامت روح و روان یاد کرده اند. از آن جایی که یکی از آرمان های بلند قیام جهانی مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف برچیدن ستم و تباهی از زمین است یاد معاد و حساب دهی در جهان آخرت نقش برجسته ای در رسیدن جوان به آن اهداف متعالی ایفا می نماید.

۴. شکیبایی در سختی ها

شکیبایی به معنای تحمل و آرامش در مواجهه با سختی ها، مشکلات و موقعیت های ناخوشایند است. این ویژگی به انسان کمک می کند تا در مواجهه با مشکلات و آزمایش های زندگی، هم تراز و ثابت قدم بماند.

شکیبایی مهارتی است که با تمرین و تلاش می توان به آن دست یافت. با تقویت شکیبایی

خود، می‌توان در مواجهه با سخت‌ترین شرایط، آرامش و استواری را حفظ کرد. امروزه کم نیستند افرادی که به دلیل‌هایی، باور به آن امام غایب و یاد آن حضرت را برنمی‌تابند و در این راه، از هرگونه ایجاد مانع و اذیت و آزار فرو نمی‌گذارند. از آن‌جا که یکی از آموزه‌های مهم دینی صبر بر مشکلات و مصیبت‌ها است، لازم است در این دوران، بیش از هر زمان دیگر برابر این مشکلات و مصیبت‌ها شکیبایی داشته باشیم. رهبر انقلاب درباره دفعی یا تدریجی بودن تحول، در جایی توضیح داده این‌گونه بیان می‌کند:

تحول لزوماً یک حادثه دفعی نیست؛ گاهی تحول تدریجاً انجام می‌گیرد؛ بی‌صبری نباید کرد. اگر چنان‌چه هدف‌گیری و نشان‌گیری درست انجام گرفته باشد و حرکت به معنای واقعی اتفاق بیفتد، اگر چنان‌چه به هدف تحول هم دیر برسیم ایرادی ندارد؛ عمده این است که راه را برویم، حرکت را انجام بدهیم، و بی‌صبری نباید کرد؛ این‌که تصور کنیم که بایستی حتماً دفعتاً یک کاری انجام بگیرد، نه، این‌جوری نیست (https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=52355).

عبدالله بن سنان از امام صادق (ع) روایت کرده که فرمود: رسول گرامی اسلام (ص) فرمود:

سَيَأْتِي قَوْمٌ مِنْ بَعْدِكُمُ الرَّجُلُ الْوَاحِدُ مِنْهُمْ لَهُ أَجْرُ خَمْسِينَ مِنْكُمْ. قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ نَحْنُ كُنَّا مَعَكَ بَيْدَرٍ وَاحِدٍ وَحَنِينٍ وَنَزَلَ فِيْنَا الْقُرْآنُ. فَقَالَ: إِنَّكُمْ لَوْ تَحْمَلُوا [تَحْمَلُونَ] لَمَا حَمَلُوا لَمْ تَصْبِرُوا صَبْرَهُمْ (طوسی، ۱۴۱۱ق؛ ۴۵۶)؛

پس از شما مردمانی خواهند آمد که یکی از آنان اجر پنجاه نفر از شما را دارد. عرض کردند: ای پیامبر خدا! ما که در [جنگ‌های] بدر و احد و حنین همراه شما بودیم و قرآن در میان ما نازل شد؟! فرمود: اگر آنچه بر سر ایشان می‌آید به سر شما بیاید، مانند آنان شکیب نمی‌ورزید.

امام حسین بن علی (ع) نیز در این باره فرمود:

أَمَّا أَنْ الصَّابِرِ فِي غَيْبَتِهِ عَلَى الْأَذَى وَالتَّكْذِيبِ بِمَنْزِلَةِ الْمَجَاهِدِ بِالسَّيْفِ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق؛ ج ۱، ۳۱۷، ح ۳)؛

کسی که در زمان غیبت در مقابل اذیت و آزار و تکذیب آنها صبور باشد، مجاهدی است که با شمشیر در کنار رسول خدا (ص) جهاد کرده است.

جوانان در دوران پیشاظهار با شکیبایی بر مرارت‌ها در راستای تحول‌خواهی خود را برای حضور در محضر مهدی موعود (عج) مهیای می‌سازد.

۵. خویشن‌داری

از آموزه‌های مهم اخلاقی آن است که انسان همواره جان خویش را از پلیدی‌ها پاک سازد و روح خود را همواره با یاد پروردگار صفا و جلا دهد. و نیز این که در روبه رویی با نافرمانی‌های پروردگار خویش را نگه دارد.

در آیات قرآن و روایات معصومان (علیهم‌السلام) این ویژگی از برجسته‌ترین صفات انسان شمرده شده است. که با آن می‌توان زندگی سعادت‌مندی را پشت سر نهاد.

تزکیه نفس و تهذیب اخلاق و حفظ طهارت روح و سلامت نفس برای همگان بایسته است اما برای جوان‌زینده و مایه آراستگی روح و روان است.

پروای الهی، در همه زمان‌ها لازم و واجب است؛ اما در دوران غیبت به دلیل شرایط خاص، اهمیت بیشتری دارد؛ چرا که در این دوران، عوامل فراوانی دست به هم داده تا انسان‌ها را به بیراهه کشانده گمراه سازند.

امام صادق (علیه‌السلام) فرمود:

همانا برای صاحب‌الامر غیبتی هست؛ پس بنده تقوای الهی پیشه کند و به دین او چنگ زند (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۳۳۶؛ ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۵۱).

آن حضرت همچنین فرمود:

هر کس شاد می‌شود از آن که از یاران قائم باشد، پس می‌بایست پرهیزکار بوده، نیکویی‌های اخلاقی را عمل کند؛ در حالی که منتظر است؛ پس اگر از دنیا برود و پس از آن، قائم قیام کند، پاداشی مانند آن کس که قائم را درک نماید، خواهد داشت؛ پس کوشش کنید و منتظر باشید. گوارایتان بادای گروه مورد رحمت الهی واقع شده (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۰۰).

جوانی که در راستی، امانت‌داری پایبند به دستورات شرع است در واقع نوعی حس قدسی را در خود پدید آورده که زندگی او را در نهایت آرامش پیش خواهد برد. او در واقع با رعایت تقوا خداوند را ناظر و ناصری توانمند بر رفتار خویش می‌داند و در کوران حوادث او را مددکار خویش می‌داند. و بی‌گمان چنین جوانی به نیکوترین صورت با یاری‌های خداوند مدد خواهد شد.

۶. بهره‌گیری از فرصت‌ها

بهره‌گیری از فرصت‌ها به معنای استفاده کردن از شرایط و موقعیت‌های موجود برای دستیابی به موفقیت و پیشرفت است. این فرصت‌ها می‌توانند شامل عوامل گوناگونی مانند

یک شغل جدید، یک رویداد ویژه، یک رابطه جدید و غیره باشند. با توجه به این‌که فرصت‌ها به طور معمول از طریق تلاش، شناخت و آگاهی به دست می‌آیند، بهره‌گیری از آنها نیازمند فعالیت و توجه ماست.

برای بهره‌گیری از فرصت‌ها می‌توان از راهکارهای زیر استفاده کرد:

۱. **شناسایی فرصت‌ها:** باید توانایی شناسایی فرصت‌های موجود در محیط خود را داشته باشید. این شامل توجه به اطراف و تحلیل موقعیت‌ها و رویدادهاست؛

۲. **آمادگی و آموزش:** برای بهره‌برداری از فرصت‌ها باید آماده باشید و به دنبال افزایش مهارت‌ها و دانش خود باشید. آموزش و به روزرسانی مداوم، می‌تواند شما را برای بهره‌برداری از فرصت‌ها آماده کند؛

۳. **ارزیابی مشکلات:** برخی از فرصت‌ها می‌توانند حاوی مشکلات و خطراتی باشند. پیش از اقدام به بهره‌برداری از فرصت، باید این مشکلات را ارزیابی کرد و تصمیم‌گیری متناسب انجام داد؛

۴. **اقدام و تعامل:** برای بهره‌برداری از فرصت‌ها باید به آنها عمل کنید و اقدام کنید. این شامل گام‌های کوچک و قابل انجام است که کمک می‌کند تا به تدریج به هدف موردنظر رسید.

آن‌گاه که بزرگان دین سخن از گذر فرصت‌ها به میان می‌آورند از بهترین تشبیه‌ها بهره می‌گیرند. و آن گذر ابرهای بهاری است. آری فرصت‌های زندگی بسان ابرهای زودگذری است که لحظاتی چند در آسمان زندگی آشکار می‌شوند و دمی دیگر اثری از آنان باقی نمی‌ماند. امیر بیان علی علیه السلام فرمود:

الفرصة تمر مر السحاب ، فانتبهوا فرص الخير (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق: ۴۷۱)؛
فرصت، چون ابر می‌گذرد. پس، فرصت‌های کار خوب را غنیمت شمرد.

و البته این تشبیه بسیار بهتر از تشبیه وقت به طلاست. چرا که چون طلا از دست رفت با تلاش دوباره می‌توان آن را به دست آورد اما وقت و فرصت از دست رفته را دیگر بار نمی‌توان باز گرداند.

افزون بر آن‌که آموزه‌های دینی بر بهره‌گیری از فرصت‌ها تأکید کرده‌اند از کار امروز را به فردا گذاشتن نیز پرهیز داده‌اند. چه بسیار کسانی که کاری را برای فردا نهادند و هرگز فردایی را نیافتند.

جوان اگر به این بیاندیشد که اقتضائات و شرایط جوانی موقعیت استثنایی است که هرگز تکرار نخواهد شد در بهره‌مندی از قابلیت‌های آن در رشد و شکوفایی لحظه‌ای درنگ نخواهد کرد.

و البته فراموش نمی‌کنیم که بزرگان از فرصت‌های جوانی به بزرگی رسیده‌اند. از برجسته‌ترین راه‌های موفقیت در این مرحله برنامه‌ریزی، نظم و هدفدار بودن در فعالیت‌های زندگی است.

امروزه جذابیت‌ها فراوان و گوناگون هر يك فرصت‌های فراوانی را از جوانی‌ها به خود اختصاص می‌دهند که نیازمند مدیریتی خردمندان است. امام باقر (ع) پس از آیه شریفه:

اصبروا و صابروا و رابطوا؛ فرمود: اصبروا علی أداء الفرائض و صابروا عدوكم و رابطوا إمامكم المنتظر (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۱۹۹)؛

بر انجام واجبات شکیبایی کنید و برابر دشمنان، یکدیگر را یاری نمایید و برای یاری پیشوای منتظر، همواره آمادگی خود را حفظ کنید.

۷. همدلی و هم‌نوایی

همدلی و هم‌نوایی دو مفهوم مرتبط هستند که به وجود آمدن ارتباط و اتحاد بین افراد اشاره می‌کنند. وقتی که همدلی وجود دارد، افراد به یکدیگر اهمیت می‌دهند و آماده هستند تا در مواقع دشوار همدیگر را حمایت کنند و به آنها کمک کنند.

از ویژگی‌های برجسته اخلاقی و معنوی هر مسلمان همدلی و صمیمیت با دیگران است. سادگی و بی‌آلایشی، صفا و صمیمیت، وفاق و اتفاق جمعی و تواضع و فروتنی در برابر افتادگان و گذشت و چشم‌پوشی نسبت به خطاکاران فقط برخی از ویژگی‌هایی است که همدلی و هم‌نوایی را به ارمغان می‌آورد.

این ویژگی در پس یک دوران سراسر بغض و کینه بین انسان‌ها نویدبخش روزگاری سرشار از محبت و صمیمیت خواهد بود که امام علی (ع) در این باره فرمود:

لو قد قام قائمنا لأنزلت السماء قطرها، ولأخرجت الأرض نباتها، ولذهبت الشحناء من قلوب العباد... (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۱۰، ۱۰۴)؛

گر قائم ما قیام کند، آسمان برکت‌های خود را فرو می‌ریزد و زمین گیاهانش را می‌رویانند و کینه و دشمنی از دل‌های بندگان رخت برمی‌بندد....

۸. صلابت و استواری

یاری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آن قیام جهانی، افزون بر قدرت روحی و معنوی، نیازمند قدرت جسمانی نیز است؛ از این رو در روایاتی به توانایی فوق العاده یاران خاص اشاره شده است. و این ویژگی جوانی و جوانان است. که نقشی بنیادین در تحول خواهی برای نیل به آرمان های مهدوی دارد.

در احادیث پرشماری یاران حضرت مردانی جنگ آور و دلیر معرفی شده اند، که دل هایی چون پولاد دارند و از انبوه دشمن، هراسی به دل راه نمی دهند. ایمان به هدف، همه وجودشان را تسخیر کرده، اراده جنگیدن، سرشار از شجاعتی بی همانند، آنان را به رزمگاه می کشاند، دل مردن دارند و عشق به شهادت، از کوه بلندپایه تر و هیبت شان سینه ستم کاران را در بر گرفته است (ابن بابویه، ۱۳۶۲ ش: ۵۴۱).

محمد بن حنیفه می گوید:

علی علیه السلام در پاسخ شخصی که درباره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از آن حضرت پرسیده بود، فرمود: خداوند متعال گروهی را برای وی جمع خواهد کرد به مانند جمع شدن پاره های ابر، قلب های آنان را به هم پیوند زده و از هیچ کس هراس به دل ندارند و از افزوده شدن افرادی به جمع شان خوش حال نمی شوند... (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ ق: ۴، ۵۹۷؛ مقدسی شافعی، ۱۳۹۹ ق: ۹۱).

همچنین امام صادق علیه السلام در وصف یاران خاص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرموده است:

مردانی که گویی قلب هایشان، مانند پاره های آهن است. هیچ چیز نمی تواند دل های آنان را درباره ذات خداوند گرفتار شک سازد. سخت تر از سنگ هستند. اگر بر کوه ها حمله کنند، آنها را از هم خواهند پاشید... گویی که بر اسبان خود، مانند عقاب هستند. بر زمین اسب امام دست می کشند و از این کار برکت می جویند. گرد امام خویش چرخیده، در جنگ ها، جان خود را سپر او می سازند و هر چه را بخواهد، برایش انجام می دهند. مردانی که شب ها نمی خوابند؛ در نمازشان همه ای چون صدای زنبور عسل دارند. شب ها بر پای خویش ایستاده و صبح بر مرکب های خود سوارند. پارسایان شب و شیران روزاند. اطاعت آنان برابر امام شان، از اطاعت کنیز برای آقایان زیادتر است. مانند چراغ ها هستند... گویی که دل های شان قندیل است. از ترس خدا بیمناک و خواهان شهادتند. تمنای شان شهید شدن در راه خداست. شعارشان این است: «ای مردم! برای خون خواهی حسین به پا خیزید.» وقتی حرکت می کنند، پیشاپیش آنان به فاصله یک ماه، وحشت حرکت کند. آنان، دسته دسته به سوی مولا

می‌روند. خدا به وسیله آنان امام راستین را یاری می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۵۲، ۳۰۸).

جوانان با توجه به این ویژگی یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف توانمندی را در مسیر تحول خواهی برای تحقق آرمان های مهدوی همواره در آمادگی کامل روحی و جسمی به سر خواهند برد.

و آخرین سخن این که در قیام و حکومت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تا بدانجا بر نقش جوان و جوانی فراوان تأکید شده که حتی از رهبر این قیام جهانی آن گاه که یاد می‌شود از او به عنوان انسانی در هیئت و هیبت یک جوان یاد می‌شود که برنایی نقشی اساسی در تحقق آرمان های آن قیام جهانی خواهد داشت.

نتیجه گیری

جوانان در تحقق آرمان های مهدوی نقش برجسته ای دارند. آنها تحول خواهی و انقلابی بودن خود را به عنوان یک ابزار برای تغییر و بهبود جامعه رای رسیدن به آرمان های بلند قیام جهانی مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف به کار می‌گیرند. آرمان های مهدوی که شامل عدالت، مساوات، صلح و خوشبختی برای همه انسان هاست و جوانان می‌توانند با شجاعت، عزم و اعتقاد به این آرمان ها، به عنوان عوامل اصلی در تحقق آنها عمل کنند.

با توجه به ویژگی های جوانی، از جمله نشاط، پویایی و توانایی پیگیری آرمان های مهدوی برای این گروه بهتر تحقق می‌یابد.

جوانان می‌توانند با تغییر در نگرش و عملکرد خود، راه های جدیدی برای تحقق آرمان های مهدوی پیشنهاد کنند و به جامعه انگیزه و الهام بدهند.

جوانان با انگیزه و اشتیاق خود می‌توانند تغییرات اجتماعی را آغاز و پیگیری کنند. آنها می‌توانند با شناسایی مشکلات اجتماعی، ارائه راه حل های نوآورانه و انجام فعالیت های مرتبط با آرمان های مهدوی، به تحولات اجتماعی و ساختاری در جامعه کمک کنند.

جوانان می‌توانند با سازمان دهی و ایجاد همبستگی و اتحاد در بین جوانان دیگر، به تحقق آرمان های مهدوی کمک کنند. آنها می‌توانند با برگزاری جلسات و کارگاه ها، تشکیل گروه های فعالیتی و ایجاد شبکه ها، جوانان را به همدلی و همکاری دعوت کنند و برای تحقق آرمان های مهدوی با همکاری فعالیت کنند.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲ش)، *الخصال*، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، *کمال الدین و تمام النعمة*، تهران: اسلامیه.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۶ق)، *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*، قم: دارالشریف الرضی للنشر.
۴. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، *تحف العقول*، قم: جامعه مدرسین.
۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)، *غرر الحکم*، قم: دارالکتاب الإسلامی.
۶. دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۷ش)، *لغت نامه*، تهران: دانشگاه تهران.
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۶ق)، *مفردات الفاظ قرآن*، بیروت: دارالشامیه.
۸. راوندی، قطب الدین (۱۴۰۹ق)، *الخرائج والجرائح*، قم: مؤسسه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۹. شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، *نهج البلاغة (للصبحی صالح)*، قم: هجرت.
۱۰. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۱ق)، *کتاب الغیبة*، قم: دارالمعارف الإسلامیه.
۱۱. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)، *تفسیر العیاشی*، تهران: المطبعة العلمیه.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۳. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ق)، *بحار الانوار*، بیروت: مؤسسة الوفاء.
۱۴. المقدسی الشافعی، یوسف بن یحیی (۱۳۹۹ق)، *عقد الدرر فی اخبار المنتظر*، تحقیق: الدكتور عبدالفتاح محمد الحلو، قاهره: مكتبة عالم الفكر.
۱۵. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق)، *الغیبه*، تهران: صدوق.
۱۶. نیشابوری، حاکم محمد بن عبدالله (۱۴۱۱ق)، *المستدرک علی الصحیحین*، بیروت: دارالکتب العلمیه.

17. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=33362>

18. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=52355>

Investigating the issue of waiting for fate in the context of the Islamic Revolution with regard to the theory of positive thinking and hope in psychology

Pouyan Larizadeh ¹

Abstract

Waiting in Shia culture, in addition to a religious behavior, is a kind of psychological and intellectual preparation to fulfill the duties and responsibilities that every Muslim person brings to the appearance of the savior of mankind (Hazrat Mahdi?). In schools of psychology, there has been talk about the expectation of escape; Among them, we can mention the theory of positivism and hope. In fact, psychologists see the expectation more from the lens of material and worldly issues, and for this reason, the discussion of the expectation of an ideal society and a lofty human social goal is hardly seen in them. In this research, an effort is made through documentary and library methods to investigate the role of the revolution in promoting the culture of expectation and the challenges facing it, in addition to examining the expectation from a religious and psychological point of view, according to the theory of hope and positivity.

Keywords: Hazrat Mahdi(aj), expectation, Islamic revolution, positive psychology, theory of hope

1. Ph.D. in Persian language and literature(mystical orientation)



ISSN:2423-7663



فصلنامه علمی - پژوهشی مهدویت
سال هجدهم / شماره هفاد و دوم / تابستان ۱۴۰۳

بررسی مسئله انتظار فرج در بستر انقلاب اسلامی با توجه به نظریه

مثبت‌اندیشی و امید در روان‌شناسی*

پویان لاریزاده^۱

چکیده

انتظار در فرهنگ شیعی، افزون بر یک رفتار عبادی، نوعی آمادگی روانی و عقلی برای انجام وظایف و مسئولیت‌هایی است که هر فرد مسلمان برای تحقق ظهور منجی بشریت (حضرت مهدی عجالت‌الله‌عنه) به عرصه ظهور می‌رساند. در مکتب‌های روان‌شناسی درباره انتظار جسته و گریخته صحبت شده است؛ از جمله آنها می‌توان به نظریه مثبت‌گرایی و امید اشاره کرد. در واقع روان‌شناسان، انتظار را بیشتر از دریچه مسائل مادی و دنیوی می‌نگرند و به همین سبب بحث انتظار یک جامعه آرمانی و یک هدف والای انسانی اجتماعی در آنها به سختی دیده می‌شود. در این پژوهش به روش اسنادی و کتابخانه‌ای کوشش می‌شود تا افزون بر بررسی انتظار از منظر دینی و روان‌شناسی، به نقش انقلاب در ترویج فرهنگ انتظار و چالش‌های پیش روی آن با توجه به نظریه امید و مثبت‌اندیشی پرداخته شود.

واژگان کلیدی

حضرت مهدی عجالت‌الله‌عنه، انتظار، انقلاب اسلامی، روان‌شناسی مثبت‌گر، نظریه امید.

مقدمه

بحث انتظار و امید یکی از مسائلی است که برخی از روان‌شناسان به آن توجه کرده‌اند. از آن‌جا که این موضوعات از دیرباز در تشیع بسیار پررنگ بوده است، نویسنده بر آن شد تا انتظار و امید را از منظر دینی و نیز با توجه به نظریه‌های دو روان‌شناس معروف، سلیگمن و اسنایدر، با در نظر گرفتن بستر انقلاب اسلامی بررسی کند.

به طور کلی موضوع انتظار منجی برای بشر افزون بر تشیع، در بسیاری از ادیان و اقوام همانند یهود، مسیحیت، زرتشت، هندو، بودایی، اقوام مغول (محمدحسن، بی‌تا: ۴۳-۴۴؛ غالب، ۱۹۸۱م: ۲۷۰؛ نیز ر.ک: عرب، ۱۳۹۳) مطرح شده است و حتی دیگر اندیشمندان نیز از آن سخن گفته‌اند؛ فیلسوف شهیر انگلیسی، برتراند راسل می‌گوید: دنیا چشم‌به‌راه مصلحی است

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۲۸

۱. دکترای زبان و ادبیات فارسی (گرایش عرفانی).

که همگان را در سایه یک پرچم و یک شعار متحد کند (شهرستانی، ۱۳۹۸ ش: ۶)؛ آلبرت اینشتین گفته است: فرارسیدن آن روزی که در جای جای جهان، صلح و صفا حکومت کند و همه اعضای جامعه بشری با یکدیگر دوست و برادر باشند، دیری نخواهد پایید (همان: ۷). متفکر نامدار انگلیسی، برنارد شاو نیز در کتاب خود، *بشرو/برمرد*، به ظهور یک مصلح بشارت می‌دهد.

هدف در این پژوهش بررسی مبحث انتظار دریچه دو نظریه معروف روان‌شناسی (نظریه مثبت‌اندیشی و امید) و توجه به نقش انقلاب اسلامی در امر انتظار است. در این میان به موانع و چالش‌ها و نکات مثبت انقلاب اسلامی در شکوفایی زمینه مناسب برای انتظار حضرت حجت عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف نیز پرداخته خواهد شد.

درباره انتظار برخی از روان‌شناسان سخن گفته‌اند که البته تئوری‌های شان جنبه فردی دارد. آنان از دید مسائل دنیوی به مقوله انتظار می‌نگرند؛ در نتیجه خلأ بررسی انتظار جمعی برای ظهور منجی بشریت از دید روان‌شناسی در این حوزه محسوس است. شاید به همین علت است که برخی پژوهشگران از روان‌شناسی زمینه‌ساز ظهور صحبت کرده‌اند (ر.ک: عمادی، ۱۳۸۸).

درباره روان‌شناسی انتظار پژوهش‌هایی انجام شده است. از جمله این پژوهش‌ها به آثار زیر می‌توان اشاره داشت:

کتاب *روان‌شناسی انتظار* از فاطمه بیدی و اکبر رنجبرزاده (۱۳۹۳)؛ در این کتاب بیشتر درباره مهدویت، تاریخچه و نتایج و تأثیر مهدویت بر زندگی صحبت شده است و به هیچ‌یک از نظریه‌های مطرح در این پژوهش و حتی نقش انقلاب بر انتظار پرداخته نشده است.

کتاب *روان‌شناسی انتظار* از یوسف مدن (۱۳۹۴)؛ در این کتاب نیز نویسنده به صورت کلی به نقش روان‌شناسی در بحث مهدویت و نتایج روانی آن پرداخته است. در این پژوهش از نظریه‌های امید و مثبت‌اندیشی و نقش انقلاب در امر انتظار، سخنی به میان نیامده است.

«مقدمه‌ای بر آثار تربیتی و روان‌شناختی انتظار» از محمدرضا شرفی (۱۳۸۲)؛ در این پژوهش نیز به طور کلی مبحث انتظار از دید آثار روانی بررسی شده و همانند پژوهش‌های قبل، از نظریه‌های مطرح در این پژوهش و نقش انقلاب بر انتظار صحبتی نشده است.

«روان‌شناسی انتظار» از ناصرالدین کاظمی حقیقی (۱۳۹۹)؛ در این مقاله نیز به طور کلی و مجمل فقط به برخی از نتایج انتظار در روان‌شناسی، نه براساس نظریه‌ای خاص، پرداخته شده؛ از نقش انقلاب نیز بحثی مطرح نشده است.

«نقش روان‌شناسی در دولت زمینه‌ساز ظهور» از عبدالله عمادی (۱۳۸۸)؛ در این پژوهش دربارهٔ تلفیق علم روان‌شناسی و مباحث مذهبی انتظار و آماده‌سازی و تجهیز نظریه‌های روان‌شناسی برای بحث مهدویت سخن به میان آمده است. از نقش انقلاب نیز بحثی مطرح نشده است.

به طور کلی نکتهٔ مهم در بررسی این پژوهش‌ها آن است که در این تحقیقات با توجه به برخی از مؤلفه‌های روان‌شناسی، به طور جسته و گریخته، به مبحث انتظار پرداخته شده است؛ نیز پیوند این مباحث با انتظار فرج در بستر انقلاب اسلامی ایران در این پژوهش‌ها دیده نمی‌شود. روش ما در این پژوهش نیز اسنادی کتابخانه‌ای است.

مفهوم‌شناسی

۱. انتظار

انتظار در لغت به معنای چشم‌داشتن، توقع، چشم‌به‌راه بودن، امیدواری و... است (دهخدا، ۱۳۷۷ش: ذیل انتظار). انتظار از نظر روان‌شناسی، کیفیتی روحی است که سبب پیدایش حالت آمادگی برای آن چیزی است که انتظار می‌رود و نقطهٔ مقابل آن یأس و ناامیدی است (موسوی اصفهانی، ۱۳۷۴ش: ج ۲، ۲۱۸).

انتظار یا انتظار فرج و موعود در اصطلاح به ظهور منجی بزرگی اشاره دارد که با ظهورش، در مقطع پایانی تاریخ حیات انسان، آورندهٔ عدل و قسط و گشایش و آسایش خواهد بود و به ستم و تجاوز ظالمان در عرصهٔ هستی پایان خواهد بخشید. او بنیان دولت عدل‌پرور و دادگستری را بنا خواهد نهاد که آرمان و عصر طلایی بشریت به شمار خواهد رفت.

۲. مثبت‌اندیشی در روان‌شناسی

جنبش روان‌شناسی مثبت‌نگر به صورت رسمی از يك دهه پیش آغاز شده است که سلیگمن، چهرهٔ برجستهٔ آن است؛ اما نظریه‌ها و عقاید روان‌شناسی مثبت‌محور کاملاً جدید نیست و به ده‌های قبل و حتی به آغاز علم روان‌شناسی برمی‌گردد. شاید اولین اظهارنظر دربارهٔ روان‌شناسی مثبت‌نگر متعلق به ویلیام جیمز (William James) باشد که سال‌ها قبل، مفهوم ذهنیت سالم (healthy mindedness) را مطرح کرد (ملتفت و همکاران، ۱۳۹۴). دیگر جلوه‌های روان‌شناسی مثبت‌نگر را می‌توان در مکتب‌های انسان‌گرایی مازلو و راجرز جست‌وجو کرد. مازلو با طرح مفهوم خودشکوفایی و راجرز با تأکید بر کمال و شادمانی، به روان‌شناسی مثبت‌نگر نزدیک شده‌اند. با این حال، رد روان‌شناسی مثبت‌نگر، به گونه‌ای که امروز آن را

می‌شناسیم، از سال ۱۹۹۸ بررسی پذیر است (همان).

روان‌شناسی مثبت‌نگر، مطالعه علمی هیجانات مثبت، صفات فردی مثبت و ساختارهایی است که این رشد را موجب می‌شود. رویکرد مثبت‌نگر مدعی است که هیجانات مثبت، توانمندی‌ها و داشتن معنا در زندگی، هم در مواقع آرامش، آسایش و هم در مواجهه با سختی‌ها و مشکلات، به افراد کمک می‌کند تا زندگی بهتری داشته باشند (نجاتی و همکاران، ۱۳۹۶).
روان‌شناسی مثبت بر بنا نهادن و گسترش هیجان‌های مثبت به منظور ایجاد سپری در برابر اختلال‌های روانی و افزایش بهزیستی و شادکامی افراد تأکید دارد؛ همچنین در پی استفاده بهتر از توانمندی‌ها و سازگاری‌ها در مواجهه با مشکلات زندگی است (خدابخش و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۷).

۳. مفهوم امید در روان‌شناسی

روان‌شناسان تعریف‌های متعددی برای امید بیان کرده‌اند؛ از جمله: امید، انتظاری پویا برای کسب اهداف آتی است؛ فرایندی که شامل افکار، احساسات و ارتباطات می‌شود (کمری و فولاد چنگ، ۱۳۹۵). امید نیروی مثبتی است که انگیزش، پیشبرد اهداف و سازگاری را افزایش می‌دهد. درواقع قدرت نگهداری انرژی افراد در زندگی و ایجاد آن، جزو طبیعت امید است. ازسویی دیگر می‌توان گفت امید منبع مهمی برای انعطاف‌پذیری افراد در زندگی است (شیرمحمدی و همکاران، ۱۳۸۹). در سال‌های میانی دهه ۱۹۸۰ ریک اسنایدر (Rick Snyder)، روان‌شناس آمریکایی مثبت‌گرا، نظریه امید را فرمول‌بندی کرد و در سال ۱۹۹۰ نظریه خود را با نام «نظریه امید» مطرح کرد (اسنایدر، ۲۰۰۰: ۴). ریک اسنایدر امید و امیدواری را این‌گونه تعریف می‌کند: امید توانایی درک شده برای تولید راه‌هایی به سمت اهداف خوشایند، همراه با انگیزه درک شده برای استفاده از آن راه‌هاست تا فرد به هدف مورد نظر برسد (همان: ۸).

خلاصه آن که امید یک انگیزشی مثبت است که از دو عنصر تشکیل شده است؛ عنصر عاملی و عنصر راهبردی. عنصر عاملی یک عنصر انگیزشی از امید است که شامل احساس موفقیت و انرژی برای پیگیری اهداف است؛ درحالی‌که عنصر راهبردی برای خلق راه‌هایی برای رسیدن به اهداف به افراد کمک می‌کند.

مثبت‌اندیشی؛ انتظار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ نقش انقلاب

بحث انتظار منجی موعود به طور محسوسی با نظریه مثبت‌اندیشی ارتباط دارد. در واقع

یکی از نظریه های مؤثر در بالارفتن سلامت روحی و روانی افراد، نظریه مثبت اندیشی است. بسیاری از روان شناسان معتقدند لازمه شاد زیستن، تفکر مثبت است.

این موضوعات در مبحث انتظار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نمودی پررنگ دارد؛ آنچه در این نظریات بیان می شود، عینا در انتظار موعود، آشنای شیعیان است؛ حتی آنچه در انتظار فرج دیده می شود، از بسیاری از نواقص مطرح در نظریه های روان شناسی از جمله روان شناسی مثبت نگر به دور است؛ برای مثال انتظار منجی موعود برای تشکیل یک جامعه آرمانی، به نوعی، گسترش هیجانات مثبت است که همانند مانع و سپری در برابر انواع قوای منفی متجلی می شود و نتیجه آن ایجاد شادکامی ای است که چه بسا با بسیاری از شادکامی های مادی مطرح در نظریه های روان شناسی متغایر خواهد بود. به بیان دیگر، روان شناسی مثبت نگر به مطالعه علمی هیجانات مثبت صفات فردی مثبت و ساختار ایجادکننده این رشد می پردازد و از این دیدگاه، انتظار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نوعی مثبت نگری است که با داشتن هیجانات مثبت فردی به هیجانات مثبت اجتماعی نیز می انجامد.

در این میان انقلاب اسلامی با آرمان هایی چون رساندن انسان به رشد و کمال معنوی، می تواند در شکل گیری و تکامل این انتظار نقشی پررنگ داشته باشد. بسیاری از عواملی که انقلاب اسلامی با آنها حتی در عرصه جهانی به مخالفت پرداخته است، از جمله عواملی است که به روحیه مثبت اندیشی انسانی خلل وارد می کند. برخی از این عوامل در قرآن کریم نیز مذکور است؛ از آن جمله استکبار کفر و حسادت همچنین خودخواهی، حرص، منفعت طلبی و... (ر.ک: بقره: ۸۷ و ۱۰۹؛ نساء: ۷۶) را می توان نام برد. طبق سخن قرآن کریم مستکبران در برابر آئین ها و احکام الهی سرکشی می کنند و در پی خواسته ها و آمال شخصی خود هستند؛ به همین سبب بسیاری از ارزش های انسانی را پایمال می کنند (ر.ک: اعراف: ۱۳۳؛ یونس: ۷۵؛ جاثیه: ۷، ۸ و ۳۱) و این امر به روحیه مثبت اندیشی اجتماعی خلل جبران ناپذیری خواهد زد. ازسوی دیگر قرآن کریم کافران را یاران شیطان می نامد که با اهل ایمان می جنگند (ر.ک: نساء: ۷۶).

شیطان و اعمال شیطانی هیچ گاه در مسیر مثبت اندیشی به پیش نرفته اند و همیشه در تقابل با ارزش های الهی و مسائل اخلاقی بوده اند؛ به همین سبب کافران و نمود کفر، بی تردید به مثبت اندیشی آرمانی انسان خلل وارد می کند. در این میان برخی جوامع توانسته اند در برابر این دو عامل بزرگ که معضل اجتماعی عظیمی برای آرمان های انسانی است، قد علم کنند که از جمله آنها انقلاب اسلامی است. در واقع بسیاری از دشمنی های دشمنان انقلاب برخاسته از

همین دو عامل استکبارستیزی و کفرستیزی هستند. اگر به پیشینه انقلاب بنگریم، خواهیم دید این دو عامل، شعار اصلی انقلابیون و مردم حق‌ستیزی بوده است که از آغاز با آرمان انتظار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه در جهت شکوفایی و رشد زمینه‌های لازم برای ظهور ایشان با مثبت‌نگری اخلاقی و روانی در پی متجلی کردن ارزش‌های اخلاقی بوده‌اند؛ هرچند موانع زیادی در مسیر آنان برای تجلی این امر وجود داشته است.

حسادت نیز از صفات رذیله‌ای است که می‌توان آن را زیرمجموعه دو عامل قبلی نیز به شمار آورد. در واقع در بستر انقلاب اسلامی پیشرفت‌های بسیاری در زمینه‌های مختلف اجتماعی، اعتقادی، سیاسی برای ایران مهیا شد که حسادت بسیاری از مستکبران را برانگیخت.

با آغاز انقلاب اسلامی موجی از امیدواری و مثبت‌اندیشی در وجود مردم انقلابی ایران شکل گرفت؛ مسائل اعتقادی و مذهبی بسیار پررنگ‌تر از گذشته در بطن جامعه نمودار شد و بسیاری از مردم با مسائل اعتقادی‌ای آشنا شدند که گاه برای آنان چندان آشنا نبود. یکی از این مسائل، بحث انتظار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه بود که در بستر انقلاب اسلامی به‌طور چشمگیری متجلی شد. در چنین بستری بسیاری از اعتقادات پوچ‌گرایی و نیهیلیسم که گریبان‌گیر اقشار جوان و به‌ظاهر روشنفکر اجتماع شده بود، رخت برپست. فعالیت و پویایی قشر جوان با تفکراتی مثبت درحدی فراتر از دنیای مادی خود را نشان داد؛ برآثر همین مثبت‌اندیشی برخاسته از تفکرات اعتقادی مذهبی معنوی بود که بسیاری از جوانان ایرانی با روحیه‌ای محکم و استوار، هشت سال دفاع مقدس را در میادین جنگ سپری کردند و با آغوش باز، خواهان شهادت بودند. این نوع مثبت‌نگری از ویژگی‌های خاص انقلاب اسلامی است که نقشی پررنگ در ایجاد مقدمات ظهور حضرت دارد. از نظر علمی نیز جامعه منتظر حضرت هر روز در عرصه‌های جدید، گام‌های نوینی را می‌پیمود و این امر بی‌تردید برخاسته از جامعه‌ای پویاست که روحیه امید به آینده و جامعه‌ای آرمانی در بطن آن شکل گرفته است. همین امور، حسادت بسیاری از مستکبران جهانی را برانگیخت و به همین علت بسیار می‌کوشند تا بسیاری از اعتقادات و ارزش‌هایی را که در وجود مردم، چنین نتایجی را در پی داشته است، نابود کنند. به همین سبب از هر امری و ایجاد هر خلی در این مواضع پرهیز نمی‌کنند.

در روان‌شناسی مثبت، بر افزایش بهزیستی و شادکامی افراد تأکید می‌شود. برای شادکامی نمودهای بسیاری را می‌توان ارائه داد؛ ولی پرسشی اینجا مطرح می‌شود که «آیا هر نوع شادکامی موجب تعالی و بهبودی می‌شود؟». پاسخ به این پرسش برتری و امتیاز شادکامی

برخاسته از انتظار فرج است. عوامل ایجاد شادکامی در افراد می تواند متفاوت باشد. در مقایسه دو فرد مادی گرای بدون تفکر معنوی و یک فرد معتقد معنوی قطعاً تعریف های متفاوتی از شادکامی خواهیم دید. شادکامی، در بستر انقلاب اسلامی نیز رنگی دیگر یافت. اگر قبل از آن، لهو و لعب و پیروی از هوا و هوس شادکامی نامیده شد، در این بستر جدید، باطن بسیاری از شادکامی های گذشته بر مردم آشکار شد؛ در نتیجه پی بردند که شادکامی واقعی بسیار فراتر از آن چیزی است که تاکنون تصور می کردند. قطعاً شادکامی برخاسته از مسائل معنوی چون به عالمی بی حد و مرز و خیر محض، متصل است، می تواند نامتناهی و بدون خلل باشد. فرد منتظر منجی که به عوامل بالا متصل است، به چنان شادکامی ای می رسد که نه از خلل امور دنیوی ناامید محض می شود و نه به موقعیت های زودگذر دنیوی امید محض می بندد؛ در واقع این فرد به منظری می نگرد که بسیار فراتر از امور چندروزه دنیوی است و همین امر، خود بستری برای مثبت اندیشی و شادکامی خلل ناپذیر می شود. در بستر انقلاب، این نوع دیدگاه گسترش یافت؛ اندیشه هایی مطرح شد که سطح فکر و آگاهی مردم را از امور مادی فراتر برد؛ در نتیجه، این قشر آگاه با تکیه بر طبع والای خود به فراهم کردن مقدمات منجی موعود پرداختند؛ زیرا با ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف است که افزون بر تجلی همه آرمان های والای انسانی، خیر محض و شادکامی محض مهیا خواهد شد. در واقع انقلاب بستری بود که این اندیشه ها از درون آن رشد کرد.

سلیگمن (Selgiman) معتقد است چنانچه به جای تمرکز بر ضعف ها و جنبه های منفی تجارب، بر موفقیت ها و ابعاد مثبت زندگی خود تأکید داشته باشید، هیجانات مثبت را در خود تقویت کرده اید؛ به گونه ای که آنها منابع پایدار فکری، جسمی و اجتماعی را بسط می دهند و حفاظ حمایتی مستحکمی ایجاد می کنند که می تواند در زمان بروز هرگونه تهدید استفاده شود و فرد را در برابر آسیب های روان شناختی ناشی از آن ایمن کند. این امر در بستر انقلاب اسلامی و در بحث انتظار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به طور کامل تری مشهود است؛ منتظر واقعی افزون بر این که در مسیر تقویت ضعف های خود و حتی جامعه گام برمی دارد، بر ابعاد مثبت زندگی خود که به طور مستقیم برخاسته از منش فکری اوست، تأکید می ورزد؛ در نتیجه هیجاناتی را در خود تقویت می کند که از جنس عالمی دیگر است و گاه تجربه این هیجانات مثبت برای دیگری غیرممکن خواهد بود؛ زیرا این تجارب امری فردی شده است که به سوی یک کلان آرمان مشخص حرکت می کند.

از نظر سلیگمن بالاترین موفقیت در زندگی و عمیق ترین رضایت هیجانی، از ایجاد و

به کارگیری قابلیت های اختصاصی افراد حاصل می شود؛ زیرا تمرکز بر قابلیت ها، يك خلق مثبت فراگیر و بادوامی را موجب می شود که فرد را به جای خلق سرد و منفی، به شیوه تفکر خلاق، سازنده، پذیرا، سخاوتمند و غیرتدافعی سوق می دهد. این شیوه تفکر به جای جست و جوی معایب، بر محاسن تکیه می کند و هدایتگر راهبردهای ناشی از آن است؛ بنابراین اساس رویکرد مثبت نگر بر کشف شیوه هایی است که با استفاده از آن، افراد بتوانند احساس لذت و خوشی بیشتری کنند و نوع دوستی خود را ابراز کنند (فاضلی کبریا و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۱-۴۲). این موضوع را می توان در بستر انقلاب ایران بیشتر نمود داد. برای آمادگی ظهور حجت باید کوشید بر قابلیت های افراد، تمرکز ویژه شود و قابیبت های بالقوه افراد در مسیر هموارسازی انتظار به فعلیت برسد و همین امر به روحیه شادکامی و نوع دوستی خواهد انجامید. درباره به کارگیری قابلیت های اختصاصی افراد در بستر انقلاب اسلامی، یک نکته توجه بسیاری از محققان را جلب کرده است که باید به نوعی آسیب شناسی شود؛ متأسفانه ایران در بستر جهانی به فرار مغزها شهرت یافته است. بسیاری از جوانان نخبه ما به سبب عدم به کارگیری آنان در جایگاه شایسته و نشناختن قابلیت های آنان، رهسپار سرزمین هایی می شوند که نابودی انقلاب اسلامی، آرمان دیرین آنان بوده است. بی تردید اگر بخواهیم جوانان نخبه و دانش پژوه خود را به ویژه در عرصه های تکنولوژی حفظ کنیم، باید بستری را مهیا کنیم که بتوانند در حوزه تخصص خود به کاری لایق بپردازند و زمینه پیشرفت داشته باشند. در این هنگام است که جامعه منتظر با روحیه ای شاد و مثبت در مسیر پیشرفت گام برخواهد داشت.

تمرکز روان شناسی مثبت، بیشتر بر قدرت ها و توانایی های فرد است تا جست و جوی در ضعف ها و نقص ها؛ مسئولان انقلاب اسلامی نیز باید بر توانایی های افراد جامعه برای پیشبرد اهداف آرمانی اجتماع تمرکز داشته باشند و این توانایی ها را به فعلیت برسانند. در این هنگام است که می توان تصویری از زندگی خوب و آرمانی را به نمایش گذاشت.

موضوع اصلی روان شناسی مثبت نگر، تحقیق کردن درباره تجربیات ذهنی مثبت است؛ مانند بهروزی، خشنودی، رضایت خاطر، لذت، امید، خوش بینی، شایستگی، عشق، جرأت، پشتکار، خودمختاری، مهارت میان فردی، استعداد، خلاقیت، ابتکار، دوراندیشی، خرد، مسئولیت میان فردی، نوع دوستی، وجدان کاری و پرورش دیگران (قویدل و همکاران، ۱۳۹۱). انقلاب اسلامی می تواند با بررسی این تجربیات ذهنی روحیه امید را هرچه بیشتر در قشر جوان تقویت کند و شرایطی بیافریند که جوانان ایرانی در بستر انقلاب با این تجربیات ذهنی مراتب کمال دنیوی و اخروی را بپیمایند؛ البته این امر بر عهده مسئولین محترم است که با مهیا کردن

شرایط مناسب، از کوچ جوانانی پرهیز کنند که همه هزینه‌های آن را انقلاب اسلامی متحمل شده است و حال که نوبت میوه دادن این درخت تنومند است، مستکبران از آن بهره می‌برند. تسهیل شرایط تحصیل در مراتب بالای علمی، فراهم کردن تسهیلات ازدواج و زندگی مشترک، اشتغال مرتبط با حوزه تخصص، باورداشتن توان جوانان و به کار گماردن آنان در مرتبه‌های مدیریتی (همان‌گونه که در دوران دفاع مقدس، فرماندهی بسیاری از عملیات‌ها را جوانان برعهده داشتند) و تشویق و ترغیب آنان و حذف موانع پژوهشی و کاری آنان، از جمله مسائلی است که می‌تواند در این مسیر بسیار راهگشا باشد.

تفکر مثبت فرایندی است که انرژی را ایجاد و بر روی واقعیات متمرکز می‌کند؛ انتظار موعود در بستر انقلاب اسلامی سراسر تفکری مثبت است که آفریننده انرژی در وجود فرد منتظر خواهد شد. فرایند اندیشیدن مثبت، شامل کلیه روش‌هایی است که با آن از انرژی شخصی مان استفاده می‌کنیم و پاسخ‌ها یا عکس‌العمل‌های جسمی و عاطفی و ذهنی را به زندگی مان می‌افزائیم (بنی‌هاشمی و مسیبی، ۱۳۸۶). انتظار منجی اندیشیدن مثبتی است که روش‌هایی را برای تحقق آرمان بزرگ انسانی فراهم می‌آورد و در پی آن، عکس‌العمل‌های جسمی و عاطفی و ذهنی متعددی را به زندگی فرد منتظر می‌افزاید.

درواقع روان‌شناسی مثبت نگر به خوشبختی، برتری و عملکرد بهینه انسان می‌پردازد (شولتز، شولتز، ۱۳۸۸) و همین امر نکته اساسی و بسیار مهم در انقلاب اسلامی در راستای انتظار ظهور حضرت است که باید زمینه‌های تجلی آن بیشتر فراهم شود.

تمرکز سلیگمن، در آغاز متوجه مواردی بود که به شادی حقیقی منتهی می‌شد. کامل‌تر این موارد را می‌توان در بحث انتظار معنوی دید. در واقع اشتراکاتی میان انتظار موعود و بحث شادی در نظریه سلیگمن وجود دارد. سلیگمن ابتدا سه راه را برای شادی پیشنهاد کرد: زندگی خوشایند؛ زندگی متعهد؛ زندگی معنادار.

زندگی خوشایند همراه با لذت است. روان‌شناسان بیان می‌کنند که بهتر است بررسی کنید ببینید چه چیزی یا انجام چه کارهایی برای شما خوشایند است و سپس فهرست شگفت‌انگیزی از آرزوهای خود تهیه کنید که باعث شادی شما می‌شوند. بررسی آنچه بیشترین لذت را برای شما دارد، قدم مهمی در راه به دست آوردن برخوردهای مثبت در زندگی روزانه است که سعادت و شادی شما و اطرافیان‌تان را افزایش می‌دهد (بنی‌هاشمی و همکاران، ۱۳۸۶). در بحث انتظار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، این زندگی خوشایند به نوعی تکامل یافته‌تر و برتر نمود می‌یابد؛ به این معنی که آنچه خوشایند یک فرد منتظر منجی موعود را در پی خواهد

داشت، گاه فراتر از امور مادی و دنیای عادی خواهد بود. اینجاست که تعریف زندگی خوشایند، نسبی به نظر می‌رسد و باتوجه به دیدگاه و جهان بینی افراد جلوه‌های مختلفی خواهد داشت. به این ترتیب فهرست آرزوهای یک فرد منتظر منجی موعود بسیار متفاوت‌تر از افراد دیگر خواهد بود.

گفتنی است یکی از ارزش‌های انقلاب اسلامی توجه به مفهوم و باطن زندگی است؛ درواقع با انقلاب اسلامی و بیان مفاهیم انتظار حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه الشریف زندگی منتظران رنگی دیگر یافت؛ شور و شفع و اشتیاق برای پیمودن مسیری که به آرمانی اجتماعی و صلحی جهانی بینجامد، زندگی دنیوی بشریت را چنان ژرفا و عمقی می‌بخشد که دیگران از وصف آن عاجزند و آن را تنها منتظران حقیقی درک می‌کنند. باید به این نکته توجه داشت که پررنگ کردن این ارزش‌ها هم چنان از وظایف مسئولان انقلاب اسلامی است تا این درخت پربار را به ثمره ظهور حضرت شکوفا سازند.

مسئله دوم، زندگی متعهد بود. آنچه در زندگی متعهد بسیار نمود دارد، هدف‌گذاری و هدفمندی زندگی است. همه مردم توانایی‌های ویژه‌ای دارند؛ در بعضی افراد، این توانایی‌ها بیشتر تقویت شده است. می‌توان روی این توانایی‌ها کار کرد و توانایی‌های ناقص را پرورش داد. با شناخت توانایی‌های خود و دیگران می‌توانیم کیفیت زندگی خود و دیگران را بهبود بخشیم و باعث هدفمند شدن زندگی خود و دیگران شویم. پس توانایی‌های ویژه موجب تعهد ما به زندگی می‌شود (همان). هدفمندی و شناخت و تقویت این توانایی‌ها از جمله اموری است که در بستر انقلاب اسلامی باید به آن توجه ویژه شود؛ زیرا یکی از ارکان مهم بحث انتظار همین هدفمندی است. انتظار برای منجی موعود هدفی عظیم است که سراسر زندگی فرد و حتی اجتماع را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در نتیجه فرد منتظر می‌کوشد توانمندی‌های خود را در مسیر رسیدن به هدف خویش پرورش دهد و نواقص خلقی و رفتاری خود را بزداید.

به همین سبب مسئولان و مدیران انقلاب اسلامی باید این امر را مدنظر داشته باشند که خرده اهداف زندگی مردم منتظر را پی‌ریزی و سیر کلی آن را هدایت کنند؛ نیز باید به این موضوع توجه ویژه داشته باشند که رفتار و اعمال آنان برخلاف اهداف پی‌ریزی شده نباشد؛ زیرا ارج و اعتبار آن ممکن است خدشه دار شود و به وحدت همگانی برای سیر رسیدن به اهداف انتظار خلل وارد کند.

مفاهیمی مانند اخلاص و مودت از کلیدواژه‌هایی است که می‌تواند در راستای تعهد و زندگی متعهد بررسی شود. مودت به معنی دوستی همراه با وفاداری و عمل است؛ درواقع چیزی غیر از

محبت است. ممکن است کسی را دوست بداریم ولی نسبت به او وفادار نباشیم و یا به یاری او نشتابیم؛ ولی در مودت، عشق، محبت، پیروی، فداکاری و وفاداری موج می‌زند (شجاعی، ۱۴۰۴ش: ۳۵۱). مسئولان و مدیران انقلاب اسلامی با تجلی مودت در زندگی خود و القا و آموزش این حس به دیگر مردمان می‌توانند در ایجاد مثبت‌نگری در راستای شکل‌گیری انتظاری مثبت نقش مهمی ایفا کنند.

مسئله دیگر، زندگی معنادار بود. در نظر سلیگمن زندگی پر از معنا، سومین مسیر به‌سوی شادی است. بیشتر افراد زندگی معنادار را زندگی‌ای می‌دانند که در آن هدفی دارند؛ هدفی که بالاتر از درک آنهاست.

فرد در زندگی معنادار اثری از خود در جهان باقی می‌گذارد، حتی اگر آن اثر تنها در ذهن خانواده خودش باشد. در زندگی معنادار، فرد هدف‌های بزرگی دارد که با برنامه‌ریزی می‌کوشد به آنها برسد. نوع دوستی (عمل به نفع دیگران بدون چشم‌داشت) یکی دیگر از رفتارهایی است که به داشتن زندگی معنادار کمک می‌کند (بنی‌هاشمی و همکاران، ۱۳۸۶). فرد با کنار گذاشتن خودخواهی و منافع خود و صرف زمان و توجه به نیازهای دیگران، نقش خود را در همکاری و کمک به موفقیت ایفا می‌کند؛ این مسائل همگی سال‌ها و قرن‌هاست که در زندگی افراد منتظر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نمود داشته است و به آنها پایبند هستند و آنها را عملی می‌کنند. درواقع، فرد منتظر فردی نوع دوست است که برای احیای یک جامعه آرمانی همه همت خویش را به کار می‌گیرد.

نوع دوستی را در آغاز انقلاب و در هشت سال دفاع مقدس به وضوح می‌توان دید. خون شهیدان برای حفظ مملکت از آسیب و تهاجم و غارت و حفظ نوامیس، بالاترین مرتبه نوع دوستی است که جوانان ایرانی در دهه‌های اول انقلاب آن را در عرصه جهانی به خوبی به نمایش گذاشتند؛ اما اکنون نوع دوستی افزون بر حفظ حد و حدود مملکت، در اموری مانند امر به معروف و نهی از منکر، پرهیز از ریا و نفاق و حفظ بیت‌المال و کوتاه کردن دست ریاکاران از حقوق ملت نمود خواهد داشت. ایثار و نوع دوستی در مسیر انتظار، رکنی مهم است که حفظ اعتبار و شأن آن همتی عظیم می‌طلبد. در واقع اگر ظهور آقا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را همچون رسالتی در نظر بگیریم، طی این مسیر و حفظ شأن و اعتبار آن، رسالتی دیگر است و اهمیتی افزون دارد. این رسالت هاست که به تقویت روحیه انتظار ملت کمک می‌کند. ازسوی دیگر چون انتظار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در بستر انقلاب اسلامی نمود چشمگیری یافته است، بر عهده بزرگان است که برای حفظ آرمان‌های آن، ریاکاران و خائنان را شناسایی کنند و آنان را از

مدیریت امور کنار گذارند؛ زیرا نتیجه روی کار آمدن این افراد هزینه گزافی بر دوش انقلاب خواهد گذاشت؛ نیز به روحیه امید و انتظار برای حضرت نیز خلل وارد می کند و چه بسا ممکن است به امور دینی و زیربنایی مذهبی و اعتقادی مردم نیز ضربات جبران ناپذیری وارد کند.

در دهه اخیر، روان شناسان مثبت گرا بیشتر بر توانمندی ها، شایستگی ها و داشته های انسان تأکید کرده اند و بر این باورند که هدف روان شناسی باید بهبود و ارتقای سطح زندگی انسان و شکوفاتر کردن استعدادها و توانمندی های به ودیعه نهاده شده در درون انسان باشد. بر این اساس، روان شناسان مثبت گرا به جنبه های مثبت روانی انسان، نظیر مثبت اندیشی، خوش بینی، شادکامی، خلاقیت، هوش هیجانی، خردمندی، خودآگاهی و مانند آن پرداخته اند و سعی دارند تا با روش ها و نگاه علمی، حضور مؤلفه های مثبت را در ابعاد گوناگون زندگی انسان پررنگ تر و چشمگیرتر جلوه دهند (حسینی و همکاران، ۱۳۹۰). بسیاری از آنچه تحت عنوان جنبه های مثبت روانی انسان یاد شد، سال ها و قرن هاست که در وجود منتظران حقیقی آقا امام زمان (علیه السلام) وجود داشته است و امروزه نیز کوشش می شود، با همه توطئه های مستکبران و ایادی شیاطین، در بستر انقلاب و در وجود فرد منتظر حقیقی نمود خود را حفظ کند. درواقع حضور مؤلفه های مثبت ازجمله ویژگی های بدیهی و لازم برای یک منتظر حقیقی است.

مثبت اندیشی تمایل به اتخاذ امیدوارانه ترین دیدگاه است و انتظار منجی خود امیدوارترین دیدگاهی است که زندگی بشری برای تحقق یک جامعه ایدئالی می تواند داشته باشد.

از تأثیرات و نقش های مهم مثبت اندیشی، تأثیری است که بر سلامت روانی افراد می گذارد و زندگی انسان را از نظر روانی، جسمانی و اجتماعی تحت الشعاع قرار می دهد. این امر همیشه در وجود فرد منتظر نمود خاصی داشته است؛ فرد منتظر موعود به سبب هدف والای خود و امید به تحقق وعده الهی در بستر روانی سالمی به سر می برد.

بیشتر تحقیقات نشان می دهد نگرش خوش بینانه در مواجهه با شکست ها، سلامت روان را بالا می برد؛ در حالی که بدبینی تأثیر منفی بر آن دارد. افکار ما بسیار بر مشکلات هیجانی و شخصی مان تأثیر می گذارند و افکار مثبت در احساسات خوب و شاد نقش دارند. نگرش منفی سبب اتخاذ راهبردهای مقابله ای نامناسب در مواجهه با موانع و آشفتگی های فکری، عزت نفس پائین، احساسات آسیب پذیری، استرس، اضطراب، افسردگی و مسائل سلامت روان می شود (پارسا، ۱۳۹۲).

از جمله آرمان های انقلاب، تربیت انسان در معنای واقعی و رساندن آدمی به اوج معنویت است که مقدمات و لوازم بسیاری را می طلبد. یکی از این موانع، مادی گرایی، ترویج فساد و

سرگرم کردن مردم به امور دنیوی است که در این زمینه بیشترین کوشش را دشمنان خارجی و ایادی آنان در داخل کشور به انجام رسانده‌اند. کوچک شمردن دستاوردهای انقلاب، نفوذ ریاکاران و فرصت طلبان یا به بیانی مهره‌های دشمنان در ارگان‌ها و سازمان‌های کشور، استفاده از فضای مجازی برای ترویج فساد و بی‌ارزش کردن آرمان‌های اسلامی و انقلابی، سرمایه‌گذاری دشمنان بر روی نسل جوان و هدایت آنان به سوی مادی‌گرایی، از جمله معضلاتی است که نوعی منفی‌گرایی بینشی و در ادامه، رفتاری را در جامعه نمود خواهد داد. نتیجه این منفی‌گرایی‌ها بی‌اعتباری ارزش‌های اسلامی از جمله مبحث مهم انتظار است. امروزه دشمنان در پی ترویج تفکری هستند که پایان جهان را تاریکی محض و نابودی مادی تلقی می‌کند. بی‌تردید پیروان این افکار در قیاس با منتظران حضرت حجت عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف، نگرشی منفی را بر اندیشه زندگی و جامعه حاکم می‌کنند که نتیجه آن ناامیدی، افسردگی، آسیب‌پذیری، اضطراب و درگیری با بسیاری از مشکلات روانی خواهد بود. انسان آشفته از نظر روانی، قدرت تصمیم‌گیری و هدف‌گذاری و دنباله‌روی اهداف خود را ندارد. این فرد همچون مهره‌ای خاموش در فضایی معلق به سر می‌برد که نه به آغاز و نه به انجام خود می‌اندیشد. این جاست که مسئولان و متفکران انقلاب اسلامی باید با چاره‌نگری از تزریق این گونه افکار به بستر جامعه ممانعت به عمل آورند.

نظریه امید؛ انتظار حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف؛ نقش انقلاب

امید نیرویی هیجانی است که تخیل را به سمت چیزهای مثبت هدایت می‌کند. به سبب این که امید مستقیماً با میزان اعتماد ارتباط دارد، به فرد الهام می‌دهد که هدفش را بالاتر ببرد، تلاش بیشتری کند و قدرت مقاومت بیشتری داشته باشد. همان گونه که پیشتر نیز بیان شد، نظریه امید اسنایدر بر سه مؤلفه مرکزی بنیان گذاشته شده است: اهداف، گذرگاه‌ها، عامل (اسنایدر، ۲۰۰۰م: ۱۳). امید یک هیجان انفعالی نیست که تنها در لحظه‌های تاریک زندگی پدیدار شود؛ بلکه فرایندی شناختی است که افراد با آن، به صورت فعال، برای دست یافتن به هدف‌های شان می‌کوشند. از نظر اسنایدر، امید فرایندی است که طی آن، فرد هدف‌های خود را تعیین می‌کند؛ راهکارهایی برای رسیدن به آنها می‌سازد و انگیزه لازم را برای اجرای این راه‌کارها ایجاد و در طول مسیر حفظ می‌کند (پرچم و همکاران، ۱۳۹۲).

در ادامه سعی می‌شود این سه عامل اصی امید با مبحث انتظار و نقش انقلاب در آن بررسی

و تحلیل شود.

۱. هدف (Goal Thinking)

نظریه امید بر مبنای اهمیت و ضرورت هدف‌ها بنا شده و هدف یکی از ابعاد کلیدی این نظریه است. تقریباً تمام آنچه یک فرد انجام می‌دهد، به سمت دستیابی به هدفی است و این هدف، شامل هر چیزی است که خود فرد مایل است به آن برسد. هدف‌ها نیروی محرک هر رفتاری هستند و می‌تواند دامنه‌ای گسترده داشته باشد. از طرفی در نظریه امید، هدف‌ها منبع اصلی هیجان هستند. هیجان مثبت ناشی از دستیابی به هدف یا تصور نزدیک شدن به آن است؛ در حالی که هیجان منفی، ناشی از شکست در دستیابی به هدف یا تصور دور شدن از آن است.

در مبحث انتظار موعود هدفی آرمانی وجود دارد که فرد را در مسیر زندگی به سوی هیجانات و رفتارهای مثبت سوق می‌دهد؛ در واقع هدف کلی و بزرگ، تحقق جامعه ایده‌آلی معنوی، زمینه‌ساز بسیاری از اهداف کوچک‌تر دیگری است که در راستای آمادگی برای ظهور شکل می‌گیرند. این اهداف می‌تواند، هم شخصیت و هم اعمال فرد را به سوی جریانی مثبت دگرگون کند.

در نظریه امید، با توجه به پیوند بین دستیابی به هدف و عاطفه مثبت، ممکن است به نظر برسد بهترین راهکار، تعیین اهداف آسان و کاملاً در دسترس است؛ اما افراد دارای امید بالا معمولاً به دنبال اهدافی هستند که دارای میزانی متوسط از دشواری باشد. درواقع هدف‌ها باید ارزش کافی داشته باشند تا تفکر هوشیار فرد را به خود مشغول کنند (اسنایدر، ۱۹۹۴م: ۲۱)؛ بنابراین فرد منتظر حقیقی که امید بسیار به تحقق ظهور دارد، هدفی به نسبت دشوار، اما ارزشمند را دنبال می‌کند.

طبق این نظریه، بهترین هدف‌ها آن‌هایی هستند که انگیزه فرد را افزایش دهند و پایدار باشند؛ اصولاً این اهداف میزان دشواری متوسطی دارند و در آینده‌ای نزدیک، به وقوع می‌پیوندند. انتظار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از نظر هدف و ایجاد انگیزه، بر نظریه امید برتری‌هایی دارد؛ زیرا افزون بر افزایش انگیزه فرد، هدفی پایدار است که در طول اعصار، در ادیان مختلف دنبال شده است. وقوع‌پذیری این هدف دور از نظر نیست؛ اما دستیابی به آن نیز چندان آسان نخواهد بود؛ زیرا مرهون مسائل متعدد جمعی است.

یکی از آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران آماده کردن زمینه‌های ظهور حضرت است. در این

زمینه تلاش‌های بسیاری شده است که البته به سبب موانع ایجاد شده دشمنان اسلام و انقلاب به نظر می‌رسد باید این تلاش‌ها بیشتر شود و وقفه‌ای در مسیر آنها نیفتد.

هدف‌آفرینی برای نسل جوان باید بسیار مدنظر روشنفکران انقلابی قرار گیرد. اکنون دشمن در بستری فعالیت می‌کند که هدفش القای نوعی پوچ‌گرایی به نسل جوان جامعه ایرانی است. فرقه‌های نوظهور شیطان‌ی و یا عرفانی مخرب از جمله این اقدامات دشمن است. آنان خوب می‌دانند ایجاد اهداف واهی و مخرب، بهترین وسیله برای گمراهی نسل جوان و هدایت آنان به سوی آمال ویرانگرشان است. ایادی شیطان در بیشتر اوقات به صورت نامحسوس و پنهان، افکار و جهان‌بینی خود را به نسل جوان القا می‌کنند و از این راه آنان را به سوی اهدافی واهی سوق می‌دهند؛ متأسفانه امروزه بزرگ‌ترین شرکت‌های فیلم‌سازی در دستان آنها، و بسیاری از فضاهای مجازی پرمخاطب در استثمار آنهاست. همین مسئله باعث می‌شود همانند یک نظام آموزشی از کودکی و نوجوانی، یعنی حساس‌ترین دوران زندگی، تفکر بسیاری از جوانان را در دست بگیرند. این جاست که حضور تکنولوژی‌های مدرن و پیشرفت در این صنایع به طور محسوس در ایران انقلاب اسلامی محسوس می‌شود و ممانعت از فرار مغزها در این برهه حساس بیشتر ملموس خواهد بود. طراحی نرم‌افزارهای مختلف اعم از ارتباطی، آموزشی، بازی و سرگرمی در بستر انقلاب، تولید فیلم‌هایی در جهت آرمان‌های اسلامی انقلابی با شگردها و متدهای روز با کارگردانان و بازیگرانی عالی و ممتاز می‌تواند نقش مهمی در هدف‌آفرینی و سوق جوانان به سوی اهداف مدنظر داشته باشد.

بنیان‌گذار نظریه امید (اسنایدر)، امید را به عنوان سازه‌ای مشتمل بر دو مفهوم تعریف کرده است: تفکر گذرگاه و عامل (پرچم و همکاران، ۱۳۹۲).

۲. تفکر گذرگاه (Parthway Thinking) (مسیرهای رسیدن به هدف)

تفکر گذرگاه توانایی‌های ادرك شده فرد برای شناسایی و ایجاد مسیرهایی به سمت هدف است (اسنایدر، ۱۹۹۴: ۴۹). از آن جا که ممکن است برخی طرح‌ها با شکست مواجه شود، افراد دارای امید زیاد برای مقابله با موانع احتمالی چندین گذرگاه را در نظر می‌گیرند. تفکر گذرگاه بیشتر در گفتار درونی مانند «من راهی برای انجام این کار پیدا خواهم کرد» مشاهده می‌شود؛ اما افراد دارای سطوح امید بالاتر اغلب قادر به تصور چندین گذرگاه هستند و از تفکر واگرا استفاده می‌کنند. این راه‌های متناوب هنگامی که فرد مجبور به مقابله با مانع یا مشکل در رسیدن موفقیت‌آمیز به اهداف می‌شود، تعیین‌کننده هستند. گفتنی است آثار سودمند امید،

ناشی از توانایی واقعی در ایجاد گذرگاه‌ها نیست؛ بلکه ناشی از این ادراک است که چنین گذرگاه‌هایی در صورت لزوم می‌توانند تولید شوند (پرچم و همکاران، ۱۳۹۲).

درباره ظهور حضرت به طور تکامل یافته‌تر، تفکر گذرگاه را می‌توان دید. فرد منتظر به روش‌های مختلف می‌کوشد تا زمینه ظهور را مهیا کند؛ این تلاش می‌تواند هم جنبه‌های شخصی و هم جنبه‌های اجتماعی را فراگیرد. از سویی چون هدف فرد منتظر امری معنوی و آرمانی و به طور کلی امر وسیع انسانی است، تفکرات گذرگاه‌های متعددی می‌تواند به تحقق این هدف کمک کند. از آغاز انقلاب اسلامی مباحث آماده‌سازی شرایط برای ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همیشه مطرح بوده است و خواهد بود. در واقع از مسیرهای مختلفی برای رسیدن به هدف والای ظهور صحبت به میان آمده است؛ بنابراین حقیقتاً انقلاب اسلامی از ایجاد بسترهای مناسب برای شرایط ظهور حمایت می‌کند؛ ولی آنچه بحث برانگیز می‌شود چگونگی تحقق این شرایط است. همیشه ریاکاران و خائنان در حوزه‌های مختلف با سوء قصد آسیب‌رسانی به اعتقادات مردم از سوی دشمنان خارجی و ایادی ایشان در داخل فعال بوده‌اند و به همین سبب در این باره باید هوشیاری کاملی به کار بست تا عرصه از منتظران دروغین خالی ماند.

۳. تفکر عاملی

تفکرات عاملی، افکاری است که بدان وسیله افراد باتوجه به توانایی‌شان گذرگاه‌هایی انتخاب کنند و به تلاش خود ادامه دهند (اسنایدر، ۱۹۹۴م: ۴۹). مؤلفه انگیزشی، نظریه امید است که به شخص اطمینان می‌دهد قادر به شروع و تحمل تلاش‌های ضروری برای دنبال کردن گذرگاه خاص می‌باشد یا نه. این عامل مستقیماً شناخت‌های افراد را درباره توانایی آنها برای شروع و تحمل رفتارهای هدف‌گرا منعکس می‌کند و با گفتارهای درونی مانند «من می‌توانم این کار را انجام دهم» و «من قصد ندارم متوقف شوم» مشخص می‌شود. البته باید توجه داشت اهداف افراد بدون عزم حرکت به سمت آن و حفظ تلاش لازم برای نیل به آن قابل دسترسی نخواهد بود (طاهری و همکاران، ۱۳۹۱).

در انتظار موعود باز تفکر عاملی را بسیار پویاتر و تکامل یافته‌تر می‌توانیم ببینیم. در واقع در این انتظار، تفکر عاملی انگیزه‌هایی قوی و معنوی برای فرد منتظر فراهم می‌آورد؛ به گونه‌ای که وی را تا ظهور ایشان به پیش خواهد راند؛ حال چه خود با چشم خویش ظهور را ببیند و چه این رسالت را به دیگری بسپارد و در عالمی دیگر منتظر ظهور باشد. به طور کلی فرد منتظر

حقیقی موعود، هم از نظر تفکر و هم از نظر فعالیت بسیار پویاست و برای رسیدن به هدف والای خود که با بسیاری از اهداف مادی و دنیایی متغایر است، راه‌ها یا گذرگاه‌های متعددی را انتخاب می‌کند تا به مراد و مطلوب خویش دست یابد و یا حتی مقدمات آن را فراهم آورد.

بر مدیران و مسئولان انقلابی است که با حمایت‌های خود این روحیه را در وجود منتظران تقویت و با صداقت و اخلاص آنان را حمایت کنند؛ زیرا یکی از قوی‌ترین عواملی که ممکن است به این تفکر عاملی منتظران خدشه وارد کند، منفی‌گرایی، انزوا و درون‌گرایی منتظران است؛ به نوعی که احساس طردشدگی از جامعه به آنان دست دهد و از فعالیت‌های اجتماعی در عرصه انتظار به دور مانند. متأسفانه به سبب کمبود جهانی تبلیغات اسلامی، به ویژه تشیع و آرمان‌های آن، عرصه برای جلوه تفکرات شیطانی و ضد دین و وحدانیت باز شده است. از سوی دیگر باید به این امر نیز توجه داشت که تربیت مبلغان و متفکران منتظر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف امری آسان نیست. فردی که برای این امر انتخاب می‌شود، باید از جنبه‌های بسیاری پرورش و گزینش شود. این فرد نمونه‌ای از رسالت تشیع و انتظار خواهد بود و هرگونه نقص اخلاقی و شخصیتی ممکن است به همه منتظران و حتی آرمان‌ها و ارزش‌های تشیع خدشه وارد کند. به همین سبب است که در جامعه اسلامی ایرانی و در عرصه انقلاب اسلامی باید در گزینش کارمندان، پژوهشگران و متفکران بسیار دقت داشت و آنان را راستی‌آزمایی کرد؛ زیرا کوچک‌ترین حرکت غیراخلاقی و ریزترین خلل شخصیتی ممکن است آثار جبران‌ناپذیری بر کل مسیر و جریان انتظار انقلاب و حتی ارزش‌های اسلامی داشته باشد.

در نظریه امید، رسیدن موفقیت‌آمیز به هدف، هیجانات مثبت را فرامی‌خواند و شکست در دستیابی هدف باعث هیجانات منفی می‌شود (اسنایدر، ۲۰۰۲م: ۸۴). ناامیدی، فرد را در وضعیت غیرفعالی قرار می‌دهد که نمی‌تواند موقعیت‌های مختلف خود را بسنجد و درباره آنها تصمیم بگیرد. ناامیدی، شخص را در برابر عوامل تنش‌زا، بی‌دفاع و گرفتار می‌کند. شخص با گذشت زمان، همه امید خود را از دست می‌دهد و افسردگی عمیق را جایگزین آن می‌کند. طرز تفکر وی حالت انعطاف‌ناپذیر همه یا هیچ دارد که مانع حل مسئله می‌شود. درحقیقت، ناامیدی باعث تضعیف مهارت حل مسئله در فرد می‌شود. همچنین سبب می‌شود که فرد به طور دائم تجربه‌های خود را به شکل منفی و نادرست ارزیابی کند و پیامدهای نگران‌کننده‌ای را برای مشکلات خود در نظر بگیرد (طاهری و همکاران، ۱۳۹۱).

در این جاست که تفاوت متمایزی میان امید در نظریه‌های روان‌شناسی و امید در انتظار فرج دیده می‌شود؛ زیرا امید در انتظار موعود بسیار تکامل یافته‌تر و استوارتر نمود می‌یابد.

هدف منتظران حضرت، هدفی آرمانی است که با ناامیدی و افسردگی بیگانه است. فرد منتظر نمی‌تواند بپذیرد که وعده الهی تحقق نخواهد یافت؛ به همین سبب امیدوارانه به سوی هدف والای خویش در حرکت خواهد بود. درواقع انتظار موعود یک هدف مثبت است که فرد را به کوشش و انتخاب اهداف چالش‌انگیزتری برای رسیدن به هدف آرمانی خود سوق می‌دهد. اما باید به این نکته توجه شود که در بستر انقلاب و جامعه اسلامی، مدیران و بزرگان عرصه سیاست و روشنفکران و متفکران انقلابی در این باره وظیفه‌ای سنگین برعهده دارند؛ در واقع رسالت عظیم زنده نگاه داشتن این شعله انتظار در دستان و اعمال آنان است. در این مسیر باید کوشید تا از افشاندن بذر نفاق و ریای دشمنان پرهیز کرد؛ زیرا نتیجه آن تقیه و انزواطلبی منتظران خواهد شد و از نمود اجتماعی آنان کاسته می‌شود و این امر تحقق آرزوی دشمنان خارجی و داخلی خواهد بود.

نتیجه‌گیری

روان‌شناسان در نظریه مثبت‌گرایی و امید تنها به انسان از منظر موجودی منحصر در بستر دنیا نگریسته‌اند؛ در نتیجه نظرهای آنان نیز محدود به امور دنیوی و مادی است. در واقع، انتظار مدنظر روان‌شناسان اصولاً محدود، بدون هدفی آرمانی و در بستر امور روزمره است؛ اما انتظار برای فرج، فرد را به سوی هدفی آرمانی سوق می‌دهد که انرژی مثبت خالص است و از معایب بسیار انتظارات شخصی عادی به دور خواهد بود. در این نوع انتظار، چون هدف امری والا و با تأیید الهی است، فرد با امید بسیار و تردیدناپذیر حرکت می‌کند؛ به همین سبب اندک نگرانی‌ای برای نرسیدن به هدف خویش ندارد و در این مسیر از صبر متصل به سرچشمه الهی نیز یاری می‌جوید.

انتظار برای فرج نوعی مثبت‌اندیشی اجتماعی و آرمانی است که در بستر انقلاب با روحیه مخالفت با استکبار، کفر و حسادت همراه شده است؛ در واقع، در این نوع تفکر مثبت‌نگر، اعمال شیطانی‌ای که به مثبت‌اندیشی آرمانی انسانی خلل وارد می‌کند، به‌نوعی طرد شده هستند. در مقابل، نظریه مثبت‌اندیشی نه در بستر اجتماع و با رویکردی معنوی، بلکه فقط به مطالعه علمی هیجانات مثبت صفات فردی و ساختارهای ایجادکننده این رشد می‌پردازد.

انقلاب اسلامی با ایجاد اهداف والای انسانی، آرمانی و طرد پوچ‌گرایی، گام بزرگی برای مثبت‌نگری در وجود افراد، به‌ویژه قشر جوان برداشت. شادکامی برخاسته از مسائل دنیوی ثبات‌چندانی ندارد؛ ولی شادکامی متصل به دریای حقیقت و خالی از هوا و هوس، به سرچشمه

لایتنهای ای متصل است که در آن خللی نمی‌توان یافت؛ زمینه‌های این شادکامی و اتصال به عوالم معنوی در بستر انقلاب اسلامی مهیا شده است.

یکی دیگر از ارکان مثبت‌اندیشی تمرکز بر قابلیت‌هاست که به نظر می‌رسد در بستر انقلاب اسلامی باید بر این موضوع بیشتر تأکید شود. مسائل تجربیات ذهنی مثل خشنودی، لذت، امید، عشق، استعداد، نوع‌دوستی و غیره از جمله مسائلی است که انقلاب اسلامی با تسهیل شرایط تحصیل در مراتب بالای علمی، فراهم کردن تسهیلات ازدواج و اشتغال مرتبط با حوزه تخصص، باورداشتن توان جوانان و به کار گماردن آنان در مرتبه‌های مدیریتی و تشویق و ترغیب آنان و حذف موانع پژوهشی و کاری آنان، می‌تواند آنها را فراهم کند.

در روان‌شناسی مثبت‌نگر، سلیگمن به سه راه برای شادی تمرکز دارد: زندگی خوشایند و متعهد و معنادار.

زندگی خوشایند در بحث انتظار فرج به نوعی تکامل یافته‌تر نمود می‌یابد؛ زیرا موارد خوشایند فرد منتظر فرج، فراتر از امور مادی است؛ در نتیجه فهرست آرزوهای این افراد نیز متفاوت از دیگران خواهد بود. در زندگی متعهد، هدف‌گذاری امری مهم است که ارتباط ویژه با توانمندی افراد دارد. در واقع توانایی‌های ویژه، به تعهد می‌انجامد. حال، هدفمندی، شناخت و تقویت این توانایی‌ها از جمله اموری است که در بستر انقلاب باید به آن توجه شود. در زندگی معنادار نیز فرد هدف‌های بزرگی دارد که با برنامه‌ریزی می‌کوشد به آنها دست یابد. نوع‌دوستی از روش‌هایی است که به داشتن زندگی معنادار کمک می‌کند و این امر در زندگی منتظران دیده می‌شود. نمونه آن، موج عظیم شهیدان هشت سال دفاع مقدس است. در مسیر انقلاب، این نوع‌دوستی به صورت‌های گوناگونی (مانند امر به معروف و نهی از منکر، پرهیز از ریا و نفاق، حفظ بیت‌المال و کوتاه کردن دست ریاکاران از حقوق ملت و...) به معناداری زندگی کمک می‌کند.

براساس پژوهش‌های به عمل آمده، پرهیز از منفی‌گرایی، سلامت روان را بالا می‌برد و به مثبت‌اندیشی می‌انجامد. در این راستا دشمنان انقلاب اسلامی بارها با کوچک شمردن دستاوردهای انقلاب، نفوذ ریاکاران و فرصت‌طلبان، استفاده از فضای مجازی برای ترویج فساد و بی‌ارزش کردن آرمان‌های اسلامی و انقلابی، سرمایه‌گذاری دشمنان بر روی نسل جوان و هدایت آنان به سوی مادی‌گرایی، در پی القای منفی‌گرایی به جامعه منتظر ایرانی بوده‌اند که در این زمینه نیز بهره‌بردن از مشاوران خبره می‌تواند راهگشا باشد.

در تعریف روان‌شناسان، امید از دو عنصر عاملی و راهبردی تشکیل شده است. عنصر عاملی

همان عنصر انگیزشی است که شامل احساس موفقیت و انرژی برای پیگیری اهداف است و عنصر راهبردی خلق راه‌هایی برای رسیدن به اهداف است. بهترین اهداف، آنها هستند که انگیزه فرد را افزایش می‌دهند و پایدارند. این امر سال‌ها قبل از بیان نظریه‌های روان‌شناسی، در انتظار فرج حضرت بسیار محسوس بوده است. امروزه نیز حقیقتاً یکی از آرمان‌های انقلاب اسلامی آماده کردن زمینه‌های ظهور حضرت بوده و هست. در این بین، دشمنان همیشه کوشیده‌اند موج ناامیدی را، به ویژه بر نسل جوان، حاکم کنند. به همین سبب با ظهور فرقه‌های نوظهور شیطانی و عرفانی در این مسیر گام گذاشته‌اند. به همین سبب آگاه‌سازی نسل جوان و هدایت آنان باید همیشه سرلوحه برنامه‌های انقلاب باشد.

منابع

قرآن کریم

۱. آقاباقری، حامد؛ محمدخانی، پروانه؛ عمرانی، سمیرا؛ فرهنگد، وحید (۱۳۹۱ش)، «اثر بخشی گروه درمانی شناختی مبتنی بر حضور ذهن بر افزایش بهزیستی ذهنی و امید بیماران مبتلا به ام اس»، *روان‌شناسی بالینی*، سال چهارم، پیاپی ۱۳، شماره ۱.
۲. بنی‌هاشمی، مهدیس؛ مسیبی، سید کاظم (۱۳۸۶ش)، *قدرت تفکر مثبت و مدیریت استرس*، تهران: نسل نو اندیش.
۳. بیدی، فاطمه؛ رنجبرزاده، اکبر (۱۳۹۳ش)، *روان‌شناسی انتظار*، تهران: آوای نور.
۴. پارسا، آزاده (۱۳۹۲ش)، «تأثیر آموزش مثبت‌اندیشی بر سلامت روان دانش‌آموزان دختر مقطع دبیرستان شهر تهران»، *پایان‌نامه کارشناسی/ارشد روان‌شناسی عمومی*، دانشگاه پیام نور، مرکز پیام نور تهران.
۵. پرچم، اعظم؛ فاتحی‌زاده، مریم، محققیان، زهرا (۱۳۹۲ش)، «ابعاد سه‌گانه نظریه امید اسنایدر و تطبیق آن با دیدگاه قرآن کریم»، *تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهر*، دوره ۱۹، شماره ۱.
۶. حسنی، رمضانعلی؛ احمدی، محمدرضا؛ میردريکوندی، رحیم (۱۳۹۰ش)، «بررسی رابطه بین خوش‌بینی اسلامی، خوش‌بینی آموخته‌شده سلیگمن و امنیت روانی»، *روان‌شناسی و دین*، سال چهارم، شماره ۴.
۷. خدابخش، ر. خسروی، ز. شاهنگیان، ش (۱۳۹۴ش)، «تأثیر روان‌درمانی مثبت‌نگر بر

- علائم افسردگی و توانمندی‌های منش در بیماران مبتلا به سرطان»، *روان‌شناسی مثبت*، دوره اول، شماره ۱.
۸. دبیری، م (۱۳۹۳ش)، «اثربخشی ذهن‌آگاهی شناختی - رفتاری بر افزایش امیدواری در افراد مبتلا به اضطراب بیماری»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی*، دانشگاه آزاد ارومیه.
۹. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷ش)، *لغت‌نامه*، تهران: دانشگاه تهران، چاپ دوم از دوره جدید.
۱۰. شجاعی، محمد (۱۴۰۱ش)، *انقلاب اسلامی و آینده جهان*، قم: بوستان کتاب، پنجم.
۱۱. شرفی، محمدرضا (۱۳۸۲)، «مقدمه‌ای بر آثار تربیتی و روان‌شناختی انتظار»، *موعود*، شماره ۳۸، برگرفته از: <https://ensani.ir/fa/article/62706>
۱۲. شولتز، دوان پی؛ شولتز، سیدنی ال (۱۳۸۸ش)، *نظریه‌های شخصیت (ویرایش هشتم)*، ترجمه: یحیی سیدمحمدی، تهران: ویرایش.
۱۳. شهرستانی، سید عبدالرضا (۱۳۹۸ش)، *المهدی الموعود و دفع الشبهات عنه*، مشهد: خراسان.
۱۴. طاهری، محمد؛ پورمحمدرضای تجربیشی، معصومه؛ سلطانی بهرام، سعید (۱۳۹۱ش)، «رابطه سبک دلبستگی و امید به زندگی در مادران دارای فرزند پسر کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر»، *اصول بهداشت*، دوره ۱۴، شماره ۵۳.
۱۵. عرب، مهین (۱۳۹۳ش)، «منجی موعود در ادیان بزرگ قبل از اسلام»، *الهیات تطبیقی*، سال پنجم، شماره ۱۱.
۱۶. عمادی، عبدالله (۱۳۸۸ش)، «نقش روان‌شناسی در دولت زمینه‌ساز ظهور»، *مشرق موعود*، سال سوم، شماره ۱۱.
۱۷. غالب، مصطفی (۱۹۸۱م)، *الامامة وقائم القيامة*، بیروت: دار و مكتبة الهلال.
۱۸. فاضلی کبریا، مهناز و همکاران (۱۳۹۸)، «اثربخشی آموزش روان‌شناسی مثبت‌گرا با رویکرد اسلامی بر سرمایه‌های روان‌شناختی بیماران قلبی - عروقی»، *دین و سلامت*، دوره ۷، شماره ۱.
۱۹. قویدل، س. گلیوری، ع. نوشین‌فرد، ف (۱۳۹۰ش)، «کتابداران و مهارت‌های مثبت‌اندیشی: مطالعه موردی کتابخانه‌های مرکزی دانشگاه‌های زیر پوشش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مستقر در شهر تهران»، *پژوهش‌نامه کتابداری و اطلاع‌رسانی*،

- دانشگاه فردوسی مشهد، دوره ۲، شماره ۲.
۲۰. کاظمی حقیقی، ناصرالدین (۱۳۹۹ش)، «روان شناسی انتظار»، *هیجان/اندیشه*، برگرفته از <https://www.eot.ir/post-68>
۲۱. کمری، سامان؛ فولادچنگ، محبوبه (۱۳۹۵ش)، «اثربخشی آموزش معنویت درمانی مبتنی بر مثبت نگری بر میزان امید به زندگی و رضایت از زندگی نوجوانان»، *پژوهش های روان شناسی بالینی و مشاوره*، دوره ۶، شماره ۱.
۲۲. محمدحسن، سعد (بی تا)، *المهدیه فی الاسلام*، مصر: دارالکتب الاسلامیه.
۲۳. مدن، یوسف (۱۳۹۴ش)، *روان شناسی انتظار*، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۲۴. ملتفت، فاطمه؛ ضیاءالدینی، زینب؛ سماوی، سید عبدالوهاب (۱۳۹۴ش)، «بررسی تأثیر تماس با طبیعت بر عواطف مثبت و منفی و شادی در شهروندان شهر بندرعباس»، *مقالات دومین سمینار سراسری یافته های روان شناسی مثبت نگر بندرعباس*، مؤسسه شکوفه سازان نواندیش جنوب، برگرفته از <https://www.tpin.com/Article/75936>
۲۵. موسوی اصفهانی، محمدتقی (۱۳۷۴ش)، *مکیال المکارم*، ترجمه: سیدمهدی حائری قزوینی، تهران: انتشارات بدر.
۲۶. نجاتی، وحید؛ کمری، سامان؛ شهیدی، شهریار (۱۳۹۶ش)، «شناخت مثبت نگر: ارتباط بین صفات ارجاعی مثبت و منفی به خود و مثبت نگری»، *پژوهش در سلامت روان شناختی*، دوره ۱۱، شماره ۲.
27. Snyder. C. R(1994). *The Psychological of Hope: You Can Get There, from Here*. New York: Free Press.
28. Snyder. C. R(2000). *Handbook of Hope: Theory, Measures and, Applications*. Edited by C. R. Snyder. U. S. A: Acaemic Press.
29. Snyder. C. R(2002). "Hope Theory: Rainbows in the Mind". In *Psychological Inquiry*. N. 13. PP. 249-275.

Analyzing the role of Shia properties in establishing the concept of waiting and promoting hope for young people

Tahereh Mohaghegh ¹

Abstract

The pre-emergence era is, on the one hand, a period of scientific and cultural flourishing and presentation of new ideas to the world, and on the other hand, an era of religious doubts. The concept of waiting has been found as the most central common belief among believers in divine religions, and it is the basis of a bright future and an invigorating stimulus for the society that believes in salvation by the savior of the end of time. The present article is analytical and critical to the current situation, as well as analyzing the role of the properties of Islamic societies in transferring and promoting the concepts of expectation and hope to young people, in order to present a plan based on which properties can promote hope in the current sensitive situation. The results of the research are that based on the divine promise in the book of Muslims, the future government of the world will belong to the oppressed, and its agents are religious scholars, and the basis of the movement of the implementation of the Qur'an's commandments in the direction of perfection is desirable in order to provide the basis for the establishment of a just government.

Keywords: Optimism, properties, scholars, expectation, youth

1. Professor of Al-Zahra University and researcher Al-Mustafa



ISSN:2423-7663



فصلنامه علمی - پژوهشی مهدویت
سال هجدهم / شماره هفاد و دوم / تابستان ۱۴۰۳

واکاوی نقش خواص شیعه در تثبیت مفهوم انتظار و ارتقاء امید به جوانان*

طاهره محقق^۱

چکیده

عصر پیش از ظهور، از یک طرف دوره شکوفایی علمی - فرهنگی و ارائه نظریات نو به جهان و از طرف دیگر عصر هجوم شبهات اعتقادی است. مفهوم انتظار به عنوان محوری ترین باور مشترک در بین معتقدین به ادیان الهی یافت شده است و مبنای آینده‌ای روشن و محرکی نیروبخش برای جامعه معتقد به نجات توسط منجی آخرالزمان است. نوشتار حاضر تحلیلی، انتقادی به وضعیت موجود و نیز واکاوی نقش خواص جوامع اسلامی در انتقال و ارتقاء مفاهیم انتظار و امیدآفرینی به جوانان است تا طرحی ارائه نماید که براساس آن خواص بتوانند در شرایط حساس کنونی موجب ارتقاء امیدآفرینی شوند. نتایج پژوهش عبارتست از این که براساس وعده الهی در کتاب مسلمانان آینده حکومت جهان از آن مستضعفان است و کارگزاران آن علمای دین هستند و مبنای حرکت اجرای احکام قرآن در جهت کمال مطلوب است تا زمینه برقراری حکومت عدالت گستر فراهم شود.

واژگان کلیدی

امیدآفرینی، خواص، علماء، انتظار، جوانان.

مقدمه

باور به منجی آخرالزمان و برپایی عدالت سراسری یکی از وعده‌های حتمی و امیدآفرین در تمامی ادیان اعم از الهی و غیر الهی است. در پیشینه تاریخی و باورهای دینی ادیان همواره مردم به ظهور فردی که موجب نجات آنان از چنگال ظلم و ستم شده است، وعده داده شده است. این وعده علاوه بر امیدواری موجب تلاش، پایبندی و مسئولیت پذیری بیشتر پیروان ادیان الهی شده است؛ اما آنچه امروزه جهان را دچار حیرت و شبهه آلود کرده است ظهور و بروز فرقه‌های ضاله به نام دین است. هر روز خبرهای تازه‌ای از باورهای خرافی در قالب علم روز در رسانه‌های اجتماعی و فضای مجازی موجب آلودگی اذهان می‌گردد و به طرق مختلف به

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۱

۱. استاد جامعة الزهراء (ع) و پژوهشگر المصطفی (taherehmohaghegh@gmail.com).

جذب نیرو اقدام می‌کنند. این اقدام ریشه در نیازی طبیعی و آرمانی جهانی دارد که ناخواسته صاحب خود را در گردابی از جهالت فرو می‌برد. این پدیده‌های فکری مسؤولیت مراجع تقلید و متخصصان علوم دینی را دوچندان می‌کند تا با شناسایی چالش‌ها و شبهات به پاسخگویی آنان در سطوح مختلف و به روش‌های گوناگون اقدام نمایند.

از سال‌های دور نسبت به شوک آینده‌هشدارها داده شد، بسیاری از جوامع آن را جدی گرفته و برای نسل‌های آینده خود برنامه‌ریزی کردند، مبانی تربیت را از خانه تا آموزش‌گاه و سپس نهادهای دولتی بر عهده گرفته تا روش یکسانی در انتقال مفاهیم ارزشی مورد نظرشان به کار گرفته باشند؛ اما در جوامع جهان سوم به ویژه اسلامی خانواده با شعار آزادی عقیده رها شد و هرکس به فراخور نیاز و سلیقه خود به تربیت فرزند اقدام کرد و نتیجه شد آنچه اکنون مشاهده می‌شود. تذکر و اعلام خطر رهبر انقلاب توانست نیروهای انقلابی را جهت دهد؛ اما کافی نیست و به تلاش جهادی نیاز است تا راه باقی مانده به سلامت طی شود.

هرچند تلاش‌های فراوان و خوبی در کارنامه ۴۵ ساله انقلاب اسلامی برای زمینه‌سازی حکومت مهدوی مشاهده می‌شود؛ اما برای تحقق آن به تلاش مضاعف نیاز است. در خصوص وظایف خواص و رسالت علماء و متخصصان علوم دینی کتاب‌ها و مقالات فراوانی به نگارش درآمده است؛ اما هنوز کافی نیست؛ اجماع نظری و عملی مشاهده نمی‌شود. موازی‌کاری؛ یعنی بی‌خبری از فعالیت‌های دیگران در حیطه مهدویت و نداشتن انسجام نیروها علاوه از دست دادن فرصت، موجب دیر به مقصد رسیدن می‌شود. این کار نیاز به اتحاد دارد در انجام، ثبت پیشینه و مشخص کردن محدوده کار دارد تا علاوه نشان دادن وحدت روشی موجب جلب اعتماد و جذب مخاطب گردد. این که هر ساله نزدیک نیمه شعبان جشن‌ها برگزار شود و بعد تا سال آینده بساط جمع شود ضعف بزرگی است. منتظر هیچ‌گاه بساط جمع نمی‌کند؛ بلکه حتی پست خود را ترک نمی‌کند؛ چون قرار ندارد از هر علامت و نشانه‌ای استقبال می‌کند تا خود را به مراد برساند یا خبری از او بگیرد که کجاست؟ و چقدر راه مانده تا برسد؟ آیا براستی ما این‌گونه منتظریم؟ یا فقط به دنبال منفعت خود از دولت مهدوی و ظهور او هستیم؟ نوشتار حاضر طرحی برای با واکاوی وظایف خواص در شرایط کنونی جامعه امروز است تا چگونگی فعالیت خواص در ابعاد گوناگون در عصر حاضر را تحلیل کند. شرایط حساس کنونی را بررسی کند، علل کم‌کاری و ضعف‌های گذشته شناسایی شود و در نهایت راهکارهای عملی برای جبران گذشته ارائه نماید.

مفهوم شناسی

خواص: ضد عوام مردمان خاصه (دهخدا، ۱۳۴۷ش: ج ۲۱، ۸۱۵) برگزیدگان، بزرگان (انوری، ۱۳۸۱ش: ج ۴، ۲۸۵۵).

انتظار: امیدواری، چشم داشت، ترصد و چشم به راه داشتن (دهخدا، ۱۳۴۷ش: ج ۷، ۲۹۴) توقع چیزی داشتن (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۱، ۴۲۴) در اصطلاح انتظار به حالت روانی گفته می شود که قلب خود را برای چیزی که انتظار آن را می کشد، آماده می کند (موسوی اصفهانی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ۱۵۲). انتظار به معنای اشتیاق انسان برای دسترسی به وضعی برتر و بالاتر است و این حالتی است که بشر همیشه باید در خود حفظ کند و پیوسته در حال انتظار فرج الهی باشد (حسینی خامنه ای، ۱۳۷۵/۱۰/۰۶).

جوان: جوان در مقابل پیر؛ یعنی کسی که سال چندان از عمرش نگذشته باشد (موسوی اصفهانی، ۱۴۰۴ق: ج ۱۶، ۱۳۹). واژه «جوان» معادل کلمه «شاب» در زبان عربی است که خود از ریشه «شب» مشتق شده است. ابن فارس معتقد است واژه «شب» بر رشد چیزی دلالت می کند و نیروی آن در حرارتی است که عارض آن می شود و از همین باب است «شبت النار؛ یعنی آتش را افروختن پس واژه شاب «جوان» از همین معنا گرفته شده است. چنان که گفته می شود:

شب الغلام شبابا (ابن فارس، ۱۴۱۴ق: ج ۱، ۵۱۲)؛
یعنی پسر من به سن جوانی رسید.

قرآن کریم کلمه جوان را در قالب واژه هایی چون «فتی» و «غلام» بیان فرموده است.

تعریف اصطلاحی جوان

دوران زندگی انسان به سه مرحله کودکی، جوانی و پیری تقسیم می شود. دوران جوانی سرمنزل قوت و نیرومندی ایام زندگی است که از دو طرق به ضعف و ناتوانی احاطه دارد، از طرفی ایام کودکی و از طرفی دیگر، ناتوانی دوران پیری است. دوران جوانی مرحله ای است که انسان از حالات طفلی و طفیلی بودن بیرون آمده، قدم به دنیای وسیع تری می نهد. مقطع جوانی دوران درخشندگی و فروغ زندگی است به عبارتی دیگر دوران سرور و شادمانی، قوت، قدرت، نشاط و امید، کار و کوشش، شور، نشاط و هیجان معرفی شده است. این دوره بهار زندگی و آغاز شکفتگی ذاتی هر انسانی است؛ یعنی دوران بلوغ، دوران تحول اساسی روحی و جسمی، دوران استقلال شخصیت و پایان یافتن اتکائی است (مطیعی طالقانی، ۱۳۹۲ش: ۸۹-۹۳).

خواص و تشخیص موقعیت زمانی - مکانی

برای ورود به بحث لازم است مثال ساده و روشنی بیان شود. آیا تاکنون فرزند یا اعضای خانواده خود را گم کرده‌اید؟ چه حالتی داشتید؟ از خانواده‌هایی که مفقودالاثر دارند بپرسید چه حالی دارند؟ در مفهوم‌شناسی، انتظار؛ چشم به راه داشتن معنا شده است. در بحث انتظار موعود، برای چه هدفی و منتظر چه کسی هستید؟ منتظر واقعی چه صفاتی دارد؟ کلاه خود را قاضی کنیم آیا ما منتظریم؟ کوتاه‌ترین و روشن‌ترین پاسخ به این سؤال «خیر» است؛ زیرا منتظر آرام و قرار ندارد.

جامعه منتظر دارای صفات و ویژگی‌های خاصی است که باید ایجاد شود. جامعه مسلمان ایران هیچ‌گاه شب پر استرس برای شنیدن خبر زنده بودن رئیس «جمهور خستگی‌ناپذیر» خود را فراموش نمی‌کند. گم کردن و منتظر ماندن به همان اندازه سخت و طاقت‌فرسا است. کدام یک از شیعیان به این درجه از انتظار رسیده‌اند؟ که اگر به این مرحله برسیم مقدمات تشکیل حکومت اسلامی به فرماندهی منجی آخرالزمان فراهم خواهد شد.

عصر کنونی یا عصر هوش مصنوعی که براساس داده‌های فضای مجازی، وبلاگ و وبسایت‌ها مدیریت می‌شود، جوان مسلمان را ناخواسته وارد گردابی از نادانسته‌هایی که باید می‌دانسته؛ اما والدین، مربیان و خواص جامعه در رساندن مفاهیم به او کوتاهی کرده‌اند، می‌گرداند و او به ناچار با پذیرش رأی اکثریت نظریه نادرست را انتخاب و به آن عمل می‌کند. چه کسی یا چه کسانی در انتخاب او مقصودند؟ براساس آیاتی از قرآن کریم که به رویدادهای آینده انسان و جامعه انسانی اشاره کرده است؛ همچون برپا شدن حکومت توحید و عدالت، خلافت انسان در زمین، وراثت و فرمانروایی صالحان و پیروزی حق بر باطل (نور: ۵۶) که امیدآفرین است. از مجموع روایات درباره آخرالزمان برمی‌آید که نشانه عمده و عمومی آغاز این دوران، فراگیری فساد و تباهی در جامعه انسانی است. در این هنگام است که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور می‌کند و تحول ژرف و شگرفی روی می‌دهد و تباهی و ستم از میان می‌رود و جامعه آرمانی اسلام جان تازه می‌گیرد. زمین آباد می‌شود، خردمندی و بالندگی بر جامعه انسانی حاکم می‌گردد و میان انسان و طبیعت آشتی و سازگاری کامل پدید می‌آید (پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۶ ش: ۳۹). توصیف آرمان شهر یا مدینه فاضله در آیات و روایات اراده‌ها را محکم و امیدها را افزایش می‌دهد؛ اما آیا این کافی است؟ چه امکاناتی لازم است تا این امیدها تبدیل به نیروی محرکه شود؟ در آخرالزمان علاوه بر پیشرفت علوم و استقبال از نظریات نو، دوره تضارب و تعدد آراء نیز هست. روایات نسبت به آنها هشدار داده است. در این دوره «فتنه چون شب

تاریک، شما را فرا خواهد گرفت، بین مشرق و مغرب خانه‌ای از مسلمین باقی نمی‌ماند مگر این‌که فتنه داخل آن خانه می‌شود» (نجفی، بی‌تا: ۳۲). این فتنه‌ها چیست که داخل خانه‌ها می‌شود و منجر به آشوب‌های سراسری می‌گردد؟ تغییر ذائقه بشر بر اثر پیشرفت تکنولوژی و تعدد نظریات از یک طرف و رقابت فرق بر سر جذب نیروی جوان از طرف دیگر زمینه رواج دروغ برای از بین بردن رقیب را در فضایی سهل‌الوصول و سراسری فراهم کرده است.

این خطر از سال‌ها پیش توسط جامعه‌شناسان پیش‌بینی شد. «الوین تافلر» در کتاب *شوک آینده نسبت به تغییرات پرشتاب*، متنوع و اساسی در تفکر جوامع بر اثر تغییر روند زندگی مدرن، تجربه‌های نو از پدیده‌ها، در اختیار گرفتن و رام کردن تکنولوژی و مهاجرت و انتقال خورده فرهنگ‌ها و هنجارها هشدارها داده است (ر.ک: تافلر، ۱۳۹۱ ش: ۴۹، ۲۰۰ و ۳۰۰-۴۰۰). در این شرایط تنها جوامعی از موج گسست و ضعف نجات می‌یابند که بتوانند مبانی سیاست و جامعه‌شناسی را در مثلث ثروت، نیروی محرک جوان و قدرت مدیریت کرده افق روشنی برای آینده نظام ارزشی خود ترسیم کنند (ر.ک: ابوالاحمد، ۱۳۸۲ ش: ۷۵-۲۰۰) پیش‌بینی و رصد اتفاقات آینده براساس وعده قرآن و روایت اسلامی و بررسی تحولات جامعه‌شناسی یکی از ضروریات اجتناب‌ناپذیری است که باید توسط خواص جوامع اسلامی همواره مدنظر قرار گیرد. مراجع تقلید که تنها با «فتوا» می‌توانند نظم جامعه جهانی را بهم بریزند؛ چرا امروزه نسبت به وقایع روز و مسئله فلسطین که آشوب آن سرآغاز وقایع ظهور است واکنشی نشان نمی‌دهند و تنها به محکومیت بسنده کرده‌اند؟ در حالی که قرآن «یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا الیهود و النصارى اولیاء بعضهم اولیاء بعض...» (مائده: ۵۱) نسبت به دوستی با آنان هشدار داده است. تنها یک حکم مراجع کافی است تا مسلمانان ارتباط خود را با یهود قطع کنند؛ زیرا «کنش متقابل» (ر.ک: ریتزر، ۱۳۸۸ ش: ۲۶۷-۳۰۰) در نظریه‌های جامعه‌شناسی یکی از راه‌های نمادین مقابله و تغییر ساختار جوامع است.

نقش خواص در این شرایط مهم و تأثیرگذار است که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱. رصد وقایع و اعلان مرزبندی

تبیین عقلی مسائل دین و اصول اعتقادی یکی از وظایف خواص است؛ زیرا «عقل، پایه و اساس انسانیت، حجت باطنی خداوند، وسیله فهم و دریافت معارف بنیادین اعتقادی و یکی از منابع استنباط احکام فقهی اسلام است» (اخلاقی، ۱۳۹۶ ش: ۱۶۵). انسان با توجه به اقتضات زمان و شرایط و امکانات محیط زندگی خود به بلوغ فکری و عقلی می‌رسد و هرچه

دایره تفکر او وسیع تر شود، عاقل تر می شود؛ اما همیشه این امر صادق نیست؛ زیرا امروزه «ابو علم‌ها علم را دست‌آویزی برای مقاصد و اهداف خود قرار داده، بت پرستی مدرن» (ر.ک: رفیع، بی تا: ۲۶-۳۰) را رواج داده‌اند. تشخیص درست از نادرست سخت شده است و نیاز به متخصص و راهنما دارد.

وقایع درون‌گرا: این نوع حوادث درون ساختاری و درون سازمانی است که با گرایش اکثریت جوامع ارتباط مستقیم دارد؛ یعنی «عقاید، علایق، افکار و خواسته‌های صواب و ناصواب که به صورت خود به خودی و به تدریج و یا به صورت تعمدی، برنامه‌ریزی شده و برای هدف خاص به وجود می‌آید» (مقصودی، ۱۳۶۱ ش: ۳۴) و موجب تحریک خواص و گاه عموم اعضای جامعه می‌شود افراد را برضد فرد یا باوری خاص وادار به واکنش از پیش تعیین، سیستمی و هدفدار می‌کند. سردهسته‌های فتنه در این گونه حوادث معمولاً افراد سطح متوسط و ضعیف جامعه را با تهدید، تحریف و تطمیع با خود همراه می‌کنند تا به هدف برسند.

برون‌گرا: در حوادثی که جهانی و سراسری است «افرادی خارج از جوامع از اتحاد و انسجام [گروه یا فرقه‌ای] رنج می‌برند و منافع و مقاصد خود را در خطر می‌بینند» (همان). ثروت، دارائی یا اتحاد این جوامع به خاطر دارا بودن منابع غنی طبیعی و گاه انسانی مورد طمع دیگر جوامع قرار می‌گیرند و چون به طور طبیعی و رسمی نمی‌توانند از آنان بهره‌برداری کنند سعی در آشوب و ایجاد اختلافات اعتقادی بر سر مسائل دینی یا ملی، می‌کنند تا بتوانند به منافع خود دست یابند. یکی از این مسائل که هر از چندگاه بروز می‌کند ایجاد چالش در بحث ظهور منجی است. اتفاقاتی پیش بینی می‌شود؛ اما درست نیست، همین دست‌آویزی برای فتنه‌های اعتقادی در جوانان می‌گردد و زمینه ناامیدی را فراهم می‌کند.

تشخیص این موقعیت‌ها و تذکر نسبت به این وقایع از نشانه‌های نبوغ خواص هر جامعه است. آنان علاوه بر اعلان مرزبندی خود و برملا کردن مهندسی تاریک دشمن برنامه‌های مقابله‌ای را اجرا کنند.

۲. تشخیص خطر و روش مواجهه با آن

وقایع و خطرات طبیعی: طبیعت جهان جمع اضداد است. گاه خطرهایی به صورت طبیعی اتفاق می‌افتد که همان ابتلائات و امتحان الهی است و به عنوان سنتی از سنت‌های تحویل و تبدیل ناپذیر الهی تعبیر می‌شود که برای اندازه‌گیری میزان خلوص افراد اجرا می‌شود (همان: ۴۱) که معمولاً سطحی، زودگذر و کوتاه مدت است مانند حوادث طبیعی؛ یعنی سیل، زلزله،

طوفان و دیگر وقایع است. خواص در این گونه حوادث بنا به تشخیص خود در زمان وقوع علاوه بر کمک مادی با حفظ آرامش مردم جامعه را به صبوری دعوت می کنند. برعکس جوامع غیرمسلمان و برخوردار با تمام قوا به کمک مسلمانان می شتابند. این جای سؤال دارد آنان از این کمک بلاعوض چه هدفی دارند؟ در کشورهای جهان سوم که بر اثر جنگ دچار آسیب شده اند به دنبال کودک مستعد هستند تا آنان را به اروپا و آمریکا ببرند، چرا تربیت این کودکان برایشان مهم است؟ ساده ترین پاسخ انسان دوستی است؛ اما چرا آنان نسبت به کارتن خواب های خود ترحم ندارند؟ یکی دیگر از خطراتی که باید نسبت به آن هشدار شد. پرسش های رایج در ابتدای جلسات پرسش و پاسخ با جوانان این است که چرا جوامع مسلمان؛ به خصوص شیعه از نظر اقتصادی ضعیف است؟ چرا غیرمسلمانان بدون تعصب و با در اختیار قرار دادن امکانات از تخصص مسلمانان استفاده می کنند؟ آیا این خطر نیست؟

وقایع و خطرات غیرطبیعی و از پیش تعیین شده: وقایعی که همواره باید رصد شود، خطر نفوذ و ایجاد تفرقه میان جوامع اسلامی است. حوادث و فتنه هایی که از با ایجاد رقابت میان افراد تأثیرگذار جوامع اسلامی شکل می گیرد. دشمنان با زیرکی آنان را مشغول مسائل هیجانی و تحریک آمیز می کنند. آنان با شعله ور کردن حس قدرت طلبی زمینه حسادت را فراهم می کنند و منجر به جنگ و خون ریزی داخلی می شوند (ر.ک: همان: ۴۴-۴۵) که گاه «تدریجی و بلندمدت» (همان: ۳۵) و گاه کوتاه مدت و عمیق هستند. مثال گویای این وقایع ناگوار که منجر به نابسامانی و آوارگی عده زیادی از مردم در فلسطین، سوریه، عراق و افغانستان شده است. چرا خواص خطر را درک نکردند؟ چرا ریشه یکدیگر را خشک کردند و مردم خود را آواره کردند؟ غفلت خواص ملت ها را بیچاره می کند.

کجای محاسبه خواص اشکال داشت که منجر به این وقایع خطرناک شد. به راستی چگونه می توان به گفته بیان گذار انقلاب اسلامی جامعه عمل پوشاند و «با یک سطل آب که مسلمانان متحد به دست گیرند اسرائیل» (خمینی، ۱۳۹۵ ش: ج ۹، ۲۷۴) و اسرائیل های خطر را راهی اقیانوس کرده و از روی زمین محو کرد؟ چگونه می توان انتظار و امید را در جامعه گسترش داد؟ تا مسلمانان همچون یار خراسانی امام صادق علیه السلام به فرمان امام زمان خویش وارد تنور آتش شوند. خطر که مشخص است اتحاد خواص با راهبردهای کلان ولی فقیه زمان لازم است تا عموم جوامع اسلامی در مقابله با دشمنان اسلام تقویت شوند، در برابر مشکلات صبور و پایدار باشند و با شجاعت مسؤولیت خود را به انجام برسانند و با برپایی عدالت حق مظلوم ستانده شود و بساط ظلم برچیده شود (ر.ک: ملکی راد، ۱۴۰۱ ش: ۳۶-۴۰).

ابعاد فعالیت خواص

پیشتر نظر رهبر انقلاب اسلامی در مورد انتظار بیان شد. چگونه می‌توان به این مرحله از امیدواری رسید و چه کسی علاوه بر خود فرد در رسیدن به این درجه از انتظار دخیل است؟ مرور تاریخ زندگی بشر نشان از تحولات و تغییرات گوناگون ناشی از وقایع طبیعی و برنامه‌ریزی شده توسط قدرت‌های جهانی بوده است. خالق انسان‌ها بنابر مصالح هر دوره زندگی افرادی را برای هدایت خلق فرستاده است؛ اما نیازهای هر دوره با دیگر دوره‌ها متفاوت است. پیامبر ﷺ در آخرین سفر حج امام (مأئده: ۶۷) بعد از خود را معرفی کردند و در توصیف علماء امت خویش فرمودند: «علماء امتی کانبیاء بنی اسرائیل» دانشمندان امت من مانند انبیای بنی اسرائیل هستند (مجلسی، ۱۱۱۱ق: ج ۲، ۲۶۲). این اعلام نشان داد که بشر از این پس می‌تواند بدون دسترسی به وحی و با استفاده از قوه عقل راه سعادت خود را بیابد؛ اما خودرأیی و استفاده از قوه عقلی که به دنیا تمایل داشت جامعه اسلامی را دچار تفرقه کرد. پیامبر ﷺ که این حوادث را پیش‌بینی کرده بودند برای حفظ وحدت و آرامش جامعه و پیشگیری از فتنه و دودستگی به امیرالمؤمنین ﷺ سفارش کردند:

دست به شمشیر دراز مکن که موجب فساد و فتنه و تفریق و تشتت و خروج از آئین اسلام می‌شود و در بین آنها اصلاح کن و در صورت انحراف طریق، صبر را پیشه کن؛ زیرا تو مانند هارون هستی نسبت به موسی که او نیز برای حفظ کیان رسالت برادرش موسی دست به شمشیر نزد (حسینی طهرانی، ۱۴۲۶ق: ج ۱۰، ۳۹۳؛ مجلسی، ۱۱۱۱ق: ج ۳۸، ۱۵۴).

مطالعه تاریخ و واکاوی حوادث آن در زمان‌های مختلف چراغ راه دین‌پژوهان و علمای دین بوده است. در دوره غیبت و محرومیت از حضور امام معصوم ﷺ علماء همان وظایف رسولان الهی؛ یعنی وظیفه راهنمایی خلق و پاسخ به شبهات اعتقادی را بر عهده دارند. در تحلیل این نظریه به حدیثی از امام صادق ﷺ اشاره می‌شود:

العالم به زمانه لا تهجم علیه اللوابس (مجلسی، ۱۱۱۱ق: ج ۷۵، ۲۶۹)؛

آن کس که از وضع زمان خود آگاه است، مورد هجوم اشتباهات قرار نمی‌گیرد.

خواص قرن حاضر باید با هوشیاری کامل مسائل روز، شبهات اعتقادی، خلأ روحی، فکری و اجتماعی را دریابند و آنها را به شکل صحیحی پاسخ دهند. این اقدام نیاز به فعالیت همه جانبه و شبانه‌روزی در همه ابعاد زندگی دارد که به برخی اشاره می‌شود.

۱. فعالیت عملی - آموزشی توأمان

بررسی تاریخچه انقلاب‌های بزرگ نشان می‌دهد آنان پشتوانه اعتقادی داشته‌اند؛ یعنی پیروان براساس باور خود برای دست‌یابی به آینده آرمانی تلاش کرده‌اند. با این مقدمه دو مؤلفه آموزش و عمل تبیین می‌شود.

آموزش دستورات دین: یکی از نیازهای اساسی انسان‌ها، نیاز به آموزش و دانستن است و در این دوره از تاریخ با پیشرفت علم، تعداد افرادی که نیاز به تخصص دارند هم فراوان است. «دین نیازی فطری و پیوسته مایه ارتقای افراد و تغییر شکل جوامع بشری بوده است» (مطهری، ۱۳۵۸ ش: ج ۲، ۲۹). به همین دلیل افراد مغرض با اهداف مختلف سعی در گمراه کردن گروه‌های هدف و ایجاد شبهات علمی و اعتقادی می‌کنند. به طور مثال یکی از نظریه‌هایی که افراد مغرض مطرح می‌کنند این است که چرا از زمانی که دوربین اختراع شد دیگر دریایی شکافته نشد یا عصائی مار نشد؟ این شبهه را برای جوانان مسلمان مطرح می‌کنند همان‌ها که به خاطر مشکلات و جنگ‌های داخلی مجبور به مهاجرت در سراسر عالم شده‌اند. آنان دنیای جدید را با داشته‌های خود مقایسه کرده، دچار سردرگمی و تحیر شده‌اند. تردیدی که آنان را دچار دوگانگی در تصمیم می‌کند؛ این که داشته‌های خود را رها کند و با نظریات روز زندگی کند؛ یعنی فقط دنیای خود را آباد کند یا به ندای درون پاسخ دهد و به دنبال نیاز فطری برود. این جاست که رسالت علمای دین و خواص متخصص سنگین‌تر می‌شود که با آموزش مستقیم و غیرمستقیم همزمان به روشنگری و پاسخگویی بپردازند؛ زیرا خداوند با رزق علم «العلم نور یقذفه الله فی قلب من یشاء» (شیرازی، ۱۳۸۳ ش: ج ۲، ۱۴۱) آنان را رسول خود قرار داده است تا «با برقراری ارتباط مؤثر و تعامل روحانیت با مردم» (کریمی، ۱۳۹۲ ش: ۶۵) به تبیین مسائل علم بپردازند. بازخورد این آموزش‌ها اکنون در رسانه‌ها کاملاً مشهود است. در ایام خاص مثل «یوم الحسین؛ عاشورا» خیابان‌های اروپا و آمریکا و استرالیا؛ یعنی چهار جهت جغرافیای زمین مملو از طرفداران اسلام می‌شود. آنان تعداد زیادی مسجد و حسینیه بنا کرده‌اند که نیاز مبرم به عالم دین و متخصص دارد. نمونه بارز آن همایش سالانه «اربعین» که نمایش قدرت دینی شیعیان است و در جمع آنان افراد مختلف با مذهب و باورهای متفاوت یافت می‌شود که برای تحقیق درباره این واقعه شرکت می‌کنند. آیا خواص شیعه برای این فرصت طلایی برنامه دارند؟ تا دل‌های آشفته را جذب کنند.

تهیه محتوای دینی: رصد و آماده کردن محتوا و حضور در جمع این افراد یکی از ضرورت‌هاست که خواص متخصص با برپایی ایستگاه‌های پاسخگویی به شبهات علاوه بر

آگاهی بخشی تبلیغ چهره به چهره مسلمانان و تعامل با دیگر ادیان است. در مواجهه با عموم مردم به متخصص خبره نیاز است؛ زیرا برخی افراد در مبانی یا اصول دچار خطا شده براساس برداشت خود حکم صادر می کنند. برخی تنها به ظواهر عمل کرده دچار تفریط می شوند و برخی با تأویل های نادرست به الحاد و انکار متوسل می شوند. برخی طرفدار نظریه «نیچه» شده «خدا» را مرده می پندارند یا به گفته ماتریالیست ها «دین را از یادگارهای عهد اساطیر» (طباطبائی، ۱۳۸۷ ش: ج ۱، ۴۶) دانسته از ظاهر دین دست می کشند. این گونه افراد یا به طور کل منکر همه چیز می شوند یا پس از مدتی دچار تردید می گردند. تعلیمات اسلام برای این افراد از راه «ارشاد مولوی، استدلال و بیان منطقی، ولایت و کشف به معرفی و تبیین می پردازد تا آگاه شوند و براساس عقل و منطق به دستورات دین عمل کنند» (همان: ۴۷) در این آموزش ها گاه لازم است «عقاید دینی را برهانی» (ر.ک: حلی، ۱۳۶۷ ش: ۲۶) شود تا مخاطب بپذیرد و عمل کند. آموزش و نهادینه سازی مفاهیم دینی و ارزشی توسط مراجع دینی، جامعه روحانیت و منخصصین علوم دینی برای «اتحاد، استقلال، حفظ امنیت و آزادی» (عیسی نیا، ۱۳۸۸ ش: ۸۹-۱۵۰) در جوامع لازم و ضروری است.

۲. فعالیت در فضای مجازی

عصر حاضر همانند گذشته نیست که آحاد مردم به دنبال فهم مسائل دینی مسافت ها را طی کنند تا خود را به متخصص برسانند و مسئله خود را بپرسند؛ بلکه شخصا به فضای مجازی مراجعه کرده پاسخ خود را دریافت می کنند. امروزه فضای مجازی دیگر مجاز نیست؛ بلکه بستری برای تعامل با دیگران است. در واقع همان فضای واقعی با دسترسی آسان تر است. در سوره (توبه: ۱۲۲) با دلیل روشن به عده ای از مسلمانان امر می کند به عنوان انجام یک واجب کفایی باید به تحصیل علم و دانش در زمینه تمام مسائل اسلامی بپردازند و پس از فراغت از تحصیل برای تبلیغ احکام اسلام به نقاط مختلف، مخصوصا به قوم و طایفه خود بازگردند و آنها را با مسائل اسلامی آشنا سازند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش: ج ۸، ۱۹۳). آگاهی از امور، احساس مسؤولیت در رسالت شناسی مرجعیت دینی و سیاسی، نگاه راهبردی و کلان نسبت به آینده مسلمانان (ر.ک: جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۹ ش: ۲۵۰-۵۴۰) از جمله وظایف خواص برای تسخیر فضای مجازی در برآورده کردن انتظارات مسلمانان است.

استفاده از تکنولوژی و فناوری اطلاعات از ضروریات زندگی عصر حاضر است. اینترنت پل ارتباطی جهان مدرن است؛ به طوری که گاهی بدون اینترنت و سایر رسانه های دیجیتالی

امکان دسترسی به برخی اطلاعات زمان بر و ناممکن می‌شود. پذیرش تکنولوژی‌های نو در زندگی انسان‌های قرن حاضر به حدی است که در برخی موارد، تأثیر رسانه‌ها و به‌ویژه فضای مجازی بر رشد اجتماعی و اخلاقی بیش‌تر از تأثیر والدین و مربیان است «دسترسی به اطلاعات در اشتغال از راه دور و دورکاری، موضوعی مهم است؛ زیرا در صورت عدم دسترسی به فناوری، مزایای شخصی‌ای که امکان دارد نصیب فرد شاغل از راه دور گردد، از دست می‌رود» (ابراهیمی، ۱۳۹۱ ش: ۱۹). گسترش امکانات فضای مجازی به خصوص شبکه‌های اجتماعی موبایلی، امکان عضویت و دسترسی تک‌تک افراد جامعه را در گروه‌های اجتماعی گوناگون فراهم کرده، باعث شده تا هر کسی و در هر جایی صاحب رسانه‌ای برخط (آنلاین) شود، بتواند نسبت به مسائل گوناگون اجتماعی، فرهنگی و... اظهارنظر کند و واکنش نشان دهد. این پدیده توانسته در کنار افزایش فوق‌العاده سرعت انتشار اطلاعات از طریق هوش مصنوعی، امکان ارتباط تعاملی بین افراد را هم فراهم کند تا جایی در این فضا میان باسواد و بی‌سواد تفاوتی وجود ندارد و همین امر موجب شده افراد منفعت طلب برای کسب منافع خود به شبه‌افکنی اقدام کنند و با ایجاد تفرقه و کینه‌توزی فتنه‌هایی بزرگ و جهانی رقم بزنند. خواص جامعه اسلامی با رصد این وقایع در شکل‌دهی جریان‌های فکری نقش‌سازنده و هدایتگر خواهند داشت.

۳. شرکت در کنفرانس‌ها و همایش‌ها

یکی دیگر از وظایف خواص در قرن حاضر، شرکت در مجامع علمی داخلی و خارجی است. برخی مسائل دینی ثابت است؛ اما برخی دیگر با توجه به اقتضائات زمان و حال افراد متغیر می‌شود. مهدویت و منجی‌گرایی برای عموم معتقدین به خصوص جوانان جذاب است. آنان همواره در تلاشند افراد معتقد به این عقیده را از نزدیک مشاهده کنند. آنان در مورد مسائل روز چه نظری دارند؟ چگونه لباس می‌پوشند؟ چه مشی دارند؟ تعامل‌شان در مواجهه با دیگران چگونه است؟ حضور مجتهدین و علماء با حفظ شأنیت درس عملی به جامعه مخاطب است. همایش سالانه دکترین مهدویت با پیام علماء و مراجع برگزار می‌شود. چه خوب است با حضور معتقدین برگزار شود و علاقه‌مندان از نزدیک با علمائی که در این زمینه کار کرده‌اند ملاقات کنند. جلسه پرسش و پاسخ برگزار شود. این اقدامات زمانی به صورت امری واجب در ذهن خواص متبلور می‌شود و آنان را به اقدامات عملی برای شکل‌گیری نظام معرفت دینی در جامعه اسلامی وادار می‌دارد که آگاهی آنان به عبودیت رسیده باشد و لازمه آن تبدیل ذلت به

عزت و رسیدن به غایت الهی است. این نوع تفکر زمینه اجرای طرح کلی تحول در نظام دینی را فراهم می‌کند (ر.ک: صفائی حائری، ۱۳۸۶ش: ۳۵-۱۷۵).

۴. شرکت در انجمن‌های علمی

اگر به انجمن‌های علمی مراجعه شود یا منشی حضور دارد یا رابط، خبری از دبیر انجمن متخصص و کاربلد نیست یا کمتر مشاهده می‌شود. اگر متخصص و اهل علم ساعتی برای مخاطب خود قرار دهید و اطلاع‌رسانی درست انجام شود و یا افراد دغدغه‌مند شناسایی و ترتیب ملاقات داده شود، بسیاری از کارهای تحقیقاتی به سر انجام خواهد رسید.

۵. شرکت در اردوهای فرهنگی - تفریحی

شرکت خواص در این برنامه شاید بسیار دشوار باشد؛ اما ممکن و قابل اجراست. نسل جوان امروز به دنبال الگوی طبیعی و عملی است. جستجو در منابع مکتوب و مطالعه سیره دانشمندان و علماء خوب است؛ اما کافی نیست. اگر جوانان طلبه یا دانشجو با اساتید مورد علاقه خود به سفر علمی، زیارتی یا تفریحی برود همواره رفتار و گفتار استاد را سرلوحه کار خود قرار می‌دهد. شاید در نگاه نخست این راه‌کار در قرن دوربین‌های باز و آزادی فضای مجازی ناممکن به نظر برسد؛ اما عمل به دستورات دین به عامل خود «در مقابل دیگران امنیت و مصونیت می‌دهد، وحدت و یگانگی و اخوت واقعی برقرار می‌کند، همان کاری که پیغمبران کرده‌اند» (مطهری، ۱۳۵۸ش: ج ۲۵، ۱۵۶). با این عملکرد جوان مسلمان عملاً یاد می‌گیرد چگونه رفتار کند و یا مطمئن می‌شود آنچه در کتاب‌ها خوانده قابلیت اجرایی دارد؛ چون استاد و مرید او عامل آن عمل است.

۶. فعالیت علمی - نوشتاری

اولین آیاتی که بر پیامبر ﷺ نازل شد دستور به خواندن آنچه نمی‌داند و نوشتن است (علق: ۳-۴). خداوند دو نعمت زبان و قلم را در دسترس بشر قرار داده تا دانشمندان از راه سخن گفتن و نوشتن مطالب، علم خود را به دیگران منتقل کنند و نسل‌های بعد، از نتایج معلومات و تحقیقات گذشتگان بهره‌مند گردند. زبان و قلم می‌تواند به عنوان دو پل ارتباطی میان متخصصان و عموم مردم جامعه باشد. تألیف کتاب‌های علمی، مقالات پژوهشی، تشکیل کانال، گروه در فضای مجازی، طراحی وبسایت و وبلاگ از جمله فعالیت‌های خواص در تبیین مسائل است.

نتیجه‌گیری

این نوشتار با رویکردی تحلیلی - انتقادی به واکاوی وظایف خواص شیعه در تبیین مفهوم انتظار و ارتقاء امید به آینده در نسل جوان پرداخته است. خداوند برای انتقال پیام خود به خلق پیامبران و امامان معصوم علیهم‌السلام را برگزید تا راه سعادت را به آنان نشان دهند؛ اما با توجه به رشد عقلی بشر مراتب رسالت را از پیامبران و امامان علیهم‌السلام و به علماء و خواص متخصص هر امتی واگذار نمود تا بتوانند با توجه به نیازها و مقتضیات زندگی انسان در آن دوره قوانین الهی را به مردم معرفی نمایند و هنگام بروز شبهه و تردید راهنمای‌شان باشند. در این دوره که هر فرد صاحب قدرت و نفوذ سعی در جذب مردم به عقاید باطل دارند، لازم است علماء و خواص شیعه همانند ابتدای رسالت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با تمام امکانات در دسترس به تبلیغ و دفاع از دین اقدام نمایند.

منابع

نهج البلاغه

۱. ابراهیمی، یاسر؛ نیستانی، زهرا (۱۳۹۱ش)، منشور اخلاقی در عرصه فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات، قم: دانشگاه قم.
۲. ابن بابویه، محمد بن حسین (۱۳۶۲ش)، الخصال، قم: جامعه مدرسین.
۳. ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۸۲ش)، مبانی سیاست، تهران: توس.
۴. اخلاقی، عبدالرحیم (۱۳۹۶ش)، نگاهی به جامعه و سازمان‌های عصر ظهور ویژگی‌ها و پیش‌فرض‌ها، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله.
۵. آرام اخوان حکیمی، احمد (۱۳۸۰ش)، الحیات، تهران: نشر اسلامی.
۶. پژوهشکده تحقیقات اسلامی (۱۳۸۶ش)، فرهنگ شیعه، قم: زمزم هدایت.
۷. تافلر، الوین (۱۳۹۱ش)، شوک آینده، ترجمه: حشمت‌الله کامرانی، تهران: سپهر.
۸. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۹ش)، نوسازی و تحول، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸ش)، ادب فنای مهربان، تصحیح: محمد صفایی، قم: تسنیم.
۱۰. حسینی طهرانی، سید محمد حسین (۱۴۲۶ق)، امام‌شناسی، مشهد: علامه طباطبائی.
۱۱. حلی، ابن داود (۱۳۶۷ش)، سه رجوزه در کلام - امامت و فقه، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۱۲. دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۵ش)، لغت نامه، تهران: سیروس.
۱۳. راغب، حسین بن محمد (۱۴۰۲ق)، مفردات الفاظ القرآن، بیروت: الشامیه.
۱۴. رفیع، جلال (بی تا)، ارتجاع مدرن و رسالت ما، تهران: بعثت.
۱۵. ریتز، جورج (۱۳۸۸ش)، نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر، بی جا: بی نا.
۱۶. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۸۳ش)، شرح اصول کافی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۱۷. صفائی حائری، علی (۱۳۸۶ش)، از معرفت دینی تا حکومت دینی، قم: لیلۃ القدر.
۱۸. طباطبائی، محمد حسین (۱۳۷۸ش)، رسالت تشیع در دنیای امروز، قم: بوستان کتاب.
۱۹. طباطبائی، محمد حسین (۱۳۷۸ش)، سنن النبی ﷺ، تهران: بی نا.
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ق)، مجمع البیان، تهران: ناصر خسرو.
۲۱. عیسی نیا، رضا (۱۳۸۸ش)، درآمدی بر الزامات تحول در حوزه علمیه؛ روحانیت؛ تهدیدها و فرصت ها، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۲. قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱ش)، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۳. کریمی، محمد کاظم (۱۳۹۲ش)، روحانیت و اقتضائات جامعه معاصر، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۴. مجلسی، محمد باقر (۱۱۱۱ق)، بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة اطهار، تهران: اسلامیه.
۲۵. مطهری، مرتضی (۱۳۵۸ش)، مجموعه آثار، تهران: صدرا.
۲۶. مطیعی طالقانی، سهریر (بی تا)، فرهنگ تربیت جوان، قم: روضۃ العباس.
۲۷. مقصودی، احسان (۱۳۶۱ش)، مبانی و کلیات فتنه، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱ش)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶)، آیات ولایت در قرآن، قم: نسل جوان.
۳۰. ملکی راد، محمود (۱۴۰۱ش)، «کارکرد رفتاری و کنشی فرهنگ انتظار در تعمیق راهبرد مقاومت»، فصل نامه مشرق موعود، شماره ۶۱.
۳۱. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۹۵ش)، صحیفه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله.
۳۲. نجفی، محمد جواد (بی تا)، فتنه و آشوب های آخر الزمان، تهران: اسلامیه.